راه حکمرانی
شماره ۹
آبان ۱۴۰۵

ویژه نامه استان گلستان

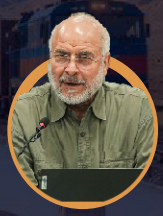

گلستان؛ استان فرصت های ناشکفته، نیازمند عزم ملی

دکترمحمد باقر قالیباف؛
رئیس مجلس شورای اسلامی



گلستان، استانی با انبوهی از چالش ها و فرصت های پیچیده حکمرانی

دکتر مجید محمد نژاد
دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری گلستان،
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

در حوزه کشاورزی و امنیت غذایی، گلستان یکی از قطب‌های اصلی تولید گندم، دانه‌های روغنی، پنبه و محصولات باغی کشور است و هرگونه بی‌توجهی به زیرساخت‌های آب و خاک این استان، امنیت غذایی کل کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد.


بسم الله الرحمن الرحيم

شناسنامه

نشریه داخلی اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری استانی مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

صاحب امتیاز: دبیرخانه اندیشکده های حکمرانی و قانون گذاری مرکز پژوهش های مجلس

مدیرمسئول: حمزه صفربیگی

سردبیر: معصومه کارخانه

دبیرتحریریه: مجید محمد نژاد

هیئت تحریریه: مجید محمد نژاد، امین الله پهلوانی، هادی رئیسی

شورای سیاست گذاری: اعضای شورای راهبردی اندیشکده های حکمرانی و قانون گذاری استانی

گرافیست و صفحه آرا: مریم بشیری



فهرست مطالب

گلستان؛ استان فرصت های ناشکفته... ۵
گلستان، استانی با انبوهی از چالش ها... ۷
الزامات حکمرانی توسعه محور در گلستان ۹
بحران تأمین آب شرب گرگان ۱۱
الزامات سیاستگذاری و حکمرانی در توسعه انرژی ۱۵
نقش و جایگاه استان گلستان ۲۰
حکمرانی هوشمند پیراشهری ۳۶
گرد و غبار در استان گلستان ۴۰
نقش اقتصاد دریا پایه در توسعه استان گلستان ۴۴
ناترازی برق گلستان ۵۶
تحلیل راهبردی جامعه بلوچ در استان گلستان ۵۸
نقش منطقه آزاد تجاری اینچه برون... ۶۱
توسعه اقتصاد دریا محور در سواحل خزر ۶۵
بررسی تغییرات زمانی برخی ویژگی های فیزیک... ۶۹
سلسله نشست های «سرزمین توانایی ها»» ۷۳
ظرفیت های استان گلستان در بهره برداری از... ۸۱
اینچه برون فقط یک منطقه مرزی نیست ۸۲
نقش شرکت های دانش بنیان در توسعه پایدار ۸۵
بهره وری توامان اراضی ملی ۹۰
پیامدهای اجتماعی و روانشناختی تعارضات خانوادگی ۹۵
نقش و اهمیت گمرک اینچه برون ۹۹
نگاهی گذرا به مسائل زنان و دختران در استان گلستان ۱۰۵
گلستان؛ سرزمین فرصت های سرمایه گذاری... ۱۰۸
بسته سیاست گذاری حکمرانی دانش بنیان استانی ۱۱۱
از حضور نمادین تا تصمیم سازی مؤثر ۱۱۷
ملاحظات و الزامات اجرایی برنامه الگوی کشت... ۱۲۳
ظرفیت ها و اولویت های توسعه اقتصادی ۱۲۶
چارچوب نوین حکمرانی توسعه استانی ۱۳۲
بررسی وضعیت گیاهان دارویی ۱۳۷
گلستان، سرزمین تنوع زیستی و پارک ملی... ۱۴۰
تدوین سند چشم انداز استان گلستان ۱۴۴

راه های ارتباطی:
@HOKMRAH
andishkadeh.mrc.ir



گلستان؛ استان فرصت‌های ناشکفته، نیازمند عزم ملی



دکتر محمدباقر قالیباف
رئیس مجلس شورای اسلامی

در جلسات که با مجمع نمایندگان استان گلستان، استاندار محترم و شماری از مدیران محلی و کارشناسان مرکز پژوهش‌های مجلس داشته‌ام، یک بار دیگر این واقعیت را یادآور شده‌ام که گلستان را نباید صرفا یک استان شمالی در تقسیمات کشوری دید؛ گلستان یکی از کانون‌های اصلی امنیت غذایی، دیپلماسی اقتصادی و سرمایه اجتماعی ایران است. من بارها گفته‌ام که موقعیت جغرافیایی گلستان آن را به دروازه ارتباطی ایران با آسیای مرکزی و کشورهای حوزه CIS تبدیل کرده است. راه‌آهن اینچه‌برون و منطقه آزاد اینچه‌برون دو ظرفیت بزرگ، اما هنوز نیمه‌فعال هستند. فعال‌سازی این دو محور، نه‌تنها اقتصاد گلستان را متحول می‌کند، بلکه به تقویت دیپلماسی اقتصادی و ترانزیت ملی نیز کمک می‌کند. من از دستگاه‌های اجرایی خواسته‌ام موانع حقوقی، زیرساختی و گمرکی این مسیرها را با جدیت دنبال کنند و مجلس نیز آماده است با اصلاح قوانین و تخصیص اعتبارات لازم، پشتیبان این روند باشد.

در حوزه کشاورزی و امنیت غذایی، گلستان یکی از قطب‌های اصلی تولید گندم، دانه‌های روغنی، پنبه و محصولات باغی کشور است و هرگونه بی‌توجهی به زیرساخت‌های آب و خاک این استان، امنیت غذایی کل کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. من خواستار تسریع در تکمیل سدهای نیمه‌تمام، اجرای کامل طرح‌های زهکشی اراضی شمال استان برای جلوگیری از شوری خاک، توسعه سامانه‌های نوین آبیاری و رفع اختلاف‌های آبی با استان‌های همجوار از طریق گفت‌وگوهای کارشناسی شده هستم. به اعتقاد من، مدیریت منابع آب در گلستان باید از حالت بخشی خارج شود و به یک برنامه جامع آمایشی تبدیل شود که در آن منافع کشاورزان، محیط زیست و نسل‌های آینده به‌طور هم‌زمان دیده شود.

یکی از درس‌های تلخ، اما مهم برای من و همه مدیران کشور، سیل ویرانگر سال ۱۳۹۸ در گلستان بود. من معتقدم گلستان، نباید دوباره غافلگیر شود. به همین دلیل، اجرای کامل طرح‌های آبخیزداری و آبخوان‌داری در بالادست، لایروبی مستمر گرگان‌رود و اترک، ساماندهی

حریم رودخانه‌ها، مقاوم‌سازی زیرساخت‌های حیاتی و توسعه بیمه محصولات کشاورزی و اماکن مسکونی را یک ضرورت فوری می‌دانم. مجلس آماده است ردیف‌های بودجه‌ای لازم برای تکمیل طرح‌های پیشگیری از سیلاب در این استان را با اولویت تصویب کند.
نکته دیگری که برای من اهمیت ویژه دارد، سرمایه اجتماعی بی‌بدیل گلستان است. همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام ترکمن، فارس، سیستانی، قزاق و دیگر گروه‌ها و وحدت مثال‌زدنی شیعه و سنی در این استان، یک الگوی موفق ملی است. من تأکید کرده‌ام که هرگونه سیاست‌گذاری برای گلستان باید با حفظ و تقویت این سرمایه همراه باشد. در همین راستا، توزیع عادلانه اعتبارات میان شهرستان‌ها، توجه ویژه به اشتغال جوانان اهل سنت، تقویت مدارس، مساجد و مراکز فرهنگی و مشارکت دادن همه اقوام در فرآیند تصمیم‌گیری‌های محلی را ضروری می‌دانم.
در حوزه اشتغال و اقتصاد، من ظرفیت‌های گردشگری طبیعی و فرهنگی گلستان را کم‌نظیر می‌دانم؛ از خلیج گرگان و شبه‌جزیره آشوراده گرفته تا تالاب‌های بین‌المللی گمیشان و آلاگل، صنایع دستی ترکمن و گردشگری اسب. گردشگری می‌تواند موتور محرک اشتغال پایدار در این استان باشد، به شرط آنکه موانع حقوقی سرمایه‌گذاری برداشته شود، بازارچه‌های مرزی توسعه یابند و از کسب‌وکارهای خرد و متوسط روستایی حمایت جدی شود.
در پایان، من از مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی خواسته‌ام با انجام مطالعات راهبردی و آینده‌نگر درباره آمایش سرزمینی استان گلستان، ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی آن را به‌صورت مستمر رصد کند و گزارش‌های کارشناسی خود را برای استفاده در فرآیند بودجه‌ریزی و قانون‌گذاری در اختیار نمایندگان و مدیران استانی قرار دهد. حکمرانی استانی موفق زمانی محقق می‌شود که داده‌های دقیق، تحلیل‌های علمی و مشارکت مردم در کنار اراده سیاسی قرار گیرد. جمع‌بندی من درباره گلستان را می‌توان در یک جمله خلاصه کرد: این استان با همه ظرفیت‌هایش، نیازمند یک جهش مدیریتی و سرمایه‌گذاری هدفمند است تا از وضعیت بالقوه به بالفعل برسد. تکمیل زیرساخت‌های آب و حمل‌ونقل، تقویت انسجام اجتماعی، فعال‌سازی اقتصاد مرز و گردشگری و پرهیز از نگاه بخشی، چارچوب اصلی این مسیر است و من در مجلس شورای اسلامی، پیگیر تحقق این اولویت‌ها خواهم بود.

سرمقاله

گلستان، استانی با انبوهی از چالش‌ها و فرصت‌های پیچیده حکمرانی، در عرصه‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، گردشگری، فرهنگی و قلمروی سرزمینی است.



دکتر مجید محمدنژاد
دبیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری گلستان،
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

استان گلستان با مساحتی بالغ بر ۲۰،۴۳۸ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۲ میلیون نفر، به عنوان استان رنگین کمان اقوام با قدمتی ۷ هزار ساله شناخته می شود. این استان، با دارا بودن ۳۴۸ کیلومتر مرز خشکی و ۹۰ کیلومتر مرز آبی با ترکمنستان، دروازه ارتباطی ایران با آسیای میانه، CIS، روسیه و چین محسوب می شود. گلستان با سهم ۴.۵ درصدی از سطح زیر کشت محصولات زراعی کشور، قطب امنیت غذایی کشور و تولیدکننده محصولات کشاورزی استراتژیک مانند گندم، کلزا، سویا، پنبه و گیاهان دارویی است. همچنین این استان در تولید محصولات دامی، طیور و آبزیان، صنایع تبدیلی و تکمیلی، صنایع دستی و گردشگری دارای جایگاه برتر است.

وجود منطقه آزاد تجاری-صنعتی-گردشگری اینچه‌برون، راه‌آهن بین‌المللی ایران-ترکمنستان-قزاقستان، بندر خشک و فرودگاه بین‌المللی شهدای گرگان، گلستان را به یکی از قطب‌های تجاری و ترانزیتی کشور تبدیل کرده است. موقعیت ژئوپلتیک ممتاز گلستان در کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب، این استان را به عنوان مسیر پشتیبان و جایگزین برای تجارت خارجی کشور در شرایط بحرانی مطرح می‌سازد؛ لذا استان گلستان استانی با انبوهی از چالش‌ها و فرصت‌های پیچیده حکمرانی در عرصه‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، گردشگری، فرهنگی و قلمروی سرزمینی است. تدبیر شکل‌گیری اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی در ذیل مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، گامی بزرگ برای بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان و خبرگان دستگاه‌های اجرایی در استان‌های مختلف به منظور کمک شایسته‌تر به نظام حکمرانی و قانونگذاری کشور بوده است. اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری گلستان، با استفاده از ظرفیت نخبگانی و خبرگانی دستگاه‌های اجرایی، برای حل نظام مسائل استان و کشور اقدامات مؤثری انجام داده است. از جمله این اقدامات می‌توان به تدوین سند



جایگاه گلستان در محور توسعه شرق کشور، سند توسعه اقتصاد دریامحور، سند نظام مسائل استان، برگزاری نشست‌های اندیشه‌ورزی، انعقاد تفاهم‌نامه همکاری با دستگاه‌های اجرایی و برگزاری نشست‌های علمی اشاره کرد.

اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری گلستان، در گام جدید خود با انتشار اولین نسخه نشریه حکمرانی گلستان، فصل تازه‌ای از بهره‌گیری از ظرفیت‌های فکری و خردورزی را در استان آغاز نموده است. هدف از انتشار این نشریه، فراهم آوردن بستری برای ارائه نقطه نظرات ارزشمند مدیران، مسئولان، اساتید و کارشناسان و انتقال تجربیات و دیدگاه‌های نخبگان به تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان ارشد کشوری و استان است. این نشریه می‌کوشد با ترویج فرهنگ حکمرانی مطلوب و قانونگذاری مبتنی بر شواهد، زمینه‌ساز حل مشکلات استان و پیشرفت و توسعه آن شود. اینجانب ضمن تشکر از همه مدیران، مسولان، اساتید و کارشناسان عزیزی که نقطه نظرات ارزشمندشان را در این شماره ارایه نمودند امیدوارم که با بهره‌گیری از نظرات و تجربیات ارزشمند، در سایه همدلی و وحدت رویه، تصمیمات درستی در راستای حل مشکلات استان اتخاذ شود و گلستان همانند نام آن به جایگاهی درخور تحسین و شایسته برسد.

یادداشت تحلیلی

الزامات حکمرانی توسعه‌محور در گلستان: تحلیلی بر آموزه‌های اخیر آیت‌الله نورمفیدی



دفتر حضرت آیت‌الله نورمفیدی
نماینده محترم ولی فقیه در استان گلستان و امام جمعه شهر گرگان

مقدمه

در سه ماهه اخیر، بیانات و پیگیری های آیت الله سیدکاظم نورمفیدی، نماینده ولی فقیه در استان گلستان، به مثابه نقشه راهی برای خروج استان از وضعیت کنونی و حرکت به سوی توسعه ای متوازن و پایدار بوده است. ایشان با نگاهی فراتر از مسائل روزمره، به تبیین یک چارچوب حکمرانی منسجم پرداخته اند که در آن سه رکن «انسجام اجتماعی»، «توسعه اقتصادی هوشمند» و «کارآمدی نهادی» به عنوان اضلاع مثلث پیشرفت گلستان ترسیم می شود. این یادداشت در پی آن است که با تحلیل محتوایی بیانات معظم له در این بازه زمانی، دلالت های سیاستی آن را برای نظام مسائل استان استخراج و ارائه نماید.

۱. انسجام اجتماعی؛ زیرساخت نرم‌افزاری توسعه

آیت‌الله نورمفیدی در فرازهایی کلیدی، وحدت و همبستگی ملی را نه یک شعار، بلکه «قدرتمندترین ابزار دفاعی در برابر دشمنان» و بستر اصلی توسعه معرفی کرده‌اند. ایشان با استناد به پیام رهبر معظم انقلاب، بر این نکته تأکید دارند که هرگونه اقدام یا سخنی که به تضعیف انسجام اجتماعی بینجامد، خط قرمز حکمرانی است و این انسجام باید در همه عرصه‌های سیاستگذاری لحاظ شود. این رویکرد در مواجهه با تنوع قومی استان نیز تجلی یافته است؛ معظم‌له با برشمردن تنوع اقوام در گلستان به‌عنوان یک «فرصت ارزشمند»، هشدار می‌دهند که این تنوع نباید به قومیت‌گرایی تبدیل شود و «ملاک انتخاب مدیران باید شایستگی و تخصص باشد» تا این سرمایه اجتماعی به عاملی برای هم‌افزایی تبدیل گردد. در همین چارچوب، بر نقش محوری مساجد به‌عنوان «خانه مردم و کانون هدایت جامعه» تأکید شده و بر لزوم گشودگی آن‌ها به‌روی نسل جوان و پرهیز از نگاه‌های محدودکننده تصریح گردیده است

۲. توسعه اقتصادی؛ گذار از رانت‌خواری به بهره‌وری دانش‌بنیان

مهم‌ترین بخش از دغدغه‌های نماینده ولی‌فقیه در گلستان به حوزه اقتصاد و معیشت مردم اختصاص دارد که به‌درستی به‌عنوان رکن مادی توسعه از آن یاد می‌شود. ایشان در این حوزه چند محور کلیدی را ترسیم می‌نمایند.

- تولید و سرمایه‌گذاری: معظم‌له با تأکید بر حمایت از سرمایه‌گذاران بومی، به‌ویژه در مجتمع پرورش میگوی گمیشان، بر لزوم تسهیل‌گری دولت در مسیر تولید تأکید دارند

و از سرمایه‌گذاران می‌خواهند با ورود به این عرصه، «گام مهمی برای ایجاد اشتغال» بردارند. در این میان، منطقه آزاد اینچه‌برون به‌عنوان یک «کانون شکوفایی» و «سکوی پرش» کلیدی برای جهش اقتصادی استان معرفی شده است.

ـ اصلاح ساختار کشاورزی؛ چالش آب و دانش: هشدارهای ایشان درباره بحران آب، از صریح‌ترین و فنی‌ترین مواضع ایشان است. آیت‌الله نورمفیدی با اشاره به «فاجعه فرونشست زمین» ناشی از برداشت بی‌رویه از سفره‌های زیرزمینی، خواستار «توسعه عاقلانه، علمی و متناسب با ظرفیت‌های واقعی» استان می‌شوند. ایشان با انتقاد از خام‌فروشی محصولات، راهکار نجات کشاورزی را در «جهش علمی، دانش‌بنیان شدن تولید و گسترش صنایع تبدیلی» می‌دانند.

ـ ظرفیت‌های مغفول (آشوراده، دیوار گرگان، کریدور): معظم‌له با یادآوری ظرفیت‌های تاریخی و ژئوپلیتیک استان، بر لزوم تعیین تکلیف سریع جزیره آشوراده برای رونق گردشگری، احیای دیوار تاریخی گرگان به‌عنوان قطب گردشگری، و بهره‌برداری از کریدور شمال ـ جنوب برای ارتقای جایگاه تجاری استان تأکید دارند.

۳. کارآمدی نهادی و حکمرانی مسئولانه

در نهایت، تحقق این اهداف در گرو کارآمدی دستگاه‌های اجرایی و نمایندگان مجلس است. آیت‌الله نورمفیدی با موضعی صریح اما حکیمانه، اعلام می‌دارند که «در عزل و نصب‌ها دخالت نمی‌کنم، اما برای توسعه استان دغدغه دارم». ایشان پیشرفت استان را اولویت نخست مدیران و نمایندگان دانسته و بر ضرورت کنار گذاشتن تعارفات، حاکمیت شایسته‌سالاری و حرکت جهادی برای رفع موانع تأکید دارند. این بیانات، ضمن پرهیز از ورود به حاشیه‌های سیاسی، یک نظام ارزیابی مشخص برای مدیران ترسیم می‌کند که مبنای آن، عملکرد در مسیر توسعه همه‌جانبه استان است.

نتیجه‌گیری و دلالت‌های سیاستی برای مرکز پژوهش‌ها

مطالعه نظام‌مند بیانات اخیر آیت‌الله نورمفیدی نشان می‌دهد که ایشان به‌عنوان یک ناظر عالی و دغدغه‌مند، به دنبال ایجاد یک گفتمان توسعه‌محور در استان هستند که بر سه پایه «وحدت اجتماعی»، «اقتصاد مقاومتی و دانش‌بنیان» و «مدیریت کارآمد» استوار است. برای مرکز پژوهش‌های مجلس که درصدد ارائه راهکارهای حل مسائل استان‌هاست، این چارچوب می‌تواند مبنای تدوین سند توسعه استان قرار گیرد. دلالت‌های سیاستی عبارتند از:

۱. مطالعه پیوست انسجام‌محور: طراحی مدلی برای ارزیابی و پایش تأثیر قوانین و طرح‌های توسعه‌ای بر انسجام قومی و اجتماعی در استان‌های چندفرهنگی مانند گلستان.

۲. بازطراحی نظام بهره‌برداری از منابع: اولویت‌دهی به پژوهش‌های کاربردی برای اصلاح الگوی کشت، تعیین قیمت واقعی آب و ارائه مشوق‌های جدی برای استفاده از فناوری‌های نوین آبیاری و کشاورزی دقیق.

۳. ارزیابی کارآمدی مناطق آزاد: آسیب‌شناسی و ارائه الگوی مطلوب برای بهره‌برداری از ظرفیت منطقه آزاد اینچه‌برون با محوریت اشتغال‌زایی بومی و جلوگیری از شکل‌گیری اقتصاد رانت محور.

٤. طراحی مدل توسعه گردشگری یکپارچه: تدوین برنامه جامع برای بهره‌برداری همزمان از ظرفیت‌های تاریخی (دیوار دفاعی)، طبیعی (آشوراده) و فرهنگی (تنوع اقوام) استان.

به نظر می‌رسد آموزه‌های نماینده ولی‌فقیه در گلستان، فرصت ارزشمندی برای خروج از نگاه جزیره‌ای به مسائل استان و حرکت به‌سوی رویکرد سیستمی و راهبردی در حکمرانی است که تحقق آن، نیازمند اراده جمعی و پشتیبانی علمی از سوی نهادهای مشورتی چون مرکز پژوهش‌های مجلس است.

بحران تأمین آب شرب گرگان؛ از مدیریت بحران به حکمرانی یکپارچه منابع آب



دکتر سید علی طاهری
رئیس دانشگاه آزاد اسلامی استان گلستان،
نماینده ادوار هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی
از حوزه انتخابیه گرگان و آق قلا

۱. مقدمه
امروزه، شهر گرگان و مجموعه شهری اطراف آن با ناپایداری جدی در تأمین آب شرب مواجه است. بر اساس اطلاعات موجود، گرگان یکی از پنج شهر کشور است که در فهرست شهرهای دارای تنش آبی قرار دارد و به احتمال زیاد تنها شهر در میان استان‌های شمالی است که چنین وضعیتی را تجربه می‌کند ،. این در حالی است که استان گلستان به‌طور کلی از بارش سالانه نسبتا مناسبی برخوردار است و مشکل اصلی نه نبود آب، بلکه ناتوانی در ذخیره، تخصیص، انتقال و مدیریت پایدار آن است. ریشه‌های اولیه این بحران دست‌کم از اوایل دهه ۱۳۷۰ نمایان شد. به اذعان کارشناسان و مسئولان وقت، یا پیش‌بینی درستی درباره رشد تقاضا صورت نگرفته بود یا به تذکرات کارشناسی توجه کافی نشد. با افزایش جمعیت، گسترش ساخت‌وساز، رشد مصرف خانگی و توسعه بخش خدمات، فشار بر منابع آب شرب از اواسط دهه ۱۳۷۰ به‌تدریج به تنش آشکار تبدیل شد. امروز راه‌حل‌های مقطعی مانند حفر چاه‌های جدید، جیره‌بندی یا انتقال موقت آب، دیگر پاسخگوی نیاز شهر نیست و ادامه این روند می‌تواند امنیت آبی، سلامت عمومی و اعتماد اجتماعی را به خطر اندازد.

مسئولان استانی در آب و فاضلاب و آب منطقه‌ای پیشنهادهای فنی مناسبی برای حل مشکل ارائه کرده‌اند؛ از جمله افزایش ظرفیت آب‌شیرین‌کن از آب دریا، تکمیل سد میرداماد شصت‌کلاته، جذب سرمایه‌گذار برای اصلاح شبکه‌های فرسوده آبرسانی و بهبود زیرساخت‌ها، اما واقعیت این است که هیچ‌یک از این راهکارها در مقیاس لازم، در توان مدیریت استانی نیست و نیازمند تصمیم، مجوز و تأمین مالی ملی است. بنابراین می‌توان گفت معضل کم‌آبی گرگان، هرچند نمود محلی دارد، اما راه‌حل آن ملی است.

۲. آسیب‌شناسی حکمرانی آب در استان گلستان

۲ـ۱. غفلت تاریخی از مدیریت تقاضا و آینده‌نگری

نخستین و مهم‌ترین ضعف، فقدان آینده‌نگری در برنامه‌ریزی آب شرب بوده است. در دهه‌های گذشته، سیاست غالب در کشور و استان، عرضه‌محور بود؛ بدین معنا که به‌جای کنترل مصرف، همواره به دنبال یافتن منابع جدید آب می‌گشتند. این رویکرد باعث شد تا همزمان با رشد جمعیت و تغییر سبک زندگی، تقاضا به‌صورت افسارگسیخته افزایش یابد و منابع موجود به سرعت تحلیل رود.

۲ـ۲. پراکندگی نهادی و نبود مدیریت یکپارچه منابع آب

در استان گلستان، مانند بسیاری از مناطق



کشـور، مسـئولیت آب میـان چنـد نهـاد تقسـیم شـده اسـت: شـرکت آب منطقـه‌ای متولـی منابـع آب سـطحی و زیرزمینـی، شـرکت آب و فـاضلاب متولـی تأمیـن و توزیـع آب شـرب، جهـاد کشـاورزی متولـی آب کشـاورزی، شـهرداری‌ها متولـی روانـاب شـهری و سـازمان حفاظـت محیـط زیسـت متولـی کیفیـت منابـع. ایـن پراکندگـی، تصمیم‌گیـری هماهنـگ را دشـوار و پاسـخگویی را مبهـم کـرده اسـت. بحـران گـرگان دقیقـا در شـکاف میـان ایـن نهادهـا رشـد کـرده و هیـچ نهـاد واحـدی پاسـخگوی کل چرخـه آب نیسـت.

۲ـ۳. فرسودگی زیرساخت‌ها و هدررفت بالای آب

بخـش قابـل توجهـی از آب استحصال‌شـده در شـبکه توزیـع گـرگان بـه دلیـل فرسـودگی لوله‌هـا، انشـعابات غیرمجـاز و نبـود مدیریـت فشـار هـدر مـی‌رود. در بسـیاری از شـهرهای کشـور، آب بـدون درآمـد بیـن ۲۵ تـا ۳۵ درصـد اسـت و گـرگان نیـز از ایـن قاعـده مسـتثنا نیسـت. اصلاح ایـن شـبکه نیازمنـد سـرمایه‌گذاری کلان اسـت کـه از تـوان بودجـه اسـتانی خـارج اسـت و تاکنـون ردیـف اعتبـاری پایـدار ملـی ـرای آن تعریـف نشـده اسـت.

۲ـ۴. برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی

به‌مـوازات کمبـود آب سـطحی، فشـار بـر سـفره‌های زیرزمینـی افزایـش یافتـه اسـت. چاه‌هـای غیرمجـاز، برداشـت‌های اضافـی از چاه‌هـای مجـاز و نبـود کنتـور هوشـمند، سـطح آب زیرزمینـی را در دشـت‌های اطـراف گـرگان به‌شـدت پاییـن بـرده و کیفیـت آب را نیـز تحـت تأثیـر قـرار داده اسـت. ادامـه ایـن رونـد می‌توانـد فرونشسـت زمیـن و تخریـب آبخوان‌هـا را بـه دنبـال داشـته باشـد.

۲ـ۵. ضعـف در تأمیـن مالـی و عـدم جـذب سـرمایه گذاری

تکمیـل سـد میردامـاد شـصت‌کلاته، احـداث آب‌شـیرین‌کن، اصلاح شـبکه و توسـعه تصفیه‌خانه‌هـا همگـی پروژه‌هـای سـرمایه‌بر هسـتند. تجربـه سـال‌های اخیـر نشـان می‌دهـد کـه اعتبـارات اسـتانی بـرای چنیـن پروژه‌هایـی کافـی نیسـت و سـازوکار جـذب سـرمایه‌گذاری بخـش خصوصـی نیـز بـه دلیـل تعرفه‌هـای غیرواقعـی آب و ریسـک‌های بازگشـت سـرمایه، توسـعه نیافتـه اسـت. نتیجـه آن توقـف یـا کنـدی شـدید پروژه‌هـای کلیـدی و تـداوم بحـران اسـت.

۲ـ۶. تغییرات اقلیمی و نوسانات بارش

هرچنـد بحـران گـرگان عمدتـا سـاختاری و مدیریتـی اسـت، امـا تغییـرات اقلیمـی و کاهـش بارش‌هـای مؤثـر در برخـی سـال‌ها، شـدت آن را افزایـش داده

است. الگوی بارش در استان گلستان به‌سوی بارش‌های رگباری و خارج از فصل تغییر کرده و توان ذخیره‌سازی طبیعی را کاهش داده است؛ بنابراین حتی با بهبود مدیریت، باید برای دوره‌های خشک‌سالی برنامه‌ریزی سازگاری داشت.

۳. بسته سیاستی پیشنهادی

۳ـ۱. ایجاد «کارگروه ملی حل بحران آب گرگان»

نخستین گام، ارتقای سطح تصمیم‌گیری از استان به سطح ملی است. پیشنهاد مشخص آن است که استاندار گلستان به همراه مدیران آب منطقه‌ای و آبفا و مجمع نمایندگان استان، کارگروهی مشترک با وزارت نیرو و سازمان برنامه و بودجه تشکیل دهند. این کارگروه باید مأموریت داشته باشد ظرف مدت حداکثر شش ماه، برنامه جامع تأمین آب شرب پایدار گرگان را تصویب و ردیف اعتباری ملی برای آن تعیین کند. بدون این تصمیم ملی، اقدامات استانی صرفا مسکن موقت خواهد بود.

۳ـ۲. تکمیل سد میرداماد شصت‌کلاته به‌عنوان اولویت نخست عرضه

سد میرداماد شصت‌کلاته در صورت تکمیل می‌تواند بخش مهمی از نیاز شرب مجموعه شهری گرگان را در سال‌های نرمال و نیمه‌خشک تأمین کند. لازم است سازمان برنامه و بودجه با تخصیص اعتبار کافی و وزارت نیرو با تسریع در رفع موانع فنی و حقوقی، زمان‌بندی قطعی برای آب‌گیری و بهره‌برداری آن اعلام کنند. تجربه تأخیرهای مکرر در پروژه‌های سدسازی، دیگر برای استانی که با تنش آبی دست‌وپنجه نرم می‌کند قابل پذیرش نیست.

۳ـ۳. ارزیابی علمی و شفاف آب‌شیرین‌کن دریای خزر

استفاده از آب‌شیرین‌کن به‌عنوان منبع مکمل برای شهر گرگان، به‌دلیل فاصله نسبتا کم تا دریای خزر، از نظر فنی قابل بررسی است، اما باید توجه داشت که آب‌شیرین‌کن، هزینه انرژی بالایی دارد و مدیریت پساب شور آن نیازمند ملاحظات زیست‌محیطی است. پیشنهاد می‌شود یک مطالعه امکان‌سنجی جامع با مشارکت شرکت مادر تخصصی آب و فاضلاب کشور، سازمان حفاظت محیط زیست و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی انجام شود و در صورت توجیه، به‌صورت پایلوت با مقیاس مشخص اجرا گردد.

۳ـ۴. کاهش هدررفت شبکه و هوشمندسازی توزیع

وزارت نیرو باید برای شهر گرگان برنامه کاهش آب بدون درآمد از سطح فعلی به کمتر از ۲۰ درصد در یک دوره پنج‌ساله را تدوین کند. این برنامه، شامل نصب کنتورهای هوشمند برای همه مشترکان پرمصرف و ادارات، پایش فشار شبکه، تعویض لوله‌های فرسوده و شناسایی و حذف انشعابات غیرمجاز است.

۳ـ۵. مدیریت تقاضا و اصلاح تعرفه‌ها

تا زمانی که قیمت آب منعکس‌کننده هزینه واقعی تأمین و توزیع نباشد، انگیزه صرفه‌جویی شکل نمی‌گیرد. پیشنهاد می‌شود تعرفه آب شرب برای مصارف بالاتر از الگوی مصرف به‌صورت پلکانی افزایش یابد و برای مشترکان کم‌مصرف مشوق‌های اعتباری در نظر گرفته شود. همچنین آیین‌نامه ساختمان‌ها به‌گونه‌ای اصلاح شود که استفاده از آب خاکستری و جمع‌آوری آب باران در ساختمان‌های جدید الزامی گردد.

۳ـ۶. ساماندهی آب‌های زیرزمینی و حفاظت از آبخوان‌ها

شرکت آب منطقه‌ای گلستان باید با حمایت استانداری و دستگاه قضایی، طرح ضربتی انسداد چاه‌های غیرمجاز در محدوده شهرستان گرگان و دشت‌های اطراف را اجرا کند. نصب کنتور هوشمند روی همه چاه‌های کشاورزی و حفاظت از حوزه‌های آبخیز بالادست سد از دیگر اقدامات ضروری است.

۳ـ۷. تأمین مالی پایدار و جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

پیشنهاد می‌شود ایجاد ردیف مستقل اعتباری در بودجه سنواتی برای «پروژه‌های آب شرب



شـهرهای دارای تنـش آبـی»، اسـتفاده از ظرفیـت مـاده ۵۶ قانـون الحـاق برخـی مـواد بـه قانـون تنظیـم بخشـی از مقـررات مالـی دولـت، انتشـار اوراق مشـارکت عـام بـا تضمیـن دولـت و مذاکـره بـا صنـدوق توسـعه ملـی بـرای دریافـت تسـهیلات.

۳ـ۸. بازطراحی نهادی و شفافیت اطلاعات

پیشـنهاد می‌شـود «شـورای حکمرانـی آب اسـتان گلسـتان» بـا حضـور اسـتاندار، نماینـدگان مجلـس، مدیـران دسـتگاه‌های اجرایـی مرتبـط، دانشـگاه‌ها، بخـش خصوصـی و نماینـدگان تشـکل‌های کشـاورزی و شـهروندی تشـکیل شـود. ایـن شـورا بایـد مسـئولیت تدویـن سـند یکپارچـه آب اسـتان، نظـارت بـر اجـرای پروژه‌هـا و انتشـار عمومـی داده‌هـا و شـاخص‌های عملکـرد را بـر عهـده گیـرد.

۴. جمع‌بندی

بحـران آب گـرگان یـک مسـئله سـاده فنـی نیسـت؛ بلکـه محصـول دهه‌هـا غفلـت در برنامه‌ریـزی، پراکندگـی نهـادی، سـرمایه‌گذاری ناکافـی و نبـود مدیریـت تقاضـا اسـت. اینکـه گـرگان به‌عنـوان تنهـا شـهر اسـتان‌های شـمالی کشـور در فهرسـت شـهرهای دارای تنـش آبـی قـرار گرفتـه، نشـانه روشـنی از شکسـت رویه‌هـای موجـود اسـت. راه‌حـل وجـود دارد، امـا نیازمنـد تصمیم‌گیـری در سـطح ملـی و همراهـی نهادهـای محلـی اسـت. مهم‌تریـن توصیـه سیاسـتی، ایجـاد کارگـروه ملـی بـا مأموریـت روشـن، زمان‌بنـدی مشـخص و منابـع مالـی پایـدار بـرای حـل ریشـه‌ای مشـکل آب گـرگان اسـت.

الزامات سیاستگذاری و حکمرانی در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر استان گلستان



مهندس رمضانعلی سنگدوینی
نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در مجلس شورای اسلامی و نایب رئیس کمیسیون انرژی مجلس

۱. مقدمه

تأثیر ناترازی انرژی بر اقتصاد کشور، گسترده و چندلایه است. صنایع بزرگ و انرژی‌بر مانند فولاد و پتروشیمی به شدت به تأمین پایدار انرژی وابسته‌اند و قطعی‌های مکرر برق و گاز، منجر به کاهش تولید، افزایش هزینه‌ها و در مواردی توقف فعالیت واحدهای تولیدی شده است. این موضوع، نه تنها بهره‌وری اقتصادی را کاهش می‌دهد، بلکه امنیت سرمایه‌گذاری و اشتغال پایدار را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. با توجه به رشد روزافزون تقاضا برای انرژی و محدودیت‌های تأمین سوخت‌های فسیلی، گذار به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر و پراکنده، یک ضرورت غیرقابل‌اجتناب برای کشور محسوب می‌شود. در تابستان ۱۴۰۴، حدود ۸۰ هزار مگاوات برق در کشور مصرف شد که سهم انرژی‌های تجدیدپذیر از این میزان، تنها حدود یک درصد بوده است. این آمار، به وضوح نشان‌دهنده فاصله معنادار کشور با اهداف تعیین‌شده در اسناد بالادستی است. بر اساس برآوردهای انجام‌شده، سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در تولید برق کشور باید تا پایان برنامه هفتم توسعه، به حداقل ۱۰ هزار مگاوات برسد، در حالی که هم‌اکنون ظرفیت نصب‌شده نیروگاه‌های تجدیدپذیر کشور حدود ۱.۸۱۸ هزار مگاوات است.

استان گلستان، با برخورداری از میانگین بیش از ۳۰۰ روز آفتابی در سال و ظرفیت قابل‌توجه انرژی بادی، به ویژه در مناطق شرقی و شمالی استان، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در جبران ناترازی انرژی ایفا کند. بر اساس مطالعات انجام‌شده، پتانسیل خورشیدی استان در برخی مناطق به بیش از ۱۸۰۰ کیلووات ساعت بر متر مربع در سال می‌رسد که از میانگین کشوری بالاتر است. با این حال، سهم این استان از تولید انرژی‌های پاک همچنان ناچیز است و ضرورت دارد با نگاهی راهبردی و مبتنی بر حکمرانی خوب، زمینه‌های تحقق این ظرفیت‌ها فراهم شود. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، توسعه ۲۰ گیگاوات نیروگاه خورشیدی، می‌تواند حدود ۷۵ درصد از انرژی تأمین‌نشده کشور را جبران نماید. همچنین با توسعه ۱۰ هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی، می‌توان معادل ۱۴ میلیارد لیتر در مصرف گازوییل صرفه‌جویی کرد که این میزان صرفه‌جویی، تأثیر مستقیمی بر کاهش آلودگی هوا و بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی خواهد داشت.

۲. اسناد بالادستی و جایگاه انرژی‌های تجدیدپذیر

قانون برنامه هفتم توسعه، سیاست‌های کلی انرژی ابلاغی مقام معظم رهبری و قانون جهش تولید دانش‌بنیان، همگی بر افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی تأکید صریح دارند. در برنامه

هفتم توسعه، دولت مکلف شده است تا با حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، نسبت به احداث نیروگاه‌های تجدیدپذیر با ظرفیت حداقل ۱۰ هزار مگاوات اقدام نماید. همچنین بند «الف» ماده ۵۱ قانون برنامه هفتم توسعه، وزارت نیرو را موظف کرده است که نسبت به خرید تضمینی برق تجدیدپذیر به مدت ۲۰ سال با نرخ‌های مصوب و به‌روزشده سالانه، اقدام نماید. سیاست‌های کلی انرژی که در سال ۱۳۹۴ توسط مقام معظم رهبری ابلاغ گردید، بر موارد متعددی تأکید دارد که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در سبد انرژی کشور.
- ارتقای بهره‌وری انرژی و کاهش شدت انرژی.
- تأمین امنیت پایدار انرژی با تنوع‌بخشی به منابع و مسیرهای تأمین.
- توسعه فناوری‌های نوین انرژی با تکیه بر توان داخلی.
- کاهش آلودگی‌های زیست‌محیطی ناشی از مصرف سوخت‌های فسیلی.

با این حال، فاصله معناداری بین این سیاست‌ها و میدان عمل در سطح استان‌ها مشاهده می‌شود. آنچه در عمل به عنوان مانع اصلی مطرح است، نه کمبود قوانین که نبود ثبات در اجرا، فرآیندهای پیچیده صدور مجوز، عدم تناسب نرخ خرید تضمینی برق با هزینه‌های تمام‌شده و فقدان مکانیسم‌های مؤثر نظارت و ارزیابی است. به عبارت دیگر، ما با «شکاف اجرایی» مواجه هستیم که ریشه آن را باید در ضعف حکمرانی و نبود هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی جستجو کرد. قانون جهش تولید دانش‌بنیان مصوب ۱۴۰۱ نیز با هدف حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان و ایجاد زیست‌بوم نوآوری، ظرفیت‌های خوبی برای توسعه فناوری‌های انرژی فراهم آورده است. بر اساس این قانون، دستگاه‌های اجرایی مکلفند حداقل ۳۰ درصد از نیازهای خود در حوزه فناوری‌های نوین را از شرکت‌های دانش‌بنیان تأمین نمایند که این ظرفیت می‌تواند در حوزه تجهیزات نیروگاه‌های خورشیدی و سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی نیز به کار گرفته شود.

۳. ضرورت گذار از نظام متمرکز به انرژی‌های



پراکنده

نظام متمرکز تأمین انرژی در کشور، علی‌رغم مزایای اقتصادی مقیاس، با آسیب‌پذیری‌های جدی مواجه است. خطوط انتقال طولانی، مراکز تولید متمرکز و وابستگی شدید به سوخت‌های فسیلی، این نظام را در برابر تهدیدات طبیعی، انسانی و امنیتی به شدت آسیب‌پذیر ساخته است.

بر اساس گزارش‌های رسمی، سالانه بیش از ۵۰ مورد قطعی سراسری و منطقه‌ای برق در کشور رخ می‌دهد که بخش قابل‌توجهی از آنها ناشی از آسیب‌پذیری شبکه‌های انتقال و توزیع است. در سال‌های اخیر، حملات سایبری به زیرساخت‌های انرژی کشور و همچنین حوادث طبیعی نظیر سیل و زلزله، خسارات قابل‌توجهی به شبکه متمرکز برق وارد کرده است. در شرایط تحریم، تأمین قطعات یدکی و تجهیزات مورد نیاز برای بازسازی و نگهداری این شبکه‌ها با دشواری مضاعفی مواجه می‌شود.

توسعه انرژی‌های پراکنده، به ویژه نیروگاه‌های خورشیدی کوچک‌مقیاس نصب‌شده بر روی پشت‌بام واحدهای مسکونی، صنعتی و کشاورزی، می‌تواند این آسیب‌پذیری را به شکل قابل‌توجهی کاهش دهد. این نیروگاه‌ها ضمن کاهش تلفات انتقال، امکان تأمین برق مناطق دورافتاده را فراهم می‌آورند و در زمان قطعی سراسری، می‌توانند بخشی از نیاز مصرف‌کنندگان محلی را تأمین کنند. این ویژگی، نقش کلیدی انرژی‌های پراکنده در پدافند غیرعامل و مدیریت بحران را به خوبی نمایان می‌سازد.

استان گلستان، با وجود مناطق روستایی و عشایری گسترده، می‌تواند از الگوی انرژی‌های پراکنده برای تأمین برق پایدار این مناطق استفاده کند. در مناطق شرقی استان نظیر مراوه‌تپه و گمیشان که دسترسی به شبکه سراسری با محدودیت‌هایی مواجه است، احداث نیروگاه‌های خورشیدی کوچک‌مقیاس می‌تواند راهکاری مؤثر و اقتصادی باشد. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که توسعه انرژی‌های پراکنده، علاوه بر افزایش امنیت انرژی، به ایجاد اشتغال محلی و توانمندسازی جوامع روستایی نیز کمک شایانی می‌کند.

۴. موانع حقوقی، تعرفه‌ای و زیرساختی پیش‌روی سرمایه‌گذاران

بر اساس مشاهدات میدانی و پیگیری‌های انجام‌شده در استان گلستان، سرمایه‌گذاران علاقه‌مند به حوزه انرژی خورشیدی با موانع متعددی مواجه هستند که در ادامه به تفکیک مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴ـ۱. موانع تعرفه‌ای و مالی

نرخ خرید تضمینی برق تجدیدپذیر، علی‌رغم ابلاغ نرخ‌های جدید توسط وزارت نیرو، همچنان با نرخ تورم و هزینه‌های واقعی احداث و بهره‌برداری از نیروگاه‌های خورشیدی تناسب ندارد. بر اساس محاسبات انجام‌شده، نرخ خرید تضمینی در سال ۱۴۰۴ حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد کمتر از هزینه تمام‌شده تولید برق خورشیدی در مقیاس کوچک است. این فاصله، بازگشت سرمایه را به دوره‌ای بیش از ۷ سال می‌دهد که برای بسیاری از سرمایه‌گذاران غیراقتصادی است. همچنین، تغییرات مکرر در نرخ‌های خرید تضمینی، برنامه‌ریزی مالی و اقتصادی پروژه‌ها را با عدم‌اطمینان مواجه ساخته است. سرمایه‌گذاران برای اخذ تسهیلات بانکی نیاز به پیش‌بینی درآمدهای آینده دارند و تغییرات ناگهانی تعرفه‌ها، این پیش‌بینی را با خطای قابل‌توجهی همراه می‌کند. در برخی موارد، تغییرات تعرفه‌ای به صورت مقطعی و بدون مشورت با بخش خصوصی انجام شده که اعتماد سرمایه‌گذاران را به شدت خدشه‌دار ساخته است.

۴ـ۲. موانع حقوقی و اداری

فرآیند اخذ مجوزهای لازم از سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر (ساتبا)، شرکت توزیع برق، سازمان

منابع طبیعی، سازمان حفاظت محیط زیست و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، فرآیندی زمان‌بر و پیچیده است که بسیاری از سرمایه‌گذاران را دلسرد می‌کند. بر اساس گزارش‌های دریافتی از سرمایه‌گذاران استان، متوسط زمان مورد نیاز برای اخذ تمامی مجوزها، حدود ۸ تا ۱۲ ماه است که این زمان، هزینه‌های غیرمستقیم قابل‌توجهی را به پروژه تحمیل می‌کند. تعارضات حقوقی میان قوانین مختلف، یکی دیگر از چالش‌های جدی در این حوزه است. به عنوان نمونه، قوانین سازمان منابع طبیعی، استفاده از اراضی ملی برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی را با محدودیت‌هایی مواجه ساخته است، در حالی که قوانین انرژی‌های تجدیدپذیر بر تسهیل این فرآیند تأکید دارند. فقدان یک پنجره واحد برای انجام استعلامات و اخذ مجوزها، این تعارضات را تشدید کرده است.

عدم ثبات قوانین حمایتی و تغییرات مکرر در مقررات، ریسک سرمایه‌گذاری را افزایش داده و برنامه‌ریزی بلندمدت را دشوار می‌سازد. به عنوان نمونه، قانون خرید تضمینی برق که قرار بود به مدت ۲۰ سال پابرجا باشد، در سال‌های اخیر چندین بار مورد بازنگری قرار گرفته که این موضوع، اعتماد سرمایه‌گذاران را به شدت کاهش داده است.

۴ـ۳. موانع زیرساختی

یکی از مهم‌ترین موانع توسعه نیروگاه‌های خورشیدی در استان گلستان، محدودیت ظرفیت شبکه‌های توزیع و انتقال برق برای اتصال نیروگاه‌های جدید است. در برخی مناطق مستعد استان، شبکه توزیع برق ظرفیت لازم برای پذیرش نیروگاه‌های خورشیدی با مقیاس متوسط را ندارد و توسعه همزمان شبکه نیازمند سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی است. همچنین، محدودیت در تأمین تجهیزات با کیفیت و استاندارد، به ویژه پنل‌های خورشیدی و اینورترها، یکی دیگر از چالش‌های اجرایی محسوب می‌شود. با وجود تولید داخلی پنل‌های خورشیدی، کیفیت برخی از محصولات داخلی با استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد و واردات نیز با مشکلات ارزی و تحریمی مواجه است.

۵. راهکارهای پیشنهادی در سطح ملی و استانی

۵ـ۱. راهکارهای سطح ملی (سیاستگذاری کلان):

۱. اصلاح ساختار تعرفه‌ها: اصلاح نرخ خرید تضمینی برق متناسب با نرخ تورم و هزینه‌های تمام‌شده و ابلاغ نرخ‌های پایدار برای دوره‌های حداقل پنج‌ساله. همچنین در نظر گرفتن نرخ تشویقی برای نیروگاه‌های مجهز به سیستم ذخیره‌سازی انرژی که می‌توانند برق را در ساعات پیک به شبکه تزریق کنند.

۲. طراحی بسته حمایتی جامع: تصویب بسته حمایتی جامع شامل معافیت‌های مالیاتی به مدت ۵ سال، تضمین خرید بلندمدت (۲۰ ساله) برق با نرخ پایدار، تسهیل فرآیند مجوزدهی از طریق ایجاد پنجره واحد، و ارائه تسهیلات بانکی با نرخ سود ترجیحی (حداکثر ۵ درصد) برای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر.

۳. ایجاد صندوق توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر: تأسیس صندوق ملی با مشارکت بخش دولتی، صندوق توسعه ملی و بخش خصوصی برای تأمین مالی پروژه‌های انرژی پاک. این صندوق می‌تواند با انتشار اوراق سبز و جذب سرمایه‌های خرد، نقش مهمی در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر ایفا کند.

۴. تفویض اختیارات به استان‌ها: واگذاری بخشی از اختیارات صدور مجوزهای سرمایه‌گذاری انرژی به استان‌ها با هدف تسریع فرآیندها و متناسب‌سازی با شرایط بومی هر منطقه. همچنین تشکیل شورای عالی انرژی استان‌ها با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی.

۵. حمایت از تولید داخلی: اختصاص بودجه برای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در حوزه طراحی و تولید پنل‌های خورشیدی، اینورترها و سیستم‌های ذخیره‌سازی، و تأمین ارز ترجیحی برای واردات مواد اولیه مورد نیاز.

۵ـ۲. راهکارهای سطح استانی (حکمرانی محلی):

۱. تشکیل کارگروه تخصصی سرمایه‌گذاری انرژی: تشکیل کارگروه با حضور نمایندگان استانداری، شرکت توزیع برق، سازمان صنعت، معدن و تجارت، سازمان جهاد کشاورزی، دانشگاه‌ها و بخش خصوصی برای تسهیل و تسریع فرآیندهای سرمایه‌گذاری.

۲. تهیه اطلس پتانسیل‌سنجی: تهیه اطلس جامع پتانسیل‌سنجی منابع انرژی تجدیدپذیر استان با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی برای شناسایی دقیق مناطق مستعد سرمایه‌گذاری در حوزه خورشیدی، بادی و زیست توده.

۳. طراحی بسته تشویقی استانی: تدوین بسته تشویقی استانی شامل تخصیص زمین با شرایط مناسب (اجاره بلندمدت با نرخ تشویقی)، کاهش عوارض محلی، تسهیل در فرآیند اخذ مجوزهای استانی و حمایت از آموزش نیروی کار ماهر مورد نیاز پروژه‌ها.

۴. ایجاد شهرک تخصصی انرژی خورشیدی: راه‌اندازی شهرک تخصصی انرژی خورشیدی در مناطق مستعد استان با زیرساخت‌های مناسب، از جمله شبکه توزیع برق تقویت‌شده، جاده دسترسی، آب و امکانات رفاهی.

۶. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

بر اساس مباحث مطروحه، اگر بخش خصوصی در حوزه پنل‌های خورشیدی، انرژی بادی و انرژی‌های تجدیدپذیر دیگر مانند پسماند ورود پیدا کند، دولت باید ضمن خرید تضمینی برق و پرداخت به‌موقع مطالبات، با ارائه تسهیلات بانکی و بسته‌های تشویقی از سرمایه‌گذار پشتیبانی کند. همچنین باید این اجازه به سرمایه‌گذار داده شود که در صورت مازاد تولید، نسبت به صادرات انرژی اقدام نماید تا توجیه اقتصادی پروژه‌ها افزایش یابد. از سوی دیگر، ضرورت دارد با اصلاح ساختار تعرفه‌ها و تقویت ثبات قوانین، ریسک سرمایه‌گذاری کاهش یابد. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که ثبات قوانین و تعرفه‌ها، مهم‌ترین عامل جذب سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر است. در آلمان، اسپانیا و چین، قوانین حمایتی با حداقل ۲۰ سال ثبات، زمینه‌ساز رشد چشمگیر این صنعت شده است. استان گلستان با وجود زمین‌های بلااستفاده فراوان، پتانسیل بالای خورشیدی، و حمایت‌های قانونی موجود در سطح ملی، می‌تواند با ورود بخش خصوصی و حمایت‌های هدفمند، الگویی موفق برای توسعه انرژی‌های پاک در کشور باشد. این مهم نیازمند عزم جدی در سطح ملی و استانی و نگاه حکمرانی مبتنی بر تسهیل‌گری، مشارکت‌پذیری و آینده‌نگری است. در نهایت، باید تأکید کرد که توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر نه یک انتخاب، که یک ضرورت برای تأمین امنیت انرژی، حفظ محیط زیست و تحقق توسعه پایدار استان گلستان و کشور عزیزمان ایران است. با همکاری و همافزایی همه ارکان حکمرانی، از مجلس تا دولت و از دانشگاه تا بخش خصوصی، می‌توانیم این مسیر را با موفقیت طی کنیم و استان گلستان را به قطب انرژی‌های پاک در شمال کشور تبدیل نماییم.

نقش و جایگاه استان گلستان در توسعه محور شرق کشور

اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان



مقدمه

امروزه، کشورهاي در حال توسعه به منظور تقویت زیربناهاي اقتصادي خود، رهایي از وابستگي، ایجاد تعادل منطقه‌اي و در نهایت، نیل به توسعه اقتصادي پایدار، نیازمند شناسایي امکانات و منابع کشورشان هستند؛ از این رو بررسي و شناخت وضعیت مناطق و نواحي، قابلیت‌ها، محدودیت‌ها، فرصت‌ها، تهدیدها و تنگناها در برنامه‌ریزي ناحیه‌اي و انتظام فضایي از اهمیت به‌سزایي برخوردار است. کشور ایران، با قرار گرفتن در نقطه تلاقي سه قاره آسیا، اروپا و افریقا، در قلب منطقه حساس خاورمیانه و در مجاورت روسیه، آسیاي مرکزي، قفقاز، شبه قاره هند، دنیاي عرب و اروپا و همسایگي با ۱۵ کشور که ثلث آنها، محصور در خشکي هستند، با در اختیار داشتن تمامي سواحل شمالي خلیج فارس و بخش قابل ملاحظه اي از سواحل دریاي عمان و تمامي سواحل جنوبي دریاي مازندران و حلقه ارتباط این دو گستره آبي استراتژیك و تنوع اقلیم و در نتیجه برخورداري از موقعیت ممتاز در منطقه و جهان، از این قاعده مستثني نبوده است. ایران، براي سامان دهي به

مبادلات چند هزار میلیارد دلاری منطقه و جهان، از موقعیت جغرافیایی برجسته ای برخوردار است. جریانی که با خلق ظرفیت های نوین فراوان قادر است در سطحی گسترده، با ایجاد پویایی در کسب و کار، اشتغال، درآمد و انباشت سرمایه، به گونه ای پایدار به فرآیند توسعه در کشور دامن بزند.

محور توسعه شرق کشور

جمهوری اسلامی ایران، با توجه به ملاحظات ژئوپولتیک و ژئواکونومیک منطقه و در پرتو چشم اندازی آینده نگر، می تواند جایگاه خود را برای اتصال شمال- جنوب و شرق- غرب، در نظام نوین بین المللی تثبیت و ارزش موقعیت استراتژیک خود را به مراتب ارتقاء بخشد و از رهگذر این مبادلات عظیم، ظرفیت های جدیدی برای انباشت سرمایه-ها، به عنوان موتور توسعه در کشور و محور شرق خلق کند. با عنایت به تفاوت چشمگیر توسعه یافتگی میان استان‌های شرقی و غربی کشور، طرح توسعه محور شرق قرینه محور غرب یعنی خوزستان- آذربایجان به منظور توسعه مناطق حاشیه ای و همچنین بهره برداری از موقعیت سوق الجیشی ایران در سال ۱۳۶۷ تهیه و ارائه گردید. موقعیت محور شرق کشور، با تأکید بر جایگاه چابهار برای ترانزیت کالا، نفت، گاز و خطوط لوله ی آسیای مرکزی و نیز روان سازی مبادلات افغانستان محصور در خشکی، از مزیت های آشکاری برخوردار است؛ قابلیت هایی که به ویژه در نتیجه ی تحولات وسیع در صفحات شمالی و شرقی کشور، برقوت آن به مراتب افزوده شده است (ستاری فر و همکاران، ۱۳۸۸). محور شرق موقعیتی ارتباطی دارد و چابهار با استعدادهای بالقوه ی بسیار به ویژه در زمینه های بازرگانی و ترانزیت گرانیگاه این تحول است. این داد و ستد عظیم، با عبور از محور شرق، علاوه بر ایجاد رونق در اقتصاد و اجتماع محیط، با تولید نقش های مکمل برای شمال و جنوب سیستان و بلوچستان (و نیز استان های خراسان) و شکل دهی به بستری پایدار برای پیوند منافع، همزیستی و مدارای تاریخی را در منطقه

نقشه۱- تعاملات مرزی ایران با کشورهای همسایه در افق ۱۴۲۴

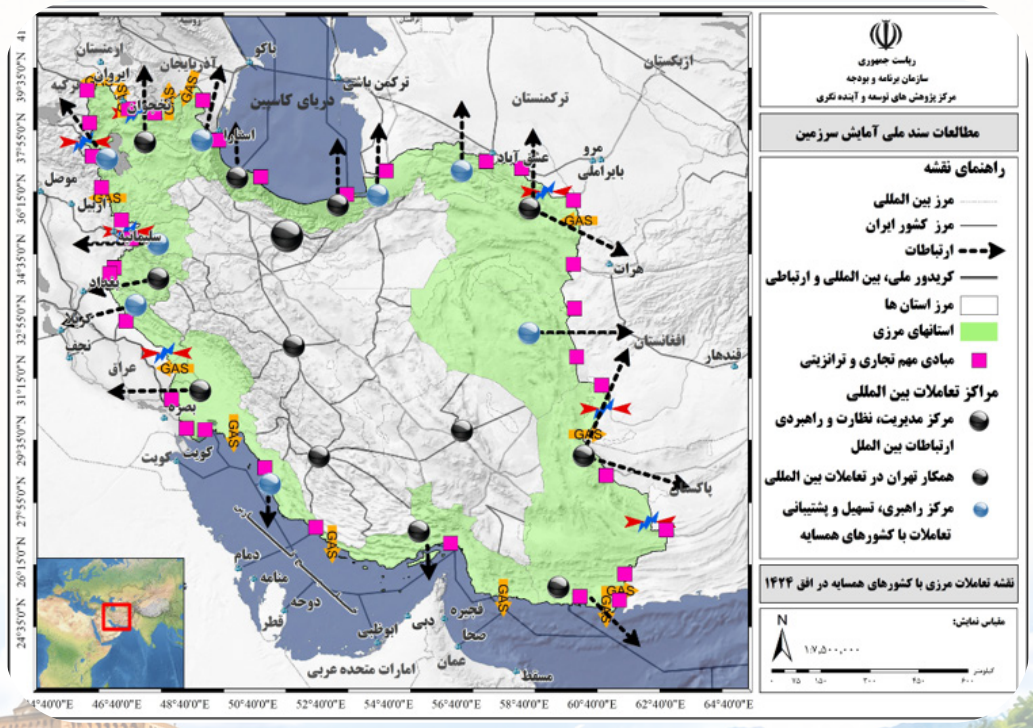

نهادینه خواهد کرد. تحقق این فرآیند لیکن، مستلزم توجهی دوباره به توسعه ی بندر، راه‌های پسکرانه و بهسازی و تکمیل آنها و روزآمد کردن تجهیزات و قوانین و نیز سرمایه گذاری برای توسعه ی کریدورهای ترانزیتی، که هیچ تردیدی در اقتصادی بودن آنها نیست، خواهد بود.

پیشینه طرح

در همایش رؤسای سازمان‌های برنامه و بودجه سراسر کشور که در سال ۱۳۶۵ در شهر زاهدان برگزار گردید، ضرورت توجه ویژه، به مسائل سیستان و بلوچستان و لزوم تدوین برنامه‌ای ویژه، به منظور حل مشکلات حاد استان مطرح شد. به دنبال این امر گروهی از کارشناسان برنامه ریزی منطقه ای مرکز استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان، هرمزگان، یزد و کرمان مسئول بررسی همه جانبه مشکلات و بحران‌های استان و شناسایی ریشه‌ها و عوامل آنها شدند. این گروه کارشناسی، بعد از انجام بررسی‌های لازم، نتیجه پژوهش خود را در ۹ جلد به استانداری سیستان و بلوچستان ارائه دادند. این گزارش، معضلات اساسی و بنیانی استان را بیکاری، عدم پیوند عمیق و قابل قبول بین استان با پیکره ملی و موانع فرهنگی برشمرد. در مرحله بعد با دعوت استاندار وقت، طی همایش ٤ روزه فرمانداران استان، مدیران دستگاه‌های اجرایی و نمایندگان مردم استان در مجلس شورای اسلامی گزارش مذکور را مورد ارزیابی قرار داده و راهبردها، سیاست‌ها و خط مشی‌های کلان و بخشی توسعه استان را معین کردند. در پایان گزارش نهایی مطالعات و بررسی‌ها توسط وزارت برنامه و بودجه وقت به دولت تقدیم شد. هیأت دولت نظر نهایی خود را به بررسی و اظهار نظر شورای عالی معماری و شهرسازی، موکول کرد و ارزیابی دقیق نتیجه مذکور را به آن شورا محول نمود. شورا پس از بررسی‌های لازم، سندی را تنظیم و توسط وزارت کشور و وزارت برنامه و بودجه به هیأت دولت ارائه نمود که با تصویب آن سند، در بهمن ماه ۱۳۶۷ توسط هیأت دولت «طرح توسعه محور شرق» به عنوان مصوبه‌ای قانونی و لازم الاجرا به منظور توسعه استان سیستان و بلوچستان بوجود آمد. در مصوبه بعد از طرح سیاستها و اقدات بخش‌های مختلف، در فصل اجرایی ـ تشکیلاتی به منظور اجرا و نظارت بر روند اجرای مصوبه و اتخاذ تصمیمات لازم هیأتی به نامه (در ماده ۸) معرفی گردید که شامل استاندار به عنوان دبیر هیات، رئیس سازمان برنامه و بودجه و وزیرهای مربوطه بود. این هیأت، به عنوان عالی‌ترین نهاد پیگیری و نظارت بر اجرای مصوبه اختیار تصویب برنامه‌های مصوبه هیأت دولت را داشته‌اند. علاوه بر هیأت ماده ۸، بر اساس ماده ۹ مصوبه به منظور پیگیری اجرای مصوبه، دفتری با نام دفتر مطالعات توسعه محور شرق زیر نظر استاندار، ایجاد گردید. این دفتر، وظایف زیر را بر عهده داشت:

(۱) ایفای نقش دبیرخانه برای شورای هماهنگی و هیأت ماده ۸

(۲) پیگیری تأمین اعتبار برای طرح‌های مصوب از طریق شرکت در جلسات ستاد بودجه سازمان برنامه و بودجه هنگام تهیه بودجه‌های سالانه کشور در طول برنامه اول.

(۳) انجام مطالعات و تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای جدید و پیگیری برای تامین اعتبار برای آنها.

(۴) نظارت بر اجرای مواد ۱۲ گانه و بندهای مصوبه در مورد اصول و سیاست‌های توسعه در بخش‌های مختلف.

این دفتر، از سال ۱۳۶۸ در استانداری سیستان و بلوچستان فعال شد و در سال‌های بعد فعالیت‌های خوبی را پیگیری کرد؛ اما بعدها به دلیل تغییر و تحولات سیاسی و سازمانی و فقدان جایگاه رسمی دفتر توسعه محور شرق در تشکیلات استانداری، عدم تعهد برخی از دستگاه های ملی و محلی به مفاد مصوبه در عمل با محدودیت‌های زیادی رو به رو شده و نهایتا تعطیل شد، اما مجددا اصلاحیه طرح توسعه محور شرق توسط دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه ای سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در اردیبهشت

۱۳۸۱ انجام پذیرفت. در ادامه بازنگری سند توسعه شرق به منظور به روزرسانی و هماهنگ کردن این سند با وضعیت و شرایط موجود و آینده در سال ۱۳۹۵ توسط پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی انجام پذیرفت. در سال ۱۳۹۶ معاونت وقت امور اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه به مشاور و

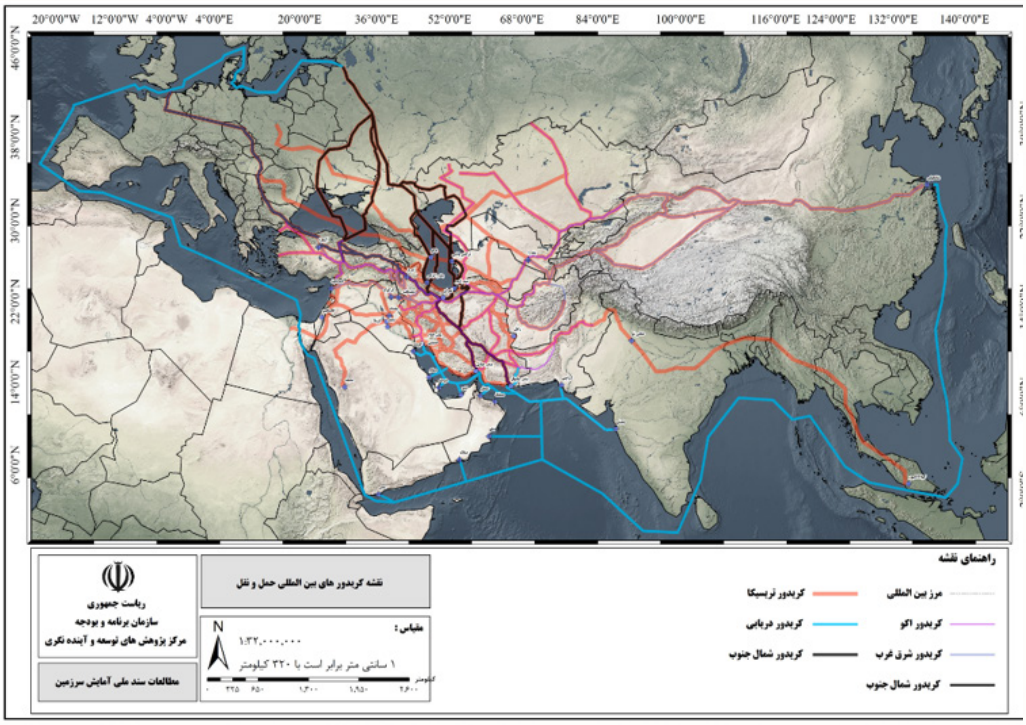

نقشه ۲ـ موقعیت ایران در مسیر گذر راه های بین المللی حمل و نقل

ضرورت اجرای طرح و احیای مجدد

تحولات جدی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که تفاوت‌های آشکاری با زمان تصویب دو مصوبه قبلی را نشان می‌دهد. این تحولات در حوزه روابط داخلی و خارجی هر دو قابل توجه می باشد. به ویژه تحولات اتفاق افتاده در روابط خارجی کشور با کشورهای دیگر طی سال‌های اخیر و نیز روابط بین کشورهای دول شرق و غرب با کشورهای حوزه آسیای جنوب شرقی و هند و چین و پاکستان و افغانستان تأثیر زیادی بر توسعه محور شرق می گذارد. از طرفی، توسعه محور شرق به عنوان عامل پیشران توسعه ملی، می‌تواند عمل کند و عدم توازن و عدم تعادل منطقه‌ای را در سطح ملی کاهش دهد. توجه گسترده افکار عمومی و نظام سیاستگذاری به ابعاد غیر اقتصادی و برنامه-ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی توسعه که اصلاح رویکرد اقتصادی برنامه ریزی فیزیکی مسلط در طرح‌های قبلی و نیز طرح های بخشی در حال انجام را ضروری می نماید. وجود مسائل مهم اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح استان‌های شرقی کشور به ویژه افزایش نرخ بیکاری، تجارت زیرزمینی، شاخص‌های نگران کننده سلامت، آموزش، حاشیه نشینی، سکونتگاه‌های غیر رسمی و ..... همچنین اجرای برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌های بخشی از جمله تصویب طرح توسعه مکران در شورای عالی شهرسازی و معماری و طرح‌های دفتر توسعه مکران که با اهداف متفاوت در حال اجرا بوده و دیدگاه‌ها و نظرات متفاوتی در مورد آنها وجود دارد، هماهنگی این طرح ها و پروژه ها را ضروری می‌نماید. با توجه به گذشت نزدیک به ٤ دهه از تهیه این طرح و تحولات بسیار زیاد منطقه و کمتر قابل پیش بینی در طی این مدت، نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بعد عوامل درونی، موقعیت سوق الجیشی چابهار، به

عنوان مهم ترین نقطه قوت و ضعف شبکه‌های زیربنایی شامل حمل و نقل، تامین و توزیع انرژی به عنوان مهم ترین نقطه ضعف محسوب می شود. از سویی، در بعد عوامل خارجی، وجود بندر چابهار به عنوان دروازه مبادلات به عنوان مهم ترین فرصت و قرار گرفتن در مسیر بین المللی مواد مخدر و قاچاق کالا مهم ترین تهدید در توسعه محور شرق محسوب می شود؛ از این رو اتخاذ و اجرای این سیاست به افزایش نقش و سهم کشور در ترانزیت کالا و حمل و نقل بین المللی، تقویت پیوندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی با کشورهای همجوار شرق و شمال شرقی، ارتقاء سطح متوسط درآمد و شاخص‌های توسعه در نواحی شرق کشور، کاهش فعالیت‌های غیررسمی اقتصادی و جلوگیری از قاچاق کالا و مواد مخدر، افزایش سهم چابهار در بازرگانی داخلی و خارجی و ترانزیت کالا و غیره کمک شایانی می نماید و در غیر این صورت، رونق گرفتن بندر گواتر پاکستان و از دست دادن فرصت ها، زمینه شکست این طرح را به همراه خواهد داشت.

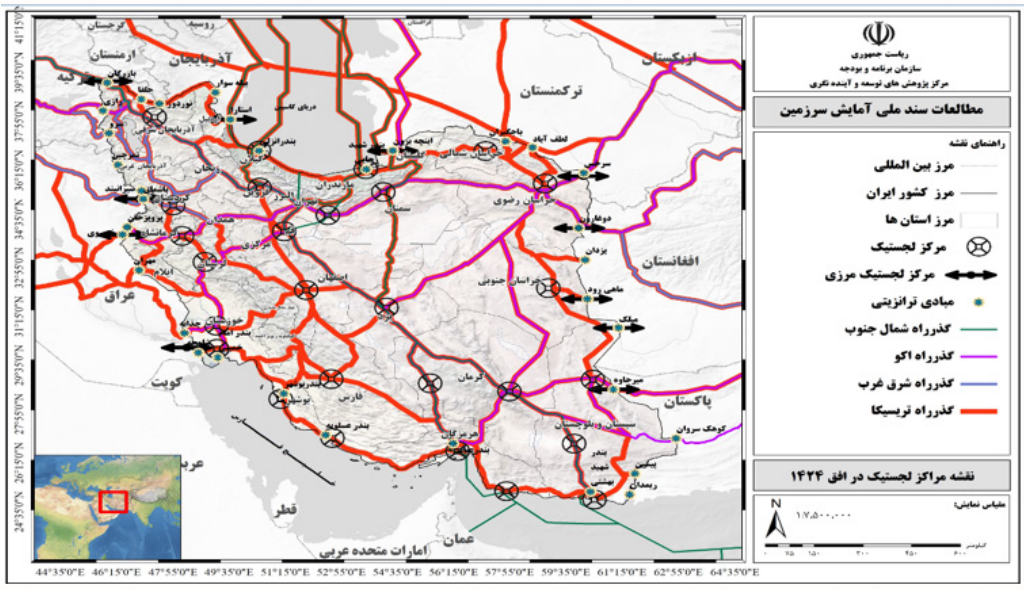

نقشه ۳ـ مراکز لجستیک اولویت دار در پهنه‌های مختلف سرزمین

اهمیت توسعه محور شرق کشور

محور شرق، از بندر چابهار در استان سیستان و بلوچستان آغاز شده و بعد از عبور از شهرهاي نيك شهر، ايرانشهر، خاش، زاهدان، نهبندان، بيرجند، گناباد، تربت حيدريه و مشهد، از يك طرف به سرخس و از طرف ديگر، به نقاط مرزي لطف آباد و باجگيران در استان خراسان رضوي منتهي مي شود. خروجي‌هاي اين محور، به نقاط مرزي ميلك و دوغارون نيز جزء اين محور محسوب مي‌شوند. شبكه راه‌هاي ارتباطي مؤلفه اساسي و يكي از اركان اصلي ترانزيت است. از جمله مهمترين اهداف مترتب بر طرح توسعه محور شرق، مي توان به افزايش نقش و سهم كشور در ترانزيت كالا و حمل و نقل بين المللي، تقويت پيوندهاي اقتصادي، اجتماعي، فرهنگي و امنيتي با كشورهاي همجوار شرق و شمال شرقي، ارتقاء سطح متوسط درآمد و شاخص‌هاي توسعه در نواحي شرق كشور، كاهش فعاليت‌هاي غيررسمي اقتصادي و جلوگيري از قاچاق كالا و مواد مخدر، افزايش سهم چابهار در بازرگاني داخلي و خارجي و ترانزيت كالا، اشاره نمود.

محور شرق، نسبت به ساير محورهاي داخلي و خارجي، داراي چندين مزيت نسبي است كه مناسبتر بودن اين محور براي ارتباط نيمه غربي افغانستان، تركمنستان و تا حدودي ازبكستان و نيمة غربي

قزاقستان (از طریق ترکمنستان) با آبهاي آزاد جهان، وضعیت نسبتا مناسب شبکه بزرگراهي ایران، تسهیلات رفاهي و خدمات پشتیباني موجود در محور، وجود امنیت نسبي در طول مسیر و غیره از جمله آنها است. در حال حاضر، از معضلات مناطق شرق کشور پراکندگي شدید و کمبود جمعیت و فاصله زیاد نقاط شهري و روستایي به دلیل وسعت زیاد استان‌ها و تعداد کم آنها است و این برنامه‌ریزي نیمه شرق کشور را براي دولت و بخش خصوصي بسیار پرهزینه و غیراقتصادي کرده است. ایجاد ارتباط در نیمه شرق از یك سو با کشورهاي آسیاي میانه و استقلال یافته شوروي و از طرفي با کشورهاي افغانستان و پاکستان و اتصال آب‌هاي آزاد به بندر آزاد چابهار مي تواند نیمه شرقي کشور را در یك مناسبات جدید سیاسي اقتصادي اجتماعي و فرهنگي از نظر روابط خارجي با پایتخت قرار دهد. این امر، منطقه و نیمي از کشور را مي تواند از فقر محرومیت و خطر بالقوه نجات دهد و برنامه ریزان کشور باید آن را مورد توجه قرار دهند.

محور شرق، به عنوان یکی از گرانیگاه‌های توسعه کشور، به علت اینکه ایران در مرکزیت جغرافیایی سه قاره پهناور آسیا، اروپا و آفریقا که در شرایط حاضر بالغ بر ۵/۵ میلیارد نفر جمعیت جهان را در خود جای داده، در کنار برخورداری از حدود ۲۰۰۰ کیلومتر مرز آبی با آبهای آزاد، موقعیت ممتازی برای ایفای نقش برتر کشور در تعاملات بین المللی و ارتباطات بین شرق و غرب عالم ایجاد نموده است. از طرف دیگر، تعدد همسایگان کشور که ایران را در رده یکی از پرهمسایه ترین کشورهای جهان قرارداده که بخشی از آنها جزء کشورهای محصور در خشکی (Land Locked) بوده و برای ارتباطات با سایر نقاط دنیا (اعم از کالا و مسافر) ناچار به عبور از کشور ثالث می باشند، قابلیت‌های ترانزیتی کشور را به صورت برجسته‌ای نمایان ساخته و استفاده از این قابلیت‌ها را به صورت یک الزام ملی در توسعه همه جانبه و بلند مدت کشور ضروری ساخته است. (مسیرهایی مانند International North_South Transport Corridor (INSTC) از ایران عبور می نمایند)

تحلیل سازمان فضایی کنونی کشور نیز حاکی از وجود عدم تعادل های وسیع در سطح و میزان توسعه یافتگی مناطق و نواحی مختلف سرزمین است. وجه بارز و شاخص این عدم تعادل، نابرابری های کلان موجود بین شرق و غرب سرزمین می باشد. به طوری که حدود ۹۰ درصد از جمعیت کشور در نیمه غربی و بخشی از شمال شرقی کشور که حدود ۴۵ درصد از وسعت سرزمین را شامل می شود، سکونت دارند و فقط ۱۰ درصد جمعیت در نیمه شرقی و قسمت عمده سواحل جنوبی کشور که در مجموع ۵۵ درصد وسعت فضایی سرزمین را شامل می شوند، زندگی می کنند. توزیع فعالیت ها، امکانات و شبکه های زیربنایی و خدماتی نیز در این دو منطقه نیز حاکی از وجود همان عدم تعادل می باشد. هر چند خاستگاه این عدم تعادل را می‌بایست در وضعیت طبیعی و جغرافیایی متفاوت این دو کلان منطقه جستجو نمود، اما سیاست‌ها و راهبردهای ارادی چه در سطح بین المللی و چه در سطح ملی و منطقه ای در ایجاد و یا تشدید این عدم تعادل ها نقش به سزایی داشته است. انتخاب ارادی قطب‌های رشد، سیاست های وارداتی و صادراتی، ایجاد و تجهیز شبکه های زیربنایی و اتکا به منابع نفت به عنوان منبع اصلی تامین کننده نیازهای ارزی



کشور، دسترسی محدود به منابع آبی، دور بودن از مرکز اقتصادی و سیاسی کشور، نبود زیرساخت‌های مناسب ترانزیت کالا و مسافر، مسائل امنیتی و مرزی و مهاجرین غیرقانونی و در نهایت سیاست‌ها و برنامه‌های نامتقارن توسعه‌ای در کشور موجب مغفول ماندن قابلیت‌های ارزشمند مناطق شرقی کشور از دید تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران ملی شده است. قابل ذکر است حدود ۷۰ درصد از طول مرزهای آبی جنوبی کشور و همچنین حدود ۷۰ درصد از ذخایر استراتژیک معدنی در همین نیمه شرقی کمتر توسعه یافته کشور قراردارد. بنابراین افزایش جمعیت و فعالیت های اقتصادی در نیمه شرقی کشور متناسب با قابلیت‌ها و مزیت‌های این منطقه در جهت دستیابی به تعادل فضایی در سطح ملی، یکی از راهبردهای اساسی سند ملی آمایش سرزمین (مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۱۱) می‌باشد. از طرفی همانگونه که اشاره گردید همجواری این منطقه از کشور با آبهای آزاد بین‌المللی در سرتاسر مرز جنوبی آن از یک طرف و همجواری با کشورهای پاکستان، افغانستان وه کشورآسیای مرکزی از طریق ترکمنستان در محدوده‌های شرقی و شمالی آن و نیازهای ارتباطی این کشورها که به غیر از پاکستان همگی کشورهای محصور در خشکی می‌باشند، قابلیتهای ترانزیتی و توسعه آن تا سطح استانداردهای بین‌المللی را به عنوان یک راهکار اساسی در جهت دستیابی به تعادل‌های ملی و منطقه‌ای مطرح می‌نماید. این مهم، در حالی است که همزمان پروژه مشترک کشورهای چین و پاکستان (CPEC) در توسعه مسیرهای ترانزیتی با تمرکز بر بندر گواتر در بلوچستان پاکستان در حال اجرا است.

اهداف، برنامه ها و اقدامات لازم برای فعال‌سازی و توسعه محور ترانزیت و حمل و نقل شرق کشور

اصلی‌ترین اهدافی که در توسعه محور ترانزیت و حمل نقل شرق کشور باید مورد توجه تصمیم سازان و تصمیم گیران کشور قرار گیرد، به شرح زیر است:

۱ـ افزایش نقش و سهم کشور در ترانزیت کالا و حمل و نقل بین‌المللی و احیای کریدورهای حمل و نقل شرقی (جاده‌ای، ریلی، هوایی)

۲ـ ایجاد هم افزایی منطقه‌ای میان استان‌های شرقی و شمال‌شرقی کشور برای بهره برداری از ظرفیت های مشترک و تبدیل شرق کشور به قطب جدید تولید، انرژی، گردشگری و تجارت.

۳ـ توسعه تجارت مرزی و صادرات به کشورهای همسایه با هماهنگی گمرک ها و مناطق آزاد و حرکت از خام فروشی مواد معدنی به سمت تولید محصولات نهایی و نیمه نهایی با ارزش افزوده به منظور صادرات در مناطق شرق.

٤ـ ارتقای نقش و عملکرد منطقه آزاد چابهار در توسعه ملی و منطقه‌ای و افزایش سهم بندر چابهار در بازرگانی داخلی و خارجی و ترانزیت کالا و تبدیل آن به یک کانون فعال منطقه‌ای.

٥ـ بهره برداری از ظرفیتهای بومی، مرزی و بین المللی (مانند همسایگی با افغانستان، پاکستان، ترکمنستان و دسترسی به آبهای آزاد) به منظور کاهش محرومیت و نابرابری توسعه‌ای در مناطق مرزی و کم برخوردار.

٦ـ تقویت پیوندهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی با کشورهای همجوار شرق و شمال شرقی.

۷ـ تقویت امنیت پایدار و انسجام اجتماعی از طریق توسعه اقتصادی و فرهنگی.

۸ـ ارتقای سطح متوسط درآمد و شاخص‌های توسعه در نواحی شرق کشور.

۹ـ کاهش فعالیت‌های غیررسمی اقتصادی و جلوگیری از قاچاق کالاو مواد مخدر.

۱۰ـ توزیع عادلانه تر امکانات توسعه‌ای از طریق احیای اقتصاد شهرهای مرزی و میانی در نوار شرقی کشور، به عنوان سد های جمعیتی و اقتصادی در برابر مهاجرت.

استان‌های مشمول این طرح، شامل؛ خراسان رضوی، خراسان جنوبی، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، یزد، سمنان و گلستان می باشد. برای رسیدن به اهداف طرح باید برنامه ریزی در دو بخش شامل:

الف) برنامه‌های منطقه‌ای مشترک:

بررسی ظرفیت‌ها و چالش‌های استان‌های واقع در محور شرق و شمال‌شرق ایران نشان می‌دهد که این منطقه، با دارا بودن مزیت‌های منحصربه‌فرد از جمله مرزهای مشترک با کشورهای ترکمنستان، افغانستان، پاکستان، دسترسی به آب‌های آزاد در جنوب و دریای خزر در شمال، استقراره مناطق آزاد تجاری-صنعتی (اینچه برون-سرخس-دوغارون-سیستان-چابهار) و ۸ منطقه ویژه اقتصادی (اترک در گلستان، بجنورد در خراسان شمالی، قوچان، سبزوار، کاشمر و خواف در خراسان رضوی، بیرجند در خراسان جنوبی، میرجاوه در سیستان و بلوچستان) از مزیت ترانزیتی و توسعه‌ای ممتازی برخوردار است؛ لذا تمامی برنامه‌های کلان توسعه ایی باید با در نظر گرفتن تمامی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های مشترک این استان‌ها تدوین گردد. از جمله مزیت‌ها و قابلیت‌های مشترک توسعه‌ای و تکمیلی این استان‌ها که می‌تواند پایه‌ای برای همکاری مشترک تلقی گردد و برنامه‌هایی که همه استان‌ها در آن مشارکت دارند و با هماهنگی اجرا می‌شوند می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود.

۱ـ ارتقای سیاست‌های دیپلماسی منطقه ای

در گام اول، برنامه نیازمند برقرای ارتباط درست و سازنده با کشورهای همجوار منطقه برای تقویت



کریدورهای اقتصادی، ارتباطات فرهنگی، اجتماعی، گردشگری و ... است. استفاده از دیپلماسی فعال منطقه‌ای برای حل مشکلات سیاسی و ایجاد اعتماد متقابل با همسایگان (که زمینه‌ساز همکاری‌های اقتصادی شود)، حضور فعال‌تر در سازمان‌ها و مجامع منطقه‌ای مانند اکو، شانگهای، استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها و استفاده از ظرفیت‌های بین‌المللی که نیاز به سرمایه‌گذاری مستقیم دولت ندارد، توسعه مرزهای شرقی به‌عنوان «پل ارتباطی تمدن‌ها» نه فقط مرز؛ با ایجاد «کریدور فرهنگی و اقتصادی ایران-افغانستان-آسیای مرکزی». نه فقط کالا؛ بلکه تبادل دانشگاهی، فناوری بومی، زبان و فرهنگ بسیار مهم می باشد. در این راستا همکاری فعال دستگاه دیپلماسی کشور با استانداران و وزارتخانه‌های مرتبط در طرح و نیز سفارتخانه‌های مستقر در کشورهای هدف از جمله اقدامات لازم و حیاتی برای توسعه طرح می باشد.

۲ـ رفع مشکل ناترازی برق و توسعه زیرساخت انرژی های تجدید پذیر (خورشیدی، بادی):

اجرای پروژه های مشترک نیروگاه‌های سیکل ترکیبی و احداث نیروگاه‌های کوچک مقیاس منطقه ای و تکمیل شبکه های فوق توزیع برق از جمله افزایش ظرفیت خطوط تبادلی جاجرم ـ علی آباد از ۴۰۰ کیلوولت تک مداره به ۴۰۰ کیلوولت دومداره، احداث خط ۱۳۲ کیلوولت دو مداره باندل دو سیم آشخانه ـ مراوه تپه، احداث خط ۵۰۰ و ۴۰۰ کیلوولت مرز ترکمنستان-آزادشهر ـ کردکوی و احداث خط و پست ۲۳۰ کیلوولت منطقه ویژه اقتصادی اترک در شمال شرق کشور به منظور کمک به جبران ناترازی برق از جمله اقدامهای لازم و حیاتی است که باید سریعا در دستور کار قرار گیرد. توسعه و تولید انرژی‌های نو و تجدیدپذیر به واسطه وجود مناطق بادخیز و آفتابی در استان‌های شمال شرق و شرقی با بهره‌گیری از پتانسیل فوق‌العاده موجود برای توسعه نیروگاه‌های بادی و خورشیدی و استفاده از ظرفیت منابع صندوق توسعه ملی برای متقاضیان و سرمایه‌گذران از جمله این اقدامات هستند.

۳ـ توسعه کشاورزی با ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی و ایجاد زنجیره ارزش با مقیاس منطقه ای:

اگرچه کمبود آب، یک چالش جدی است و باید برنامه جامع مقابله با بحران آب و خشکسالی برای توسعه محور شرق در دستور کار جدی دولت و مجلس قرار گیرد، اما این منطقه در تولید محصولات استراتژیک و منحصر به فردی مانند زعفران (خراسان رضوی به عنوان بزرگترین تولیدکننده در جهان)، زرشک و انگور و خشکبار (خراسان شمالی)، گندم، کلزا و سویا در استان گلستان و ... پیشرو است. ایجاد صنایع تبدیلی و تکمیلی برای این محصولات می‌تواند ارزش افزوده زیادی ایجاد و از مهاجرت روستاییان جلوگیری کند. همچنین تأمین پایدار امنیت غذایی منطقه با استفاده از ظرفیت‌های کشت فرا سرزمینی در کشورهای همسایه (به دلیل کمبود آب) نیز از اقدامات الویت دار است.

٤ـ تبدیل به قطب گردشگری طبیعی، مذهبی و فرهنگی و صنایع دستی و فرهنگ بومی

تنوع و تعدد اقلیم در کشور و بخصوص در استان‌های شرقی (صحرا، جنگل، کوه، دریا و..)، وجود حرم مطهر امام رضا (ع) در مشهد مقدس، مناطق تاریخی در سایر استانهای شرقی از جمله یزد، سواحل بکر مکران و چابهار در جنوب، جنگل های انبوه هیرکانی و پارک ملی گلستان در استان گلستان، در کنار تعدد و تنوع فرهنگ بومی ساکنان مستقر در این کلان منطقه و ارتباطات و اشتراکات قومی و فرهنگی مانند ترکمن‌ها در استان گلستان با کشور ترکمنستان و پیشینه‌های تاریخی و هم زبانی با کشورهایی همچون افغانستان (اشتراکات زبانی و ادبی، میراث ادبی و تاریخی مشترک، اشتراکات فرهنگی و آیینی، قومی و اجتماعی مشترک که رابطه ایران با افغانستان را رابطه‌ای ریشه دار می‌نماید)، تاجیکستان (که به صورت مشترک با ایران مالک و وارث مشترک یکی از غنی‌ترین میراث‌های ادبی جهان هستند و دارای زبان فارسی مشترک، جشن نوروز و پیشینه تاریخی یکپارچه هستند) و ازبکستان (مناطقی همچون سمرقند و بخارا که قلب تمدن فارسی در آسیای مرکزی هستند و به همراه مناطقی از تاجیکستان زادگاه بزرگترین شاعران و دانشمندان فارسی زبان مانند رودکی، ابن سینا، عمرخیام، امیرعلی شیر نوایی و ... بوده است) می‌تواند ضمن توسعه گردشگری داخلی و بین استانی، سالانه میلیون‌ها گردشگر خارجی را حوزه‌های مختلف جذب کند. وجود فرودگاه‌های بین المللی در استان‌های شرقی کشور همچون شهید هاشمی نژاد مشهد و فرودگاه بین المللی گرگان، می‌تواند نقش مهمی در این خصوص داشته باشند.

٥ـ شبکه سازی مراکز نوآوری، دانشگاه‌ها و پارک های علم و فناوری

با توجه به ظرفیت‌های بسیار عظیم علمی و پژوهشی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی دولتی و غیر دولتی، پارک های علم و فناوری و به منظور ارتقای شاخص‌های آموزشی و مهارت آموزی در مناطق مرزی برای کاهش نابرابری و معکوس‌سازی روند مهاجرت نخبگان استفاده از ظرفیت همکاری و تبادل تجربیات دانشگاه‌ها، شرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز فناوری با کشورهای هدف در طرح که جملگی از لحاظ سطح آموزشی و پژوهشی نسبت به ایران در سطح پایین‌تری قرار دارند، می‌توانند اقدامات اثرگذاری در تحقق برنامه داشته باشند. برای کاربست فناوری‌های نوین در حوزه‌های مختلف



اجرایی و تمرکز بر سرمایه‌گذاری در نبوغ و مهارت انسانی بومی با هدف تربیت نخبگان مناطق برای خودکفایی منطقه‌ای و تبادل دستاوردها با کشورهای هدف می توان از ظرفیتهای دانشگاه‌های آزاد اسلامی استانهای مشمول طرح و دانشگاه‌های دولتی و مطرح با قدمت چندین ساله همچون دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشگاه یزد، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان و ... استفاده نمود. زمینه و بسترهای لازم برای جذب دانشجوی خارجی و ایجاد شعب دانشگاه‌های آزاد اسلامی و دولتی در کشورهای هدف مخصوصا کشورهای فارسی زبان مانند افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان (سمرقند و بخارا) و ... وجود دارد.

٦ـ تبدیل زیرساخت‌های پزشکی و درمانی موجود به یک قطب منطقه‌ای

با توجه به ظرفیت‌های بسیار عظیم و پیشرفت‌های چشمگیر کشور در حوزه پزشکی و نیز وجود متخصصین و پزشکان مجرب و بیمارستان‌ها و مراکز آموزشی و درمانی مجهز در کشور می‌توان بهترین استفاده را از آن برای توسعه گردشگری سلامت به منظور ایجاد درآمد ارزی پایدار انجام داد. با توجه به اینکه کشورهای هدف از لحاظ توسعه آموزش پزشکی در سطح پایین‌تری نسبت به ایران قرار دارند و نیز هزینه‌های پایین درمان در کشور، ایران می‌تواند با جذب دانشجو و بیمار از کشورهای هم جوار (مانند افغانستان و آسیای میانه) و ایجاد درآمد ارزی پایدار به عنوان یک هدف جذاب در جذب توریست و گردشگری سلامت و قطب پزشکی منطقه تبدیل گردد. ظرفیت‌های لازم برای جذب دانشجوی خارجی در رشته‌های پزشکی، پیراپزشکی، پرستاری و ... از کشورهای هدف مخصوصا کشورهای فارسی زبان مانند افغانستان و تاجیکستان و ... وجود دارد.

٧ـ تشکیل ائتلاف غیردولتی توسعه شرق

برای این منظور می توان با تشکیل سازمان توسعه پایدار و مشارکتی شرق ایران (سپام شرق) به عنوان یک نهاد عمومی ـ غیردولتی با هدف تسریع توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی مناطق شرق و شمال شرق ایران و استفاده از مشارکت دولت، بخش خصوصی (نمایندگان اتاق های بازرگانی، اتاق های تعاون، خیرین و انجمن‌های صنفی و مدنی فعال و ایرانیان موفق خارج از کشور استان‌های مذکور)، نهادهای مردمی متشکل از نمایندگان: سازمان برنامه و بودجه و وزارتخانه‌های مرتبط (امور اقتصادی و دارایی، راه و شهرسازی، علوم، تحقیقات و فناوری و دیگر نهاد یا سازمان های متولی در مرکز) با نقش مشورتی، نمایندگان استانداری‌های شرق و شمال شرق کشور، نمایندگان بخش خصوصی محلی و ملی، نمایندگان نهادهای مدنی و اقوام محلی یک ائتلاف غیردولتی را برای به هدف رساندن برنامه انجام داد.

٨ـ ایجاد صندوق توسعه شرق کشور برای تأمین مالی پروژه های مشترک

به این منظور، می‌توان با ایجاد صندوق و استفاده از ردیف اعتباری متمرکز در جدول ۹ قانون بودجه کل کشور با عنوان «کمک به توسعه متوازن و پایدار محور شرق و شمال‌شرق کشور» با توجه به تصویب نامه شماره ۲۹۷۳۸/۲۸۵۵۷ مورخ ۱۳۸٤/۰۵/۱۰ هیات محترم وزیران (با اصلاحات بعدی) در خصوص فعال سازی و توسعه محور ترانزیت و حمل و نقل شرق کشور (و پیش بینی منابع مورد نیاز در قالب ردیف متفرقه ۵۰۳٦۳۰ قوانین بودجه سنواتی وقت با عنوان تجهیز و توسعه تأسیسات زیربنایی محور شرق) اقدامات لازم برای تأمین مالی طرح را انجام داد.

٩ـ تشکیل دبیرخانه توسعه شرق کشور

به منظور بررسی و نظارت بر روند اجرای برنامه وجود یک دبیرخانه دائمی و مشترک بین مجلس و دولت می تواند کمک شایانی به تحقق اهداف نماید. دبیرخانه با بررسی و رصد دقیق اقدامات صورت گرفته و ارائه گزاراشات دقیق و کارشناسی شده به مجلس و دولت، می‌تواند نقش نظارت و راهبری طرح را بر عهده داشته باشد. به‌این منظور می‌توان با ایجاد سامانه اطلاعاتی توسعه شرق



برای ثبت، پایش و تحلیل پروژه‌ها رصد لحظه‌ای و به روز از وضعیت اجرای طرح داشت.

در مجموع، محور شرق و شمال‌شرق ایران با ترکیب مزیت‌های طبیعی، ژئوپلتیکی، ترانزیتی و انسانی، ظرفیت منحصربه‌فردی برای تبدیل شدن به قطب بین‌المللی ترانزیت، تولید، انرژی و گردشگری دارد. با استفاده از رویکرد ترکیبی و چند وجهی توسعه (ترکیب نظریه‌های تجارت، صادرات، قطب رشد و توسعه بخشی) و با رفع چالش‌هایی چون محدودیت‌های آبی، زیرساخت ناقص، دسترسی محدود، مسائل امنیتی و فرآیندهای اجرایی، این محور می‌تواند نقش محوری در رشد متوازن و پایدار کشور ایفا کند.

ب) برنامه‌های استانی با هماهنگی منطقه‌ای

برنامه هایی هستند که در هر استان اجرا می شوند که از جمله این برنامه‌ها می تواند توسعه کشاورزی هوشمند در سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی، توسعه صنایع معدنی در کرمان، خراسان شمالی و جنوبی، تقویت گردشگری فرهنگی، مذهبی و توریستی در خراسان رضوی و گلستان، توسعه بنادر و تجارت دریایی در هرمزگان، توسعه صنایع دانش‌بنیان در سمنان و خراسان رضوی باشد. لازم است هرکدام از استان‌های مشمول طرح با هماهنگی، همفکری، خرد جمعی صاحبان خرد و اندیشه، اساتید و نخبگان دانشگاهی، خبرگان دستگاه‌های اجرایی، اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استانی ذیل مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و با همکاری سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان‌ها و سایر دستگاه‌های اجرایی، برنامه‌ها و اقدامات لازم را برای اجرای طرح تدوین نمایند.

اهمیت و جایگاه استان گلستان در توسعه محور شرق

در کنار تمامی فرصت‌های ذکر شده در خصوص شرق کشور، استان گلستان نیز به دلیل ظرفیت‌ها و استعدادهای بالقوه در بخش‌های مختلف می‌تواند نقش مهمی در توسعه محور شرق ایجاد نماید. با تکمیل و بهره برداری از کریدور جاده‌ای شرق خزر (گمداغ- اینچه برون -گنبدکاووس-آزادشهر- شاهرود) در آینده‌ای نزدیک (۲۴۳ کیلومتر از کریدور مذکور در داخل خاک ترکمستان در راستای توافق با وزیر محترمه راه و شهرسازی با عاملیت پیمانکار ایرانی با استفاده از ظرفیت تهاتر گازی در دست اجرا می‌باشد) و توسعه زیرساخت‌های بزرگراهی مانند محور گرگان-بجنورد-مشهد، مشهد-بیرجند-زاهدان با ایجاد جاده ایمن ترانزیتی تا کشور قزاقستان (و عبور از ارتفاعات البرز شرقی بدون نیاز به احداث تونل) و تسهیل در انتقال بارهای ترانزیتی از/به بنادر جنوبی به مرز اینچه برون و بندر امیرآباد در مقایسه با مسیرهای جایگزین ترانزیت جاده‌ای از مسیر کشورهای قزاقستان-ترکمنستان-افغانستان-پاکستان برای دسترسی به آبهای آزاد، ناامنی و عدم توسعه زیرساخت های جاده‌ای در کشورهای مسیر خصوصا افغانستان، فرآیندهای گمرکی، ناهمگونی تعرفه‌ها، روابط سیاسی تیره و ناهماهنگی بین کشورهای مسیر توجیه‌پذیری این کریدور ترانزیتی در محور شمال‌شرق و شرق کشور را در تبادلات تجاری با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز دوچندان می‌نماید.

در کنار این پتانسیل وجود مناطق آزاد تجاری-صنعتی اینچه برون در استان گلستان در کنار ظرفیت‌های مناطق آزاد تجاری-صنعتی سرخس

و دوغارون در استان خراسان رضوی و مناطق آزاد تجاری-صنعتی سیستان و چابهار در استان سیستان و بلوچستان و تکمیل و بهره‌برداری از پروژه ریلی خط آهن چابهار-زاهدان به مشهد و شمال‌شرق ایران (به طول حدود ۶۲۸ کیلومتر با ظرفیت بارگیری ۸/۵ میلیون تن در سال) در آینده‌ای نه چندان دور و افتتاح و بهره‌برداری از راه‌آهن ترکمنستان - اینچه برون-گرگان (ریل دوستی) در سنوات اخیر و نیز شروع عملیات اجرایی و تکمیل بخش‌هایی از راه‌آهن گرگان-بجنورد-اسفراین-جوین-مشهد و محور ریلی جوین-سبزوار-بیرجند-زابل (دارای ۳ مصوبه از شورای اقتصاد برای تأمین منابع و تسهیلات مورد نیاز و تأکید بر اصلاح مسیر اینچه برون - بندرعباس در ماده ۳۶ برنامه جامع سیاست‌های دریا محور) کشور را در موقعیتی استراتژیک برای تبدیل به یک هاب ترانزیتی جهانی قرار خواهد داد.

بدیهی است مناطق آزاد تجاری-صنعتی اینچه برون و چابهار در ابتدا و انتهای این محور، می‌توانند نقش به سزایی در این مهم ایفا نمایند به نحوی که مرز اینچه برون در شمالی‌ترین بخش این کریدور (در داخل کشور) به عنوان درگاه ورودی به کشورهای اوراسیا، پوشش دهنده پهنه شرقی دریای خزر در تبادلات مرزی و ترانزیت کشور (در راستای مفاد قانون برنامه هفتم پیشرفت) و کوتاه‌ترین راه ارتباطی ۷ کشور محصور در خشکی جهت دسترسی به آب‌های آزاد جنوب (با ۱۲۰ میلیون نفر جمعیت، نظیر ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و .... که عمده این کشورها عضو پیمان شانگ‌های هستند) با امکان انتقال بار از چین از طریق خشکی و با نقش پوشش دهنده مخاطرات پسروی دریای خزر بابت بنادری همچون امیرآباد و یکی از امن‌ترین مرزهای کشور در سالیان گذشته و جنگ ۱۲ روزه می‌باشد و به واسطه وجود زیرساخت‌هایی همچون پایانه مرزی باری و مسافری، گمرک، باراندازریلی و ایجاد مرکز لجستیک مرزی (در اجرای سند ملی آمایش سرزمین) می‌تواند نقشی تأثیر گذار در محور شرق داشته باشد. همچنین، در سنوات گذشته از زمان شروع به کار منطقه آزاد تجاری-صنعتی اینچه برون با مساحت ۱۲۵۷۷ هکتار (با قابلیت توسعه تا ۱۰۰ هزار هکتار، به واسطه اراضی آماده و بلامعارض در منطقه برای استقرار صنایع، زیرساخت‌ها، انبارها و مراکز لجستیک) و در سنوات اخیر توانسته با بهره گیری از قرابت قومی و فرهنگی ساکنین منطقه با تجار ترکمنستان در مدت کوتاهی بخشی از پتانسیل‌های مذکور را به فعلیت برساند. به نحوی که در اجرای توافقات انجام شده میان دو کشور ایران و ترکمنستان در سال ۲۰۲۵ (مبنی بر افزایش حجم ترانزیت ریلی به/از مرزها تا ۲۰ میلیون تن- با هدف میانی حدود ۱۶ میلیون تن تا سال ۱۴۰۷ شمسی) منطقه آزاد اینچه برون در سال ۲۰۲۵ مطابق گزارشات رسمی گمرک، با توسعه خطوط ریلی در پایانه مرزی اینچه برون توسط شرکت راه آهن و همچنین استقرار تأسیسات و تجهیزات بارگیری بیش از ۳ میلیون تن ترانزیت ریلی را ثبت کند، که حدود ۶ برابر سال قبل بوده است). بدیهی است، در صورت تحقق الزامات و اقدامات لازم در حوزه گمرکی و ترانزیتی استان گلستان، به شرح ذیل، این استان، می‌تواند جایگاه برجسته‌ای در حوزه ترانزیت و حمل و نقل ایجاد نماید:

۱. توسعه محوطه‌های تخلیه و بارگیری و افزایش سرعت و دقت در عملیات ترانزیتی.

۲. افزایش خطوط ریلی دوگانه (عریض و استاندارد) برای تسهیل انتقال واگن‌ها بین ایران و ترکمنستان و کاهش زمان تعویض بوژی‌ها.

۳. توسعه انبارهای سرپوشیده و سردخانه‌ای جهت نگهداری موقت کالاهای فاسدشدنی و حساس در مسیر ترانزیت و صادرات مجدد.

٤. ایجاد دفتر هماهنگی مشترک مرزی ایران و ترکمنستان با هدف حل سریع اختلافات گمرکی و تسریع در عبور کالاهای ترانزیتی و صادراتی از مرز اینچه برون.

۵. پیشنهاد به سازمان اکو (ECO) برای ثبت و تقویت نقش اینچه‌برون به‌عنوان گلوگاه رسمی و استراتژیک در کریدور بین‌المللی شرق خزر.
۶. توسعه همکاری با گمرکات عضو اتحادیه اوراسیا به منظور تسهیل ترانزیت کالاهای کشورهای آسیای میانه از مسیر ایران و ارتقای جایگاه گمرک اینچه‌برون در شبکه حمل‌ونقل بین‌المللی.
۷. تشویق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در زمینه خدمات حمل‌ونقل، انبارداری و بارگیری با هدف ارتقای ظرفیت لجستیکی و رقابت‌پذیری گمرک.
۸. راه‌اندازی بازارچه مرزی مشترک با ترکمنستان جهت افزایش تعاملات تجاری، تسهیل تردد کامیون‌ها و گسترش نقش اقتصادی مرز اینچه‌برون در منطقه

ظرفیت‌ها و قابلیت‌های استان گلستان

استان گلستان، دارای مساحت ۲۰۴۳۸ کیلومتر مربع است که در شمال کشور و جنوب غربی دریای خزر واقع شده و با کشور ترکمنستان از شمال و با ۳ استان مازندران، سمنان و خراسان شمالی همجوار است. استان رنگین کمان اقوام که قدمتی ۷ هزار ساله دارد. گلستان با سهم ۱/۲۵ درصدی از مساحت کشور رتبه ۲۱ کشور را به خود اختصاص داده است. استان‌گلستان؛ از شمال با کشور ترکمنستان داراي ۳۴۸ کیلومتر مرز خشکی و ۹۰ کیلومتر مرزآبی، از جنوب به استان سمنان، از شرق به استان خراسان شمالی و از غرب به استان مازندران و دریاي خزر محدود می‌شود.

گلستان، براساس برآوردهای جمعیتی در سال ۱۴۰۱ با جمعیت ۲ میلیون نفر، سهم ۲/۳۵ درصدی از کشور و رتبه سیزدهم را در بین استان‌های کشور دارا است. رشد سالانه جمعیت استان گلستان در مناطق شهری و روستایی بسیار متفاوت از یکدیگر و تأمل برانگیز است. این رشد در مناطق شهری چه در دوره ۱۳۸۵_۱۳۹۰ (۱۳/۹۶ درصد)، چه در دوره ۱۳۹۰_۱۳۹۵(۹/۹۳ درصد)، به متوسط رشد جمعیت مناطق شهری کشور نزدیک بوده است (متوسط رشد سالانه جمعیت کشور ۱۱/۱۶ و ۱۰/۲۵ درصد بوده است) در صورتی که در مناطق روستایی این استان، طی دوره های ۱۳۹۰_۱۳۸۵ و ۱۳۹۵_۱۳۹۰ از متوسط رشد جمعیت مناطق روستایی کشور، فاصله بیشتری گرفته است. متوسط رشد سالانه جمعیت روستایی استان، ۶/۲۳ درصد و ۰/۳۴ درصد و متوسط رشد سالانه جمعیت روستایی کشور ۳/۱۰_ و ۳/۱۱_ درصد بوده است. این روند کاهشی، طی دوره های اخیر در منطقه یک نیز مشاهده می شود.

استان گلستان، ۱/۳ درصد از تولید ناخالص داخلی بدون نفت کشور را به خود اختصاص داده است که از این لحاظ در جایگاه ۲۰ در بین استان های کشور قرار دارد. استان گلستان با داشتن ۵/۷۸ درصد از سطح زیر کشت محصولات زراعی آبی کشور و ۵ درصد از سطح زیر کشت محصولات زراعی دیم کشور و در مجموع ۵/۴ درصد از کل کشور، رتبه هفتم را از نظر سطح زیر کشت محصولات زراعی بین سایر استان‌ها به خود اختصاص داده است.

عمده‌ترین معادن در سطح استان يد، سرب و روي، آهن، مس، قلع، تيتانـ ـوم، بوكسيت، لاتريت، تالك، كوارتز، گچ، سنگ آهن، سنگ آهن ساختماني، شن و ماسه، زغال سنگ، نفت و گازو... مي‌باشد. این استان، تولید کننده اصلی «يد» کشور است به نحوی که تنها کارخانه تولیدکننده يد کريستال در کشور (کانسار خزر) در این پهنه از سرزمین قرار دارد.

استان گلستان، در حوزه کشاورزی با سهم ۳۰ درصدی در ایجاد اشتغال و ارزش افزوده ۲۲ درصدی و تولید ۱۰ درصد مواد پروتئینی کشور از استان‌های مهم و برتر محسوب می‌شود. در تولید سویا خاویار، کلزا، آفتابـ ـردان و توتون رتبه اول کشوری را دارد. در تولید گندم، جو و گوشت و مرغ رتبه دوم را داراست. این استان با داشتن رتبه اول تا ششم در ۱۵ محصول اساسی و استراتژیکی همانند کلزا، آفتابگردان، گندم و جو، گوش، برنج و زیتون در تولید ارزش افزوده سهم ۲۲ درصدی دارد و سهم شغل در این بخش عمدتا مشاغل کشاورزی، کارگری و باغداری است و کسب و کار در آن به توسعه صنایع تبدیلی و کشاورزی رونق ندارد.

جدول اطلاعات کلی استان

عنوان	وضعیت کشور در سال ۱۴۰۱	وضعیت استان ۱۴۰۱	رتبه استان
جمعیت (میلیون نفر)	۸۴/۷	۲/۰۲	۱۳
وسعت (کیلومترمربع)	۱۶۴۸۱۹۵	۲۰۴۳۸	۲۱
سهم از تولید ناخالص ملی بدون نفت	۱۰۰	۱/۳	۲۰
سهم استان از ارزش افزوده بخش کشاورزی کشور	۵/۹۹	۳/۳	۱۲
سهم استان از ارزش افزوده بخش صنعت	۲۳/۴۰	۰/۶۴	۲۵
سهم استان از ارزش افزوده بخش معدن کشور	۱۵/۲۷	۰/۵	۲۱
سهم استان از ارزش افزوده بخش خدمات	۵۵/۳۳	۴۹/۹	۱۵
نرخ مشارکت اقتصادی (درصد)	۴۰/۹	۳۷/۶	۲۵
نرخ تورم استان	۴۵/۸	۴۷/۷	۱۷
نرخ بیکاری (درصد)	۹	۸/۸	۱۶
سهم اشتغال در بخش کشاورزی	۱۴/۸	۲۱/۴	۹
سهم اشتغال در بخش صنعت و معدن	۳۳/۶	۲۸/۷	۲۹
سهم اشتغال در بخش خدمات	۵۱/۶	۱/۴۲	۲۰
تعداد کارگاه های صنعتی بالا ۱۰ نفر کارکن	۳۰۴۰۰	۴۳۵	۱۹

۱-کشاورزی و منابع طبیعی

۱ـ قطب امنیت غذایی کشور و تولیدکننده محصولات کشاورزی استراتژیک با بیشترین ایمنی و ارزش غذایی در زمینه محصولات ویژه (گندم، کلزا، سویا، زیتون، دانه های روغنی، پنبه، گیاهان داروئی، گل و گیاهان زینتی، توت فرنگی و...) و با رویکرد تأمین نیاز غذایی داخلی و صادرات به بازارهای هدف در (شهرستان‌های مستعد)

۲ـ قطب تولید محصولات دامی، طیور و آبزیان: گوشت قرمز، گوشت سفید (مرغ)، تخم مرغ، شیر، ماهیان سردآبی، گرم آبی، خاویاری، زینتی، ماهی در قفس و میگو، و خاویار کشور در شهرستان‌های مستعد.

۳ـ برخوردار از جایگاه برتر تولیدات باغی (هلو، آلو قطره طلا، توت فرنگی، کیوی و خرمالو و مرکبات)

۴ـ برخوردار از جنگل های هیرکانی با ثبت جهانی و سایر نقاط ارزشمند طبیعی و زیست محیطی.

۲-صنعت و معدن

۱ـ برخوردار از جایگاه برتر در تولیدات صنایع با فنآوری پیشرفته با تاکید بر صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی (زراعت، شیلات، دام وطیور و سلولزی مانند انواع کاغذ از ضایعات کشاورزی، خمیر و چوب وارداتی، ساخت آلفا سلولز، فرآورده های پنبه، فرآورده‌های

نئوپان و ام دی اف، ساخت برنج غنی شده و کامل از برنج نیم دانه، روغن خام از سبوس برنج، فرآوری و انجماد سبزی، میوه و صیفی (IQF) و قطعات سبک صنایع راه‌آهن و ریلی) و سازگار با محیط زیست با تکنولوژی برتر (HT)

۲ـ برخورداری از صنایع فرآوری و صادرات محصولات معدنی (معادن متنوع صدف کوهی در گنبد کاووس و کلاله، ذغال سنگ، ید در آق قلا، سنگ نسوز، سنگ آهک بوکسیت) و تنها تولید کننده ید در کشور

۳ـ برخوردار از استقرار صنایع بزرگ و ساخت واحد GTP (تبدیل گاز به پروپیلن)،GTPP، پتروشیمی و شیمیایی در منطقه اترک با توجه عبور دو خط لوله گاز سرخس ـ نکا و ترکمنستان از استان در (شهرستان های مستعد)

۵ـ جایگاه ویژه در تولید و صادرات صنایع دستی (سنتی و بومی استان از جمله فرش ترکمن، گلیم و ابریشم).

۳-گردشگری

۱ـ قطب گردشگری جزیره آشوراده و دیوار دفاعی گرگان با عملکرد ملی و بین المللی.

۲ـ دارای قطب‌ها و دهکده‌های توریستی، تفریحی، مذهبی، سیاحتی و تبدیل استان گلستان از یک گذرگاه گردشگران زیارتی و سیاحتی به مقصد گردشگران.

۳ـ دارای جایگاه ویژه‌ای در گردشگری طبیعی، مذهبی، تاریخی، فرهنگی و صنایع دستی:

به علت تنوع اقلیمی در سراسر استان گلستان، (صحرا، جنگل، کوه، دریا و..) وجود مناطق تاریخی و طبیعی مانند جنگل‌های انبوه هیرکانی و پارک ملی گلستان در استان، در کنار تعدد و تنوع فرهنگ بومی ساکنان مستقر در این استان و ارتباطات و اشتراکات قومی و فرهنگی ترکمن‌های استان گلستان، با کشور ترکمنستان و حضور قدیمی و مهاجرین از قزاقستان و ازبکستان در شهر گرگان، استان گلستان، توانسته ضمن توسعه گردشگری داخلی و بین استانی، سالانه گردشگر خارجی را حوزه‌های مختلف جذب کند. وجود فرودگاه بین‌المللی شهدای گرگان و وجود پروازهای بین‌المللی نظیر استانبول، جده عربستان، هفتگی گرگان ـ اکتائو در کشور قزاقستان و نیز هماهنگی و موافقت استانداری و سازمان هواپیمایی کشوری برای برقراری پرواز گرگان ـ سمرقند در ازبکستان از جمله قابلیت‌های استان گلستان در توسعه محور شرق کشور است. ضمن اینکه وجود کریدور ریلی دوستی ایران ـ ترکمنستان و اتوبوس در صورت برقرای ارتباط و رفع مشکل صدور روادید برای اتباع ایرانی توسط کشور ترکمنستان و فعال نمودن پایانه مسافری مرزاینچه برون یکی از اقدامات مؤثر و ارزشمند، در این زمینه خواهد بود که سبب رونق اقتصادی، اجتماعی، گردشگری استان خواهد شد. (در حال حاضر، فقط اتباع ترکمنستانی به داخل کشور تردد می نمایند و اتباع ایرانی این امکان را ندارند.)

٤-بازرگانی

۱ـ منطقه استراتژیک ارتباطی با کشورهای آسیای میانه از طریق مرزهای هوایی، جاده‌ای، ریلی و دریایی.

۲ـ دارای جایگاه ویژه‌ای در توسعه دریا محور و پرورش آبزیان باارزشی همچون میگو هستند، آن هم در بزرگترین سایت پرورش میگو به مساحت ٤ هزار هکتار (فاز اول و قابلیت توسعه تا ۱۰۰۰۰ هکتار در صورت تکمیل و اجرای فاز دوم به مساحت ٦۰۰۰ هکتار)

۳ـ دارای منطقه آزاد تجاری ـ صنعتی ـ گردشگری در اینچه برون با رویکرد گسترش همکاری های صنعتی، معدنی و ترانزیتی با کشورهای آسیای میانه، cis، شانگ‌های و جلب سرمایه گذاری های خارجی.

٤ـ امکان انجام سرمایه‌گذاری‌های مشترک اقتصادی با کشورهای همسایه با هدف توسعه تجارت و افزایش ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی استان در زمینه‌های مانند: ایجاد شهرک و شهر تخصصی صنعتی متالوژی به خصوص سرمایه‌گذاری مشترک با کشور قزاقستان با هدف واردات مواد خام معدنی و فرآوری آن در استان به منظور تأمین فلزات اساسی نظیر فولاد، مس، آلومینیم و... در اینچه برون با توجه به دسترسی به آب دریای خزر و وجود دوخط لوله گاز

۵ـ دارای بندر خشک اینچه برون (مرکز لجستیک مرزی اینچه برون)

٦ـ یکی از مراکز فعال تعاملات اقتصادی فرامرزی و جذب سرمایه گذاری های خارجی در حوزه ترانزیت و صنایع با محوریت شهرک هزار هکتاری اترک، منطقه ویژه، بندر خشک و منطقه آزاد تجاری ـ صنعتی ـ گردشگری

۷ـ امکان سوآپ نفت و گاز، انرژی و غلات

۵-حمل و نقل

۱ـ مراکز نگهداری و ذخیره‌سازی کالا و خدمات شامل انبارهای مکانیزه، سیلوها و سردخانه‌ها، شرکت‌های پخش و مراکز لجستیک در بندر خشک اینچه‌برون

۲ـ دارای جایگاه ویژه در کریدور بین المللی حمل و نقل شمال- جنوب و شرق- غرب به عنوان مبادی اصلی ترانزیتی با کشورهای آسیای میانه، CIS و شانگهای

۳ـ دارای جایگاه استراتژیک در توسعه حمل و نقل ریلی با توجه به افتتاح و بهره‌برداری از راه‌آهن ترکمنستان ـ اینچه برون- گرگان (ریل دوستی)

٤ـ دارای ظرفیت مناسب برای افزایش پروازهای خارجی از طریق فرودگاه بین المللی شهدای گرگان با افتتاح و بهره برداری ترمینال جدید.

٦-آموزشی، اجتماعی و فرهنگی

۱ـ وجود دانشگاه‌ها و مراکز آموزش‌عالی معتبر مانند دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان که در میان برترین دانشگاههای تخصصی کشاورزی و منابع طبیعی کشور و منطقه قرار دارد، دانشگاه گلستان، شش واحد دانشگاه آزاد اسلامی در شهرهای گرگان، علی آباد کتول، آزادشهر، گنبد و بندرگز در کنار سایر دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی و نیز پارک علم و فناوری گلستان ظرفیت مناسبی را برای تبادلات علمی و دانشجویی برای استان ایجاد کرده است به طوریکه پاییز سال ۱٤۰٤، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی گلستان به همراه هیأتی از دانشگاه آزاد اسلامی و گلستان سفری چند روزه به ازبکستان برای رایزنی در خصوص ارتباط‌های علمی و پژوهشی داشتند.

۲ـ تنوع و تعدد قومیت‌ها و فرهنگ‌ها که شامل فارس، ترکمن (۳٤/۲ ٪)، طبری (۳۰/٤ ٪)، سیستانی (۱٤/۹ ٪)، بلوچ (۱۰/۹ ٪)، ترک (۷/۳ ٪) و سایر (۱/۸ ٪) هستند و اشتراکات فرهنگی، تاریخی و سرزمینی قومیت‌های استان گلستان با کشورهای همجوار همچون ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان و ...زمینه را برای تقویت ارتباطات اقتصادی، اجتماعی، گردشگری و ... ایجاد نموده است.



حکمرانی هوشمند پیراشهری؛ تحلیل سناریوهای تاب‌آوری روستاهای استان گلستان در سال جاری (۱۴۰۵) با رویکرد اقتصاد مقاومتی، بازخوانی تطبیقی الگوی الحاق کالبدی روستاهای نصرآباد و گز، بر اساس متدولوژی ارزیابی اثرات زیست‌محیطی



کمال جعفری
مشاور شهرداری‌های شهرستان‌های استان گلستان
عضو کارگروه حکمرانی شهری

شتاب روزافزون توسعه و رشد افقی شهرها طی دهه‌های گذشته، بسیاری از سکونتگاه‌های روستایی پیرامونی را در خود فروبرده و آسیب‌های زیست‌محیطی، کالبدی و اقتصادی جبران‌ناپذیری بر آن‌ها وارد ساخته است. این یادداشت تحلیلی، با تکیه بر یافته‌های پژوهش کمال جعفری و همکاران (۱۳قش) پیرامون الحاق روستاهای استان گلستان به بافت شهری، به تبیین مسئله و آینده‌پژوهی شاخص‌های توسعه روستایی برای سال جاری (۱۴۰۵) در قالب دو سناریوی کلیدی «توسعه رهاشده (ادامه وضع موجود)» و «حکمرانی تاب‌آور و مقاومتی» می‌پردازد.

ارزیابی تطبیقی دو روستای نصرآباد (الحاق‌شده به گرگان) و گز (مستقل) با استفاده از روش ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (EIA) مبتنی بر مدل دکتر مخدوم و فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، نشان می‌دهد که میزان وابستگی بیشتر به شهر، آسیب‌پذیری اقتصادی را به شدت افزایش می‌دهد. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که نمره تاب‌آوری نصرآباد الحاق‌شده برابر با ۰.۴۴- (آسیب‌پذیر شدید) و روستای مستقل گز برابر با ۰.۲۷+ (تاب‌آور مناسب) بوده است [۳۴، ۳۵]. تحلیل سناریوهای سال جاری (۱۴۰۵) نشان می‌دهد در صورت تداوم توسعه رهاشده، نمره نصرآباد به ۰.۶۵- تنزل می‌یابد؛ حال آنکه با اتخاذ ابزارهای نوین حاکمیتی نظیر «انتقال حقوق توسعه (TDR)» و «حوزه‌بندی خوشه‌ای»، پایداری این مناطق محقق خواهد شد. در پایان، بسته‌های سیاستی مشخصی جهت اصلاح قوانین تقسیمات کشوری و ساختار مدیریت اراضی در مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شده است.

۱. مقدمه

توسعه شتابان شهرنشینی و افزایش نرخ مهاجرت‌های روستا-شهری در دهه‌های اخیر، منجر به رشد کالبدی بی‌رویه و گسترش افقی کلان‌شهرها و شهرهای میانی ایران شده است. این پدیده فیزیکی، که نرخ آن بیش از رشد واقعی جمعیت شهری بوده، فاصله‌های فضایی میان شهرها و روستاهای پیرامونی را به حداقل رسانده و در بسیاری از موارد سبب الحاق کالبدی و بلعیده شدن روستاها در دل شهرها گردیده است. به عنوان نمونه، کلان‌شهر گرگان در استان گلستان، با دارا بودن چندین «روستا-شهر» در برخوردهای حاشیه‌ای و مرکزی، مظهر عینی این چالش کالبدی-اداری در سطح استانی به شمار می‌رود.

الحاق روستا به شهر، تنها یک جابجایی ساده در مرزهای اداری نیست؛ بلکه آغازگر یک فرآیند پیچیده تلاقی کالبدی، تعارضات عمیق فرهنگی-اجتماعی و نابرابری‌های شدید فضایی است. روستاهای ادغام‌شده از یک سو کارکردهای زیستی و تولیدی سنتی خود را از دست می‌دهند و از سوی دیگر خدمات شهری استاندارد دریافت نکرده و به بستری برای سکونت غیررسمی، اشتغال کاذب و تشدید جرائم تبدیل می‌شوند. بر این اساس، ارزیابی دقیق علمی از پیامدهای این الحاق‌ها و اتخاذ راهبردهایی مبتنی بر «اقتصاد مقاومتی» جهت ارتقای تاب‌آوری و کاهش وابستگی‌های مخرب، ضرورتی انکارناپذیر در

حکمرانی محلی و استانی است.

۲. چارچوب نظری و مفهومی: تلاقی ارزیابی محیط‌زیستی (EIA) و اقتصاد مقاومتی

ارزیابی اثرات زیست‌محیطی (EIA) به عنوان ابزاری کلیدی در برنامه‌ریزی توسعه پایدار، به پیش‌بینی پیامدهای سیستماتیک طرح‌ها و برنامه‌ها بر روی اجزای فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی محیط زیست می‌پردازد. هرچند محیط زیست ابعاد گوناگونی دارد، این یادداشت با الهام از مدل ارزیابی دکتر مخدوم و بهره‌گیری از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP)، تاکید ویژه‌ای بر جنبه‌های «اقتصادی-محیط‌زیستی» پدیده الحاق دارد. پایداری اقتصادی روستاها مستقیما با حفظ ظرفیت‌های تولیدی زراعی و پویایی بازار کار محلی ارتباط دارد.

در ادبیات حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران، «اقتصاد مقاومتی» به عنوان الگویی جامع، پویا و بومی برای کاهش آسیب‌پذیری و وابستگی به متغیرهای بیرونی تبیین شده است. مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی در سطح جوامع محلی عبارتند از: ۱. مردمی‌سازی اقتصاد و توسعه مشارکت‌های مدنی در تولید ۲. تقویت فرهنگ کار و خلاقیت‌های کارآفرینانه ۳. اصلاح الگوی مصرف و جلوگیری از اسراف منابع ۴. خودکفایی و کاهش وابستگی‌های نهادی به مرکز و ۵. توجه ویژه به اقتصاد دانش‌بنیان در کشاورزی و زنجیره ارزش روستایی . تلفیق این مؤلفه‌ها با شاخص‌های EIA، چارچوب نظری منحصربه‌فردی را برای سنجش میزان تاب‌آوری سکونتگاه‌های روستایی استان گلستان فراهم می‌آورد.

گزاره راهبردی پایدارسازی جوامع پیرامشهری

«اقتصاد محلی، زمانی واجد توان پایداری و مقاومت فوق‌العاده می‌گردد که محوریت آن توده مردم بوده، روش‌های تولید مکانیزه و دانش‌بنیان جایگزین شیوه‌های سنتی و پراتلاف شود و وابستگی یکجانبه جامعه پیرامونی به هسته مادر کاهش یابد.» برگرفته از اسناد و مؤلفه‌های تبیینی ابلاغی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

۳. ارزیابی تجربی و تجزیه و تحلیل یافته‌های پایه (سال ۱۳۹۶)

به منظور درک دقیق تفاوت‌های کالبدی و اقتصادی میان روستاهای الحاق‌شده و روستاهای مستقل، دو نمونه موردی مشخص در استان گلستان با فاصله مکانی متفاوت از مرکز شهری مورد مطالعه عمیق قرار گرفتند: روستای نصرآباد به عنوان مظهر عینی روستای الحاق‌شده به شهر گرگان و روستای گز به عنوان نمونه روستای جدا، مستقل و دور از شهر. این ارزیابی، بر پایه ۱۳ زیرمعیار اقتصادی-محیط‌زیستی استخراج‌شده از اصول اقتصاد مقاومتی انجام پذیرفت که ضرایب اهمیت هر یک، با روش تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) وزن‌دهی شده و نمرات واقعی از ۵- تا ۵+ به آنها اختصاص یافت.

یافته‌های سال پایه (۱۳۹۶) نشان داد که نمره نهایی و جمع جبری شاخص‌های روستای نصرآباد معادل ۰.۴۴- بوده که نشان‌دهنده آسیب‌پذیری شدید اقتصادی-کالبدی پس از الحاق به شهر گرگان است. در مقابل، روستای مستقل گز با کسب نمره مثبت ۰.۲۷+ تفاوت بسیار معناداری را از خود نشان داد. ریشه‌یابی این اختلاف شدید، نشان می‌دهد که روستای نصرآباد، علی‌رغم برخورداری نسبی از برخی امکانات رفاهی و ظاهری شهری، آسیب‌های اساسی زیر را تجربه کرده است.

- تخریب گسترده اراضی زراعی و باغات: میزان اراضی زیر کشت در نصرآباد به دلیل قطعه‌بندی غیرمجاز و سوداگری زمین به شدت کاهش یافته (کسب نمره ۳ در مقابل نمره ۵ گز)

- نفوذ اشتغال کاذب و غیررسمی: با تخریب کشاورزی، بخش عمده‌ای از ساکنان نصرآباد به دست‌فروشی و کارهای فاقد امنیت شغلی در گرگان روی آورده‌اند.

- ناامنی اجتماعی و نرخ وقوع جرم: کسب نمره بحرانی ۵- در شاخص وقوع جرم برای نصرآباد در مقایسه با نمره ۱- برای روستای گز، نشان‌دهنده ناتوانی در مدیریت فرهنگی پس از الحاق کالبدی است.

- افزایش هزینه‌های معیشتی و اجاره‌بها: جریان نفوذ سرمایه شهری باعث گرانی زمین، از دست رفتن مالکیت‌های بومی و افزایش نرخ بیکاری جوانان تحصیل‌کرده در نصرآباد شده است. (نمره بیکاری ۴- در مقابل ۲- گز)

بنابراین، ارزیابی سال ۱۳۹۶ تایید می‌کند که الحاق فیزیکی بدون برنامه‌ریزی جامع حاکمیتی، روستاها را به جوامعی وابسته، مصرف‌گرا و فاقد بنیان‌های مقاومت اقتصادی تبدیل می‌کند که در حاشیه شهرها خدمات دست‌چندم دریافت کرده اما سطح اول معضلات شهری را پذیرا می‌شوند.

٤. تحلیل و سناریوپردازی حاکمیتی توسعه پیراشهری گلستان، در سال جاری (۱۴۰۵)

به منظور ارائه تصویر شفاف و ملموس برای سیاست‌گذاران مرکز پژوهش‌های مجلس و مدیران ارشد استان گلستان، داده‌های پایه ۱۳۹۶ به سال جاری (۱۴۰۵) متناسب با تحولات اخیر کشور و منطقه به‌روزرسانی شده و در قالب دو سناریوی متمایز توسعه ارزیابی شده است.

سناریوی اول؛ توسعه رهاشده (ادامه وضع موجود): در این سناریو، فرض بر ادامه روند گذشته و انفعال نهادهای نظارتی است. با گسترش افقی کلان‌شهر گرگان تا سال جاری (۱۴۰۵)، اراضی کشاورزی نصرآباد نابود شده و بورس‌بازی زمین به روستای گزنیز سرایت کرده است. شاخص وقوع جرم، بیکاری فارغ‌التحصیلان و مشاغل کاذب افزایش یافته و نمره نهایی نصرآباد در سال جاری به رقم فاجعه‌بار ۰.۶۵- سقوط کرده است.

سناریوی دوم؛ حکمرانی تاب‌آور و مقاومتی: در این سناریو، حاکمیت با استفاده از ابزارهای قانونی نوین وارد عمل شده است. اجرای طرح‌های مدیریت راهبردی اراضی کشاورزی، ممنوعیت تغییر کاربری باغات از طریق ابزار انتقال حقوق توسعه (TDR)، حوزه‌بندی خوشه‌ای اراضی پیرامونی، اعمال معافیت‌های مالیاتی زراعی و حمایت مادی از تأسیس هسته‌های دانش‌بنیان روستایی و بازارهای فروش مستقیم محصولات، شاخص‌های کلیدی را متحول ساخته است [۳۸، ۳۹، ۴۰]. تحت این سناریو، نمره نصرآباد در سال جاری (۱۴۰۵) به محدوده مثبت (۰.۱۵+) ارتقا یافته و پایداری روستای گزتضمین شده است. (۰.۴۵+)

جدول۱: تحلیل مقایسه‌ای شاخص‌های تاب‌آوری نصرآباد براساس سناریوهای سال جاری (۱۴۰۵) در مقایسه با سال پایه

ردیف	شاخص‌های اقتصادی- محیط‌زیستی	ضریب	گز۹۶	نصرآباد۹۶	رهاشده ۱۴۰۵	مقاومتی ۱۴۰۵
۱	درآمد ناخالص خانوار	۰.۱۵	۰.۴۵	۰.۷۵	۰.۹۰	۱.۲۰
۲	هزینه معیشتی خانوار	۰.۱۳	۰.۲۶_	۰.۵۲_	۰.۷۸_	۰/۳۹_
۳	نرخ بیکاری و فصلی بودن	۰.۱۲	۰.۲۴_	۰.۴۸_	۰.۶۰_	۰/۲٤_
۴	کودکان کار در خیابان	۰.۰۵	۰.۰۵_	۰.۱۵_	۰.۲۵_	۰/۰۵_
۵	زنان سرپرست خانوار	۰.۰۷	۰.۰۷_	۰.۱۴_	۰.۲۱_	۰/۰۷_
۶	دارای ملک شخصی و مسکن	۰.۰۵	۰.۱۵	۰.۰۵	۰.۰۵	۰/۱۵
۷	مشاغل کاذب و غیررسمی	۰.۰۶	۰.۰٦_	۰.۰۶_	۰.۱۸_	۰/۰٦_
۸	میزان اجاره‌بها	۰.۰۵	۰.۰۵_	۰.۰۵_	۰.۱۵_	۰/۰۵_
۹	شغل‌های موقت و ناپایدار	۰.۰۸	۰.۰۸_	۰.۱۶_	۰.۲۴_	۰/۰۸_
۱۰	شاغلین بخش تولید/ صنایع دستی	۰.۰۷	۰.۳۵	۰.۲۱	۰.۰۷	۰/٤۲
۱۱	اراضی کشاورزی زیر کشت	۰.۰۶	۰.۳۰	۰.۱۸	۰.۰۶	۰/۳٦

۱۲	نرخ وقوع جرم و بزهکاری	۰.۰۵	۰.۰۵_	۰.۲۵_	۰.۳۵_	۰/۱۰_
۱۳	شاغلین با مدرک دانشگاهی	۰.۰۶	۰.۱۸	۰.۱۲_	۰.۱۸_	۰/۲٤
-	جمع جبری نمره تاب‌آوری	۱.۰۰	+۰.۲۷	_۰.۴۴	_۰.۶۵	+۰.۱۵

۵. توصیه‌های راهبردی و بسته‌های سیاستی حکمرانی محلی

به منظور گذار از چالش توسعه رهاشده شهری و تحقق اهداف سناریوی حکمرانی مقاومتی در سال جاری (۱۴۰۵)، بسته‌های سیاستی و پیشنهادات تقنینی زیر جهت بررسی و پیگیری در کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود.

بسته اول: اصلاح قوانین تقسیمات کشوری و نهادینه‌سازی مرزبندی‌های جغرافیایی-اداری اصلاح ماده ۹ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری به منظور تعریف مکانیزم‌های سخت‌گیرانه برای الحاق کالبدی روستاها. الحاق روستا نباید به معنای اضمحلال نهادهای مدیریت بومی و تغییر یکباره ساختار معیشتی باشد. ایجاد نهادهای نظارتی مشترک (مانند شوراهای عالی پیراشهری مشترک میان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) به منظور کنترل ساخت‌وسازها و حوزه‌بندی استراتژیک کاربری اراضی پیراشهری استان گلستان بر اساس متدولوژی مدیریت استراتژیک و برنامه‌ریزی یکپارچه محیط زیست (SPEM) الزامی است.

بسته دوم: به‌کارگیری ابزارهای اقتصادی و حقوقی نوین در حفظ اراضی زراعی

پیشنهاد وضع قانون ویژه «انتقال حقوق توسعه (TDR)» در مجلس شورای اسلامی. بر اساس این ابزار، شهرداری‌ها و مراجع ذی‌ربط توسعه شهری موظف خواهند شد تا در نواحی تحت حفاظت باغات و اراضی مرغوب کشاورزی (همچون جنوب گرگان)، حقوق توسعه مالکان را خریداری و متناسب با آن زمین‌های معادل در جهات مجاز توسعه شهری واگذار نمایند. هم‌زمان، اجرای مشوق‌ها و تخفیف‌های مالیاتی ویژه برای حفظ اراضی کشاورزی پیراشهری و توسعه روش‌های «حوزه‌بندی خوشه‌ای» تراکم مسکونی به منظور نجات فضاهای سبز استان گلستان پیشنهاد می‌شود.

بسته سوم: مردمی‌سازی اقتصاد پیراشهری و ارتقای زنجیره ارزش روستایی.

طراحی برنامه‌های ملی حمایت از تولید داخلی و ترویج کارآفرینی در سکونتگاه‌های در معرض الحاق. تخصیص تسهیلات ویژه جهت تأسیس و رشد شرکت‌های دانش‌بنیان روستایی با تمرکز بر معرفی ابزارآلات و گونه‌های مقاوم کشاورزی و کاهش ضایعات محصولات زراعی. ایجاد بازارهای فروش مستقیم برای حذف واسطه‌گری شهری و نوسازی روش‌های تولیدی سنتی به روش‌های گلخانه‌ای مدرن کم‌هزینه از مهم‌ترین گام‌ها در مسیر تحقق بندهای اصلی اقتصاد مقاومتی در سطح جوامع پیراشهری است.

گرد و غبار در استان گلستان؛ نیازمند برنامه اقدام و مدیریت فرابخشی و مشارکتی



دکتر علی محمدیان بهبهانی
دانشیار گروه مدیریت مناطق بیابانی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، عضو کارگروه کشاورزی اندیشکده حکمرانی و قانون گذاری گلستان

گردوغبار، یکی از مهم‌ترین مخاطرات محیط‌زیستی مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان است که پیامدهای آن فراتر از کاهش دید افقی بوده و می‌تواند کیفیت هوا، سلامت انسان، کشاورزی، منابع آب و خاک، پوشش گیاهی، حمل‌ونقل و فعالیت‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار دهد. در ایران، تنوع منشأ و تفاوت الگوهای زمانی-مکانی رخدادها موجب می‌شود مدیریت گردوغبار نیازمند برنامه‌ریزی متناسب با ویژگی‌های هر منطقه باشد. استان گلستان نمونه‌ای قابل‌توجه از این پیچیدگی است. در کنار مناطق مرطوب و جنگلی جنوب استان، دشت‌های خشک شمالی، اراضی زراعی بایر، مراتع ضعیف، کفه‌های رسی-نمکی، تالاب‌های خشک‌شده و پهنه‌های آبی در معرض کاهش آب، شرایط مناسبی برای تولید و انتشار گردوغبار ایجاد کرده‌اند. از سوی دیگر، مجاورت استان با بیابان‌های ترکمنستان، به‌ویژه منطقه بالکان و صحرای قره‌قوم، احتمال انتقال توده‌های گردوغبار از آسیای مرکزی را افزایش داده است.

چرا گردوغبار در گلستان یک مسئله راهبردی است؟

اهمیت این پدیده را باید هم‌زمان از ابعاد محیط‌زیستی، بهداشتی، اقتصادی و اجتماعی بررسی کرد. گردوغبار از یک سو می‌تواند نشانه تخریب سرزمین باشد و از سوی دیگر با تشدید فرسایش خاک، کاهش پوشش گیاهی و تخریب اکوسیستم‌ها، روند تخریب منابع طبیعی را تقویت کند. افزایش ذرات معلق نیز می‌تواند سلامت جمعیت، به‌ویژه گروه‌های حساس، را تحت تأثیر قرار دهد. تداوم رخدادها همچنین موجب اختلال در کشاورزی، دامداری، حمل‌ونقل، گردشگری و فعالیت‌های اقتصادی شده و آسیب‌پذیری جوامع محلی را افزایش می‌دهد. مهم‌تر از همه، گردوغبار گلستان مسئله‌ای فرابخشی است. کانون‌های داخلی در حوزه‌های مدیریتی منابع طبیعی، محیط‌زیست و جهاد کشاورزی قرار دارند؛ در حالی که پایش و پیش‌بینی به همکاری هواشناسی و دانشگاه‌ها و مدیریت پیامدها به نظام سلامت و مدیریت بحران نیاز دارد.



شکل۱- میدان بسیج گرگان در گرد و غبار

وجود منابع خارجی نیز ضرورت مشارکت دستگاه دیپلماسی و همکاری منطقه‌ای را مطرح می‌کند. بنابراین، مدیریت مؤثر این پدیده نیازمند عبور از رویکرد دستگاه‌محور و واکنشی و حرکت به سمت مدیریت یکپارچه و مشارکتی است.

کانون‌های داخلی گردوغبار در استان



شکل ۲ـ تالاب گمیشان

مطالعات موجود، وجود کانون‌های داخلی قابل‌توجه در گلستان را تأیید می‌کنند. حدود ۱۹۹ هزار هکتار از اراضی استان به‌عنوان کانون‌های داخلی مستعد گردوغبار شناسایی شده و شهرستان‌های گنبدکاووس، گمیشان و آق‌قلا از مناطق مهم آن هستند. همچنین، طی دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۱ مساحت مناطق تحت هشدار حدود ۴۱ هزار هکتار افزایش یافته است. مدل‌سازی فرسایش بادی با شبکه باور بیزی نیز نشان داده است که حدود ۴۸۶ هزار هکتار از استان در طبقه احتمال خطر زیاد فرسایش بادی قرار دارد. این کانون‌ها شامل اراضی فاقد یا دارای پوشش گیاهی ضعیف، مراتع تخریب‌شده، زمین‌های کشاورزی رهاشده، اراضی شور، کفه‌های رسی ـ نمکی، بستر تالاب‌های خشک‌شده و پهنه‌های متاثر از خشکسالی هستند. میزان حساسیت هر کانون تابع ویژگی خاک، رطوبت، پوشش گیاهی، کاربری اراضی و شرایط باد است؛ بنابراین، نمی‌توان برای همه کانون‌ها نسخه مدیریتی یکسانی ارائه کرد.

یکی از اقدامات ضروری، تهیه شناسنامه مدیریتی کانون‌های گردوغبار است. این شناسنامه باید موقعیت، مساحت، شدت فرسایش، ویژگی خاک، پوشش گیاهی، فراوانی تولید گردوغبار، جمعیت و زیرساخت‌های در معرض خطر، دستگاه مسئول، روش احیا، هزینه و اولویت مداخله را مشخص کند. چنین رویکردی می‌تواند مبنای تخصیص اعتبار، تعیین مسئولیت و ارزیابی اثربخشی اقدامات قرار گیرد.

منشأ خارجی گردوغبار؛ ضرورت همکاری فرامرزی

موقعیت گلستان و همجواری آن با ترکمنستان، موجب شده است که بخشی از رخدادهای گردوغبار استان تحت تأثیر مناطق خشک آسیای مرکزی قرار گیرد. شواهد موجود نشان می‌دهد کانون‌های بحرانی ترکمنستان، به‌ویژه منطقه بالکان و صحرای قره‌قوم، در بسیاری از رخدادها نقش مهمی دارند؛ هرچند تعیین سهم منابع خارجی باید برای هر رخداد یا مجموعه رخدادهای مشابه و بر اساس روش‌های علمی انجام شود.

ترکیب تصاویر ماهواره‌ای، شاخص AOD، محصولات Dust RGB، داده‌های هواشناسی و مدل‌های انتقال جوی مانند HYSPLIT می‌تواند برای تعیین مسیر و منشأ احتمالی ذرات استفاده شود. در رخدادهای مهم، آنالیزهای ژئوشیمیایی و کانی‌شناسی نیز می‌توانند شواهد مستقلی برای تفکیک منابع فراهم کنند. حتی اگر سهم منابع داخلی در برخی رخدادها محدود باشد، کاهش همین سهم نیز از نظر کاهش بیماری، اختلال فعالیت‌های اقتصادی، تصادفات و سایر پیامدها ارزشمند است. بنابراین، وجود منشأهای خارجی نباید موجب غفلت از مدیریت کانون‌های داخلی شود. در صورت تأیید

نقش قابل‌توجه منابع خارجی، مسئله از سطح استانی فراتر رفته و به همکاری منطقه‌ای، تبادل داده، پایش مشترک و دیپلماسی زیست‌محیطی نیاز خواهد داشت.

تالاب‌ها، خلیج گرگان و پیوند آب و گردوغبار

وضعیت تالاب‌ها و پهنه‌های آبی استان، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مدیریت گردوغبار است. کاهش سطح آب و خشک‌شدن بخش‌هایی از تالاب گمیشان می‌تواند استعداد اراضی خشک‌شده و حاشیه آن را برای فرسایش بادی افزایش دهد. از این رو، احیای تالاب، تأمین حقابه زیست‌محیطی و پایش مستمر سطح آب و پوشش زمین باید بخشی از برنامه مدیریت گردوغبار باشد.

خلیج گرگان و تالاب‌های شمال استان نیز به دلیل تغییرات ترازآب دریای خزر، کاهش ورود آب و تغییرات هیدرولوژیک در معرض افزایش سطوح خشک‌شده قرار دارند. رسوبات ریزدانه و نمکی این پهنه‌ها در صورت خشک‌شدن و قرار گرفتن در معرض باد می‌توانند به منابع بالقوه گردوغبار تبدیل شوند. ازاین‌رو، برنامه‌های احیای خلیج گرگان و تالاب‌های آلاگل، آلماگل، آجی‌گل و اینچه باید علاوه بر اهداف اکولوژیک، پیامدهای آن بر فرسایش بادی و گردوغبار را نیز در نظر بگیرند. در این چارچوب، تأمین حقابه زیست‌محیطی، مدیریت پایدار منابع آب و جلوگیری از خشک‌شدن پهنه‌های حساس باید در کنار کنترل کانون‌های گردوغبار دنبال شود. یک تالاب سالم با حفظ رطوبت، تثبیت رسوبات و تقویت پوشش گیاهی می‌تواند هم‌زمان از تنوع زیستی حفاظت کرده و خطر تولید گردوغبار را کاهش دهد.

برنامه اقدام جامع، فرابخشی و مشارکتی

پیشنهاد می‌شود برنامه اقدام جامع برای مدیریت پدیده گردوغبار در استان گلستان، براساس ماهیت چندعاملی و فرابخشی این پدیده و در قالب ۶ محور مکمل، تدوین و اجرا شود. این محورها، باید به‌گونه‌ای طراحی شوند که از یک‌سو شناخت علمی منشأ و مسیر انتقال گردوغبار را تقویت کنند و از سوی دیگر، مدیریت کانون‌های داخلی، حفاظت از تالاب‌ها و منابع آب، کاهش آسیب‌پذیری جوامع و توسعه همکاری‌های فرامرزی را پوشش دهند. تحقق این رویکرد مستلزم آن است که اقدامات پژوهشی، اجرایی و مدیریتی در یک چارچوب واحد قرار گرفته و دارای اهداف، متولی، زمان‌بندی، منابع

شکل ۳ـ کویر سنگرتپه



مالی و شاخص‌های ارزیابی مشخص باشند.

محور اول: منشأیابی و شناخت کانون‌ها: تهیه نقشه به‌روز کانون‌های داخلی، شناسایی منابع خارجی، تحلیل رخدادهای شاخص با استفاده از داده‌های هواشناسی، سنجش‌ازدور، Dust RGB، AOD و مدل‌های انتقال جوی و ایجاد پایگاه داده جامع رخدادها ضروری است. مطالعات ژئوشیمیایی و کانی‌شناسی نیز می‌تواند برای افزایش اطمینان از منشأیابی مورد استفاده قرار گیرد. خروجی این محور باید «اطلس منشأ و مسیر انتقال گردوغبار استان گلستان» باشد.

محور دوم: پایش، پیش‌بینی و هشدار سریع: مدیریت مؤثر پدیده گردوغبار نیازمند شبکه پایش مستمر و سامانه هشدار سریع است که بتواند پیش از رسیدن یا هم‌زمان با وقوع آن، اطلاعات لازم را در اختیار دستگاه‌های اجرایی و مردم قرار دهد که در حال حاظر استان گلستان فاقد این شرایط می باشد. توسعه شبکه پایش استان باید از حالت مجموعه‌ای از ایستگاه‌های محدود و مستقل خارج شده و به یک شبکه یکپارچه استانی تبدیل شود. در گام بعدی، لازم است داده‌های ایستگاه‌های زمینی، سنجش‌ازدور ماهواره‌ای، اطلاعات هواشناسی و مدل‌های انتقال و پیش‌بینی جوی در یک بستر اطلاعاتی واحد تجمیع شوند. چنین سامانه‌ای باید علاوه بر پایش لحظه‌ای، امکان پیش‌بینی رخداد، تعیین شدت و گستره احتمالی، صدور هشدار و ارائه توصیه‌های متناسب با سطح خطر به دستگاه‌های مسئول و عموم مردم را فراهم کند.

محور سوم: مدیریت و احیای کانون‌های داخلی: اقدامات باید متناسب با شرایط هر کانون انجام شود و می‌تواند شامل احیای پوشش گیاهی بومی، مدیریت چرا، اصلاح خاک، مدیریت آب، آبخیزداری، تثبیت بیولوژیک، اصلاح الگوی کشت، کشاورزی حفاظتی و ایجاد بادشکن باشد. هم‌زمان، جلوگیری از ایجاد کانون‌های جدید ناشی از تخریب مراتع، تغییر کاربری و مدیریت نادرست منابع آب و اراضی ضروری است.

محور چهارم: مدیریت یکپارچه تالاب‌ها و منابع آب: تعیین و تأمین حقابه زیست‌محیطی، پایش هیدرولوژیک، مدیریت عوامل کاهش آب ورودی و اولویت‌بندی تالاب‌های در معرض خشک‌شدن باید در دستور کار قرار گیرد. تالاب گمیشان لازم است به‌عنوان یک پروژه مشترک ملی-استانی برای احیای اکوسیستم و کاهش خطر گردوغبار مورد توجه قرار گیرد. وضعیت خلیج گرگان نیز به دلیل وابستگی به تراز دریای خزر نیازمند برنامه مستقل و بلندمدت و ویژه است.

محور پنجم: کاهش آسیب‌پذیری و افزایش تاب‌آوری جامعه: از آنجا که کنترل کامل منابع خارجی امکان‌پذیر نیست، باید هم‌زمان میزان مواجهه جامعه با گردوغبار کاهش یابد. ایجاد سامانه هشدار عمومی، تدوین دستورالعمل برای مدارس و مراکز درمانی، آموزش گروه‌های حساس، اطلاع‌رسانی هدفمند و تعیین سطوح اقدام برای روزهای آلوده از جمله اقدامات ضروری است.

محور ششم: همکاری فرامرزی. در رخدادهای دارای منشأ خارجی، همکاری منطقه‌ای از طریق تبادل داده‌های هواشناسی و ماهواره‌ای، پایش مشترک کانون‌ها، توسعه سامانه هشدار زودهنگام و انجام مطالعات مشترک با کشورهای همسایه ضروری است. این همکاری می‌تواند در چارچوب برنامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با مدیریت طوفان‌های ماسه‌ای و گردوغبار و مقابله با بیابان‌زایی و تخریب سرزمین دنبال شود. پیشنهاد می‌شود این موضوع در قالب همکاری بین دولت ها و حتی بصورت مشارکتی در تعامل با برنامه های سازمان ملل متحد مانند چهارچوب پایش سندای برای موضوع طوفانهای گرد و غبار منطقه ای، برنامه تدوین استراتژی منطقه ای برای مدیریت طوفانهای ماسه ای و گرد و غبار در منطقه آسیای میانه و کشورهای آسیا و پاسفیک صورت گیرد.

نتیجه گیری

گردوغبار در استان گلستان یک مسئله تک‌عاملی و صرفا جوی نیست، بلکه حاصل برهم‌کنش عوامل اقلیمی، هیدرولوژیک، اکولوژیک و انسانی است. خشکسالی، کاهش رطوبت خاک، تخریب پوشش گیاهی، تغییر کاربری اراضی، وضعیت تالاب‌ها و منابع آب و شرایط باد در کنار انتقال توده‌های گردوغبار از مناطق خشک آسیای مرکزی، به‌ویژه

ترکمنستان، در شکل‌گیری این پدیده نقش دارند؛ بنابراین، مدیریت آن باید هم‌زمان ابعاد محلی، منطقه‌ای و فرامرزی را دربرگیرد. وجود کانون‌های داخلی در شمال استان نشان می‌دهد که نمی‌توان مسئولیت مدیریت گردوغبار را صرفا متوجه منابع خارجی دانست. مدیریت سرزمین، حفاظت خاک، احیای پوشش گیاهی، اصلاح الگوی استفاده از منابع آب و کنترل فرسایش بادی باید در کنار منشأیابی مستمر دنبال شود تا سهم منابع داخلی و خارجی در هر رخداد بر اساس شواهد علمی تعیین شود. از سوی دیگر، وضعیت تالاب گمیشان، آلاگل، آلماگل و آجی‌گل و همچنین خلیج گرگان نشان می‌دهد که مدیریت گردوغبار ارتباط مستقیمی با سلامت اکوسیستم‌ها و مدیریت منابع آب دارد؛ ازاین‌رو، تأمین حقابه زیست‌محیطی و جلوگیری از خشک‌شدن پهنه‌های آبی را باید بخشی از سیاست پیشگیری و کنترل گردوغبار دانست.

حل پایدار مسئله گردوغبار در گلستان، در توان یک دستگاه یا یک پروژه منفرد نیست و نیازمند حکمرانی فرابخشی، هماهنگ و مبتنی بر شواهد علمی است. به نظر می‌رسد، استانداری باید نقش هماهنگ‌کننده و ناظر عالی را بر عهده داشته باشد؛ دانشگاه‌ها بازوی علمی و ارزیاب اقدامات باشند؛ هواشناسی مسئول پیش‌بینی و هشدار، محیط‌زیست مسئول حفاظت از اکوسیستم‌ها و تالاب‌ها و پایش آلودگی هوا، منابع طبیعی مسئول مدیریت و احیای مراتع، وزارت نیرو مسئول پیگیری حقابه و منابع آب و جهاد کشاورزی مسئول اصلاح مدیریت اراضی و توسعه کشاورزی حفاظتی باشد. دانشگاه علوم پزشکی، مدیریت بحران، جوامع محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌ها نیز باید در کاهش پیامدها و افزایش تاب‌آوری مشارکت کنند و دستگاه دیپلماسی نیز به موازات زمینه همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را فراهم سازد.

بر این اساس، پیشنهاد اصلی این نوشتار تدوین و اجرای «برنامه اقدام جامع، مشارکتی و فرابخشی مدیریت پدیده گردوغبار در استان گلستان» است. هدف نهایی این برنامه نباید صرفا کاهش تعداد روزهای گردوغبار باشد، بلکه باید افزایش تاب‌آوری سرزمین، زیرساخت‌ها و جوامع در برابر گردوغبار، خشکسالی و تغییر اقلیم باشد؛ بنابراین پرسش راهبردی استان، تنها «با گردوغبار چه کنیم؟» نیست، بلکه باید این باشد که «چگونه گلستان را به استانی تاب‌آور در برابر خشکسالی، تغییر اقلیم، تخریب سرزمین و انتقال گردوغبار تبدیل کنیم؟» پاسخ به این پرسش مستلزم عبور از مدیریت بخشی و واکنشی و حرکت به سوی حکمرانی فرابخشی، مشارکتی، پیشگیرانه و مبتنی بر شواهد علمی است.

نقش اقتصاد دریاپایه در توسعه استان گلستان
با تأکید بر تأمین غذا از دریا



دکتر مجید محمدنژاد
مدیر اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان

مقدمه

دریا، منبع سرشاری از مواهب الهی است که بهره‌مندی از منافع آن مستلزم عزم ملی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح و هماهنگی همه جانبه دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با آن خواهد بود. بیش از ۷۱ درصد از سطح کره زمین از آب پوشیده شده است. بیش از ۱ درصد جمعیت فعال جهان به طور مستقیم و در حدود ۳ درصد به صورت غیرمستقیم در بخش اقتصاد دریا شاغل می‌باشند. در حدود ۲/۵ درصد از تولید ناخالص جهان مربوط به اقتصاد دریا بوده و در حدود ۹۰ درصد تجارت بین‌المللی از طریق دریا انجام می‌شود. در مناطق ساحلی بسیاری از کشورها، سهم پهنه دریا از تولید ناخالص ملی بیش از ۱۰ درصد است و این رقم در کشورهای توسعه یافته ساحلی به ۵۰ درصد می رسد و بسیاری از کشورهای جهان سهم عمده ای از تولید ناخالص ملی خود را از دریا تأمین می کنند. در این میان ویتنام و سپس چین با بیش از ۵۰ درصد، در صدر قرار دارند. ایران نیز، حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص ملی خود را از دریا تأمین می کند که با توجه به پتانسیلهای موجود در کشور، رقم پایینی تلقی می گردد.

ایران حدود یک درصد اقتصاد دریایی دنیا را بدون احتساب منابع نفتی و گازی و حدود ۲/۵ درصد را با احتساب این منابع به خود اختصاص داده است. این در حالی است که از نظر پتانسیل موجود در اختیار کشور، ایران از بین ۱۸۴ کشور در رتبه چهلم قرار دارد، در صورتی که از نظر کسب درآمد، وضعیت مطلوبی نداشته و بیشترین فعالیت‌های اقتصادی در عرصه سواحل کشور متمرکز در محدوده شهرهای بزرگ ساحلی است. با توجه به اینکه ایران با داشتن حدود ۵۸۰۰ کیلومتر نوار ساحلی در جنوب و شمال کشور (۴۰ درصد مرزهای کشور)، کشوری دریایی محسوب می شود؛ ولی در میزان استفاده از این نعمت خدادادی چندان موفق نبوده است. بیشترین فعالیت در عرصه سواحل کشور، مربوط به محدوده های شهری و روستایی و تأسیسات بندری و نظامی است که همه اینها حدود ۵ درصد از ظرفیت سواحل کشور را به خود اختصاص داده اند و حدود ۹۵ درصد از این ظرفیت مورد توجه قرار نگرفته است. در حالیکه ایران با سابقه حضور تاریخی در عرصه دریا، توانمندی‌های فنی و سرمایه انسانی غنی می‌تواند اساس توسعه اقتصادی را بر پایه توسعه دریایی بنا کند. همچنین، توجه به صنایع دریایی با توجه به حوزه‌های متنوع از جمله کشتی‌سازی، فراساحل، شیلات، حمل و نقل، نظامی و گردشگری به عنوان یکی از راهبردی‌ترین حوزه‌های صنعتی کشور می‌تواند زمینه‌های رشد و توسعه اقتصادی کشور را فراهم کند. بدین منظور برنامه جامع تحقق سیاست های کلی توسعه دریامحور (تصویب‌نامه شماره ۲۶۹۸۷/ت۶۲۳۳۶هـ مورخ ۱۴۰۳/۲/۱۹ هیئت وزیران(توسط هیئت وزیران در جلسه ۱۴۰۳/۳/۱۲ به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در اجرای ابلاغیه مورخ ۱۴۰۲/۸/۱۶ مقام معظم رهبری در خصوص

سیاست‌های کلی توسعه دریامحور تصویب گردید.

ابلاغ سیاست‌های کلی توسعه دریا محور توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر شهید انقلاب اسلامی، در اجرای بند یک اصل یکصد و دهم قانون اساسی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام، سیاست‌های کلی توسعه دریا محور را برای اقدام به رؤسای قوای سه گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ کردند. براساس این ابلاغیه، قوه مجریه موظف است با کمک مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه و با بسیج دستگاه‌های مسئول، برنامه جامع تحقق این سیاست‌ها را، شامل تقدیم لوایح، تصویب مقررات و اقدامات اجرائی لازم در مهلت ٦ ماهه ارائه کند. متن سیاست‌های کلی توسعه دریا محور بر این نگاه است که دریاها و خصوصا دریاهای آزاد و اقیانوس‌ها از مواهب الهی و ذخایر و منابع سرشاری برای زمینه‌سازی رشد علم و فناوری، افزایش کار و ثروت، تأمین نیازهای حیاتی و تولید اقتدار و بستر مناسبی برای تمدن‌سازی می‌باشند. ایران، با موقعیت ممتاز جغرافیایی و قرارداشتن بین دو دریا و برخورداری از هزاران کیلومتر سواحل و نیز جزایر و ظرفیت‌های فراوان بر زمین مانده، لازم است با حضور مؤثر در ساحل، فراساحل، دریا و اقیانوس و بهره‌گیری از آن به عنوان یک پیشران و محور توسعه کشور، برای احراز جایگاه شایسته منطقه‌ای و جهانی در بهره‌گیری از دریا اقدام کند.

مفهوم و مبانی توسعه اقتصاد دریامحور و اهمیت آن

دو سوم جمعیت کشورهای دنیا در فاصله کمتر از ٦٠ کیلومتری دریاها و آبهای آزاد شکل گرفته‌اند. اصولا تمدن‌ها و شهرنشینی‌ها از این خصیصه در رهگذر تاریخ برخوردار بوده‌اند. حدود ٨٠ کلان شهر و یا شهر بزرگ که اتفاقا قطب اقتصاد و تجارت نیز هستند، در کنار دریاها و آبهای آزاد شکل گرفته‌اند. به مجموعه کلیه فعالیت‌های اقتصادی که در یک منطقه ساحلی رخ می‌دهد و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم به دریا و منابع ناشی از آن وابسته است، اقتصاد دریامحور می‌گویند. اقتصاد دریامحور (Blue Economy) بر استفاده پایدار از منابع دریایی و اقیانوسی برای توسعه اقتصادی تمرکز دارد و در عین حال، اهمیت حفاظت از محیط زیست را نیز در نظر می‌گیرد. کشورهای مختلف جهان، اقداماتی را در راستای توسعه اقتصاد دریامحور نظیر استفاده از منابع انرژی تجدیدپذیر دریایی، آبزی‌پروری پایدار، گردشگری پایدار دریایی، حفاظت از منابع زیستی دریایی، حمل‌ونقل دریایی سبز، مدیریت پسماندهای دریایی و کاهش آلودگی انجام

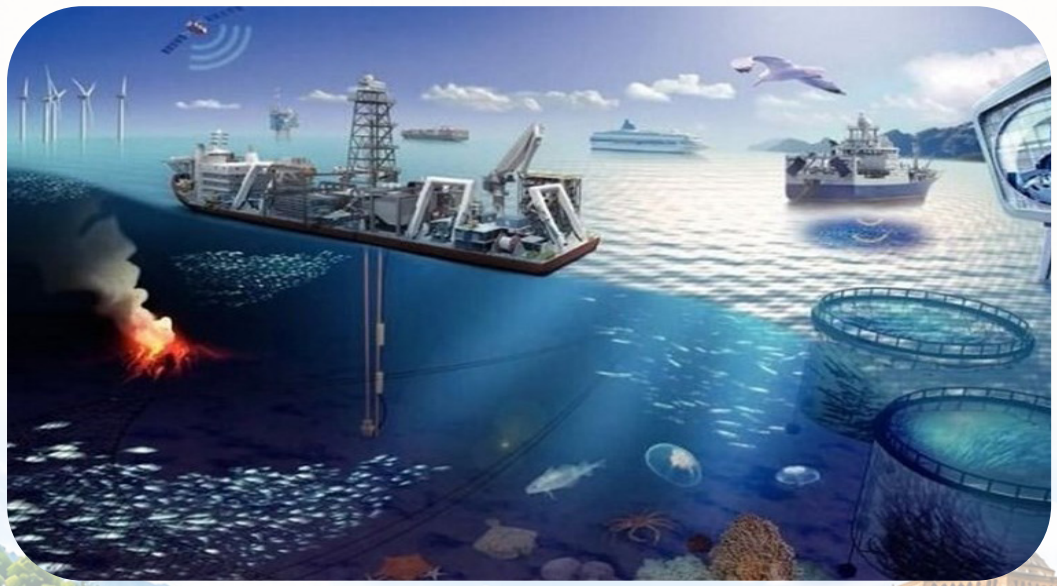

داده‌اند که می‌توانند در راستای توسعه اقتصاد دریا محور و امنیت غذایی در نظر گرفته شود. به‌طور کلی، می‌توان اقتصاد دریامحور را به حوزه‌های متنوعی شامل حمل‌ونقل دریایی، ساخت و تعمیر کشتی، صنایع فراساحل، انرژی‌های تجدیدپذیر، امور دفاعی، تامین مواد و تجهیزات، گردشگری دریایی، شیلات و صنایع وابسته تقسیم کرد. ایران با داشتن سواحل طولانی در شمال و جنوب و منابع غنی نفت و گاز، از جمله کشورهایی است که نمی‌تواند به اقتصاد دریا و صنایع دریایی بی‌تفاوت باشد، چرا که این صنایع با امنیت و اقتصاد ملی در ارتباط تنگاتنگ قرار گرفته است.

معرفی استان گلستان

استان گلستان، در سال ۱۳۷۶ تأسیس شد. این استان در بخش شمالی کشور واقع شده است. از شمال به کشور ترکمنستان با ۴۳۸ کیلومتر مرز خشکی و ۹۰ کیلومتر مرز آبی و از جنوب به استان سمنان، از شرق به استان خراسان شمالی و از غرب به استان مازندران و دریای خزر محدود می‌شود. گلستان قدمت هفت هزار ساله دارد. اقوام گوناگونی در آن زندگی کرده و قوم ترکمن، طبری، سیستانی، بلوچ و ترک جمعیت غالب استان را تشکیل می دهند. استان گلستان از نظر مساحت سهم ۱/۳ درصدی را دارد و رتبه ۲۱ ام را داراست. جمعیت استان بالای ۲ میلیون نفر است. سهم جمعیتی ۲/٤ درصد و رتبه ١٤ کشور را دارد. سالانه ۲۰ هزار نفر به استان مهاجرت می کنند. دارای اشتغال ناقص حدود ۲۰ درصد است و نرخ مشارکت اقتصادی از میانگین کشوری کمتر و دارای رتبه ۲۱ است. سهم مشارکت اقتصادی در بخش کشاورزی و خدمات از بسیاری از استان ها بالاتر است. استان گلستان، در رتبه بندی کلی در پله ۱۸ کشور ایستاده است. وجود دریای خزر، چشمه های آب سرد، رودخانه ها و آب بندان‌ها، اراضی لم یزرع، آبهای نامتعارف و لب شور موجبات پرورش انواع ماهیان گرمابی، سردآبی، ماهیان خاویاری و میگو و از طرفی وجود تعاونی‌های فعال در بخش صید و صیادی نیز صید انواع ماهیان استخوانی و غضروفی از دریا را فراهم نموده است. میزان تولید در بخش شیلات استان گلستان، در سال ۱۴۰۲ در بخش آبزی پروری ۳۰۵۸۲ تن، تولید ماهیان زینتی ۳٤۰۰ هزار قطعه، تکثیر و تولید بچه ماهیان خاویاری و استخوانی ٦۰ میلیون قطعه و صید از دریا ۱۲۰۰ تن بوده است.

مسائل و چالش های اولویت دار فراروی توسعه اقتصاد دریا در استان گلستان

۱ـ عدم برخورداری از بنادر فعال و اسکله‌های صیادی علیرغم وجود سبقه تاریخی تجارت در بندرترکمن و بندرگز (تنها استان ساحلی کشور که فاقد بندر فعال می باشد).

۲ـ عدم استقرار اسکله نظامی، با توجه به حضور فعال نظامی کشورهای همسایه (تنها استان ساحلی فاقد اسکله نظامی و حضور نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران).

۳ـ عدم برخورداری از شیرین‌سازی منابع آبی خزر علیرغم وجود کسری ۵۰۰ میلیون مترمکعبی در منابع مصارف آبی استان.

٤ـ گستردگی فقر در حاشیه شرق و جنوب شرق خزر.

۵ـ عدم برخورداری از انرژی‌های تجدیدپذیر در کسری منابع ـ مصارف برق.

٦ـ عدم وجود زیرساخت‌های مناسب گردشگری در نوار ساحلی و عدم تزریق منابع حاصل از ارزش افزوده این بخش به اقتصاد استان (عدم وجود حتی یک شهرک ساحلی)

۷ـ انباشت رسوبات حاصل از چرخش آبی خزر و از بین رفتن کانال‌های حیاتی مرتبط با خلیج گرگان و قرارگرفتن در مدار خشک شدن و از بین رفتن و خشک شدن خلیج گرگان

۸ـ قرارگرفتن ماهیان خاویاری در مدار آخر انقراض نسل و خروج آن از سبد درآمد ارزی کشور و استان.

۹ـ عدم تعادل بین فرایند ذخایرسازی آبزیان با برداشت‌های مجاز و غیرمجاز صید که باعث کاهش شدید گونه‌های خزری از جمله ماهی سوف و ماش ماهی و .... گردیده است.

۱۰ـ تهدید به نمکی شدن اراضی کشاورزی پیرامونی در استان‌های گلستان و مازندران، ناشی از غبار حاصل از خشک شدن خلیج گرگان.

۱۱ـ عدم بهره‌مندی از اکتشافات و استخراجات نفت و گاز و تأثیر آن در اقتصاد استان.

۱۲ـ عدم فعالیت واحدهای کشتی‌سازی و لنج‌سازی و

سایر صنایع وابسته.
۱۳ـ عدم بهره‌مندی مناسب از تکنولوژی نوین آبزی پروری در دریا نظیر پرورش در قفس و پن.
۱۴ـ عدم وجود پیوند بین شرق و غرب خزر در مسیرهای گردشگری دریایی.
۱۵ـ فرسودگی خطوط ریلی با توجه به گذشت بیش از ۷۰ سال از احداث و ایجاد آنها.
۱۶ـ عدم بهره‌مندی از امکانات مناسب ورزش‌های آبی.
۱۷ـ عدم بهره‌مندی از مواهب گردشگری جزیره آشوراده، بعنوان تنها جزیره ایرانی خزر، علیرغم تأکیدات صورت گرفته در دولت‌های هشتم، نهم، دهم ،یازدهم ،دوازدهم و سیزدهم.
۱۸ـ نادیده گرفتن سواحل شمالی در اقتصاد دریا و ترانزیت در برنامه هفتم توسعه
۱۹ـ بازنگری و اصلاح مطالعات مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی (ICZM) در استان گلستان که تمامی سواحل استان گلستان با کاربری حفاظتی در نظر گرفته شده و امکان توسعه‌ای برای آن وجود ندارد.
۲۰ـ عدم وجود متولی و مدیریت یکپارچه و منسجم برای تدوین، پیگیری، نظارت و تحقق برنامه توسعه اقتصاد دریاپایه در استان و نیز عدم وجود هماهنگی و عدم داشتن برنامه عملیاتی مشخص و مدون دستگاه‌های اجرایی مرتبط برای تحقق اهداف.

قانون گذاری و سیاست گذاری اقتصاد دریامحور

در برنامه هفتم توسعه، تنها در فصل ۱۲ از مواد ۵۶ تا ۶۳ به اقتصاد دریا و ترانزیت پرداخته است که شامل ماده ۵۷ (مدیریت ترانزیت)، ماده ۵۸ (مشوق‌ها و حمایت‌ها)، ماده ۵۹ (زیرساخت)، ماده ۶۰ـ۶۱ـ۶۲ـ ۶۳ (اقتصاد دریامحور) پرداخته است. مواد ۵۶ تا ۶۳ به اقتصاد دریا و ترانزیت پرداخته است که عمدتاً مربوط به سواحل جنوب است، اشاره نشدن به دریای خزر یکی از ضعف‌هایی است که این برنامه دارد. اما با توجه به برنامه جامع تحقق سیاست های کلی توسعه دریامحور توسط هیئت وزیران و در اجرای ابلاغیه مقام معظم رهبری در خصوص سیاست‌های کلی توسعه دریامحور و نیز با توجه به محدودیت منابع و وجود زیرساختهای طبیعی و موجود در استان برای تحقیق این اهداف در استان گلستان، موضوع امنیت غذایی و تأمین غذا در استان می‌تواند به عنوان موضوع اولویت دار در رأس تمام برنامه‌ها قرار گیرد.

حوزه‌های اقتصاد دریامحور

بخش شیلات: ظرفیتهای تولید و تامین غذا از دریا در استان گلستان

برنامه عملیاتی پرورش آبزیان در استان گلستان

بر اساس اطلاعات سالنامه آماری کشور، در سال ۱۴۰۲، مقدار کل صید آبزیان در آب های ساحلی شمال و جنوب کشور بیش از ۷۷۸ هزار تن و تولید آبزی پروری نزدیک به ۶۴۰ هزار تن بوده است. از مقدار کل صید آبزیان، مقدار ۳۷ هزار تن از آبهای شمال و بیش از ۷۴۱ هزار تن از آبهای جنوب برداشت شده است. بررسی و احصای دقیق و جزء به جزء مواد قانونی مرتبط با قانون برنامه هفتم توسعه در ماده ۳۲ فصل ۷: امنیت غذایی و ارتقاء تولید محصولات کشاورزی افزایش بهره‌وری در واحد سطح باید ۵۰ درصد در پایان برنامه باشد و افزایش سهم ارزش افزوده فراوری محصولات کشاورزی از ارزش افزوده، بخش کشاورزی سالانه ۱۰ درصد است و حجم تولید و صید محصولات شیلاتی در استان به ۴۳ هزار تن در پایان برنامه برسد. در پایان برنامه هفتم توسعه (سال ۱۴۰۷) در صورت تحقق الزامات برنامه، سهم تولیدات آبزی پروری دریا محور از حدود ۱۱ درصد به بیش از ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. بر اساس ظرفیت‌های موجود، در حال حاضر، درصد استفاده از آب دریا (شور) برای پرورش میگو و خاویاری در اراضی ساحلی و پرورش ماهی در دریا (قفس/ پن) در حدود ۱۲ درصد و بالای ۳۰۰۰ تن می باشد که باید در پایان برنامه هفتم به بالای ۳۰۰۰۰ تن و سهم ۵۰ درصدی تولیدات آبزی پروری استان از آب دریا برسد. با توجه با شرایط تأمین غذا از دریا با استفاده از آبزی پروری در دو بخش ذیل در استان قابلیت انجام دارد:
۱ـ پرورش آبزیان در خشکی با استفاده از آب دریا: که شامل پرورش میگو و پرورش ماهیان خاویاری در استخرها می‌شود.

۲ـ پـرورش آبزیـان در دریـا: شـامل پـرورش بـه روش قفـس هـای شـناور در دریـا و پـرورش بـه صـورت محیط‌هـای محصـور سـاحلی (پـن) می‌شـود کـه مـی تـوان گونه‌هایـی ماننـد قـزل آلا و ماهیـان خاویـاری را در آن پـرورش داد.

جدول۱: وضعیت تولیدات آبزی پروری کشور و استان گلستان در سال ۱۴۰۲

عنوان	کشور	تن/قطعه	استان	رتبه در کشور
ماهیان گرمابی	۲۶۰۰۰۰	تن	۲۳۸۶۳	٤
سردابی	۲۳۷۰۰۰	تن	۱۱۰۰	۲۳
پرورش ماهی در قفس	۹۸۵۷	تن	۸۰	۹
پرورش ماهیان خاویاری	٤۷۸۷	تن	۱۲٦	٦
پرورش میگو	٤۹۰۰۰	تن	۳۷۱۷	۳
ماهیان زینتی	۳۸۰	میلیون قطعه	۳/۵	۱٤
مجموع آبزی پروری	٦۳۹۹٦٦		۳۰٤۹۷	۵

جدول۲: عملکرد گذشته و پیش بینی وضعیت موجود و سهم و رتبه استان گلستان در شاخص های تولید آبزیان

شرح		واحد	۱۳۹۸	۱٤۰۳	۱٤۰۷
ماهیان گرمابی	تولید	تن	۱۸۳٤۹	۲۵٤٤۷	۲٦٦۰۰
	مساحت	هکتار	٦۰٤۷	۷۷۱۷	۸۱۷٦
	عملکرد در واحد سطح	تن/هکتار	۳	۳/۳	۳/۲۵
ماهیان سردآبی	تولید	تن	۹۵۲	۱۱۹٤	۱۲۲٦
	مساحت	هکتار	۳/۵۳۸	۳/۵۳۹۷	۳/۵۳۹۷
	عملکرد در واحد سطح	کیلوگرم/مترمربع	۲۷	۳٤	۳٤/٦
میگو	تولید	تن	٤۰۵	۳۸۵۰	۸٦۰۰
	مساحت	هکتار	۹۳۷	۱۸۰۰	۲۹۰۰
	عملکرد در واحد سطح	تن	۰/٤	۲/۱۳	۳
ماهی در قفس	تولید	تن	۱۰۰	۱۷۰۰	۵۵۰۰
	مساحت	هکتار	٦/٦	۱۱/۳۳	۳٦/٦٦
	عملکرد در واحد سطح	کیلوگرم/مترمربع	۱۵	۱۵	۱۵

ماهیان خاویاری	تولید	تن	۳۴	۱۶۰	۲۲۰
	مساحت	هکتار	۱/۷	۱/۲	۱/۲
	عملکرد در واحد سطح	کیلوگرم/مترمربع	۲	۱۳/۳	۱۸/۳
ماهی زینتی	تولید	قطعه	۳۲۷۵۰۰۰	۳۶۷۸۰۰۰	۵۲۵۵۰۰۰
	مساحت	مترمربع	۲۱۸۴	۲۱۸۴	۲۱۸۴
جمع	تولید	تن	۱۹۸۴۰	۳۲۳۵۱	۴۲۱۴۶
	مساحت	هکتار	۶۹۹۵/۸	۹۵۸۵/۵	۱۱۱۸۰

وضعیت موجود شاخص های کلان و عملیاتی

ظرفیت های اقتصادی- آبزی پروری دریا محور در استان گلستان

استان گلستان، با داشتن تنوع در زیست بوم و اقلیم و منابع آبی به لحاظ شیلاتی و آبزی پروری جز مستعدترین مناطق در تنوع آبزی‌پروری کشور، است، به نحوی که آبزی پروری ماهیان سردابی- گرمابی- خاویاری و میگو را در آن شاهد هستیم. استان گلستان (مجتمع پرورش میگو گمیشان) اولین و تنها منطقه خارج از نوار ساحلی جنوب کشور بوده که آبزی پروری میگو در مقیاس تجاری در آن صورت می‌گیرد.

جدول ۳: ظرفیت‌های آبزی پروری دریا محور استان گلستان (براساس مطالعات صورت گرفته)

ردیف	موضوع	برآورد و ظرفیت تولید (تن)	برآورد ظرفیت اشتغال مستقیم (نفر)	برآورد ظرفیت اشتغال غیر مستقیم (نفر)
۱	آبزی پروری میگو	بیش از ۲۰ هزار تن	بیش از ۶۰۰۰ نفر	بیش از ۱۰ هزار نفر
۲	پرورش ماهی در دریا (قفس/پن)	بیش از ۸ هزار تن	بیش از ۸۰۰ نفر	بیش از ۱۵۰۰ نفر
۳	پرورش ماهیان خاویاری در اراضی ساحلی	بیش از ۲۰۰۰ تن	بیش از ۴۰۰ نفر	بیش از ۸۰۰ نفر
مجموع		بیش از ۳۰ هزار تن	بیش از ۷۲۰۰ نفر	بیش از ۱۲ هزار نفر

فعالیت‌های و صنایع پیشین و پسین مورد نیاز و با قابلیت سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در مناطق ساحلی و بعضا در پسکرانه و دور از ساحل جهت فعال‌سازی فعالیت‌های آبزی پروری دریا محور (میگو، خاویاری، ماهی در دریا قفس (مانند قزل آلا و پن) عبارتند از: مولدسازی میگو، تکثیر میگو، نرسری میگو، مراکز و کلینیک‌های آزمایشگاهی و دامپزشکی، مراکز ساخت تجهیزات و مونتاژ قفس، مراکز و کارگاه‌های پشتیبان و شناورها تخصصی جهت پرورش ماهی در دریا، مراکز تکثیر و حد واسط پرورش ماهیان خاویاری، مراکز تکثیر و حد واسط ماهی قزل آلا جهت پشتیبانی از پرورش ماهی در دریا (قفس/ پن)، کارخانه‌های تخصصی تولید خوراک آبزیان (میگو- خاویاری- قزل آلا)، مراکز فرآوری آبزیان، مراکز عرضه و فروش آبزیان، پایانه‌های تخصصی و مجموعه‌های صادرات آبزیان، مراکز ارائه دهنده خدمات مشاوره‌ایی، آموزشی و کارشناسی به جامعه بهره بردار و ...

الزامات و پیش نیاز ها جهت تحقق برنامه و اهداف فعالیت‌های آبزی پروری دریا محور

۱ـ به روز رسانی مطالعات قبلی در خصوص ظرفیت‌های آبزی پروری دریا محور (میگو- خاویاری- قفس/پن در دریا)

۲ـ انتخاب مدل های کارآمد در سطوح واگذاری و انتخاب سرمایه گذار (محوریت واگذاری بزرگ مقیاس و مدیریت یکپارچه- مگا پروژه)

۳ـ انتخاب سامانه‌های متناسب آبزی‌پروری جهت توسعه پایدار (منطبق بر اقلیم و ویژگی‌های سرزمینی و با نگاه به مسائل و چالش‌های آینده) به طور مثال، در پرورش میگو سامانه‌های گلخانه‌ایی و پرورش متراکم و با حداقل تعویض آب پیشنهاد می‌گردد- دو دوره پرورش - گونه مونودون و...)

٤ـ حمایت از ایجاد و تامین زیرساخت‌ها (نظیر اسکله تخصصی و سایت پشتیبان برای توسعه پرورش ماهی در دریا- قفس/ پن و ایجاد پست و تامین برق متناسب، سامانه آبگیر جهت فراهم آوردن آب پایدار برای پرورش میگو و کمک به تکثیر میگو و....)

٥ـ حمایت از شکل گیری زنجیره و شبکه تأمین نهاده‌ها و ارزش تولیدات آبزی‌پروری.

٦ـ ایجاد و تعریف پیوست‌های توسعه در مگا پروژه‌ها جهت سرمایه‌گذاری و اشتغال جوامع بومی و محلی و صیادان و ساماندهی و ایجاد کنسرسیوم جهت توانمندسازی فعالیت‌های خرد و کوچک مقیاس جوامع محلی.

پرورش میگو (با تمرکز بر گونه میگوی وانامی)

با توجه به مسائل اقتصادي و اجتماعی مطرح در استان گلستان به صورت عام و مناطق ساحلی این استان به صورت خاص از یکطرف و وجود اراضی ساحلی مناسب براي آبزي پروري، اجراي پروژه کشت میگو در اراضی ساحلی استان گلستان براي رفع بخشی از مسائل این استان مورد توجه سازمان شیلات ایران قرار گرفت. از جمله این مسائل کاهش ذخایر ماهیان و کاهش شدید میزان صید از دریاي خزر، افزایش جمعیت در منطقه و در نتیجه کمبود درآمد مردم براي رفع مایحتاج زندگی و در نهایت توسعه فقر است. این عوامل، موجب شده تا کماکان فشار بر منابع محیطی ادامه یابد و موجب صدمات قابل توجه به دریاي خزر و مناطق ساحلی شود. با توجه به ظرفیت‌هاي آب و خاك در مناطق ساحلی کشت میگو در این منطقه با رعایت ملاحظات زیست محیطی می تواند علاوه بر تامین بخشی از نیازهاي پروتئین منطقه و کشور، عامل مهمی در کاهش فشار بر منابع محیطی از طریق جایگزینی منبع درآمد جامعه محلی نیز باشد. براي این منظور، در فاز اول ٤٠٠٠ هکتار از اراضی واقع در مجاورت دریاي خزر در منطقه گمیشان که ۳۲۰۰ هکتار آن به استخرهاي کشت میگو اختصاص یافت و در فاز دوم ٦٠٠٠ هکتار به عنوان یک پتانسیل مناسب براي پرورش میگو انتخاب گردید.

مجتمع میگوی گمیشان

با ظرفیت تولید ۷۰۰۰ تن میگو در فاز اول یکی از قابلیت های سرمایه گذاری در حوزه صادرات بشمار می رود. در سال ۱٤۰۲ میزان ۳۷۰۰ تن میگوی پرورشی با ارزش ۱۹ میلیون دلار به کشورهایی نظیر عمان صادر گردید. راه اندازی فاز توسعه ایی دوم مجتمع پرورش میگوی گمیشان با مساحت ٦۰۰۰ هکتار و تولید ۱۱۰۰۰ تن میگو یکی از ظرفیت های اقتصادی در حوزه صادرات خواهد بود که در صورت تکمیل زنجیره تولید از تکثیر و تولید لارو تا عمل آوری و بسته بندی و صادرات می تواند به عنوان یکی از بسترهای مهم در حوزه سرمایه گذاری خارجی محسوب گردد. توسعه فاز توسعه‌ایی دو گمیشان بهتر است به لحاظ مدل واگذاری (پیشنهاد واگذاری بزرگ مقیاس ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ هکتار به هر سرمایه گذار) و سامانه پرورشی (بیوفلاک، سامانه متراکم و گلخانه ایی با تعویض آب حداقلی) با شرایط متفاوت از فازیک و با رویکرد های مؤثر و بروز رسانی شده صورت گیرد. مباحثی همچون زیرساخت‌ها نظیر برق، ایجاد سامانه آبگیر و فراهم کردن آب پایدار برای مجتمع، تحقق تکثیر میگو در استان، مباحث پساب و زیست محیطی و... بایستی قبل از هرگونه واگذاری جدید تعیین تکلیف شود. همچنین استفاده از روشهای نوین آبزی پروری و طرح پرورش متراکم میگو در گلخانه از ظرفیت‌های تولید در استان می‌باشد که مستلزم انجام مطالعات

جامع و شناسایی مناطق مستعد در اراضی ساحلی و مناطق دور از ساحل (با استفاده از آبهای غیر متعارف به حمایت دستگاههای مرتبط) ایجاد زیر ساخت، تسهیلات، مساعدت و حمایت در واگذاری اراضی و صدور مجوزهای مربوطه دارد. سیستم بایوفلاک یک سیستم بسته پرورش آبزیان است که مقدار بسیار اندک آب کار می کند. در این سیستم میگو در مخازن بتنی یا ژئوممبرن پرورش می یابد و از پمپهای هواده، پمپهای آب، دستگاه آنالیز آب، لامپهای روشنایی و مخازن متعدد جهت کنترل سیستم استفاده می شود. در بیشتر کشورهای جنوب شرق آسیا و اروپا، این سیستم به عنوان یک سیستم کارآمد با راندمان بالا برای پرورش میگو استفاده می شود. این سیستم به دلیل عدم تعویض آب و استقرار در محیط بسته، از امنیت زیستی بالایی برخوردار است. هر یک از مخازن پرورش در این سیستم به طور مجزا کار می کند و در صورت بروز مشکل در یک مخزن، سایر مخازن درگیر نمی شوند. در این سیستم با مهندسی آبزی پروری، مواد دفعی میگو تبدیل به توده باکتریایی و جلبکی شده که غنی از پروتئین است و مورد مصرف میگو قرار خواهد گرفت. به همین دلیل، در این سیستم از جیره های غذایی با پروتئین پایین استفاده می شود که از لحاظ پایداری صنعت اهمیت زیادی دارد. در واقع مواد فعی که در سیستمهای سنتی باعث آلودگی زیست محیطی می شوند، در سیستم بایوفلاک تبدیل به پروتئین شده و مورد مصرف میگو قرار می گیرند. به این ترتیب میزان مصرف خوراک کنسانتره در دوره پرورش میگو کم می شود. همچنین، تولید در این سیستم به صورت متراکم صورت می پذیرد که نیاز به عرصه های پهناور را کم می کند. میزان تولید در واحد سطح سیستم بایوفلاک به طور متوسط ۳ـ۵ کیلوگرم در متر مربع است، در حالیکه این عدد در سیستم سنتی در استان گلستان حدود ۳۰۰ گرم و در جنوب کشور حدود ۷۰۰ گرم است.

ماهیان خاویاری و خاویار

ماهیان خاویاری، از جمله با ارزش ترین گونه های آبزی دریای خزر، نه تنها از نظر اقتصادی بلکه از لحاظ محیط زیستی نیز اهمیت ویژه ای دارند. بهره برداری از این ماهیان طی قرن ها به عنوان منبع اصلی تولید خاویار در ایران و جهان مطرح بوده است. با این حال، کاهش شدید ذخایر ماهیان خاویاری در طول دهه های اخیر، لزوم بازنگری و بهبود مدیریت بهره برداری از این منابع را ضروری کرده است. ممنوعیت و محدودیت استفاده از نوار ساحلی از



لحاظ زیست محیطی و حریم آبی در سال‌های گذشته مانع استفاده از آب دریا برای توسعه پرورش ماهیان خاویاری در نوار ساحلی استان گردیده است. توسعه ماهیان خاویاری مستلزم انجام مطالعات جامع در اراضی ساحلی و شناسایی مناطق مستعد و ایجاد زیرساخت‌های اولیه نظیر برق و دسترسی به آب پایدار و ارائه تسهیلات متناسب و تسهیل امور مربوط به صدور مجوزها می‌باشد. سیاست اجرایی باید بنحوی اتخاذ شود که در کوتاه ترین زمان ممکن مزارع تولیدی به خاویار پرورشی دست پیدا کند. لذا گونه هایی برای پرورش در اولویت پیشنهاد می گردد که زمان رسیدگی بلوغ جنسی آنها در شرایط آب و هوایی ایران کوتاه تر باشد. از گونه های بومی دریای خزر (فیل ماهی، تاس ماهی ایرانی، تاس ماهی روسی، شیپ، اوزون برون و استرلیاد) و همچنین گونه های هیبرید و غیربومی (بستر، تاس ماهی سیبری و ...) با رعایت الزامات زیست محیطی می توان استفاده نمود. البته گونه اصلی پرورش فیل ماهی در نظر گرفته می شود، زیرا که سرعت رشد بسیار بالایی دارد، خاویار آن گران تر از سایر گونه هاست، مقاومت آن به شرایط بد محیطی بالاتر از سایر گونه هاست و همچنین، در مراحل اولیه زندگی، به راحتی از غذای مصنوعی تغذیه می کند. مزیت تاس ماهی ایرانی این است که در حال حاضر، بیشترین میزان مولیدین صید شده از دریا به این گونه اختصاص دارد. همچنین گوشت آن از فیل ماهی لذیذتر است. ولی این دو گونه سن بلوغ طولانی دارند (۱۰_۱۳ سال). مزیت ازون برون، گوشت بسیار لذیذ آن و سن بلوغ کوتاه (۵_۶ سال) است. تاس ماهی سیبری نیز به دلیل مقاومت مناسب به شرایط بد محیطی و سن بلوغ کوتاه (۵_۶ سال)، مورد توجه است. مزیت استرلیاد این است که کوتاه ترین سن بلوغ (حدود ۳ سال) را در بین ماهیان خاویاری دارد. سن بلوغ این ماهیان، در برگشت سرمایه و سوددهی پرورش نقش بنیادی دارد. در حال حاضر، مناطقی در نوار ساحلی استان گلستان شناسایی گردیده که در صورت واگذاری یکی از بسترهای مهم سرمایه گذاری خارجی و ارزآوری در حوزه تولید گوشت ماهیان خاویاری و تولید خاویار با استفاده از آب دریا می باشد. با حمایت دستگاه‌های ذیربط برای واگذاری عرصه‌های شناسایی شده به سرمایه گذاران داخلی و خارجی و ایجاد زیرساخت‌ها در بخش پرورش ماهیان خاویاری در نوار ساحلی انتظار میرود بتوان بیش از ۱۵۰۰ تن گوشت ماهیان خاویاری و مولد ماهیان خاویاری برای استحصال خاویار تولید کرد که با توجه به این پتانسیل در حال حاضر میزان تولید در استان بسیار پایین می باشد.

پرورش ماهی در دریا

مزایای آبزی پروری دریایی (پرورش ماهی در پن و قفس)

پرورش ماهی در دریا، به عنوان یک پروژه شاخص در دنیای آبزی پروری مورد توجه قرار گرفته است. کاهش شدید منابع آبی موجب گردید تا امروزه فعالیت‌های آبزی پروری با استفاده از آب دریا در محیط قفس و پن و پشتیبانی دریایی بسیار مورد توجه قرار گیرد. وجود مناطق ساحلی کم عمق با میانگین عمق ۵_۱۰ متر، بستر بسیار مناسب برای پرورش به شیوه Pen Culture (پن کالچر: پرورش ماهی در محیط محصور) می باشد. مطالعه و شناسایی حدود ۸۸۰ هکتار پهنه آبی استان گلستان در سه منطقه شمال آشوراده و خواجه نفس با ظرفیت ۸۰۰۰ تن پرورش ماهی در محیط محصور در مناطق کم عمق و پرورش گونه های بومی مانند آزاد ماهیان خزر، کپور دریایی و ماهیان خاویاری یکی دیگر از زمینه های سرمایه گذاری و تولید آبزیان با ارزش صادراتی می باشد.

پرورش ماهیان خاویاری در پن/قفس

با در نظر گرفتن تمامی معیارهای مدنظر در طرح امکان سنجی پرورش ماهی خاویاری در قفس/پن و در نظر گرفتن محدوده‌های مناسب هر یک از آن‌ها، مناسب‌ترین مکان‌ها به منظور پرورش بچه ماهیان خاویاری در پن در سواحل جنوب شرقی دریای خزر شناسایی گردید.

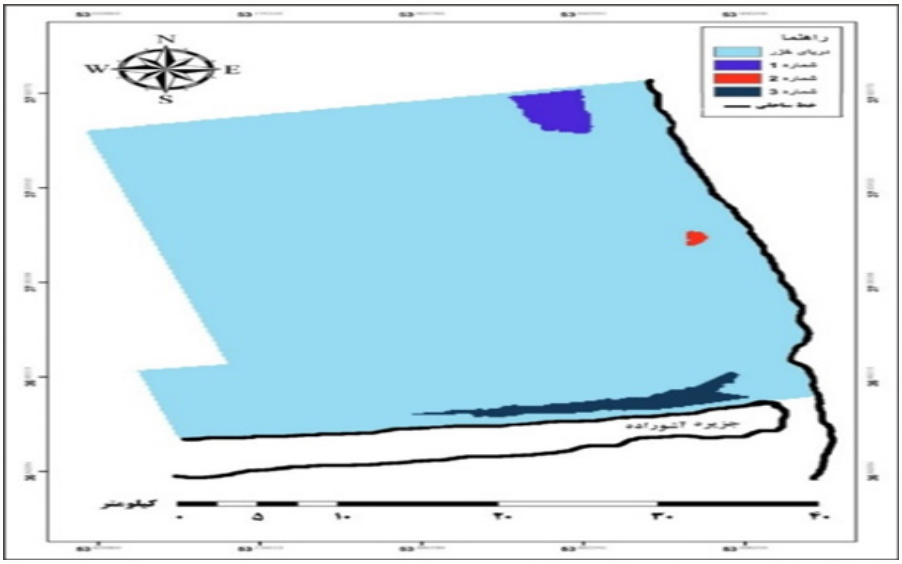

شکل۱ـ نقشه مکان های مطلوب برای پرورش بچه ماهیان خاویاری در پن در سواحل جنوب شرقی دریای خزر

در شکل ۱، سه محدوده که مطلوب‌ترین نقاط برای پرورش ماهیان خاویاری در پن‌ها نمایان شده است. به طوری حداقل مساحت مطلوب برای پرورش بچه ماهیان خاویاری در پن‌ها، ۱۰۰ هکتار تعیین گردید و حداقل مطلوبیت نیز در این پروژه ۷۸ درصد در نظر گرفته شد. در نهایت لکه شماره۱ در مجاورت بخش شمالی خط ساحلی استان گلستان (نزدیک به مراکز پرورش میگو گمیشان) با مساحت ۱۶۹۱ هکتار، لکه شماره۲ در نزدیکی محدوده سواحل شهر گمیشان معادل با ۱۵۶ هکتار و لکه شماره۳ در مجاورت سواحل جزیره آشوراده و سواحل بندر ترکمن با ۲۴۸۴ هکتار که برای اجرای این پروژه بالاترین میزان مطلوبیت را داشتند، مکان‌یابی شدند. در واقع این ۳ لکه متفاوت در طول خط ساحلی استان گلستان، نتیجه نهایی و حاصل برآیند محدوده‌های مطلوب پارامترهایی است که با روی هم قرار گرفتن و تلفیق لایه‌های فازی شده هر کدام از آن‌ها به دست آمده است و می‌توان از پتانسیل و امکانات موجود در هریک از این نقاط برای استقرار پن‌ها با هدف پرورش بچه ماهیان خاویاری بهره برد. با توجه به این یافته‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که اجرای پروژه پرورش بچه ماهیان خاویاری در سواحل جنوب شرقی دریای خزر، با رعایت ملاحظات زیست‌محیطی و پایش مستمر، نه تنها امکان‌پذیر است بلکه می‌تواند به‌عنوان یک فرصت اقتصادی پایدار برای منطقه محسوب شود.

پرورش ماهی در قفس

بررسی محققان جهان، نشان می‌دهد که پرورش ماهی در قفس از بسیاری جهات نسبت به پرورش ماهیان در سیستم های دیگر برتری دارد. منظور از قفس بخشی از آب دریا، آب پشت سد و غیره است که از اطراف و کف توسط ابزارهای مختلفی مثل توری با چشمه های مختلف محصور می گردد و در آن ماهی پرورش داده می شود. پرورش ماهی در قفس به دلایل مختلف از قبیل وجود فن آوری لازم در کشور برای پرورش ماهی در قفس، سهولت ساخت و نصب آن، امکان جابه جایی مزارع، نیاز به سرمایه گذاری اولیه و ثابت کمتر نسبت به استخرهای مصنوعی و بازگشت سریع سرمایه، امکان ایجاد اشتغال برای بخش وسیعی از مردم می تواند نقش مهمی در افزایش تولید ملی آبزیان داشته باشد. استفاده از منابع آبي دريا بجاي زمينهاي كشاورزي و ساحلي و محدوديت تملكي آنها، عدم مصرف آبشيرين منطقه و جلوگيري از ورود پساب پرورشی به منابع آب شیرین، کمتر بودن عوامل بیماریزا در آب شور نسبت به آب شیرین، عدم نیاز به توقف در پرورش دورهاي و عمليات پالايش، سهولت امکان انتقال

قفس به محیط جدید در صورت ضرورت (آلودگي و ..)، پرورش و استحصال ماهیان پرورشی، کاهش تجمع آلودگی در محیط پرورش به دلیل جریان دائمی آب، (آلودگي از ضایعات غذادهي و فضولات ماهیان پرورشي کاهش یافته و به صورت طبیعي پالایش و مورد استفاده آبزیان خارج از قفس قرار میگیرد)، تنوع در روش پرورش متراکم و نیمه متراکم، تنوع در سامانه های پرورش توام و تکگونهای، سهولت در نظارت و رسیدگی طی دوره پرورش به لحاظ رشد و تغذیه، امکان ایجاد شرایط مطلوب پرورشی با کاهش استرسهای محیطی، تنوع در سازههای آبی مورد استفاده بر اساس شرایط محیطي منطقه و گونه پرورشي، حل مشکلات اجتماعي و کمك به کاهش صید غیرمجاز با افزایش توان اقتصادي ساحلنشینان نیز از سایر مزایای پرورش در قفس می باشد. بنابراین با توجه به موارد فوق الذکر، در صنعت پرورش ماهی در قفس، کاهش هزینه تولید نسبت به پرورش ماهی در مزارع خشکی و همچنین کاهش میزان سرمایه گذاری به ازاء هر کیلوگرم در دریا نسبت به خشکی مورد انتظار است. این مهم زمانی به تحقق می پیوندد که نهادههای اولیه تولید در پرورش ماهی در قفس بومی سازی شود. قابل ذکر است که اجرای چنین طرح هائی در کشور، ضامن سرمایه گذاری و توسعه پایدار است.

معرفی ماهی قزل آلای رنگین کمان برای پرورش در قفس

ماهی قزل آلای رنگین کمان، از نوع ماهیان سردابی و از مهمترین گونه های خانواده آزادماهیان محسوب می گردد. این ماهی در انتخاب غذا زیاد سخت گیر نیست و از سرعت رشد خوبی نیز برخوردار است. قزل آلای رنگین کمان در مقابل تغییرات درجه حرارت آب و اکسیژن محلول در آب به مانند سایر آزاد ماهیان زیاد حساس نیست. دمای مناسب آب برای پرورش آن ۱۸/۵ ـ ۱۲/۵ درجه سانتی گراد است و در محدوده دمایی ۲۰ـ۱۰ درجه سانتی گراد به خوبی رشد می کند. یکی دیگر از خصوصیات مهم این ماهی، سازش خوب آن با شرایط پرورش متراکم است و شرایط پرورش در محیط قفس را بخوبی تحمل می کند. این ماهی معمولا در اندازه ۲۰ ـ ۱۵ سانتی متر (انگشت قد) برای ذخیره سازی در قفس توصیه می شود و در پایان دوره پرورش، معمولا به ۱۰۰۰ گرم (بسته به شرایط دمایی و غذائی منطقه) می رسد. شروع دوره پرورش با دمای ۱۸/۵ درجه سانتی گراد در قفس ها آغاز می گردد و در دمای ۲۱ درجه سانتی گراد به پایان می رسد. تراکم ذخیره سازی این ماهی در قفس ها ۳۰ تا ۶۰ عدد در متر مکعب بسته به وزن زمان برداشت ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ گرم (با تولید ۷ کیلوگرم در متر مکعب) است.

ناترازی برق گلستان؛ گذار از بحران به فرصت با حکمرانی هوشمند



هادی رئیسی
رئیس کارگروه انرژی اندیشکده حکمرانی و قانون‌گذاری

استان گلستان، با وجود برخورداری از اقلیمی چهارفصل و منابع طبیعی بکر، این روزها با یک پارادوکس جدی در حوزه انرژی روبه‌روست. از یک سو، ناترازی ۴۲ درصدی در اوج بار تابستان و وابستگی ۵۷ درصدی به واردات برق از استان‌های همجوار، زنگ خطر امنیت انرژی منطقه را به صدا درآورده است. از سوی دیگر، ظرفیت‌های عظیم و دست‌نخورده‌ای در دل کویر، وزش بادهای شمالی و مزارع کشاورزی این استان نهفته است که می‌تواند نه‌تنها ناترازی را جبران، که گلستان را به قطب صادرات انرژی پاک در شمال کشور تبدیل کند. کلید تحقق این گذار، اما در اتخاذ رویکردی حکمرانانه و فراتر از راه‌حل‌های فنی صرف است.

بحران در اعداد؛ روایتی از تقاضای فزاینده و تولید وابسته

آمارهای مستند شرکت توانیر و برق منطقه‌ای مازندران و گلستان در سال ۱۴۰۴، تصویر روشنی از این ناترازی ترسیم می‌کند. مجموع ظرفیت نصب‌شده نیروگاهی استان (۱۰۶۴ مگاوات) در شرایط اوج تقاضای ۱۸۵۰ مگاواتی، پاسخگوی نیاز نیست. افزون بر محدودیت مقداری، ضریب بهره‌برداری مؤثر نیروگاه‌ها به ۵۳ درصد رسیده که عمدتاً ناشی از محدودیت سوخت‌رسانی گاز در زمستان و خروج‌های تعمیراتی است. در چنین شرایطی، کسری ۷۸۶ مگاواتی در لحظات اوج بار و دریافت ۵۲۰ گیگاوات‌ساعت انرژی از شبکه سراسری، گلستان را به یکی از آسیب‌پذیرترین نقاط کشور از منظر امنیت انرژی بدل کرده است. این وابستگی در شرایط پس از بحران‌های منطقه‌ای، می‌تواند به یک گلوگاه راهبردی برای کل شبکه شمال کشور تبدیل شود.

ظرفیت مغفول؛ موهبتی به نام تجدیدپذیر

نکته امیدوارکننده، پتانسیل خارق‌العاده ۱۶۳۰ مگاواتی انرژی‌های پاک در استان است که متأسفانه تاکنون در سایه غفلت حکمرانی، زمین‌گیر مانده است. میانگین تابش ۵.۲ کیلووات‌ساعت بر مترمربع در روز و بیش از ۳۰۰ روز آفتابی، ظرفیت نصب ۱۰۰۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی را فراهم کرده است. در نوار شمالی، وزش باد با سرعت ۶ تا ۷ متر بر ثانیه در ارتفاع ۸۰ متری، پتانسیل ۵۰۰ مگاوات انرژی بادی را نوید می‌دهد. همچنین سالانه ۱.۲ میلیون تن پسماند کشاورزی و فضولات دامی، خوراک مناسبی برای ۱۰۰ مگاوات انرژی زیست‌توده است. جالب آنکه مجموع این پتانسیل، بیش از دو برابر کسری کنونی تولید است و در صورت بهره‌برداری هوشمندانه، استان را از یک واردکننده به صادرکننده برق تبدیل خواهد کرد. اما سؤال اینجاست که چرا این ظرفیت تاکنون به سبد انرژی استان اضافه نشده است؟ پاسخ را باید در نبود ساختارهای حکمرانی تسهیل‌گر جست.

عرضه پایدار؛ از پشت بام تا بیابان

مسیر توسعه عرضه، نیازمند یک بسته قانونی منسجم است. پیشنهاد اول، اصلاح مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان و اجباری کردن نصب سامانه‌های خورشیدی بامی برای تمام ساختمان‌های جدید اداری، تجاری و واحدهای صنعتی با تقاضای بالای ۵۰ کیلووات است. این سیاست که در بسیاری از کشورهای پیشرو به یک هنجار تبدیل شده، می‌تواند بدون نیاز به زمین‌خواری جدید، بخش قابل‌توجهی از بار پیک را مدیریت کند.

پیشنهاد دوم، ایجاد «صندوق توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر استان گلستان» با مشارکت استانداری، بخش خصوصی و اعتبارات ملی است. این صندوق می‌تواند با ارائه تسهیلات کم‌بهره، به‌ویژه برای اقشار کم‌برخوردار، عدالت در دسترسی به انرژی پاک را نیز محقق کند. در کنار آن، واگذاری اراضی ملی با کاربری نامرغوب (بیابان‌های شمال و حاشیه تالاب‌ها) برای احداث مزارع خورشیدی و بادی با قراردادهای خرید تضمینی بلندمدت، مشوقی جدی برای ورود سرمایه‌گذاران خواهد بود.

مدیریت تقاضا؛ جایی که هر مگاوات طلاست

در سمت تقاضا، بخش کشاورزی با سهم ۲۸ درصدی، بیشترین ظرفیت را برای مدیریت بار دارد. تعویض الکتروپمپ‌های فرسوده و نصب اینورترهای کنترل‌کننده دور در این بخش، به‌تنهایی می‌تواند تا ۲۰۰ مگاوات از اوج بار تابستان بکاهد. این هدف با تخصیص یارانه هوشمند و مشارکت جهاد کشاورزی کاملاً شدنی است.

همچنین نصب کنتورهای هوشمند و اجرای برنامه‌های پاسخ‌گویی بار (Demand Response) برای مشترکان صنعتی و کشاورزی، همراه با تعرفه‌های تشویقی برای انتقال مصرف به ساعات غیراوج، می‌تواند الگوی مصرف را اصلاح کند. در حوزه ساختمان، الزام به رتبه انرژی B و بالاتر در پروانه‌های جدید ساختمانی و اعطای تخفیف عوارض برای نوسازی تأسیسات سرمایشی، گامی مؤثر در کاهش شدت انرژی است.

حلقه گمشده؛ حکمرانی یکپارچه و تسهیل قوانین

پیچیده‌ترین بخش ماجرا، اما به ساختار حکمرانی بازمی‌گردد. تشکیل «شورای راهبری انرژی استان» به ریاست استاندار و دبیری شرکت توزیع برق، می‌تواند خلا نهاد متولی یکپارچه را پر کند. این شورا باید مأموریت تلفیق سیاست‌های انرژی با آمایش سرزمین و پایش مستمر ناترازی را بر عهده داشته باشد.

اما مهم‌تر از آن، اصلاح قوانین ملی با محوریت استان است. پیشنهاد می‌شود تبصره‌ای به قانون بودجه سنواتی الحاق شود که وزارت نیرو را به خرید تضمینی ۱۰۰۰ مگاوات برق تجدیدپذیر از استان گلستان تا افق ۱۴۱۰ ملزم کند. در کنار این مشوق ملی، تسهیل فرآیند صدور مجوزها از طریق ایجاد «پنجره واحد سرمایه‌گذاری انرژی پاک» و کاهش زمان مجوزدهی به کمتر از ۴۵ روز، می‌تواند گره‌گشای بسیاری از پروژه‌های معطل‌مانده باشد.

جمع‌بندی؛ عزمی فراتر از یک دستگاه

گلستان امروز در چهارراهی تاریخی قرار دارد؛ ادامه روند فعلی به معنای تداوم وابستگی و تشدید خاموشی‌های اجتناب‌ناپذیر است، و انتخاب مسیر حکمرانی مؤثر، به معنای تبدیل تهدید به فرصتی طلایی برای جهش اقتصادی و زیست‌محیطی. گذار به انرژی‌های پاک در این استان، یک پروژه صرفاً عمرانی یا مالی نیست، بلکه آزمونی برای بلوغ حکمرانی قانون‌محور و مشارکت‌پذیر در کشور است.

تحلیل راهبردی جامعه بلوچ در استان گلستان: همگرایی، امنیت و توسعه



مهندس عبدالهادی فروغیان
عضو کارگروه اجتماعی اندیشکده حکمرانی استان گلستان،
مدیر مسئول فصلنامه فرهنگی اجتماعی

مقدمه

این یادداشت، تحلیلی عمیق از وضعیت جامعه بلوچ ساکن در استان گلستان، با تمرکز بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی ارائه می‌دهد. هدف، شناسایی تهدیدات، فرصت‌ها و ارائه راهکارهای استراتژیک برای همگرایی این قوم با نظام جمهوری اسلامی و ارتقای امنیت پایدار در منطقه است.

۱. شناخت جامعه هدف: بلوچ‌های گلستان

جامعه بلوچ در استان گلستان (عمدتا در شهرستان‌های کلاله، گنبدکاووس و مراوه‌تپه) از دهه‌های گذشته به دلایل مختلف (اقلیمی، اقتصادی، امنیتی) از سیستان و بلوچستان به این منطقه مهاجرت کرده‌اند. این جامعه، دارای ویژگی‌های هویتی، اقتصادی و اجتماعی خاص خود است که درک آن‌ها برای تدوین راهبرد ضروری است.

۱.۱. ابعاد چهارگانه وضعیت:

-اقتصادی

غالب فعالیت‌ها در حوزه کشاورزی، دامداری، حمل‌ونقل و مشاغل خرد معیشتی است. وابستگی به زمین و معیشت سنتی، شاخصه اصلی است.

-اجتماعی

ساختار طایفه‌ای قوی، پایبندی به سنت‌ها، زبان و مذهب (اهل سنت) عناصر کلیدی هویت اجتماعی آن‌ها است. استقرار در مناطق روستایی یا حاشیه شهرها، گاه منجر به احساس «حاشیه‌نشینی اقتصادی» می‌شود.

-سیاسی

مطالبات عمدتا «هویتی» و «محدود به رفع تبعیض» است. گرایش سیاسی پیچیده نبوده و بیشتر بر مبنای «نیاز و کارآمدی» شکل می‌گیرد.

-امنیتی

به دلیل پیوند مذهبی و خویشاوندی با بلوچ‌های سیستان و بلوچستان، آسیب‌پذیری در برابر القائات جریان‌های رادیکال وجود دارد. با این حال، ساختار اجتماعی مبتنی بر اشتغال و پیوند با بوم منطقه، عموماً «ثبات‌طلب» و «امنیت‌محور» است.

۱.۲. پیوند با بلوچ‌های سیستان و بلوچستان

-اجتماعی/عاطفی

پیوندهای خویشاوندی عمیق، باعث انتقال مستقیمِ تحولات روانی و اجتماعی جنوب شرق به شمال می‌شود.

-اقتصادی

تبادلات تجاری خرد و کمک‌های معیشتی خانوادگی.

-امنیتی

یک «کانون آسیب‌پذیری بالقوه»؛ هرگونه تنش در جنوب شرق، می‌تواند بر هیجانات این جامعه نیز تأثیر بگذارد.

۲. تحلیل تهدیدات و فرصت‌ها (از منظر امنیتی)

درک این جامعه به عنوان یک «پدیده امنیتی» نیازمند نگاهی فراتر از صرف جمعیت‌شناسی است:

۲.۱. تهدیدات پنهان:

-گسل هویت مضاعف

احساس تعلق همزمان به دو جغرافیای متمایز (سنتی/مهاجر) و سکونت (گلستان)، این جامعه را در برابر «بحران هویت» و «شکاف نسلی» آسیب‌پذیر می‌سازد.

-سرمایه اجتماعی در حال چرخش

نخبگان جوان بلوچ (تحصیل‌کرده، فضای مجازی‌محور) اگر در ساختارهای قدرت و مدیریت جذب نشوند، به سمت «کانون‌های قدرت غیررسمی» (مذهبی، طایفه‌ای خارج از ساختار) سوق پیدا کرده و پتانسیل ایجاد «معارضین بالقوه» را دارند.

-بستر مساعد برای نفوذ

تمرکزگرایی مدیریتی و فاصله گرفتن مناطق بلوچ‌نشین از مراکز قدرت، این مناطق را به «مکان‌های آسیب‌پذیر» برای شبکه‌های قاچاق، گروه‌های تندرو و شبکه‌های نفوذ اطلاعاتی تبدیل می‌کند.

۲.۲. فرصت‌های استراتژیک:

-موتور محرکِ توسعه منطقه‌ای

بافتِ جمعیتیِ جوان و ظرفیت‌های موجود در کشاورزی و دامداری، پتانسیل تبدیل این جامعه به «اهرمِ توسعه اقتصادی» در استان گلستان را دارد.

-حافظانِ مرزهای شمالی:

پیوندِ تاریخی و جغرافیایی این قوم با مناطق مرزی، آن‌ها را به «سرمایه دفاعی» برای امنیتِ شمالِ کشور تبدیل می‌کند، البته در صورت ادغام صحیح آنها و رعایت برخی نکات که فعلا مجال پرداختن به آنها نیست.

-الگوی موفقِ همزیستی

با وجودِ تفاوت‌های فرهنگی، جامعه بلوچ در گلستان با سایر اقوام (ترکمن، فارس) در سطوحِ کلان، همزیستیِ مسالمت‌آمیزی داشته است که می‌تواند مبنایی برای «همگراییِ پایدار» باشد.

۳. سناریوهای آینده‌نگرانه و چشم‌اندازها:

۳.۱. سناریوی ۱: ادغام کامل (ایده‌آل)

-چشم‌انداز

مشارکت حداکثری در مدیریت محلی، رونق اقتصادی پایدار، احساس تعلقِ عمیق به هویت ملی.

-عوامل موفقیت

توانمندسازی اقتصادی، جذب نخبگان، تقویت هویت ایرانی-بلوچ.

۳.۲. سناریوی ۲: حفظ وضع موجود (سکون پرخطر)

-چشم‌انداز

ادامه روند فعلی؛ افزایش سرخوردگی نسل جوان، انزوا، و تبدیل شدن به بستری برای نارضایتی‌های پنهان.

-عوامل تشدید

نادیده گرفتنِ مطالبات، برخوردِ صرفاً امنیتی، عدمِ سرمایه‌گذاریِ کافی.

۳.۳. سناریوی ۳: گسست و تقابل (بدبینانه)

-چشم‌انداز

تشدید احساس تبعیض، نفوذ عمیق جریان‌های رادیکال، ناامنی منطقه‌ای.

-عواملِ تشدید

سوءمدیریت بحران‌های هویتی، سرکوب بدون پاسخگویی، ایجاد «مظلوم‌نمایی قومی».

۴. راهکارها و استراتژی‌های عملیاتی (طرح جامع)

-هدف غایی

تبدیل هویت قومی بلوچ به یک «فرصت راهبردی» برای امنیت و توسعه پایدار ملی.

۴.۱. اقدامات کوتاه‌مدت (۱ ساله)

ـ اعتمادسازی و شناسای
ـ تغییرِ پارادایم امنیتی

گـذار از «نـگاهِ اطلاعاتی-امنیتـی» بـه «نـگاه خدمت‌رسان-توسعه‌ای» در میـان نیروهـای امنیتـی و انتظامـی مسـتقر در مناطـق بلوچ‌نشـین.

-تشکیل «اتاق وضعیت اقوام

ایجـاد سـازوکاری پایـدار در اسـتانداری بـا حضـورِ نماینـدگانِ واقعیِ (نـه صرفا نمادیـن) جامعـه بلـوچ (نخبـگانِ جـوان، فعالانـن اقتصـادی، معتمدیـن) بـرای حـل پیش‌دسـتانه مسـائل محلـی.

-پایش هوشمند

ایجـاد بانـک اطلاعاتـی دقیـق از نخبـگان بلـوچ (دانشـجویان، فعـالانِ اقتصـادی، متخصصـان) جهـت درک عمیـق مطالبـات و برنامه‌ریـزی بـرایِ جـذب آن‌هـا در سـاختار مدیریتـی.

۴.۲.اقدامات میان‌مدت (۱ تا ۳ ساله)

نهادسازی و جایگاه‌یابی

-توسعه ظرفیت‌هایِ اشتغال‌زایی

ایجادمراکـزِ فنـی و حرفـه‌ایِ پیشـرفته، حمایـت ازخوشـه‌های صنعتی مرتبـط بـا کشـاورزی و دامـداری (صنایـع تبدیلـی)، اعطـایِ تسـهیلات هدفمنـد بـه کارآفرینـان بلـوچ.

-دیپلماسیِ نخبگان

انتصـاب شایسـتگان بلـوچ در سـطوح مدیریتـی اسـتان (فرمانـداری، بخشـداری، ادارات کل) و تسـهیل جـذب آن‌هـا در بدنـه کارشناسـی ملـی.

-تقویت گفتمان میانه‌رو

حمایـت معنـوی وحتـی مـادی از علمـای اهـل سـنتِ معتـدل و بومـی بلـوچ بـرای ترویـج رویکردهـای اعتدال‌گرایانـه و مقابلـه بـاِ افراطی‌گـری.

۴.۳. اقدامات بلندمدت (۳ تا ۵ ساله)

«هم‌افزاییِ ساختاری و تثبیتِ وفاداری»

-ایجـاد «منطقـه ویـژه اقتصـادی تخصصـی بلـوچ»

بـا تمرکـز برصـادرات محصـولات کشـاورزی وِ دامـی بـه بازارهـای منطقـه‌ای (ترکمنسـتان، افغانسـتان)، تـا منافـع اقتصـادی بلوچ‌هـا بـه صـورت مسـتقیم بـه ثبـات ملـی گـره خـورد.

-پروژه هویت ملی-قومی

تولیـد محتـوای رسـانه‌ای هدفمنـد (مسـتند، فیلـم، کتـاب) کـه «بلـوچ گلسـتانی» را بـه عنـوان «حافـظ امنیـت شـمال کشـور» وِ «مشـارکت‌کنندهِ فعـال در توسـعه ملـی» معرفـی کنـد.

-تشکیل شوراهای امنیت مردم‌محور

توانمندسـازی خـود جامعـه بلـوچ بـرایِ مدیریـت امنیتـی مناطـق خـود، بـه ویـژه در مقابلـه بـا جریان‌هـای سـازمان‌یافته قاچـاق و افراطـی.

۵. جمع‌بنـدی و توصیه‌هـای کلیـدی بـرای نهادهـای امنیـتی

-امنیت از دریچه توسعه

امنیـت پایـدار در مناطـقِ بلوچ‌نشـین گلسـتان، نـه از طریـق سـرکوب، بلکـه از طریـق «ریشـه‌کن کـردن فقـر»، «رفـع تبعیـض» و «ایجـاد فرصت‌هـای برابـر» حاصـل می‌شـود.

- تفکیک حساب‌شده

سیسـتم امنیتـی بایـد میـان «مطالبـات مدنـی یـک قـوم اصیـل» و «تهدیـدات ناشـی از عوامـل خارجـی یـا جریانـات افراطـی» تفکیـک قائـل شـود.

-فراهم‌سازی «منافع ملموس»

مهم‌تریـن راهـکار امنیتـی، آن اسـت کـه جامعـه بلـوچ «منافـع ملمـوس و مسـتقیم» از ثبـات جمهـوری اسلامـی بـه دسـت آورد. ایـن منافـع می‌توانـد اقتصـادی، سیاسـی، یـا حتـی فرهنگـی باشـد.

-نتیجه

راهبـرد اصلـی نظـام بایـد گـذار از «مدیریـت امنیتـی صـرف» بـه «مدیریـت راهبـردی مبتنـی بـر توسـعه و همگرایـی» باشـد.

جامعـه بلـوچ گلسـتان، پتانسـیل آن را دارد کـه از یـک «نگرانـی بالقـوه» بـه یـک «سـتون امنیـت و توسـعه» درشـمال کشـور تبدیـل شـود، اگـر نظـام بتوانـد اعتمادآن‌هـا را جلـب کـرده و احسـاس «شـهروندی کامـل» را در آن‌هـا نهادینـه کنـد.

نقش منطقه آزاد تجاری اینچه برون به عنوان کانون همگرایی اقتصادی و توسعه کریدور محور تجاری ایران



دکتر امین اله پهلوانی
رئیس کارگروه اقتصادی اندیشکده حکمرانی
و قانونگذاری استان گلستان

ژئواقتصاد شرق ایران با تکیه بر جایگاه ترانزیتی آن و نقش مناطق آزاد تازه‌تأسیس مانند اینچه برون، در حال شکل‌دهی به الگوی جدیدی از توسعه است که فراتر از رویکردهای سنتی، به دنبال پیوند اقتصاد مناطق مرزی با شبکه‌های تجارت جهانی و کریدورهای بین‌المللی می‌باشد.

موقعیت ژئواکونومیک شرق ایران: کریدورهای ترانزیتی و محور شرق

شرق ایران، به دلیل قرارگیری در نقطه تلاقی کریدورهای مهم بین‌المللی، از پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به یک هاب لجستیک و تجاری برخوردار است.

دروازه اتصال به کریدورهای جهانی

استان‌های شرقی کشور، از منطقه آزاد اینچه برون در استان گلستان تا استان خراسان و منطقه سرخس، در تقاطع دو کریدور حیاتی شرق-غرب و شمال-جنوب قرار دارند. این موقعیت، دسترسی به بازارهای آسیای میانه، چین، هند و اروپا را فراهم می‌کند. این محور بعنوان یک «گلوگاه لجستیکی حیاتی» توصیف شده است که با اختلالات در مسیرهای شمالی (مانند جنگ اوکراین)، نقش آن به عنوان یک مسیر جایگزین مطمئن و کم‌ریسک، بیش از پیش برجسته شده است.

پیوند با کریدور شرق-غرب و کمربند-راه چین

یکی از اهداف کلیدی پروژه‌های منطقه‌ای، از جمله پروژه مشترک ایران، افغانستان و چین برای ایجاد منطقه آزاد بین‌المللی، اتصال به ابتکار کمربند-راه چین است، همچنین کریدور ریلی شرق-غرب که از چین وارد ایران شده و از سرخس عبور می‌کند، ارزش استراتژیک بالایی دارد و می‌تواند مسیری بدون توقف برای ترانزیت کالا به اروپا باشد.

مفهوم کریدور آزاد

تحقیقات مختلف بر توسعه «محور شرق» به عنوان یک کریدور آزاد تأکید دارند؛ منطقه‌ای که در آن، کالاها بدون تشریفات گمرکی و با هزینه کمتر، حمل، بسته‌بندی مجدد و حتی تولید می‌شوند. این مدل، فرصتی استثنایی برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد ارتباط منظم بین اقتصاد ملی و بین‌المللی فراهم می‌کند.

مناطق آزاد تجاری، به ویژه منطقه آزاد اینچه برون، نقشی کلیدی در تحقق پتانسیل ژئواکونومیک شرق ایران ایفا می‌کنند. این مناطق با اتصال به کریدورهای بین‌المللی، جذب سرمایه و ایجاد زیرساخت‌های مدرن، می‌توانند محرکی برای رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و توسعه متوازن در این بخش از کشور باشند. با این حال، موفقیت این رویکرد در گرو اجرای اصول حکمرانی خوب، همکاری‌های منطقه‌ای و برنامه‌ریزی بلندمدت است تا شرق ایران از یک منطقه حاشیه‌ای به یک قطب تجاری و ترانزیتی فعال تبدیل شود.

کریدورهای تجاری و فرصتهای توسعه اقتصادی استان گلستان

استان گلستان با برخورداری از موقعیت راهبردی در کریدور شمال-جنوب و منطقه آزاد اینچه‌برون،



ظرفیت‌های بی‌نظیری برای تبدیل شدن به یکی از قطب‌های تجاری و ترانزیتی کشور دارد. این پتانسیل‌ها می‌توانند این استان را از یک منطقه عمدتا کشاورزی به هاب صنعت، گردشگری و تجارت خارجی تبدیل کنند.

شاهراه توسعه گلستان (INSTC) کریدور شمال-جنوب

این کریدور هند، ایران و روسیه را به هم متصل می‌کند و اصلی‌ترین فرصت توسعه برای استان گلستان محسوب می‌شود.

دسترسی به بازارهای اوراسیا و چین: فعال‌سازی این کریدور از مسیر گلستان، زمینه‌ساز تجارت با کشورهای کلیدی اوراسیا نظیر ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و چین است و می‌تواند تحولی عظیم در اقتصاد استان و کشور ایجاد کند. مسیر ریلی موجود از طریق ترکمنستان به قزاقستان متصل است و برنامه اتصال آن به روسیه، تکمیل‌کننده این زنجیره ترانزیتی خواهد بود.

مزیت رقابتی نسبت به مسیرهای سنتی: بررسی‌ها نشان می‌دهد که کریدور شمال-جنوب در مقایسه با مسیر سنتی کانال سوئز، حدود ۲۵ درصد صرفه‌جویی در هزینه و ۳۰ درصد در زمان حمل دارد که آن را به گزینه‌ای بسیار جذاب برای تجار تبدیل می‌کند.

استان گلستان و تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری با افزایش تاب‌آوری اقتصادی در شرایط تحریم

استان گلستان، به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد در شمال شرقی ایران و هم‌جواری با دریای خزر و کشور ترکمنستان، پتانسیل قابل توجهی برای ایفای نقش کلیدی در تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری و افزایش تاب‌آوری اقتصادی کشور، به‌ویژه در شرایط تحریم‌های بین‌المللی داراست. تمرکز بر توسعه کریدورهای تجاری زمینی، ریلی و دریایی از طریق این استان، می‌تواند به کاهش اتکای اقتصاد به مسیرهای محدودتر، گشایش بازارهای جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، و ارتقای درآمدهای ترانزیتی منجر شود.

کاهش اتکا به مسیرهای دریایی جنوب: در شرایط تحریم‌های دریایی و محدودیت‌های تردد در خلیج فارس و دریای عمان، مسیرهای شمالی از طریق دریای خزر می‌توانند جایگزین یا مکمل مهمی باشند.

گشایش درهای جدید به آسیای مرکزی: استان گلستان به عنوان پلی به سمت ترکمنستان و از آنجا به قزاقستان، ازبکستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی عمل می‌کند. این مسیرها در شرایط تحریم، فرصت‌هایی برای صادرات و واردات کالاهای خاص فراهم می‌کنند.

توسعه کریدور شمال-جنوب: با توسعه زیرساخت‌های لازم، گلستان می‌تواند نقشی حیاتی در فعال‌سازی و افزایش حجم ترانزیت کالا در این کریدور ایفا کند و وابستگی به مسیرهای طولانی‌تر را کاهش دهد.

تجارت مرزی و منطقه‌ای: تقویت روابط تجاری با ترکمنستان از طریق مرز اینچه‌برون، ضمن افزایش حجم صادرات، امکان واردات کالاهای مورد نیاز را با هزینه و زمان کمتر فراهم می‌آورد.

ایجاد مسیرهای جایگزین هوایی و ریلی: در کنار مسیر دریایی خزر، توسعه مسیرهای ریلی و هوایی جایگزین برای اتصال به بازارهای شمالی می‌تواند تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین را افزایش دهد.

در شرایط تحریم و ناامنی‌های منطقه‌ای، استان گلستان می‌تواند یک گره راهبردی برای تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری ایران باشد؛ یعنی به‌جای اتکا به چند مسیر محدود و آسیب‌پذیر، بخشی از جریان تجارت از مسیرهای جایگزین و کم‌ریسک‌تر عبور کند.

نقش گلستان از چند جهت مهم است.

۱) موقعیت ژئواقتصادی ویژه گلستان در شمال‌شرق ایران قرار دارد و به ترکمنستان و از طریق آن به آسیای مرکزی نزدیک است. همچنین به دریای خزر و شبکه‌های حمل‌ونقل شمالی متصل می‌شود. این موقعیت باعث می‌شود استان بتواند: به‌عنوان دروازه ورود و خروج کالا عمل کند، وابستگی تجارت کشور به مسیرهای جنوبی یا مسیرهای پرتنش را کاهش دهد، و مسیرهای جایگزین برای صادرات، واردات و ترانزیت فراهم کند.

۲) کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریم

تحریم‌ها معمولا هزینه حمل‌ونقل، بیمه، مبادله مالی و دسترسی به بنادر و خطوط کشتیرانی را افزایش می‌دهند. گلستان می‌تواند با تقویت مسیرهای: زمینی، ریلی، ترانزیتی به آسیای مرکزی و ارتباط با بنادر و سواحل خزر کمک کند که تجارت کشور فقط به یک یا دو مسیر وابسته نباشد. این تنوع، تاب‌آوری اقتصادی را بالا می‌برد.

۳) نقش در عبور از ناامنی‌های منطقه‌ای

وقتی برخی مسیرهای تجاری در منطقه به دلیل جنگ، تنش سیاسی، بسته‌شدن مرزها یا ناامنی دریایی دچار اختلال می‌شوند، مسیرهای جایگزین اهمیت پیدا می‌کنند. گلستان می‌تواند: مسیر امن‌تر و کوتاه‌تر برای بخشی از مبادلات با همسایگان شمالی باشد، فشار را از کریدورهای آسیب‌پذیر کم کند و امکان انتقال سریع‌تر کالاهای حیاتی را فراهم سازد.

۴) ظرفیت‌های اصلی گلستان

مهم‌ترین ظرفیت‌های استان در این حوزه عبارت‌اند از: پایانه مرزی اینچه‌برون، راه‌آهن گرگان-اینچه‌برون، ارتباط با ترکمنستان، نزدیکی به مسیرهای کریدوری شمالی، امکان توسعه مراکز لجستیکی و انبارداری. این ظرفیت‌ها اگر تقویت شوند، گلستان می‌تواند به یک هاب لجستیکی منطقه‌ای تبدیل شود.

۵) آثار اقتصادی

تقویت نقش گلستان در مسیرهای تجاری می‌تواند نتایج زیر را داشته باشد:

- افزایش درآمد ترانزیتی
- رشد صادرات غیرنفت
- توسعه اشتغال محلی
- رونق خدمات حمل‌ونقل و لجستیک
- افزایش نقش استان در اقتصاد ملی

چالش‌ها و موانع اجرایی

اجرای موفقیت‌آمیز این راهبرد مستلزم غلبه بر چالش‌های متعددی است:

محدودیت‌های زیرساختی: نیاز به سرمایه‌گذاری عظیم و بلندمدت برای توسعه و نوسازی بنادر، خطوط ریلی، جاده‌ها، فرودگاه‌ها و مراکز لجستیکی.

ناهماهنگی نهادی و بوروکراسی: تعدد نهادهای ذی‌ربط (وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، گمرکات)، نبود هماهنگی، بروکراسی اداری پیچیده و فساد، روند اجرای پروژه‌ها را کند می‌کند.

محدودیت‌های مالی و سرمایه‌گذاری: تأمین مالی پروژه‌های کلان زیرساختی، به ویژه در شرایط تحریم و

کسری بودجه، بسیار دشوار است. جذب سرمایه خارجی نیز با ریسک‌های سیاسی و اقتصادی همراه است.

ریسک‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی: ناامنی در برخی مسیرهای بالقوه، تنش‌های منطقه‌ای، و وابستگی به توافقات بین‌المللی، پایداری مسیرهای تجاری جدید را تهدید می‌کند.

ضعف در دیپلماسی اقتصادی و ترانزیتی: عدم وجود توافقات دوجانبه و چندجانبه پایدار با کشورهای همسایه و منطقه، مانع عملیاتی شدن کریدورهای جدید می‌شود.

فقدان استراتژی یکپارچه: عدم وجود یک برنامه جامع ملی برای حمل‌ونقل، لجستیک و تجارت که تمامی ابعاد را پوشش دهد.

مقاومت در برابر تغییر: ذی‌نفعان وضعیت موجود ممکن است در برابر تغییرات و اصلاحات ساختاری مقاومت کنند.

چالش‌ها و موانع اجرایی توسعه کریدور محور و راهبردهای پیشنهادی حل آنها

موانع زیرساختی؛ گلوگاه های اجرایی: اصلی‌ترین گلوگاه، وجود حلقه‌های مفقود ریلی در مسیرهای اتصال گلستان به کریدورها است. همچنین کارایی پایین عملیاتی در فرایندهای ترانزیتی رقابت پذیری این مسیر را با چالش مواجه نموده است.

چالش های ژئوپلیتیک و امنیتی: ناکارآمدی و بهره وری پایین و عدم اطمینان به مسیرهای عبوری از ایران موجب شده برخی شرکای تجاری و کشورهای همسایه به کریدورهای رقیب روی آورند.

تحریم های مالی و اقتصادی: ریسک های مالی و حقوقی ناشی از تحریم های بین المللی به عنوان یک مانع ساختاری تاثیر عمیقی بر توانایی ما در جذب سرمایه در حوزه‌های زیرساخت‌های ترانزیتی و مشارکت در پروژه های فرامرزی گذاشته است.

موانع داخلی؛ ضعف در حکمرانی و هماهنگی: در کنار همه عوامل خارجی، ناهماهنگی‌های نهادی و ناکارآمدی های ساختاری در داخل نیز مانع بزرگی محسوب می‌شوند. فقدان یک نهاد متولی واحد و فرابخشی با اختیارات کافی برای مدیریت یکپارچه کریدورها سبب پراکندگی تصمیم گیری‌ها و عدم انسجام در عملکرد کریدورها می‌گردد. همچنین توسعه کریدورمحور بیش از هر چیز به اراده سیستماتیک برای عبور از موانع داخلی وابسته است.

ساده سازی فرایندهای گمرکی، بهبود کارایی عملیاتی، تقویت دیپلماسی اقتصادی و ایجاد ساختاری منسجم و هماهنگ کننده به عنوان راهبردهای موثر جهت حل موانع توسعه کریدوری پیشنهاد می‌شوند که می‌توانند با کاهش ریسک‌های مختلف، شروع اصلاحات بنیادین در حکمرانی خوب و منتج به افزایش بهره وری تجاری کشور گردند.

توسعه اقتصاد دریامحور در سواحل خزر در پرتو تحولات ژئوپلیتیک



دکتر مهدی ذوالفقاری،
عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی،
رئیس پژوهشکده توسعه اقتصاد دریامحور دانشگاه،
عضو هیأت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

مقدمه

سواحل جنوبی دریای خزر، با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک ممتاز و ظرفیت‌های متعدد اقتصادی، علمی و ترانزیتی، یکی از مهم‌ترین کرانه‌های راهبردی ایران به‌شمار می‌رود. با این حال، این پهنه وسیع از فرصت‌ها، همچنان در جایگاه یک «ظرفیت مغفول» در سیاست‌های توسعه‌ای کشور باقی مانده است. منطقه آزاد اینچه‌برون و کریدور بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC) به‌عنوان دو مؤلفه حیاتی، می‌توانند نقش محوری در تغییر این وضعیت و تحقق توسعه دریامحور در کل محدوده ساحلی خزر ایفا کنند. تحولات ژئوپلیتیک اخیر، به‌ویژه جنگ اوکراین و تنش‌های متعاقب آن در منطقه قفقاز و دریای خزر، نه‌تنها اهمیت راهبردی این کریدور را دوچندان ساخته، بلکه ضرورت بازتعریف نقش ایران در شبکه‌های ترانزیتی اوراسیا را با شتاب بیشتری مطرح نموده است. هم‌زمان، جنگ ایران و آمریکا در جنوب و محاصره دریایی تنگه هرمز، وابستگی شدید ایران به مسیرهای جنوبی را به‌عنوان بزرگ‌ترین نقطه آسیب‌پذیری اقتصادی کشور آشکار ساخته و انتقال محور توسعه دریامحور از جنوب به شمال را به یک ضرورت حیاتی تبدیل کرده است. این مقاله با نگاه کلان‌نگر و با تکیه بر تجارب جهانی و ظرفیت‌های بومی، چارچوبی عملیاتی برای بهره‌گیری از این فرصت‌ها ارائه می‌دهد.

جنگ ایران و آمریکا در جنوب و انتقال محور توسعه به دریای خزر

جنگ اخیر ایران و آمریکا که با حملات گسترده به تأسیسات نظامی و نفتی در سواحل جنوبی و متعاقباً محاصره دریایی تنگه هرمز توسط نیروهای آمریکایی همراه شد، معادلات ژئوپلیتیک و ترانزیتی منطقه را به‌طور بنیادین دگرگون ساخته است. تنگه هرمز که روزانه حدود یک‌پنجم نفت جهان و یک‌چهارم کل تجارت دریایی از آن عبور می‌کند، به کانون اصلی درگیری تبدیل شد. محاصره دریایی بنادر جنوبی ایران، نشان داد که وابستگی شدید ایران به مسیرهای جنوبی، بزرگ‌ترین نقطه آسیب‌پذیری اقتصادی کشور است. در این میان، آنچه پیش‌تر به‌عنوان یک «گزینه جایگزین نظری» مطرح بود، اکنون به یک «ضرورت حیاتی» تبدیل شده است: کریدور شمال-جنوب و مسیرهای ترانزیتی عبوری از دریای خزر. دریاچه خزر که دسترسی به آن محدود به پنج کشور ساحلی است و نیروی دریایی آمریکا هیچگونه اختیار قانونی برای توقیف کشتی‌ها در آن ندارد، به «کریدوری امن برای دورزدن محاصره» تبدیل شده است. اهمیت استراتژیک این تغییر مسیر زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم آمریکا نه تنها تنگه هرمز را هدف قرار داده، بلکه حملاتی را به زیرساخت‌های ترانزیتی شمال کشور از جمله پل آق‌تکه‌خان در استان گلستان که ایران را به شبکه ریلی ترکمنستان، قزاقستان و روسیه متصل می‌کند، انجام داده است. این حملات، اهمیت راهبردی سواحل خزر و کریدور شمال-جنوب را برای بقای اقتصادی ایران در شرایط جنگی دوچندان ساخته است.

کریدور شمال-جنوب؛ شریان حیاتی ترانزیت در شرایط تحریم و جنگ

کریدور بین‌المللی شمال-جنوب (INSTC) یک شبکه حمل‌ونقل چندوجهی (ریلی، جاده‌ای و دریایی) به طول ۷۲۰۰ کیلومتر است که روسیه، ایران و هند را به‌یکدیگر متصل می‌کند و از مسیر دریای خزر عبور می‌نماید. این کریدور که در سال ۲۰۰۰ توسط سه کشور مذکور پایه‌گذاری شد، پس از حمله روسیه به اوکراین و اعمال تحریم‌های غربی علیه زنجیره‌تأمین این کشور، به یکی از محورهای اصلی سیاست «چرخش به شرق» روسیه و تلاش برای دورزدن تحریم‌های غربی تبدیل شده است . بر اساس گزارش‌های موجود، در سال ۲۰۲۵، حجم حمل‌ونقل بار در کریدور شمال-جنوب با رشد چشمگیری همراه بود. به‌طوری که ترانزیت کانتینری در شاخه شرقی این کریدور بیش از دو برابر و در شاخه غربی آن حدود ۵۰ درصد افزایش یافت. کارشناسان بر این باورند که این کریدور پتانسیل کاهش زمان و هزینه حمل‌ونقل را به‌میزان ۳۰ تا ۴۰ درصد نسبت به مسیر سنتی کانال سوئز داراست. روسیه با سرمایه‌گذاری قابل‌توجه در توسعه زیرساخت‌های این کریدور، از جمله تکمیل خط آهن رشت-آستارا با اعتبار ۱.۶ میلیارد یورویی، به‌دنبال ایجاد مسیری مطمئن برای صادرات و واردات کالاهای استراتژیک است . عبور اولین قطار ترانزیتی روسیه از مسیر اینچه‌برون به بندرعباس و سپس هند، نشان‌دهنده عملیاتی شدن شاخه شرقی این کریدور و نقش محوری آن در تجارت منطقه‌ای است.

منطقه آزاد اینچه‌برون؛ دروازه جدید تجارت و اشتغال‌زایی

در کنار کریدور شمال-جنوب، طرح ایجاد منطقه آزاد مشترک ایران و ترکمنستان در اینچه‌برون، یکی از مهم‌ترین تحولات در حوزه توسعه دریامحور محسوب می‌شود. این منطقه آزاد که به‌عنوان دروازه‌ای حیاتی به آسیای مرکزی شناخته می‌شود، ظرفیت ایجاد حدود ۴۷ هزار شغل را داشته و می‌تواند حجم مبادلات کالا از طریق ریلی را به ۱۳.۷ میلیون تن و از طریق جاده‌ای را به ۶.۳ میلیون تن افزایش دهد. این طرح، در راستای سیاست «همسایگی اولویت‌دار» جمهوری اسلامی ایران و با هدف تحکیم همکاری‌های اقتصادی با کشورهای حوزه خزر و فراتر از آن دنبال می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی در این منطقه نیز نشان از اهمیت بین‌المللی آن دارد؛ به‌گونه‌ای که یک سرمایه‌گذار عمانی برای ایجاد پایانه تخلیه و بارگیری غلات و کالاهای اساسی در روستای لجستیکی این منطقه آزاد، تفاهمنامه همکاری امضا کرده است تا از این طریق، کالاهایی نظیر غلات، گازوئیل باکیفیت روسی، زغال‌سنگ، پتاس، شکر و میوه‌های خشک را به بازارهای عراق، افغانستان، پاکستان و کشورهای حاشیه خلیج‌فارس صادر کند. این تحولات، نشان‌دهنده جایگاه محوری اینچه‌برون در شبکه تجاری منطقه است.

تأثیر جنگ بر توسعه سایر بخش‌های اقتصاد دریامحور در سواحل خزر

تأثیر جنگ در جنوب، محدود به حوزه ترانزیت و حمل‌ونقل نبوده و به‌طور غیرمستقیم، افق‌های جدیدی را برای توسعه سایر بخش‌های اقتصاد دریامحور در سواحل خزر گشوده است. محدودیت‌های شدید ناشی از محاصره دریایی بنادر جنوبی و اختلال در صادرات نفت و کالاهای غیرنفتی از طریق تنگه هرمز، ایران را ناگزیر به بازنگری اساسی در زنجیره‌های تأمین و تنوع‌بخشی به اقتصاد غیرنفتی ساخته است. توسعه شیلات و آبزی‌پروری در دریای خزر به‌عنوان جایگزین تولید و ارزآوری، از جمله این فرصت‌هاست. دریای خزر با داشتن گونه‌های باارزشی نظیر ماهیان خاویاری (منبع تولید خاویار)، ماهی سفید، کپور و ماهیان استخوانی، از دیرباز یکی از مهم‌ترین منابع تأمین پروتئین و ارزآوری برای کشورهای حاشیه بوده است. هرچند که به‌دلیل صید بی‌رویه و تخریب زیست‌گاه‌ها، جمعیت ماهیان خاویاری وحشی در خزر به شدت کاهش یافته، اما این بحران زیست‌محیطی، به‌نوبه خود، فرصتی برای «گذار از صید به پرورش» و توسعهٔ آبزی‌پروری صنعتی در سواحل شمالی فراهم آورده است. تجربهٔ جهانی نشان داده است که کشورهای حاشیهٔ دریای بالتیک و نروژ، با اتکا بر پرورش ماهی در قفس و سیستم‌های پیشرفته آبزی‌پروری، توانسته‌اند ضمن جبران کاهش صید طبیعی، به تولید انبوه و

صادرات محصولات باارزش دست یابند. در شرایط جنگ و محاصره جنوب، توسعهٔ مزارع پرورش ماهیان خاویاری، قزل‌آلا و ماهیان گرمابی در سواحل خزر، نه‌تنها می‌تواند امنیت غذایی کشور را تأمین کند، بلکه با ایجاد زنجیرهٔ ارزش، نقش مؤثری در جبران بخشی از درآمدهای نفتی از دست‌رفته و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق ساحلی شمال داشته باشد.

ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی سواحل خزر

سواحل خزر از ظرفیت علمی و دانشگاهی بالایی برای پشتیبانی از توسعه دریامحور برخوردار است. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان به‌عنوان قطب علمی منطقه، دانشگاه گیلان با ظرفیت بالا در رشته‌های شیلات و زیست‌شناسی دریا، دانشگاه مازندران در رشته‌های اقیانوس‌شناسی و اقتصاد، و دانشگاه علوم دریایی امام خمینی (ره) نوشهر در رشته‌های مهندسی دریا-دریانوردی، از جمله مراکز علمی مهمی هستند که می‌توانند پشتوانهٔ علمی توسعهٔ پایدار خزر را فراهم آورند. همچنین، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری در رشته علوم و مهندسی شیلات، و دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل در مهندسی الکترونیک و نانوتکنولوژی، از دیگر ظرفیت‌های علمی این منطقه محسوب می‌شوند. نزدیکی به مراکز تحقیقاتی شیلات و منابع آب، بستر مناسبی برای توسعهٔ فناوری‌های زیستی و اقتصادی دریامحور فراهم کرده است. پیشینهٔ تمدنی اقوام ترکمن و صیادان بومی در سواحل شرقی خزر نیز گنجینه‌ای از دانش بومی در زمینه مدیریت منابع ساحلی و دریانوردی سنتی است که می‌تواند در کنار دانش مدرن، الگوی توسعهٔ «مردم‌پایه» را شکل دهد.

چارچوب نظری و الگوی توسعه‌ای پیشنهادی

بررسی تجارب کشورهای موفق حاکی از آن است که توسعه متوازن مناطق ساحلی، بر سه اصل اساسی «حکمرانی یکپارچه»، «اقتصاد دانش‌بنیان» و «پایداری زیست‌بومی» استوار است. تجربه کشورهای حوزه دریای بالتیک که از نظر جغرافیایی و ساختارهای سیاسی-اقتصادی شباهت‌هایی به شرایط خزر دارند، نشان می‌دهد که اتکا بر گردشگری پایدار، صنایع شیلاتی مسئولانه و دیپلماسی علمی-اقتصادی، می‌تواند منجر به توسعه متوازن و پایدار در این حوزه شود. بر این اساس، الگوی پیشنهادی توسعه بر محورهای ذیل می‌تواند استوار شود.

۱. توسعه کریدورمحور: تمرکز بر تکمیل زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای کریدور شمال-جنوب، به‌ویژه خط آهن گرمسار-اینچه‌برون و افزایش ظرفیت حمل بار در مسیر ریلی اینچه‌برون.

۲. توسعه منطقه آزاد: تسریع در ایجاد منطقه آزاد مشترک اینچه‌برون با هدف افزایش مبادلات تجاری، جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال پایدار.

۳. توسعه پایدار دریامحور: ایجاد زنجیره ارزش در حوزه آبزی‌پروری (با تأکید بر گونه‌های خاویاری)، توسعه گردشگری ساحلی و دریایی، و تقویت بنادر کوچک و بزرگ به‌عنوان گره‌های تکمیل‌کننده کریدور شمال-جنوب.

۴. حکمرانی علمی: تشکیل کارگروه ویژه توسعه دریامحور سواحل خزر با حضور نمایندگان دستگاه‌های اجرایی، بخش خصوصی و نهادهای علمی و دانشگاهی به‌منظور رفع تعارضات حقوقی، تدوین اطلس اقتصادی-زیست‌بومی و پایش مستمر طرح‌های توسعه‌ای.

نقش و ظرفیت‌های پژوهشکده توسعه اقتصاد دریامحور

پژوهشکده توسعه اقتصاد دریامحور دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان به‌عنوان اولین و تنها مرکز تخصصی در شمال کشور، با هدف «پر کردن خلأ بین‌رشته‌ای» در حوزه اقتصاد دریا تأسیس شده است. این پژوهشکده با برخورداری از هیأت علمی متخصص در حوزه‌های اقتصاد کشاورزی، شیلات، مدیریت منابع طبیعی و برنامه‌ریزی توسعه و نیز شبکه گسترده همکاری با سازمان‌های اجرایی و مراکز علمی استان‌های شمالی، ظرفیت بالایی برای ایفای نقش در این حوزه را دارا است. پژوهشکده با انجام پژوهش‌های کاربردی در زمینه بهینه‌سازی زنجیره ارزش آبزی‌پروری، تحلیل اقتصادی-اجتماعی طرح‌های توسعه کریدوری و ارائه مدل‌های بومی برای توسعه پایدار سواحل، می‌تواند به‌عنوان بازوی پژوهشی و مشورتی سیاست‌گذاران و مجریان طرح‌های توسعه دریامحور ایفای نقش کند.

جمع‌بندی

سواحل خزر با برخورداری از موقعیت ژئواکونومیک و ظرفیت‌های علمی-تولیدی منحصربه‌فرد، به‌ویژه از رهگذر کریدور بین‌المللی شمال-جنوب و منطقه آزاد اینچه‌برون، می‌تواند به یکی از کانون‌های تحقق توسعه دریامحور در ایران تبدیل شود. جنگ اوکراین و تحولات ژئوپلیتیک متعاقب آن، ضمن ایجاد چالش‌هایی برای مسیرهای تجاری سنتی، فرصتی کم‌نظیر برای بهره‌برداری حداکثری از کریدور شمال-جنوب و تقویت نقش ایران در شبکه‌های ترانزیتی اوراسیا فراهم آورده است. هم‌زمان، جنگ ایران و آمریکا در جنوب و محاصره دریایی تنگه هرمز، انتقال محور توسعه دریامحور از جنوب به شمال را به یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده است. با این حال، تحقق این هدف، نیازمند اراده سیاسی، هماهنگی بین‌بخشی، سرمایه‌گذاری هدفمند و بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی-پژوهشی موجود است. مدل پیشنهادی بر پایه حکمرانی علمی، توسعه کریدورمحور و توانمندسازی جوامع محلی، می‌تواند گذار از وضعیت فعلی (توسعه حداقلی) به وضعیت مطلوب (اقتصاد پویا و امنیت پایدار) را میسر سازد. ظرفیت‌های علمی سواحل خزر با مشارکت در سیاست‌گذاری، پژوهش و آموزش، می‌تواند بسترهای تحقق اقتصاد دریامحور در کرانه‌های خزر را فراهم آورد.



بررسی تغییرات زمانی برخی ویژگی‌های فیزیکوشیمیایی خاک تحت تأثیر مدیریت‌های مختلف خاک‌ورزی در اراضی کشاورزی غرب استان گلستان



بهاره کیانی

دکتری مدیریت حاصلخیزی و زیست فناوری خاک

عضو کارگروه کشاورزی اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان

این سند، یافته‌های یک پژوهش میدانی ٤ ساله در استان گلستان درباره اثر سه شیوه خاک‌ورزی (بدون شخم، شخم حداقل و شخم مرسوم) بر حاصلخیزی خاک را برای مخاطبان حوزه سیاست‌گذاری و حکمرانی کشاورزی خلاصه می‌کند. پیام اصلی این است که کشت حفاظتی در بلندمدت خاک را بهبود می‌بخشد، اما این بهبود کند و ناهمگون است و بدون حمایت نهادی هدفمند و زمان‌بندی‌شده، ممکن است در همان سال‌های نخست اجرا، متوقف شود.

امنیت غذایی و پایداری منابع خاک، از اولویت‌های راهبردی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران است. کشاورزی حفاظتی- مبتنی بر کاهش شخم، حفظ بقایای گیاهی روی سطح خاک، تناوب زراعی و بهره‌برداری پایدار- به‌عنوان راهکاری برای اصلاح این روند در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته است. با عنایت به جایگاه راهبردی بخش کشاورزی در استان گلستان و بهره مندی بیش از ۷۱۳ هزار هکتار اراضی زراعی که رقمی معادل ۳۵ درصد از مساحت کل استان را در بر می گیرد، حفظ کیفیت خاک به مثابه سرمایه بنیادین تولید، اهمیتی دوچندان می یابد. با این حال، روند نگران کننده تخریب ساختمان خاک و افت روزافزون کربن آلی که عمدتا ناشی از تداوم خاک ورزی مرسوم است، گذار به سامانه‌های کشاورزی پایدار را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل نموده است. با این حال، در استان گلستان، کشاورزان بدون دستورالعمل یکسان و حمایت نهادی مشخص به‌صورت خودجوش به این شیوه‌ها روی آورده‌اند و نتایج ناهمگونی کسب کرده‌اند. از سوی دیگر، بازگشت اقتصادی این روش‌ها در سال‌های نخست اجرا محل تردید کشاورزان است، زیرا مصرف علف‌کش و هزینه انتقال فناوری در کوتاه‌مدت افزایش می‌یابد در حالی که ثمرات آن دیرتر نمایان می‌شود. این شکاف میان انتظار کوتاه‌مدت کشاورز و روند واقعی بهبود خاک، دقیقاً همان نقطه‌ای است که سیاست‌گذاری و حکمرانی می‌تواند نقش تعیین‌کننده ایفا کند.

مواد و روش ها

این مطالعه در منطقه نوکنده گلستان و در قالب یک آزمایش بلوک کامل تصادفی، طی ٤ سال زراعی (تناوب گندم، کلزا و سویا) انجام شد. سه شیوه مدیریت خاک‌ورزی با یکدیگر مقایسه شدند:

- کشت حفاظتی بدون شخم (CA): کاشت مستقیم و حفظ کامل بقایای گیاهی روی سطح خاک.
- شخم حداقل با کشت‌بستر مرتفع یا ریزبد (MT): ترکیبی از خاک‌ورزی محدود و حفظ نسبی بقایا.
- شخم مرسوم (CT): شخم کامل با گاوآهن برگردان‌دار و دیسک، همراه با سابقه آتش زدن بقایا.

در هر تیمار، سالانه ۳۰ نمونه خاک از عمق ۰ تا ۲۰ سانتی‌متری برداشت و ویژگی‌هایی مانند واکنش خاک (pH)، شوری، ماده آلی، نیتروژن، فسفر و پتاسیم قابل‌جذب و ریزمغذی‌ها (آهن، منگنز، روی) اندازه‌گیری شد. تحلیل آماری با آزمون دانکن در سطوح اطمینان ۹۵ و ۹۹ درصد انجام گرفت. یافته‌های کلیدی تغییرات را از سال چهارم نسبت به سال اول نشان می‌دهد.

شاخص خاک	کشت بدون شخم (CA)	شخم حداقل (MT)	شخم مرسوم (CT)
واکنش خاک (pH)	۷.۶۴	۷.۶۲	۷.۴۰ (کاهش ۳.۶٪)
هدایت الکتریکی (شوری)	کاهش ۳۲٪	کاهش محسوس	تقریباً بدون تغییر
ماده آلی خاک	افزایش ۴۷٪	افزایش ۱۷٪	کمترین افزایش
نیتروژن کل	افزایشی	افزایشی	بدون روند مشخص
فسفر قابل دسترس	افزایش ۴۷٪	افزایش ۱۰٪	افزایش ۹٪
پتاسیم قابل دسترس	افزایش ۵۸٪	افزایش ۵۲٪	افزایش تنها ۶٪
ریزمغذی‌ها (آهن، روی، منگنز)	منگنز بیشتر	آهن و روی بیشتر	پایین‌ترین سطح

نکته مهم برای اجرا این است که اثر «زمان» در بیشتر شاخص‌ها معنادارتر از اثر «نوع مدیریت» به‌تنهایی بود؛ یعنی نتایج مثبت کشت حفاظتی به‌تدریج و در طول چند سال آشکار می‌شود، نه بلافاصله در سال اول اجرا

نتایج

پژوهش نشان می‌دهد روند بهبود شاخص‌های حاصلخیزی در تیمارهای بدون شخم و شخم حداقل، یکنواخت و خطی نیست و گاه با نوسان یا تأخیر همراه است. این ویژگی، می‌تواند در سال‌های ابتدایی اجرا، کشاورزان و مروجان را نسبت به سودمندی روش دلسرد کند؛ در حالی که طبق چارچوب مرسوم تبدیل کشاورزی مرسوم به کشاورزی حفاظتی، این مسیر شامل ٤ فاز است: فاز اولیه (۱ تا ۵ سال)، فاز انتقال (۵ تا ۱۰ سال)، فاز تثبیت (۱۰ تا ۲۰ سال) و فاز نگهداری بلندمدت. بدون آگاهی از این افق زمانی، سیاست‌های حمایتی کوتاه‌مدت می‌توانند ناکارآمد یا حتی نتیجه‌معکوس باشند.

جمع‌بندی

نتا ـج این پژوهش، پیام روشنی برای حکمرانی کشاورزی دارد: کشت بدون شخم و شخم حداقل در بلندمدت شاخص‌های حاصلخیزی خاک ـ از جمله ماده آلی، نیتروژن، فسفر و پتاسیم ـ را نسبت به شخم مرسوم بهبود می‌بخشند، اما این بهبود در سال‌های نخست به‌کندی و با نوسان ظاهر می‌شود. بدون حمایت مالی هدفمند، بیمه ریسک گذار، دستورالعمل فنی یکسان و پایش شفاف، احتمال بازگشت کشاورزان به شیوه‌های مرسوم پس از یک یا دو سال ناامیدکننده بالا خواهد بود. سیاست‌گذاری موفق در این حوزه مستلزم هم‌راستایی افق زمانی حمایت دولتی با افق زمانی واقعی بهبود خاک است؛ تنها در این صورت است که کشاورزان، مروجان و مدیران محلی می‌توانند دستاوردهای سال‌های اولیه اجرای کشاورزی حفاظتی را واقع‌بینانه ارزیابی کرده و در مسیر پایداری بلندمدت آن باقی بمانند.

وضعیت جهانی انرژی‌های تجدیدپذیر و راهکارهای پیشنهادی برای سیاست‌گذاری در ایران

دکتر هادی رئیسی، مسئول کارگروه انرژی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری، مدرس دانشگاه

مروری بر آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، بر اساس گزارش Renewables ۲۰۲۵)

۱. ظرفیت جهانی و روندهای کلیدی بازار

بر اساس آخرین گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA، پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ ظرفیت جهانی انرژی‌های تجدیدپذیر با جهش چشمگیری به حدود ۴۶۰۰ گیگاوات برسد؛ رقمی که معادل کل ظرفیت نصب‌شده فعلی چین، اتحادیه اروپا و ژاپن است. این رقم نشان‌دهنده رشد ۲.۶ برابری نسبت به ظرفیت سال ۲۰۲۲ است، اما همچنان کمتر از هدف تعیین‌شده در پیمان COP۲۸ (سه‌برابر شدن ظرفیت تا ۲۰۳۰) برآورد می‌شود. از منظر فناوری، انرژی خورشیدی (PV) با سهم نزدیک به ۸۰ درصد از رشد جهانی، محرک اصلی این توسعه است و پس از آن انرژی بادی، برق‌آبی و زیست‌توده قرار دارند. در حوزه جغرافیایی نیز، چین با سهم ۶۰ درصدی از کل رشد جهانی کماکان پیشتاز مطلق است و هند به‌عنوان دومین بازار بزرگ در حال ظهور است.

۲. روند قیمت‌ها و هزینه‌های تولید

در سال ۲۰۲۴، متوسط جهانی قیمت برق حاصل از مناقصات خورشیدی به حدود ۴۱ دلار به‌ازای هر مگاوات‌ساعت رسیده است. این رقم در کشورهای دارای منابع خورشیدی غنی نظیر عربستان سعودی، شیلی و هند به حداقل تاریخی خود یعنی ۲۵ تا ۳۳ دلار کاهش یافته است. همچنین متوسط قیمت مناقصات در کشورهای اروپایی حدود ۶۸ دلار ثبت شده است. قابل ذکر است که با وجود کاهش هزینه‌های فناوری، عواملی نظیر تورم بالا، نرخ‌های بهره و نوسانات زنجیره تامین، سبب افزایش هزینه‌های سرمایه‌گذاری شده‌اند

۳. سرمایه‌گذاری و چالش‌های اصلی توسعه

اگرچه توسعه‌دهندگان بزرگ جهانی اهداف خود را حفظ کرده‌اند، اما تولیدکنندگان تجهیزات با بحران سودآوری مواجه شده‌اند. تولیدکنندگان پنل‌های خورشیدی در چین با کاهش ۶۰ درصدی قیمت ماژول‌ها به حاشیه سود منفی (حدود ۱۰- درصد) دچار شده‌اند و تولیدکنندگان بادی خارج از چین نیز مجموعاً ۱.۲ میلیارد دلار زیان گزارش کرده‌اند.

بر این اساس، چالش‌های اصلی توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر عبارتند از:

- فشار مضاعف بر شبکه‌های انتقال و ذخیره‌سازی
- وابستگی شدید زنجیره تامین به چین (به‌ویژه برای پنل‌های خورشیدی و عناصر نادر خاکی)
- هزینه‌های بالای مالی ناشی از تورم و بهره
- مشکلات تأمین زمین و دریافت مجوز برای پروژه‌های بزرگ
- نوسانات سیاسی در قدرت‌های بزرگ (آمریکا و چین) که بر اعتماد سرمایه‌گذاران اثر می‌گذارد.

راهکارهای پیشنهادی برای سیاست‌گذاری در ایران

با توجه به الزامات داخلی، چالش‌های شبکه و ضرورت جذب سرمایه، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران بر محورهای زیر متمرکز شود:

۱. حرکت به سمت بازارمحوری و کاهش تصدی‌گری دولت

- انتقال تدریجی از یارانه‌های قیمتی: به جای اتکا به تعرفه‌های ثابت سنتی، تمرکز را به سمت مناقصات رقابتی و قراردادهای دوطرفه اختلاف قیمت (CfD)





معطوف کرد.

ـ ترویج قراردادهای بلندمدت خرید برق (PPA): این قراردادها ضمن شفاف‌سازی قیمت، بار مالی را از دوش دولت برداشته و امنیت سرمایه‌گذاری را برای بخش خصوصی تضمین می‌کنند.

۲. تسهیل و تسریع فرآیندهای اجرایی و صدور مجوز

ـ ایجاد پنجره واحد و شفافیت در صدور مجوز: تعیین مهلت مشخص زمانی برای ارزیابی درخواست‌های سرمایه‌گذاری جهت کوتاه‌سازی زمان توسعه نیروگاه‌های جدید.

۳. اصلاح تعرفه‌های شبکه و تقویت انعطاف‌پذیری

ـ طراحی هوشمند تعرفه‌ها: بازطراحی تعرفه‌های برق به گونه‌ای که در عین مشوق‌سازی برای خودتأمینی و تولید پراکنده، پایداری مالی شرکت‌های توزیع برق را نیز تضمین کند.

ـ بازطراحی بازار برق: توسعه بازار ظرفیت و تدوین چارچوب‌های قیمتی منعطف برای حفظ پایداری شبکه در مواجهه با نوسانات تولید تجدیدپذیرها.

ـ تدوین مقررات جدید: وضع مقررات شفاف برای توسعه ذخیره‌سازی انرژی (سیستم‌های باتری) و مدیریت پاسخ‌گویی سمت تقاضا.

۴. تأمین مالی پایدار و تنوع‌بخشی به زنجیره تامین

ـ بهره‌گیری از ابزارهای مالی نوین: فعال‌سازی تضمین‌های دولتی، استفاده از اوراق سبز و جذب سرمایه از طریق مشارکت عمومی ـ خصوصی (PPP) برای حل چالش تأمین مالی.

ـ هماهنگی سیاست‌های اقلیمی و صنعتی: با توجه به ریسک‌های ژئواکونومیک و وابستگی جهانی، سیاست‌گذاری در ایران باید به سمت تنوع‌بخشی جغرافیایی در تامین تجهیزات و تقویت زنجیره تامین داخلی حرکت کند. این رویکرد هم به کاهش ریسک و هم به شکوفایی صنعت داخلی کمک خواهد کرد.

سلسله نشست های «سرزمین توانایی ها ؛طرح ملی ظرفیت سنجی استان های ایران، استان گلستان» اینچه برون؛ کانون همگرایی اقتصادی و توسعه کریدورمحور تجاری ایران

نخستین نشست تخصصی از سلسله نشست‌های «سرزمین توانایی» با عنوان «اینچه برون کانون همگرایی اقتصادی و توسعه کریدور محور تجاری ایران» به همت کارگروه اقتصادی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری گلستان به صورت وبیناری، انجام پذیرفت.

در ابتدا، دبیر نشست جناب آقای دکتر امین الله پهلوانی مدرس دانشگاه و دبیر کارگروه اقتصادی اندیشکده حکمرانی گلستان، به نقش و اهمیت مناطق آزاد اشاره کرده و در ادامه در خصوص نقش منطقه آزاد اینچه برون در توسعه کریدورهای تجاری ایران از سخنرانان نشست سؤال کردند.

سخنران اول این نشست، جناب آقای دکتر رحمت الله نوروزی، دبیر مجمع نمایندگان استان گلستان در مجلس شورای اسلامی، ابتدا در خصوص تاریخچه راه‌اندازی و تصویب منطقه آزاد اینچه برون و تلاش نمایندگان در مجلس یازدهم شورای اسلامی و سلسله پیگیری‌های صورت گرفته، توضیحاتی ارائه دادند. ایشان، با اشاره به توانمندی‌ها و ظرفیت‌هایی که در استان گلستان با توجه به موقعیت ممتازی که در بین استان‌های کشور خصوصا همسایگی با کشورهای آسیای میانه و ارتباط با اوراسیا دارد، توضیحاتی را درخصوص پیگیری مجمع نمایندگان استان برای توسعه زیر ساخت‌های منطقه آزاد از مصوبات سفر ریاست محترم جمهوری دادند. ایشان، با اشاره به اینکه اهمیت و نقش منطقه آزاد اینچه برون برای دولت و رئیس جمهور محترم، در توسعه تجارت خارجی و کریدورهای مرتبط در سفر آقای دکتر پزشکیان با استان گلستان تبیین شد و دستورات لازم را در این خصوص دادند و مجمع نمایندگان در نشست با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت صمت، وزارت راه و شهرسازی و سازمان‌های مرتبط، پیگیر اجرای مصوبات است تا هرچه زودتر مسیرهای پیش رو برای توسعه منطقه آزاد اینچه برون هموار گردد.

ایشان، در ادامه در پاسخ به سؤال دبیر نشست که نقش منطقه آزاد اینچه برون در توسعه تجاری کشور و تقویت کریدورها در شرایط تحریمی و محاصره دریایی چیست و چه برنامه‌هایی در حال انجام است، گفت: «در طول ۳ دولت گذشته در خصوص تعهداتی که در گروه دوستی پارلمانی ایران و ترکمنستان که ریاست آن به عهده نمایندگان استان گلستان است، پیگیری‌های زیادی داشتیم، متأسفانه بر اساس تفاهمات و تعهداتی که ما داشتیم نتوانستیم به آن عمل کنیم و طرف ترکمنستانی به تعهدات خویش عمل کرده است که لازم است هرچه سریعتر دولت محترم، تعهدات و اقدامات لازم را انجام دهد و در صورت تحقق وعده‌ها و ایجاد زیرساخت‌های لازم اینچه برون، قابلیت تبدیل شدن به دروازه تجاری مهم برای کشور را دارد.

در ادامه، دبیر نشست، در خصوص اقدامات قانونی و اینکه آیا نیاز به مصوبه خاص برای رفع موانع داریم از ایشان سؤال پرسیدند که دکتر نوروزی با اشاره به اینکه در بحث قانون

ما مشکلی نداریم و اگر هم مشکلی باشد دولت لایحه بدهد، ما سریعا پیگیری و مرتفع می‌کنیم و مشکل اصلی، بحث اعتبارات است و با هر کدام از سازمان‌های مرتبط از جمله گمرک، راه آهن و منطقه آزاد که صحبت می‌نمایم، بحث نبود و تخصیص اعتبارات لازم را به عنوان یک مشکل اساسی مطرح می‌نمایند. ایشان در ادامه، در پاسخ به سؤال دبیر نشست در خصوص اینکه برای ایجاد بازارچه مشترک مرزی و ایجاد هاب صنعتی نیاز به مصوبات دولتی و مجلس ندارد و بسیاری از این مسائل در استان قابل حل است، از اقدامات مدنظر و برنامه‌های آینده استان و مجمع نمایندگان پرسیدند که دکتر نوروزی گفتند تمام ظرفیت‌های بخش خصوصی و دولتی در استان از قبیل اتاق صنعت و معدن، اتاق بازرگانی و ... پای کار وجود دارد و با توجه به تفویض اختیاراتی که ریاست محترم جمهور به استانداران داشته‌اند، این مسایل در استان به راحتی قابل انجام است و ما هم کمک و همکاری لازم را با استانداری خواهیم داشت.

در پایان آقای نوروزی، با اشاره به ظرفیت‌های بالای فرهنگی و قومیتی که بین ترکمن‌های گلستان و ترکمنستان وجود دارد گفت یکی از ظرفیت‌های مورد استفاده می‌تواند استفاده از ظرفیت نخبگان و علمای اهل سنت در ارتباط با علما و نخبگان گلستان و ترکمنستان و استفاده از دیپلماسی فرهنگی برای استفاده در توسعه تجارت و اقتصاد باشد و می‌توان بسیاری از مشکلات را از این طریق حل کرد و نکته آخر اینکه پس از جنگ تحمیلی سوم و محاصره دریایی ظرفیت منطقه آزاد اینچه برون و سپس بندر امیرآباد بهشهر، نقش مهمی دارند که باید نگاه دولت به این موضوع بیش از پیش معطوف گردد.

سخنران بعدی جلسه، جناب آقای دکتر حمیدرضا دنکوب، مشاور دفتر مدیریت استراتژیک استانداری گلستان بود که ایشان در ابتدا در پاسخ به سؤال دبیر نشست، در خصوص ظرفیت‌های استان گلستان در کمک به تنوع بخشی در اقتصاد کشور و کاهش ریسک تجاری و اقتصادی کشور گفت: «در نظریه‌های مدیریتی شفافیت، پاسخگویی، کارایی، مشارکت بخش خصوصی و ... نقش مهمی دارند. ما در استان گلستان، از سال ۱۳۹۶ این دغدغه را داشتیم که چرا استان گلستان توسعه پیدا نمی‌کند و به این نتیجه رسیدیم که مشکل در حکمرانی است و تا زمانی که به یک تفاهم در خصوص توسعه نرسیم استان به توسعه نمی رسد. ایشان از منطقه آزاد اینچه برون به عنوان یک مگا پروژه ملی برای توسعه استان و کشور یاد کردند.»

سخنران بعدی نشست، دکتر بهروز سامان، عضو هیأت مدیره و معاون توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری منطقه آزاد اینچه‌برون بود. ایشان با اشاره به تاریخچه شکل گیری منطقه آزاد اینچه برون، یکی از مشکلات اصلی آن را تکمیل نشدن زیر ساخت‌ها و عدم تمکین برخی از دستگاه‌ها در خصوص قوانین منطقه آزاد اشاره کرده و گفت بر اساس قوانین تمامی فرایندها، فعالیت شرکت‌ها، ترخیص کالا، صدور مجوزهای لازم همگی بر عهده مناطق آزاد است که متأسفانه برخی از نهادها مانند راه آهن از آن تمکین نکرده و ما در این خصوص در معاونت حقوقی در حال پیگیری موضوع هستیم. ایشان، در ادامه با اشاره با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های منطقه آزاد اینچه برون، از جمله معافیت مالیاتی در خصوص مالیات بر ارزش افزوده که خاص منطقه آزاد اینچه برون است و نیز مزیت بزرگ دیگر که در تلاقی سه کریدور مهم کریدور ترانزیتی کتای (KTAI) ، کریدور شرق-غرب و (INSTC) کریدور شمال-جنوب گفت اینچه برون



قابلیت تبدیل شدن به دروازه بزرگ تجاری ایران را دارد. وی در ادامه، با اشاره به جنگ تحمیلی اخیر و محاصره دریایی صورت گرفته مسیر ریلی شیان چین ـ اینچه برون را امن ترین (در ۱۰۰ سال اخیر، امن ترین مناطق کشور بوده است) و سریعترین مسیر (متوسط ۱۲ روز بین ۱۰ تا ۱۴ روز) برای تأمین کالاهای ضروری کشور دانست.

در پایان از مجموع صحبت‌های یاد شده موارد زیر جمع بندی و ارایه گردید.

ـ ژئواقتصاد شرق ایران با تکیه بر جایگاه ترانزیتی آن و نقش مناطق آزاد تازه‌تأسیس مانند اینچه برون، در حال شکل‌دهی به الگوی جدیدی از توسعه است که فراتر از رویکردهای سنتی، به دنبال پیوند اقتصاد مناطق مرزی با شبکه‌های چارت جهانی و کریدورهای بین‌المللی می‌باشد.

ـ موقعیت ژئواکونومیک شرق ایران: کریدورهای ترانزیتی و محور شرق: شرق ایران به دلیل قرارگیری در نقطه تلاقی کریدورهای مهم بین‌المللی، از پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به یک هاب لجستیک و تجاری برخوردار است.

ـ دروازه اتصال به کریدورهای جهانی: استان‌های شرقی کشور، از منطقه آزاد اینچه برون در استان گلستان تا استان خراسان و منطقه سرخس، در تقاطع دو کریدور حیاتی شرق ـ غرب و شمال ـ جنوب قرار دارند. این موقعیت، دسترسی به بازارهای آسیای میانه، چین، هند و اروپا را فراهم می‌کند.



این محور بعنوان یک «گلوگاه لجستیکی حیاتی» توصیف شده است که با اختلالات در مسیرهای شمالی (مانند جنگ اوکراین)، نقش آن به عنوان یک مسیر جایگزین مطمئن و کم‌ریسک، بیش از پیش برجسته شده است.

پیوند با کریدور شرق ـ غرب و کمربند ـ راه چین: یکی از اهداف کلیدی پروژه‌های منطقه‌ای، از جمله پروژه مشترک ایران ، افغانستان و چین برای ایجاد منطقه آزاد بین‌المللی، اتصال به ابتکار کمربند ـ راه چین است ، همچنین کریدور ریلی شرق ـ غرب که از چین وارد ایران شده و از سرخس عبور می‌کند، ارزش استراتژیک بالایی دارد و می‌تواند مسیری بدون توقف برای ترانزیت کالا به اروپا باشد.

مفهوم کریدور آزاد: تحقیقات مختلف بر توسعه «محور شرق» به عنوان یک کریدور آزاد تأکید دارند؛ منطقه‌ای که در آن، کالاها بدون تشریفات گمرکی و با هزینه کمتر، حمل، بسته‌بندی مجدد و حتی تولید می‌شوند. این مدل، فرصتی استثنایی برای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی، توسعه صادرات غیرنفتی و ایجاد ارتباط منظم بین اقتصاد ملی و بین‌المللی فراهم می‌کند. منطقه آزاد تجاری، به ویژه منطقه آزاد اینچه برون، نقشی کلیدی در تحقق پتانسیل ژئواکونومیک شرق ایران ایفا می‌کنند. این مناطق با اتصال به کریدورهای بین‌المللی، جذب سرمایه و ایجاد زیرساخت‌های مدرن، می‌توانند محرکی برای رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی و توسعه متوازن در این بخش از کشور باشند. با این حال، موفقیت این رویکرد در گرو اجرای اصول حکمرانی خوب، همکاری‌های منطقه‌ای و برنامه‌ریزی بلندمدت است تا شرق ایران از منطقه حاشیه‌ای به قطب تجاری و ترانزیتی فعال تبدیل شود.

ـ کریدورهای تجاری و فرصت‌های توسعه اقتصادی استان گلستان: استان گلستان، با برخورداری از موقعیت راهبردی در کریدور شمال ـ جنوب و منطقه آزاد اینچه‌برون، ظرفیت‌های بی‌نظیری برای تبدیل شدن به یکی از قطب‌های تجاری و ترانزیتی کشور دارد. این پتانسیل‌ها، می‌توانند این استان را از یک منطقه عمدتا کشاورزی به هاب صنعت، گردشگری و تجارت خارجی تبدیل کنند.

ـ کریدور شمال ـ جنوب (INSTC) شاهراه توسعه گلستان: این کریدور هند، ایران و روسیه را به هم متصل می‌کند و اصلی‌ترین فرصت توسعه برای استان گلستان محسوب می شود.

ـ دسترسی به بازارهای اوراسیا و چین: فعال‌سازی این کریدور از مسیر گلستان، زمینه‌ساز تجارت با کشورهای کلیدی اوراسیا نظیر ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و چین است و می‌تواند تحولی عظیم در اقتصاد استان و کشور ایجاد کند. مسیر ریلی موجود از طریق ترکمنستان به قزاقستان متصل است و برنامه اتصال آن به روسیه، تکمیل‌کننده این زنجیره ترانزیتی خواهد بود.

ـ مزیت رقابتی نسبت به مسیرهای سنتی: بررسی‌ها نشان می‌دهد که کریدور شمال ـ جنوب در مقایسه با مسیر سنتی کانال سوئز، حدود ۲۵ درصد صرفه‌جویی در هزینه و ۳۰ درصد در زمان حمل دارد که آن را به گزینه‌ای بسیار جذاب برای تجار تبدیل می‌کند.

ـ استان گلستان و تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری با افزایش تاب‌آوری اقتصادی در شرایط تحریم: استان گلستان، به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد در شمال شرقی ایران و هم‌جواری با دریای خزر و کشور ترکمنستان، پتانسیل قابل توجهی برای ایفای نقش کلیدی در تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری و افزایش تاب‌آوری اقتصادی کشور، به‌ویژه در شرایط تحریم‌های بین‌المللی دارا است. تمرکز بر توسعه کریدورهای تجاری زمینی، ریلی و دریایی از طریق این استان، می‌تواند به کاهش اتکای اقتصاد به مسیرهای محدودتر، گشایش بازارهای جدید در آسیای مرکزی و قفقاز، و ارتقای درآمدهای ترانزیتی منجر شود.

ـ کاهش اتکا به مسیرهای دریایی جنوب: در شرایط تحریم‌های دریایی و محدودیت‌های تردد در خلیج فارس و دریای عمان، مسیرهای شمالی از طریق دریای خزر می‌توانند جایگزین یا مکمل مهمی باشند.

گشایش درهای جدید به آسیای مرکزی: استان گلستان به عنوان پلی به سمت ترکمنستان و از آنجا به قزاقستان، ازبکستان و سایر کشورهای آسیای مرکزی عمل می‌کند. این مسیرها در شرایط تحریم، فرصت‌هایی برای صادرات و واردات کالاهای خاص فراهم می‌کنند.

ـ توسعه کریدور شمال ـ جنوب: با توسعه زیرساخت‌های لازم، گلستان می‌تواند نقشی حیاتی در فعال‌سازی و افزایش حجم ترانزیت کالا در این کریدور ایفا کند و وابستگی به مسیرهای طولانی‌تر را کاهش دهد.

ـ تجارت مرزی و منطقه‌ای: تقویت روابط تجاری با ترکمنستان از طریق مرز اینچه‌برون، ضمن افزایش حجم صادرات، امکان واردات کالاهای مورد نیاز را با هزینه و زمان کمتر فراهم می‌آورد.

ـ ایجاد مسیرهای جایگزین هوایی و ریلی: در کنار مسیر دریایی خزر، توسعه مسیرهای ریلی و هوایی جایگزین برای اتصال به بازارهای شمالی می‌تواند تاب‌آوری زنجیره‌های تأمین را افزایش دهد.

در شرایط تحریم و ناامنی‌های منطقه‌ای، استان گلستان، می‌تواند یک گره راهبردی برای تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری ایران باشد؛ یعنی به‌جای اتکا به چند مسیر محدود و آسیب‌پذیر، بخشی از جریان تجارت از مسیرهای جایگزین و کم‌ریسک‌تر عبور کند. نقش گلستان از چند جهت مهم است:

۱. موقعیت ژئواقتصادی ویژه گلستان، در شمال‌شرق ایران، قرار دارد و به ترکمنستان و از طریق آن به آسیای مرکزی نزدیک است. همچنین، به دریای خزر و شبکه‌های حمل‌ونقل شمالی متصل می‌شود. این موقعیت، سبب می‌شود استان بتواند: به‌عنوان دروازه ورود و خروج کالا عمل کند، وابستگی تجارت کشور به مسیرهای جنوبی یا مسیرهای پرتنش را کاهش دهد،و مسیرهای جایگزین برای صادرات، واردات و ترانزیت فراهم کند.

۲. کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحریم

تحریم‌ها معمولا هزینه حمل‌ونقل، بیمه، مبادله مالی و دسترسی به بنادر و خطوط کشتیرانی را افزایش می‌دهند. گلستان می‌تواند با تقویت مسیرهای: زمینی، ریلی، ترانزیتی به آسیای مرکزی و ارتباط با بنادر و سواحل خزر کمک کند که تجارت کشور فقط به یک یا دو مسیر وابسته نباشد. این تنوع، تاب‌آوری اقتصادی را بالا می برد.

۳. نقش در عبور از ناامنی‌های منطقه‌ای

وقتی برخی مسیرهای تجاری در منطقه به دلیل جنگ، تنش سیاسی، بسته‌شدن مرزها یا ناامنی دریایی دچار اختلال می‌شوند، مسیرهای جایگزین اهمیت پیدا می‌کنند. گلستان می‌تواند: مسیر امن‌تر و کوتاه‌تر برای بخشی از مبادلات با همسایگان شمالی باشد، فشار را از کریدورهای آسیب‌پذیر کم کند، و امکان انتقال سریع‌تر کالاهای حیاتی را فراهم سازد.

٤. ظرفیت‌های اصلی گلستان

مهم‌ترین ظرفیت‌های استان در این حوزه عبارت‌اند از: پایانه مرزی اینچه‌برون راه‌آهن گرگان-اینچه‌برون ارتباط با ترکمنستان نزدیکی به مسیرهای کریدوری شمالی، امکان توسعه مراکز لجستیکی و انبارداری این ظرفیت‌ها اگر تقویت شوند، گلستان می‌تواند به یک هاب لجستیکی منطقه‌ای تبدیل شود.

٥) آثار اقتصادی

تقویت نقش گلستان در مسیرهای تجاری می‌تواند نتایج زیر را داشته باشد:

افزایش درآمد ترانزیتی، رشد صادرات غیرنفتی، توسعه اشتغال محلی، رونق خدمات حمل‌ونقل و لجستیک، افزایش نقش استان در اقتصاد ملی

منطقه آزاد اینچه‌برون ؛ موتور محرکه اقتصاد استان

منطقه آزاد تجاری-صنعتی اینچه‌برون، به عنوان یک نقطه استراتژیک، نقشی کلیدی در شتاب‌بخشی به توسعه پایدار گلستان ایفا می کند .

موقعیت مرزی و اتصال ریلی: این منطقه با وسعتی بالغ بر ۱۲۵۷۷ هکتار در شمال شرق کشور و در مجاورت مرز ترکمنستان واقع شده است. موقعیت آن، به‌گونه‌ای است که می‌تواند به عنوان یک دروازه امن و کوتاه برای دسترسی ایران به آسیای میانه عمل کند. در حال حاضر، ۷۰۰ کیلومتر خط ریلی ترکمنستان به این منطقه متصل است و این مسیر به قزاقستان و در آینده به روسیه ادامه می‌یابد.

تنوع‌بخشی به اقتصاد: با توجه به اینکه گلستان، عمدتا به عنوان قطب کشاورزی شناخته شده و در دهه‌های اخیر با چالش‌هایی در این حوزه مواجه بوده، منطقه آزاد اینچه‌برون، می‌تواند با جذب سرمایه‌گذاری در صنعت و خدمات، علاج توسعه پایدار این استان باشد و به موتور محرکه پیشرفت اقتصادی آن و مسیری امن برای توسعه تجاری در شرایط تحریمی و خاص کشور تبدیل شود.

سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌ها؛ کلید مو فقیت

برای بهره‌مندی کامل از این فرصت‌ها، جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تکمیل زیرساخت‌ها ضروری است :

جذب سرمایه‌گذار: با توجه به محدودیت منابع دولتی، دعوت از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای حضور در استان و منطقه آزاد، محور اصلی توسعه معرفی می‌گردد.

تکمیل زیرساخت‌های حمل‌ونقل: تکمیل اتصال راه‌آهن به مسیرهای ریلی اصلی به عنوان گام‌های اساسی برای تکمیل شبکه کریدور شمال-جنوب و توسعه ترانزیت کشور می باشند و توسعه زیرساخت‌های منطقه آزاد اینچه‌برون نیز نیازمند حمایت دولت است.

در یک نگاه کلی، کریدور شمال-جنوب و منطقه آزاد اینچه‌برون، دو بال اصلی برای پرواز اقتصادی گلستان هستند. به‌کارگیری این ظرفیت‌ها، می‌تواند با ایجاد اشتغال و ثروت‌آفرینی، نقش استان را در معادلات تجاری منطقه‌ای و بین‌المللی تثبیت کند.



راهکار توسعه اقتصادی با تأکید بر تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری جهت افزایش تاب‌آوری اقتصادی کشور

تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری به‌عنوان یکی از ارکان کلیدی افزایش تاب‌آوری اقتصادی و توسعه پایدار می‌پردازد.

در دنیای امروز که شوک‌های اقتصادی، سیاسی و محیطی به‌طور فزاینده‌ای اقتصادها را تحت تأثیر قرار می‌دهند، اتکای صرف به یک یا چند مسیر تجاری محدود، کشورها را در برابر اختلالات خارجی به‌شدت آسیب‌پذیر می‌سازد. تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری، که شامل توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل چندوجهی، گسترش دروازه‌های ورودی و خروجی، تنوع‌بخشی به بازارهای هدف و شرکای تجاری است، می‌تواند ریسک‌های متمرکز را کاهش داده، هزینه‌ها را بهینه سازد و انعطاف‌پذیری اقتصادی را در برابر بحران‌ها به‌طور چشمگیری افزایش دهد.

تاب‌آوری اقتصادی (Economic Resilienc):

به معنای توانایی یک نظام اقتصادی برای مقاومت، جذب، سازگاری و بازیابی سریع در برابر انواع شوک‌ها و اختلالات تعریف می‌شود. این شوک‌ها می‌توانند شامل موارد زیر باشند:

ـ اقتصادی: بحران‌های مالی جهانی، نوسانات شدید قیمت کالاها، رکودهای منطقه‌ای.

ـ سیاسی و ژئوپلیتیکی: تحریم‌های بین‌المللی، جنگ‌های منطقه‌ای، بی‌ثباتی سیاسی در شرکای تجاری.

ـ فناوری و زیرساختی: اختلال در زنجیره‌های تأمین جهانی، حملات سایبری به زیرساخت‌های حیاتی.

ـ محیط زیستی و بهداشتی: بلایای طبیعی، پاندمی‌های جهانی.

تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری؛ یعنی کشور بتواند صادرات، واردات و ترانزیت خود را از چند کریدور، بندر، مرز زمینی، مسیر ریلی و دریایی انجام دهد. این کار، سبب می‌شود: ریسک تمرکز کاهش یابد، هزینه و زمان حمل متعادل شود، قدرت چانه‌زنی کشور در تجارت افزایش یابد، وابستگی به یک یا دو شریک یا مسیر خاص، کمتر شود و تجارت در شرایط بحران متوقف نشود.

ابعاد تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری

تنوع در مد حمل‌ونقل (Multimodal Transport)

توسعه و یکپارچه‌سازی شبکه‌های جاده‌ای، ریلی، دریایی و هوایی به‌گونه‌ای که در شرایط مختلف، امکان جابه‌جایی کالا از طریق مدل‌های جایگزین وجود داشته باشد. این امر شامل توسعه کریدورهای چندوجهی (مانند کریدور شمال-جنوب، کریدورهای منطقه‌ای) است.

تنوع در دروازه‌های ورودی و خروجی (Gateway Diversification)

کاهش تمرکز بر بنادر، پایانه‌های مرزی یا فرودگاه‌های معدود و توسعه و تجهیز همزمان چندین نقطه دسترسی به بازارهای جهانی. این امر شامل فعال‌سازی بنادر کوچک‌تر، توسعه مرزهای زمینی و نوسازی زیرساخت‌های لجستیکی است.

تنوع جغرافیایی بازارها (: Market Diversification)

کاهش وابستگی به چند بازار اصلی صادراتی یا وارداتی و گسترش روابط تجاری با کشورهای مختلف در مناطق گوناگون (منطقه‌ای، قاره‌ای، فرامنطقه‌ای).

تنوع در زنجیره‌های تأمین و شرکای تجاری (Supply Chain & Partner Diversification)

اتکا به مجموعه‌ای از تأمین‌کنندگان و شرکای تجاری متنوع برای کاهش ریسک وابستگی به یک منبع واحد.

تنوع در ابزارهای لجستیکی و مالی: استفاده از انواع روش‌های حمل (مانند کانتینری، فله، فله خشک)، استفاده از بیمه‌های متنوع، و به‌کارگیری سازوکارهای مختلف تسویه حساب بین‌المللی

پیوند تنوع مسیرهای تجاری با تاب‌آوری اقتصادی

تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری از کانال‌های متعددی به افزایش تاب‌آوری اقتصادی منجر می‌شود .

کاهش ریسک تمرکز(Concentration Risk Mitigation)

با وجود مسیرهای جایگزین، اختلال در یک مسیر (مانند بسته شدن تنگه هرمز، یا مشکلات در مرز یک کشور همسایه) کل تجارت کشور را متوقف نمی‌کند.

افزایش انعطاف‌پذیری (Enhanced Flexibility)

قابلیت جابه‌جایی سریع بین مسیرهای مختلف،

امکان سازگاری با شرایط متغیر بازار و بحران‌ها را فراهم می‌آورد.

کاهش هزینه‌های تراکنش و حمل (Reduced Transaction & Transportation Costs)

رقابت بین مسیرها و استفاده از مد حمل بهینه، منجر به کاهش هزینه‌های لجستیک و افزایش بهره‌وری می‌شود.

بهبود قدرت چانه‌زنی (Improved Bargaining Power)

کشوری که گزینه‌های تجاری متعددی دارد، در مذاکرات تجاری و تعیین شرایط حمل‌ونقل، قدرت بیشتری خواهد داشت.

حفاظت از زنجیره‌های حیاتی (Protection of Critical Supply Chains)

برای صنایعی که به واردات مواد اولیه یا قطعات وابسته هستند، مسیرهای تجاری متنوع، بقای تولید را در زمان بحران تضمین می‌کند.

تسریع در بازیابی پس از بحران (Faster Post_Crisis Recovery)

وجود زیرساخت‌های فعال و متنوع، امکان بازگشت سریع‌تر به سطوح پیش از بحران را فراهم می‌آورد.

مزایای کلان اقتصادی

فراتر از تاب‌آوری، تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری مزایای عمیق‌تری برای توسعه اقتصادی دارد:

ارتقاء رقابت‌پذیری ملی: کاهش هزینه‌ها و زمان حمل، کالاهای صادراتی را رقابتی‌تر کرده و واردات را تسهیل می‌بخشد.

گسترش صادرات غیرنفتی: دسترسی آسان‌تر و مطمئن‌تر به بازارهای جهانی، محرکی قوی برای رشد صادرات محصولات دانش‌بنیان و غیرنفتی است.

چالش ها و موانع اجرایی

اجرای موفقیت‌آمیز این راهبرد مستلزم غلبه بر چالش‌های متعددی است:

محدودیت‌های زیرساختی: نیاز به سرمایه‌گذاری عظیم و بلندمدت برای توسعه و نوسازی بنادر، خطوط ریلی، جاده‌ها، فرودگاه‌ها و مراکز لجستیکی .

ناهماهنگی نهادی و بوروکراسی: تعدد نهادهای ذی‌ربط (وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، گمرکات)، نبود هماهنگی، بروکراسی اداری پیچیده و فساد، روند اجرای پروژه‌ها را کند می‌کند.

محدودیت‌های مالی و سرمایه‌گذاری: تأمین مالی پروژه‌های کلان زیرساختی، به ویژه در شرایط تحریم و کسری بودجه، بسیار دشوار است. جذب سرمایه خارجی نیز با ریسک‌های سیاسی و اقتصادی همراه است.

ریسک‌های ژئوپلیتیکی و امنیتی: ناامنی در برخی مسیرهای بالقوه، تنش‌های منطقه‌ای و وابستگی به توافقات بین‌المللی، پایداری مسیرهای تجاری جدید را تهدید می‌کند.

ضعف در دیپلماسی اقتصادی و ترانزیتی: عدم وجود توافقات دوجانبه و چندجانبه پایدار با کشورهای همسایه و منطقه، مانع عملیاتی شدن کریدورهای جدید می‌شود.

فقدان استراتژی یکپارچه: عدم وجود یک برنامه جامع ملی برای حمل‌ونقل، لجستیک و تجارت که تمامی ابعاد را پوشش دهد.

مقاومت در برابر تغییر: ذی‌نفعان وضعیت موجود ممکن است در برابر تغییرات و اصلاحات ساختاری مقاومت کنند.

راهکارهای پیشنهادی برای پیاده‌سازی

برای پیاده‌سازی مؤثر راهبرد تنوع‌بخشی به مسیرهای تجاری، اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

ـ تدوین و اجرای استراتژی ملی لجستیک و حمل‌ونقل: ایجاد یک نقشه راه جامع با اهداف کمی و کیفی مشخص، اولویت‌بندی پروژه‌ها و تعیین مسئولیت نهادها.

ـ توسعه کریدورهای چندوجهی و منطقه‌ای: تمرکز بر اتصال به بازارهای همسایه و منطقه با استفاده ترکیبی از ریل، جاده و دریا (مثلا توسعه کریدورهای غربی-شرقی و شمالی-جنوبی).

ـ ایجاد و تقویت مراکز لجستیک (Logistics Hubs)

تأسیس مناطق ویژه لجستیکی در نقاط استراتژیک برای تجمیع، پردازش و توزیع کالا، که ضمن افزایش کارایی، فرصت‌های شغلی ایجاد می‌کند.

ـ دیجیتالی‌سازی فرآیندهای تجارت و گمرک: راه‌اندازی پنجره واحد تجارت فرامرزی و استفاده از فناوری بلاک‌چین و هوش مصنوعی برای تسریع و شفاف‌سازی فرآیندها.

ـ تقویت دیپلماسی اقتصادی و ترانزیتی: انعقاد و

فعال‌سازی موافقت‌نامه‌های حمل‌ونقل، ترانزیت، تعرفه‌های ترجیحی، و تسهیلات مرزی با کشورهای هدف.

ـ جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و خارجی: ایجاد مشوق‌های لازم، تضمین سرمایه‌گذاری و کاهش ریسک برای سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در پروژه‌های زیرساختی و لجستیکی

ـ تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی: اجرای برنامه‌های حمایتی برای ورود به بازارهای جدید، تنوع‌بخشی به سبد صادراتی و کاهش وابستگی به چند کشور خاص.

ـ اولویت‌دهی به نوسازی و تکمیل زیرساخت‌های موجود: پیش از آغاز پروژه‌های عظیم جدید، تکمیل و ارتقاء ظرفیت و کارایی زیرساخت‌های فعلی از اهمیت بالایی برخوردار است.

ـ اصلاحات مقرراتی و تسهیل کسب‌وکار: ساده‌سازی قوانین و مقررات مربوط به حمل‌ونقل، گمرک، انبارداری و لجستیک.

ـ تشکیل کارگروه ملی لجستیک و توسعه کریدورهای تجاری: با حضور نمایندگان تمامی دستگاه‌های مرتبط و بخش خصوصی.

ـ تدوین مطالعات امکان‌سنجی جامع برای کریدورهای اولویت‌دار: با رویکرد اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی.

ـ بازنگری و اصلاح مستمر قوانین و مقررات مرتبط با تجارت و حمل‌ونقل.

ـ چالشها و موانع اجرایی توسعه کریدورمحور و راهبردهای پیشنهادی حل آنها.

ـ موانع زیرساختی؛ گلوگاه های اجرایی: اصلی‌ترین گلوگاه، وجود حلقه‌های مفقود ریلی در مسیرهای اتصال گلستان به کریدورها است. همچنین، کارایی پایین عملیاتی در فرایندهای ترانزیتی رقابت پذیری این مسیر را با چالش مواجه نموده است.

ـ چالش‌های ژئوپلیتیک و امنیتی: ناکارآمدی و بهره‌وری پایین و عدم اطمینان به مسیرهای عبوری از ایران، موجب شده برخی شرکای تجاری و کشورهای همسایه به کریدورهای رقیب روی آورند.

ـ تحریم های مالی و اقتصادی: ریسک‌های مالی و حقوقی ناشی از تحریم‌های بین المللی به عنوان یک مانع ساختاری تأثیر عمیقی بر توانایی ما در جذب سرمایه در حوزه‌های زیرساخت‌های ترانزیتی و مشارکت در پروژه های فرامرزی گذاشته است.

ـ موانع داخلی ؛ ضعف در حکمرانی و هماهنگی : در کنار همه عوامل خارجی، ناهماهنگی‌های نهادی و ناکارآمدی های ساختاری در داخل نیز مانع بزرگی محسوب می‌شوند. فقدان یک نهاد متولی واحد و فرابخشی با اختیارات کافی برای مدیریت یکپارچه کریدورها باعث پراکندگی تصمیم گیری‌ها و عدم انسجام در عملکرد کریدورها می‌گردد. همچنین توسعه کریدورمحور بیش از هر چیز به اراده سیستماتیک برای عبور از موانع داخلی وابسته است.

ـ ساده‌سازی فرایندهای گمرکی، بهبود کارایی عملیاتی، تقویت دیپلماسی اقتصادی و ایجاد ساختاری منسجم و هماهنگ کننده به عنوان راهبردهای مؤثر جهت حل موانع توسعه کریدوری پیشنهاد می‌شوند که می‌توانند با کاهش ریسک‌های مختلف، شروع اصلاحات بنیادین در حکمرانی خوب و منتج به افزایش بهره‌وری تجاری کشور گردند.

ظرفیت‌های استان گلستان در بهره برداری از انرژی های تجدیدپذیر

نشست تخصصی از سلسله نشست‌های «سرزمین توانایی‌ها» با محوریت ظرفیت‌های استان گلستان در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر، به همت کارگروه انرژی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری گلستان و با همکاری معاونت پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برگزار شد.

مهندس رمضانعلی سنگدوینی (نماینده مردم گرگان و آق‌قلا در مجلس و نایب‌رئیس کمیسیون انرژی مجلس): با توجه به تهدیدات جدی دشمن علیه زیرساخت‌های متمرکز انرژی کشور، تمرکز بر انرژی‌های پراکنده و مقیاس‌کوچک، یک راهبرد ضروری و غیرقابل‌اجتناب است. توسعه نیروگاه‌های خورشیدی کوچک‌مقیاس در استان گلستان، ضمن افزایش پایداری شبکه، ضریب امنیت سرمایه‌گذاری را به نحو محسوسی افزایش می‌دهد. مهندس کوهساری (مجری طرح‌های انرژی خورشیدی در استان گلستان): اراضی ملی و مراتع طبیعی استان، ظرفیت بی‌نظیری برای بهره‌وری همزمان و توأمان در دو حوزه تولید انرژی خورشیدی و دامپروری فراهم آورده‌اند که این الگوی تلفیقی مورد توجه ویژه سازمان ساتبا نیز قرار گرفته است.

دکتر ابراهیمی (عضو هیئت علمی دانشگاه و مشاور طرح‌های انرژی تجدیدپذیر استان گلستان): ورود شرکت‌های دانش‌بنیان به حوزه طراحی و تولید ذخیره‌کننده‌های حرارتی و الکتریکی، یکی از کلیدی‌ترین راهکارهای جلوگیری از خروج ارز و کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی است.



اینچه برون فقط یک منطقه مرزی نیست و ظرفیت هایی دارد که نقش مهمی در توسعه استان و شکوفایی تجارت خارجی کشور دارد.



دکتر بهروز سامان
عضو هیأت مدیره و معاون توسعه اقتصادی
و سرمایه گذاری منطقه آزاد اینچه برون
عضو کارگروه اقتصادی اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان

دکتر بهروز سامان، در خصوص کمبودها، ویژگی‌ها و ظرفیت‌های منطقه آزاد اینچه برون گفت: مسئله کمبود ظرفیت نداریم بلکه تبدیل این ظرفیت به تولید مهم است. چرا که اینچه برون فقط یک منطقه مرزی نیست و ظرفیت هایی دارد که نقش مهمی در توسعه استان و شکوفایی تجارت خارجی کشور دارد. فرقی که منطقه آزاد اینچه برون با دیگر مناطق آزاد دارد این است که مناطق آزاد قدیم که نسل اول و دوم هستند در طول زمان و در امتداد یک بستری شکل گرفتند، یعنی از یک منطقه اقتصادی، شهرک صنعتی، منطقه گردشگری، بندر یا یک پایانه صادراتی تبدیل به مناطق آزاد شده اند که همگی دارای زیرساخت هایی بودند اما اینچه برون استثنا است و چنین شرایطی را نداشته است و در یک منطقه بیابانی و بدون زیرساخت شکل گرفته است و این یک نقطه ضعف بزرگ برای آن محسوب شده است.

اما علی‌رغم این ضعف، نقاط مثبت و ظرفیت‌های زیادی به شرح ذیل دارد:

۱ـ امکان طراحی جدید در مساحتی برابر با ۱۲۵۷۷ هکتار که ۳ برابر مساحت گرگان است، یک مزیت مناسب را برای آن ایجاد کرده است.

۲ـ آرزوی کشورهای CIS این بوده است که از طریق ایران به آب‌های آزاد متصل شوند که منطقه آزاد اینچه برون این فرصت را فراهم کرده است.

۳ـ اتصال به کریدور ریلی به طول ۵۴۰ کیلومتر (قزاقستان ـ ترکمنستان ـ ایران)

٤ـ حضور اقوام مختلف و پیوندهای فرهنگی و قومیتی تأثیرگذار در ارتباط با کشور ترکمنستان وکشورهای همسایه

٥ـ دسترسی به منابع طبیعی غنی در کشور قزاقستان (قزاقستان بیش از ۲۰ میلیون تن مازاد غلات دارد)

٦ـ دسترسی به منابع عظیم گازی ترکمنستان و استفاده از ظرفیت گازی ترکمنستان برای سواپ و ...

۷ـ تأمین کالای اساسی کشور در اثر محاصره دریایی جنگ تحمیلی اخیر از طریق آسیای میانه، چین و روسیه

۸ـ تأمین محصولات پروتئینی و دام زنده از قزاقستان و ازبکستان و ...

۹ـ تأمین دانه‌های روغنی کشور از قزاقستان و ازبکستان و ...

۱۰ـ تأمین نهاده‌های دامی کشورهای ازبکستان و قزاقستان و ...

۱۱ـ تنها استانی که در شمال کشور قابلیت تبدیل شدن به هاب چوب را دارد.

۱۲ـ ظرفیت‌های صادراتی که در استان در بخش

کشاورزی و دامپروری وجود دارد.
۱۳ـ ظرفیت اسب ترکمن، صنایع دستی و ...
۱۴ـ مرکز لجستیک منطقه آزاد که محل تلاقی ۳ کریدور اصلی و بزرگ است. (شرق به غرب، شمال به جنوب و KTR)
۱۵ـ دسترسی به ریل، جاده، دریا و هوا
۱۶ـ منابع غنی صدف
۱۷ـ امنیت تاریخی مرز اینچه برون که در طی یکصد سال اخیر جزو مناطق امن کشور بوده است.
۱۸ـ دسترسی سریع به چین و روسیه (میانگین فاصله از چین ۱۲ روز به طوری که از شیان چین بین ۱۰ـ۱۴ روز ارسال بار زمان می‌برد).

در ادامه دکتر سامان، با اشاره به مراحل راه اندازی منطقه آزاد به ۳ مرحله گفت: «در مرحله اول که مرحله راه اندازی و آماده سازی است ۸۰ ٪ کار را انجام شده است و در مرحله دوم که مرحله منطقه کارآمد است از طریق برنامه ریزی صورت گرفته، بحث ایجاد منطقه صنعتی و جذب سرمایه گذار است که مشاوره و طراحی های لازم برای ایجاد و استقرار صنایع بزرگ و ایجاد زنجیره ارزش انجام شده است و مرحله سوم منطقه هوشمند و تبدیل آن به منطقه اقتصادی بین المللی است.»

دکتر سامان در ادامه اولویت‌های منطقه آزاد اینچه برون را به شرح ذیل اعلان کرد:
۱ـ توسعه تجارت و خدمات لجستیکی
۲ـ توسعه صنعتی منطقه با تأکید بر مزیت های نسبی تولیدات کشاورزی و محصولاتی که در استان وجود دارد و تقاضاهایی که از سمت کشورهای منطقه CIS وجود دارد.
۳ـ تکمیل زنجیره و فعالیت های تجارت، گردشگری و خدمات عمومی.

ایشان در پاسخ به سوال یکی از شرکت کنندگان درخصوص حمایت‌های مادی و معنوی که برای شرکت های موجود در منطقه آزاد دارند گفت: در مرحله واگذاری و عقد قرارداد و صدور مجوز برای شرکتهای بزرگی که می خواهند در منطقه کار کنند هستیم و یکی از مزیت های مناطق آزاد این است که تمامی فرآیندهای لازم برای ثبت شرکت، صدور مجوز و ... توسط منطقه آزاد اینچه برون انجام خواهد پذیرفت.

دکتر سامان در پاسخ به سوال یکی دیگر از شرکت کنندگان که درخصوص تدوین آیین



نامه ها و قوانینی که در شرایط فعلی کشور به تجارت آزاد کمک کند گفت:
قوانین مناطق آزاد جزو قوانین خوب کشور است و یکی از مزایایی که منطقه آزاد اینچه برون دارد و مختص این منطقه است آن است که شرکتها از مالیات بر ارزش افزوده معاف هستند چرا که براساس ماده ۱۰ قانون معاف از مالیات ارزش افزوده آمده است که ۳ شرط اساسی بر معافیت مالیاتی شامل ۱ـ خارج بودن از مراکز سکونتگاهی ۲ـ داشتن تراز مثبت ۳ـ محیط محصور باشد. و هرسه ویژگی هایی است که منطقه آزاد اینچه برون برای معافیت مالیاتی از آن شرایط برخوردار است؛ لذا در بخش قوانین مشکلی نداریم.
وی تنها مشکل موجود را که تمامی مناطق آزاد کشور به آن مبتلابه هستند و ۲ سال است که پرونده آن در معاونت حقوقی در حال پیگیری است در حقیقت عدم تمکین از قانون دستگاه های اجرایی اعلان کرد. چرا که براساس ماده ٦٥ احکام دائمی توسعه تمامی فعالیت ها، وظایف، مسئولیت ها و اختیارات دستگاههای اجرایی در داخل محدوده منطقه آزاد با خود منطقه آزاد است که دلیل آن هم برای مدیریت یکپارچه و هماهنگی بیشتر است که متاسفانه توسط دستگاه های دیگر مانند راه آهن اجرا نمی شود و درخصوص ترخیص و ترانزیت کالا مشکل داریم.
ایشان در پایان گفت اینچه برون یک فرصت برای استان گلستان نیست بلکه یک دروازه تجاری بسیار مهم برای مبادلات کالاهای اساسی و تجارت با اوراسیا، کشورهای CiS و قفقاز است به همین منظور موضوع اول تامین مالی و کمک دولت برای تکمیل و تامین زیرساختها است.

نقش شرکت‌های دانش‌بنیان در توسعه پایدار انرژی‌های تجدیدپذیر؛ با تأکید بر فناوری‌های ذخیره‌سازی انرژی



دکتر رضا ابراهیمی
عضو هیئت علمی دانشگاه و مشاور
طرح‌های انرژی تجدیدپذیر استان گلستان
عضو کارگروه انرژی اندیشکده‌های حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان

۱. مقدمه

نوسان ذاتی تولید انرژی خورشیدی و بادی، یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر است. در ساعات اوج تابش، تولید ممکن است از تقاضا فراتر رود و در شب یا روزهای ابری، تولید به شدت کاهش یابد. این موضوع بدون توسعه سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی، امکان تأمین پایدار و مطمئن برق را با مخاطره مواجه می‌سازد. به عبارت دیگر، ذخیره‌سازی انرژی، حلقه مفقوده‌ای است که بدون آن، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر با محدودیت‌های جدی مواجه خواهد شد. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی (IEA)، ظرفیت جهانی ذخیره‌سازی انرژی تا سال ۲۰۳۰ باید به حدود ۴۰۰ گیگاوات برسد تا اهداف توافق پاریس در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای محقق شود. این در حالی است که ظرفیت فعلی ذخیره‌سازی جهان حدود ۳۰ گیگاوات است که نشان‌دهنده شکاف قابل‌توجهی بین وضعیت موجود و نیاز آتی می‌باشد. این شکاف، فرصتی بزرگ برای کشورهای فعال در حوزه فناوری‌های ذخیره‌سازی انرژی ایجاد کرده است.

استان گلستان با پتانسیل بالای انرژی خورشیدی و بادی، نیازمند رویکردی علمی و فناورانه برای بهره‌برداری بهینه از این ظرفیت‌هاست. ورود شرکت‌های دانش‌بنیان به حوزه ذخیره‌سازی انرژی، راهکاری کلیدی برای رفع این چالش و تحقق توسعه پایدار انرژی‌های پاک در استان محسوب می‌شود. بر اساس برآوردهای انجام‌شده، توسعه ۵۰۰ مگاوات نیروگاه تجدیدپذیر در استان گلستان، نیازمند حداقل ۱۰۰ مگاوات سیستم ذخیره‌سازی انرژی است که این میزان، بازار قابل‌توجهی برای شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در این حوزه ایجاد می‌کند. اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم ایران با تولید حدود ۵۰ میلیون تن گازهای گلخانه‌ای در سال، یکی از ۱۰ کشور اول جهان در انتشار این گازهاست و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر همراه با سیستم‌های ذخیره‌سازی، می‌تواند سهم قابل‌توجهی در کاهش این آلودگی‌ها داشته باشد. همچنین با توجه به تعهدات بین‌المللی ایران در چارچوب توافق پاریس، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای یک الزام جهانی محسوب می‌شود.

۲. ظرفیت‌های علمی و پژوهشی استان

مراکز علمی و دانشگاهی استان گلستان، ظرفیت قابل‌توجهی در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر دارند که متأسفانه تا کنون به طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است.

دانشگاه گلستان، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی واحدهای گرگان و گنبدکاووس و مراکز آموزش عالی دیگر، با در اختیار داشتن اساتید مجرب و دانشجویان مستعد، می‌توانند نقش محوری در تحقیقات و توسعه فناوری‌های انرژی پاک ایفا کنند. مطالعات انجام‌شده بر روی پتانسیل خورشیدی استان با استفاده از داده‌های ماهواره‌ای و مدل‌های آماری، پایه علمی مناسبی برای تصمیم‌گیری در حوزه سرمایه‌گذاری فراهم آورده است. این مطالعات که با همکاری دانشگاه‌های استان و مرکز تحقیقات انرژی وزارت نیرو انجام شده است، نقشه پتانسیل خورشیدی استان را با تفکیک مکانی بالا تهیه کرده و مناطق مستعد برای سرمایه‌گذاری را شناسایی نموده است. همچنین پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه جایابی بهینه نیروگاه‌های خورشیدی با رویکرد مدیریت بحران و پدافند غیرعامل، نشان از توجه علمی به افزایش تاب‌آوری شبکه برق استان دارد. این مطالعات نشان می‌دهند که احداث نیروگاه‌های خورشیدی در نقاط مناسب، می‌تواند پایداری شبکه توزیع برق استان را در شرایط بحران و قطعی سراسری به طور قابل‌توجهی افزایش دهد. به عنوان مثال، یکی از پژوهش‌های انجام‌شده در دانشگاه گلستان نشان می‌دهد که احداث ۵۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی پراکنده در نقاط کلیدی استان، می‌تواند زمان خاموشی‌های ناشی از بحران را تا ۴۰ درصد کاهش دهد.

در حوزه فناوری‌های ذخیره‌سازی انرژی نیز پژوهش‌های ارزشمندی در دانشگاه‌های استان در حال انجام است که از جمله می‌توان به تحقیقات در زمینه باتری‌های جریانی، ذخیره‌سازی حرارتی با استفاده از نمک‌های مذاب و مواد تغییر فازدهنده، و بهینه‌سازی سیستم‌های مدیریت انرژی اشاره کرد. این پژوهش‌ها با حمایت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری و شرکت‌های دانش‌بنیان در حال انجام است و نتایج امیدوارکننده‌ای را به همراه داشته است.

۳. فناوری‌های ذخیره‌سازی انرژی؛ ضرورتی اجتناب‌ناپذیر

سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند که هر یک، کاربردها و مزایای خاص خود را دارند:

۳ـ۱. ذخیره‌کننده‌های الکتریکی (باتری‌ها)

این دسته شامل انواع باتری‌های قابل شارژ است که رایج‌ترین آنها عبارتند از:

باتری‌های لیتیوم‌ـیون: با چگالی انرژی بالا، عمر مفید طولانی (حدود ۵۰۰۰ سیکل شارژ و دشارژ) و راندمان بالا (۹۵ درصد)، مناسب برای کاربردهای مقیاس کوچک و متوسط. هزینه این باتری‌ها در سال‌های اخیر به شدت کاهش یافته و به حدود ۱۵۰ دلار به ازای هر کیلووات ساعت رسیده است که اقتصادی‌ترین گزینه برای سیستم‌های ذخیره‌سازی مقیاس متوسط محسوب می‌شود.

باتری‌های سرب‌ـاسید: با هزینه پایین و فناوری مناسب برای کاربردهای مقیاس بزرگ که چگالی انرژی بالا اهمیت ندارد. بازده این باتری‌ها حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد است و عمر مفید آنها حدود ۲۰۰۰ سیکل شارژ و دشارژ می باشد.

باتری‌های جریانی: با قابلیت ذخیره‌سازی انرژی در مقیاس بزرگ، عمر مفید بسیار بالا (بیش از ۲۰ سال) و قابلیت شارژ و دشارژ کامل بدون کاهش عمر. این فناوری به دلیل مزایای منحصربه‌فرد خود، مورد توجه ویژه پژوهشگران و صنعتگران قرار دارد و

شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی نیز در این حوزه فعالیت‌های قابل‌توجهی داشته‌اند.

۳ـ۲. ذخیره‌کننده‌های حرارتی

سیستم‌های نمک مذاب: با ذخیره‌سازی حرارت در دمای بالا (۳۰۰ تا ۵۰۰ درجه سانتی‌گراد) و بازده حدود ۹۰ درصد، مناسب برای نیروگاه‌های خورشیدی حرارتی. این سیستم‌ها می‌توانند حرارت را برای چندین ساعت ذخیره کنند و در زمان عدم تابش خورشید، برق تولید نمایند.

مواد تغییر فازدهنده (PCM): با جذب و آزادسازی حرارت در دمای ثابت، مناسب برای ذخیره‌سازی حرارت در دمای پایین و متوسط. این مواد در سیستم‌های سرمایش و گرمایش ساختمان‌ها و همچنین در نیروگاه‌های خورشیدی کوچک کاربرد دارند.

ذخیره‌سازی حرارتی در آب گرم: ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین روش ذخیره‌سازی حرارت که در سیستم‌های گرمایش خورشیدی خانگی کاربرد گسترده‌ای دارد.

براساس مدل‌های ریاضی جدیدی که برای تعیین قابلیت سیکل‌های شارژ و دشارژ ذخیره‌سازها با توجه به عمق دشارژ ارائه شده است، می‌توان برنامه‌ریزی بهینه‌ای برای توسعه سیستم‌های ذخیره‌سازی در شبکه برق استان انجام داد. این مدل‌ها به اپراتور شبکه امکان می‌دهند تا با در نظر گرفتن محدودیت‌های فنی ذخیره‌سازها، بهترین زمان‌های شارژ و دشارژ را تعیین کرده و هزینه‌های بهره‌برداری را به حداقل برسانند.

۴. نقش استراتژیک شرکت‌های دانش‌بنیان

ورود شرکت‌های دانش‌بنیان به حوزه طراحی و تولید ذخیره‌کننده‌های حرارتی و الکتریکی، مزایای متعددی به دنبال خواهد داشت که در ادامه به تفصیل به آنها پرداخته می‌شود:

۴ـ۱. جلوگیری از خروج ارز

واردات باتری‌ها و تجهیزات ذخیره‌سازی، سالانه حجم قابل‌توجهی ارز از کشور خارج می‌کند. براساس آمار گمرک، ایران سالانه حدود ۵۰۰ میلیون دلار انواع باتری و تجهیزات ذخیره‌سازی انرژی وارد می‌کند که بخش قابل‌توجهی از آن قابل تولید داخلی است. بومی‌سازی این فناوری‌ها می‌تواند جلوی این خروج ارز را بگیرد و به بهبود تراز تجاری کشور کمک کند.

۴ـ۲. کاهش وابستگی به فناوری‌های خارجی

با توجه به تحریم‌های بین‌المللی، خودکفایی در حوزه فناوری‌های استراتژیک انرژی، یک الزام امنیتی محسوب می‌شود. شرکت‌های دانش‌بنیان با تکیه بر توان داخلی و همکاری با دانشگاه‌ها، می‌توانند فناوری‌های مورد نیاز را بومی‌سازی کنند و وابستگی به کشورهای خارجی را کاهش دهند.

۴ـ۳. ایجاد اشتغال دانش‌بنیان

توسعه صنعت ذخیره‌سازی انرژی، زمینه‌ساز اشتغال فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی برق، مکانیک، شیمی و مواد در استان خواهد شد. براساس برآوردها، هر مگاوات ظرفیت تولید باتری، حدود ۵ تا ۱۰ شغل مستقیم و ۲۰ تا ۳۰ شغل غیرمستقیم ایجاد می‌کند که برای استان گلستان با نرخ بیکاری نسبتاً بالا (حدود ۱۲ درصد در سال ۱۴۰۴)، اهمیت ویژه‌ای دارد.

۴ـ۴. کاهش هزینه‌ها

تولید داخلی، هزینه‌های حمل و نقل، عوارض گمرکی و هزینه‌های تأمین ارز را حذف کرده و قیمت تمام‌شده سیستم‌های ذخیره‌سازی را به میزان قابل‌توجهی کاهش می‌دهد. براساس مطالعات انجام‌شده، تولید داخلی باتری‌های لیتیوم-یون می‌تواند هزینه

تمام‌شده را تا ۳۰ درصد کاهش دهد.

۴ـ۵. افزایش نوآوری و توانایی‌های فنی

فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه ذخیره‌سازی، منجر به انباشت دانش فنی، توسعه نیروی انسانی ماهر و افزایش توانایی‌های نوآوری در استان می‌شود که پیامدهای مثبتی برای سایر صنایع نیز خواهد داشت.

۴ـ۶. افزایش امنیت انرژی

با بومی‌سازی فناوری‌های ذخیره‌سازی، امنیت تأمین انرژی کشور افزایش می‌یابد و خطر ناشی از تحریم‌ها و محدودیت‌های تأمین تجهیزات خارجی کاهش می‌یابد.

۵. مدل‌های نوین تأمین مالی

توسعه پروژه‌های ذخیره‌سازی انرژی و همچنین نیروگاه‌های تجدیدپذیر، نیازمند سرمایه‌گذاری قابل‌توجهی است که با روش‌های سنتی تأمین مالی، به سختی امکان‌پذیر خواهد بود. مدل‌های نوین زیر می‌توانند جذابیت سرمایه‌گذاری در این حوزه را افزایش دهند:

۱. اوراق سبز (Green Bonds): انتشار اوراق قرضه با هدف تأمین مالی پروژه‌های زیست‌محیطی و انرژی‌های پاک، که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته با استقبال بالایی مواجه شده است. بازار اوراق سبز جهان در سال ۲۰۲۴ به بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار رسیده است و نشان‌دهنده ظرفیت بالای این ابزار مالی است. در ایران نیز می‌توان با انتشار اوراق سبز توسط دولت یا بانک‌های تخصصی، منابع مالی لازم برای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر را تأمین کرد.

۲. صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر (Venture Capital):

ایجاد صندوق‌های تخصصی با مشارکت بخش دولتی و خصوصی برای سرمایه‌گذاری در شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در حوزه ذخیره‌سازی انرژی و فناوری‌های نوین انرژی. این صندوق‌ها با سرمایه‌گذاری در مراحل اولیه توسعه فناوری، ریسک پروژه‌ها را کاهش داده و به تجاری‌سازی نتایج تحقیقاتی کمک می‌کنند.

۳. قراردادهای خرید تضمینی بلندمدت:

تضمین خرید برق تولیدی از نیروگاه‌های مجهز به سیستم ذخیره‌سازی با نرخ تشویقی (حدود ۲۰ درصد بیشتر از نرخ پایه)، ریسک سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و پیش‌بینی درآمدهای آتی را تسهیل می‌کند. این قراردادها معمولا برای دوره‌های ۱۵ تا ۲۰ ساله منعقد می‌شوند.

۴. تهاتر با حامل‌های انرژی:

استفاده از ظرفیت تهاتر گازی با کشورهای همسایه نظیر ترکمنستان برای تأمین مالی پروژه‌های انرژی پاک در استان گلستان. این الگو می‌تواند ضمن کاهش نیاز به منابع ارزی، به توسعه روابط اقتصادی با کشورهای همسایه نیز کمک کند. وجود مرز مشترک با ترکمنستان و ظرفیت تهاتر گازی، یک فرصت منحصربه‌فرد برای استان گلستان محسوب می‌شود.

۵. مشارکت عمومی-خصوصی (PPP): استفاده از مدل‌های مشارکت عمومی-خصوصی برای اجرای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر با مقیاس بزرگ که در آن دولت با تأمین زیرساخت‌ها و بخش خصوصی با تأمین سرمایه و اجرای پروژه مشارکت می‌کند.

۶. الگوی حکمرانی پایدار برای مدیریت طرح‌ها

برای مدیریت پایدار طرح‌های انرژی تجدیدپذیر در استان گلستان، طراحی الگوی

حکمرانی مناسب ضروری است. این الگو باید بر اصول زیر استوار باشد:

۱. شفافیت و پاسخ‌گویی: ایجاد سامانه‌های شفاف برای اطلاع‌رسانی درباره فرآیندهای سرمایه‌گذاری و نتایج پروژه‌ها

۲. مشارکت‌پذیری: مشارکت ذی‌نفعان مختلف شامل بخش خصوصی، جوامع محلی، دانشگاه‌ها و دستگاه‌های اجرایی در فرآیند تصمیم گیری

۳. تسهیل‌گری: ایجاد بسترهای مناسب برای سرمایه‌گذاری و حذف موانع اداری و حقوقی

۴. نظارت و ارزیابی: ایجاد نظام پایش و ارزیابی مستمر برای اندازه‌گیری عملکرد و پیشرفت پروژه‌ها

۵. توانمندسازی: توانمندسازی نیروی انسانی و جوامع محلی برای مشارکت فعال در طرح‌ها

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در استان گلستان بدون توجه به فناوری‌های ذخیره‌سازی، با مخاطرات جدی مواجه خواهد بود. شرکت‌های دانش‌بنیان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی استان، می‌توانند نقش محوری در بومی‌سازی این فناوری‌ها ایفا کنند. توسعه این حوزه نه تنها به کاهش وابستگی به سوخت‌های فسیلی و افزایش امنیت انرژی کمک می‌کند، بلکه به ایجاد اشتغال پایدار و دانش‌بنیان در استان نیز منجر خواهد شد.

پیشنهادات عملیاتی:

۱. تشکیل کنسرسیوم انرژی با محوریت بخش خصوصی برای تجمیع سرمایه‌ها و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در حوزه ذخیره‌سازی انرژی و نیروگاه‌های تجدیدپذیر

۲. حمایت از پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی با موضوع فناوری‌های ذخیره‌سازی انرژی در دانشگاه‌های استان از طریق اعطای گرنت‌های تحقیقاتی و ایجاد بسترهای همکاری با صنعت

۳. راه‌اندازی مرکز نوآوری انرژی‌های تجدیدپذیر با همکاری دانشگاه، پارک علم و فناوری و شرکت‌های دانش‌بنیان استان برای تجاری‌سازی نتایج تحقیقاتی

۴. پیگیری تصویب بسته تشویقی ویژه برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های ذخیره‌سازی انرژی در استان، شامل معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات بانکی با نرخ سود ترجیحی

۵. برگزاری رویدادهای ترویجی و مسابقات نوآوری در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر برای شناسایی استعدادهای جوان و ایجاد گفتمان علمی در استان

۶. تشکیل کارگروه تخصصی انرژی‌های تجدیدپذیر در اتاق بازرگانی استان برای پیگیری مسائل حقوقی و تعرفه‌ای و ارائه پیشنهادات به دستگاه‌های اجرایی

با اجرای این راهکارها، استان گلستان می‌تواند ضمن بهره‌مندی از پتانسیل بالای انرژی‌های تجدیدپذیر، به الگویی موفق برای توسعه پایدار انرژی در سایر مناطق کشور تبدیل شود.



بهـره وری توامان اراضی مـلی؛ الگویی نوین برای توسـعه انرژی خورشیدی در گلســتان



مهندس وحید کوهساری

مجری طرح های انـرژی خورشـیدی در اســتان گلســتان و مدیـر بـازار برق شـرکت توزیع نیروی برق استان، عضـــو کارگروه انرژی اندیشکده های حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان

۱. مقدمه

نیروگاه‌هـای خورشـیدی بـه دلیـل نیـاز بـه زمین‌هـای وسـیع، همـواره بـا چالش‌هـای تأمیـن زمیـن و نگرانی‌هـای زیسـت‌محیطی مواجـه بوده‌انـد. ایـن چالـش در استان گلستان کـه بخـش قابل‌توجهی از اراضی آن تحـت پوشـش منابـع طبیعـی و جنگل‌هـای هیرکانـی اسـت، از اهمیـت دوچندانـی برخـوردار اسـت. طبـق آمـار سـازمان منابـع طبیعـی، حـدود ۴۰ درصـد از مسـاحت اسـتان را اراضـی ملـی و مراتـع تشـکیل می‌دهنـد کـه هرگونـه تغییـر کاربـری در ایـن اراضـی بـا محدودیت‌هـا و حساسـیت‌های خاصـی همـراه اسـت. از سـوی دیگـر، وابسـتگی شـدید اقتصـاد اسـتان بـه بخـش کشـاورزی و دامپـروری، هرگونـه تغییـر کاربـری اراضـی را بـا حساسـیت بالایـی همـراه سـاخته اسـت. اسـتان گلسـتان بـا تولیـد سـالانه حـدود ۴ میلیـون تـن محصـولات کشـاورزی و دامپـروری، یکـی از قطب‌هـای مهـم کشـاورزی کشـور محسـوب می‌شـود. بـه طـوری کـه حـدود ۵۰ درصـد از درآمـد اسـتان از بخـش کشـاورزی تأمیـن می‌شـود و بیـش از ۳۰ درصـد از جمعیـت اسـتان بـه طـور مسـتقیم یـا غیرمسـتقیم در ایـن بخـش اشـتغال دارنـد.

در چنیـن شـرایطی، الگـوی بهـره‌وری توأمـان (Agrivoltaic) کـه در آن تولیـد انـرژی خورشـیدی بـا فعالیت‌هـای کشـاورزی یـا دامپـروری در یـک زمیـن بـه طـور همزمـان انجـام می‌شـود، راهـکاری هوشـمندانه بـرای رفـع ایـن تعارضـات بـه شـمار مـی‌رود. ایـن الگـو کـه در کشـورهای پیشـرو در حـوزه انرژی‌هـای تجدیدپذیـر ماننـد آلمـان، فرانسـه، ژاپـن و ایـالات متحـده بـا اسـتقبال گسـترده‌ای مواجـه شـده اسـت، ضمـن تولیـد انـرژی پـاک، بهـره‌وری اراضـی را افزایـش داده و می‌توانـد منبـع درآمـد مضاعفـی بـرای بهره‌بـرداران محلـی فراهـم آورد. اهمیـت ایـن الگـو بـرای اسـتان گلسـتان زمانـی آشـکار می‌شـود کـه بدانیـم بـر اسـاس مطالعـات انجام‌شـده، اسـتفاده از الگـوی Agrivoltaic می‌توانـد بهـره‌وری هـر هکتـار زمیـن را تـا ۶۰ درصـد افزایـش دهـد. همچنیـن سـایه‌اندازی پنل‌هـای خورشـیدی، مصـرف آب بـرای آبیـاری را تـا ۳۰ درصـد کاهـش می‌دهـد کـه در شـرایط کم‌آبـی اسـتان، مزیـت بسـیار ارزشـمندی محسـوب می‌شـود. ایـن موضـوع بـه ویـژه در مناطـق شـمالی اسـتان کـه بـا کاهـش سـطح آب زیرزمینـی مواجـه هسـتند، از اهمـ ـت ویـژه‌ای برخـوردار اسـت.

۲. ظرفیت‌های خورشیدی استان گلستان

بـر اسـاس مطالعـات جامـع انجام‌شـده بـا اسـتفاده از داده‌هـای ماهـواره‌ای، ایسـتگاه‌های

هواشناسی و مدل‌های آماری، میزان ساعت آفتابی سالانه در مناطق مختلف استان گلستان بین ۲۴۰۰ تا ۲۸۰۰ ساعت متغیر است. این میزان در مناطق شمالی و شرقی استان که دارای آب و هوای خشک‌تر و روزهای ابری کمتری هستند، حداکثر مقدار خود را نشان می‌دهد. به عنوان مثال، شهرستان گنبدکاووس با میانگین سالانه ۲۷۵۰ ساعت آفتابی، یکی از آفتابی‌ترین مناطق استان محسوب می‌شود. میزان تابش خورشیدی کل سالانه در مناطق مختلف استان نیز بین ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ کیلووات ساعت بر متر مربع برآورد شده است که نسبت به میانگین کشوری (۱۴۰۰ کیلووات ساعت بر متر مربع) از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار است. این میزان تابش، پتانسیل تولید حدود ۱۰۰۰ مگاوات برق خورشیدی را در استان فراهم می‌آورد که با برنامه‌ریزی مناسب، می‌تواند بخش قابل‌توجهی از نیاز برق استان را تأمین کند. تنوع اقلیمی استان، از مناطق کوهپایه‌ای با ارتفاع بالا تا دشت‌های وسیع شمالی، ظرفیت مناسبی برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی با مقیاس‌های مختلف فراهم آورده است. مناطق دشت‌ای و هموار در شمال و شرق استان، به دلیل دسترسی آسان، نزدیکی به شبکه انتقال و پتانسیل بالای تابش، از اولویت بالاتری برای سرمایه‌گذاری برخوردار هستند.

هم‌اکنون حدود ۵۰ مگاوات نیروگاه خورشیدی در استان فعال است که عمدتا در شهرستان‌های گرگان، گنبدکاووس و آق‌قلا مستقر هستند. همچنین برنامه‌ریزی برای افزایش ظرفیت به ۲۱۰ مگاوات تا پایان سال ۱۴۰۵ با بهره‌گیری از الگوی بهره‌وری توأمان در دست اقدام می‌باشد. این طرح‌ها شامل احداث نیروگاه‌های خورشیدی در اراضی ملی و مراتع با حفظ کاربری دامپروری است که با حمایت سازمان ساتبا و مشارکت بخش خصوصی در حال اجرا می‌باشند. علاوه بر این، احداث نیروگاه سیکل ترکیبی علی‌آباد کتول با ظرفیت ۵۰۰ مگاوات، اگرچه در حوزه انرژی‌های فسیلی قرار می‌گیرد، اما به عنوان یکی از طرح‌های کلان در حوزه تأمین انرژی استان، نقش مهمی در پایداری شبکه و تأمین برق پایدار استان ایفا خواهد کرد. با اتصال این نیروگاه به شبکه سراسری، ضمن افزایش پایداری شبکه توزیع استان، امکان جذب سرمایه‌گذاری بیشتر در حوزه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز فراهم خواهد شد.

۳. الگوی بهره‌وری توأمان (Agrivoltaic)

الگوی Agrivoltaic که مورد توجه ویژه سازمان ساتبا نیز قرار گرفته است، به معنای استقرار پنل‌های خورشیدی در ارتفاع مناسب (معمولاً ۲ تا ۴ متر از سطح زمین) بر روی زمین‌های کشاورزی یا مراتع است، به گونه‌ای که ضمن تولید برق، امکان ادامه فعالیت‌های کشاورزی یا دامپروری در زیر پنل‌ها فراهم باشد. این الگو که نخستین بار در سال ۱۹۸۲ توسط محققان آلمانی مطرح شد، در سال‌های اخیر به دلیل مزایای فراوان، مورد توجه گسترده‌ای در سراسر جهان قرار گرفته است.

۳_۱. انواع الگوهای بهره‌وری توأمان

بر اساس نوع کاربری زمین و شرایط اقلیمی، الگوی Agrivoltaic به سه دسته اصلی تقسیم می‌شود:

۱. الگوی کشاورزی: نصب پنل‌های خورشیدی بر روی مزارع زراعی و باغات به گونه‌ای که محصولات کشاورزی در زیر پنل‌ها رشد کنند. این الگو برای محصولات سایه‌دوست مانند گندم، جو، سیب‌زمینی و برخی سبزیجات مناسب است و مزیت اصلی آن کاهش تبخیر

آب و بهبود عملکرد محصول در مناطق گرم و خشک است.

۲. الگوی دامپروری: نصب پنل‌های خورشیدی بر روی مراتع و چراگاه‌ها که در آن دام‌ها در زیر پنل‌ها به چرا می‌پردازند. این الگو برای استان گلستان که دامپروری یکی از فعالیت‌های اصلی اقتصادی در مناطق شمالی و شرقی است، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سایه‌اندازی پنل‌ها، تنش حرارتی دام‌ها را در فصول گرم سال کاهش می‌دهد و به بهبود تولید شیر و گوشت کمک می‌کند.

۳. الگوی گلخانه‌ای: نصب پنل‌های خورشیدی بر روی گلخانه‌ها به منظور تأمین برق مورد نیاز گلخانه و همچنین تنظیم دمای محیط داخلی. این الگو در استان گلستان که دارای گلخانه‌های متعددی در شهرستان‌های گرگان، گنبدکاووس و کردکوی است، قابلیت اجرای بالایی دارد و می‌تواند به کاهش هزینه‌های انرژی گلخانه‌ها کمک کند.

۳ـ۲. مزایای الگوی بهره‌وری توأمان

۱. بهینه‌سازی استفاده از زمین: افزایش بهره‌وری در واحد سطح و کاهش نیاز به تغییر کاربری اراضی جدید. در این الگو، یک هکتار زمین هم تولید انرژی پاک می‌کند و هم به فعالیت کشاورزی یا دامپروری ادامه می‌دهد.

۲. کاهش تبخیر آب: سایه‌اندازی پنل‌ها باعث کاهش تبخیر آب خاک تا ۳۰ درصد می‌شود و بهبود شرایط رشد گیاهان در مناطق خشک و نیمه‌خشک را به همراه دارد. این مزیت در استان گلستان که با کاهش منابع آبی مواجه است، از ارزش بالایی برخوردار است.

۳. بهبود عملکرد دامپروری: ایجاد سایه برای دام‌ها در فصول گرم سال، کاهش تنش حرارتی، بهبود تولید شیر تا ۱۵ درصد و افزایش وزن دام‌ها. همچنین سایه‌اندازی پنل‌ها، کیفیت علوفه مراتع را نیز بهبود می‌بخشد.

۴. افزایش درآمد بهره‌برداران: تولید همزمان برق و محصولات کشاورزی یا دامی، منبع درآمد مضاعفی برای جوامع محلی فراهم می‌آورد که می‌تواند به بهبود معیشت و کاهش مهاجرت روستایی کمک کند.

۵. کاهش تعارضات اجتماعی: اشتغال نیروهای بومی در مراحل نصب و نگهداری پنل‌ها، معضل معارضین محلی را به طور قابل‌توجهی کاهش داده است. تجربه عملی در نیروگاه‌های طرح تولید در توزیع با سرمایه‌گذاری صندوق توسعه ملی نشان می‌دهد که در هر ساختگاه حدود ۳۰ بانوی بومی برای مونتاژ استراکچر و نصب پنل با تیم‌های فنی همکاری می‌کنند که این رویکرد به حذف معارضین محلی کمک شایانی کرده است.

۶. کاهش آلودگی زیست‌محیطی: تولید انرژی پاک و کاهش مصرف سوخت‌های فسیلی، به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای و بهبود کیفیت هوا کمک می‌کند.

۷. توسعه پایدار روستایی: اجرای این الگو در مناطق روستایی، ضمن ایجاد اشتغال و درآمدزایی، به توانمندسازی جوامع محلی و کاهش مهاجرت به شهرها کمک می‌کند.

۴. طرح‌های در دست اجرا و چشم‌انداز توسعه

۴ـ۱. پروژه‌های در حال اجرا

نیروگاه خورشیدی یلمه‌خندان در شهرستان آق‌قلا به عنوان یکی از پروژه‌های شاخص استان، با استفاده از الگوی بهره‌وری توأمان در حال اجرا است. این پروژه با ظرفیت ۱۰ مگاوات بر روی اراضی مرتعی به مساحت ۳۰ هکتار احداث می‌شود و پیش‌بینی می‌شود سالانه ۱۶ میلیون کیلووات ساعت برق تولید کند. در این پروژه، ضمن حفظ کاربری مرتع و ادامه فعالیت دامپروری، پنل‌های خورشیدی

با ارتفاع ۳ متر از سطح زمین نصب شده‌اند تا دام‌ها بتوانند به راحتی در زیر پنل‌ها تردد کنند. نیروگاه خورشیدی گنبدکاووس با ظرفیت ۵ مگاوات نیز در زمینی به مساحت ۱۵ هکتار و با الگوی بهره‌وری توأمان در دست احداث است. این پروژه که با مشارکت بخش خصوصی و با حمایت سازمان ساتبا اجرا می‌شود، از جمله پروژه‌های پیشرو در حوزه Agrivoltaic در کشور محسوب می‌شود. بازدیدهای علمی و تخصصی مهندسان برق و کارشناسان انرژی از این پروژه‌ها، نشان از عزم جدی برای توسعه انرژی‌های پاک در استان دارد. همچنین کارگاه‌های آموزشی متعددی برای بهره‌برداران و دامداران محلی برگزار شده است تا با مزایا و نحوه اجرای این الگو آشنا شوند.

۴ـ۲. چشم‌انداز توسعه

چشم‌انداز توسعه استان در حوزه انرژی خورشیدی، رسیدن به ظرفیت ۵۰۰ مگاوات تا افق ۱۴۱۰ است که با بهره‌گیری از الگوی Agrivoltaic و جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، دست‌یافتنی خواهد بود. برنامه‌ریزی برای این توسعه به شرح زیر است:

ـ مرحله اول (۱۴۰۵ـ۱۴۰۷): افزایش ظرفیت به ۲۰۰ مگاوات با اجرای ۱۵ پروژه متوسط‌مقیاس در شهرستان‌های گنبدکاووس، آق‌قلا و مراوه‌تپه

ـ مرحله دوم (۱۴۰۷ـ۱۴۰۹): افزایش ظرفیت به ۳۵۰ مگاوات با توسعه پروژه‌های جدید در شهرستان‌های گمیشان، بندرترکمن و رامیان

ـ مرحله سوم (۱۴۰۹ـ۱۴۱۰): دستیابی به ظرفیت ۵۰۰ مگاوات با اجرای پروژه‌های بزرگ‌مقیاس و تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام

مناطق شرقی و مرزی استان، به ویژه شهرستان‌های گنبدکاووس (با پتانسیل ۱۵۰ مگاوات)، آق‌قلا (با پتانسیل ۱۰۰ مگاوات) و مراوه‌تپه (با پتانسیل ۸۰ مگاوات)، به دلیل برخورداری از بالاترین میزان تابش خورشیدی و وجود اراضی وسیع، از اولویت‌های اجرای این طرح‌ها محسوب می‌شوند. همچنین مناطق شمالی استان نظیر گمیشان و بندرترکمن با پتانسیل بالای انرژی بادی نیز می‌توانند به توسعه انرژی‌های پاک استان کمک کنند.

۵. چالش‌های اجرایی و راهکارها

بر اساس تجارب عملی در اجرای طرح‌های بهره‌وری توأمان در استان گلستان، مهم‌ترین چالش‌های اجرایی و راهکارهای پیشنهادی به شرح زیر است:

۱. فرآیند زمان‌بر تأمین زمین و استعلامات

در حال حاضر، فرآیند اخذ مجوز استفاده از اراضی ملی برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی، شامل استعلام از سازمان منابع طبیعی، سازمان حفاظت محیط زیست، شرکت آب منطقه‌ای و سایر دستگاه‌ها است که جمعا بین ۶ تا ۱۲ ماه به طول می‌انجامد.

راهکار پیشنهادی: تجمیع استعلامات در یک پنجره واحد با محوریت استانداری و تفویض اختیار به کارگروه استانی سرمایه‌گذاری انرژی. همچنین اصلاح آیین‌نامه اجرایی استفاده از اراضی ملی برای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر به منظور تسریع فرآیندها.

۲. محدودیت در تأمین تجهیزات با کیفیت

واردات پنل‌های خورشیدی با کیفیت بالا و اینورترهای استاندارد، با مشکلات ارزی و تحریمی مواجه است و تولید داخلی نیز از نظر کیفیت و تنوع، پاسخگوی نیاز تمام پروژه‌ها نیست.

راهکار پیشنهادی: حمایت از تولید داخلی پنل‌های خورشیدی با کیفیت از طریق اعطای تسهیلات کم‌بهره و تأمین ارز ترجیحی برای

واردات مـواد اولیـه. همچنیـن بسترسـازی بـرای انتقـال تکنولـوژی و مشـارکت شـرکت‌های معتبـر خارجـی در تولیـد داخـل.

۳. نبـود زیرسـاخت‌های مناسـب شـبکه توزیـع

در برخـی مناطـق مسـتعد اسـتان، شـبکه توزیـع بـرق ظرفیـت کافـی بـرای اتصـال نیروگاه‌هـای خورشـیدی بـا مقیـاس متوسـط را نـدارد و توسـعه شـبکه نیازمنـد سـرمایه‌گذاری قابل‌توجهـی اسـت.

راهـکار پیشـنهادی: برنامه‌ریـزی همزمـان بـرای توسـعه شـبکه توزیـع و نیروگاه‌هـای خورشـیدی و اسـتفاده از ظرفیـت مـاده ۱۲ قانـون رفـع موانـع تولیـد بـرای تأمیـن مالـی توسـعه شـبکه.

۴. نبود آگاهی کافی بهره‌برداران محلی

بسـیاری از دامـداران و کشـاورزان بـا مزایـا و نحـوه اجـرای الگـوی Agrivoltaic آشـنایی کافـی ندارنـد و نسـبت بـه اسـتقرار پنل‌هـای خورشـیدی در زمین‌هـای خـود تردیـد دارنـد.

راهـکار پیشـنهادی: برگـزاری دوره‌هـای آموزشـی و ترویجـی بـرای بهره‌بـرداران محلـی و معرفـی پروژه‌هـای موفـق بـه عنـوان الگـو. همچنیـن ایجـاد مشـوق‌های مالـی بـرای مشـارکت دامـداران و کشـاورزان در ایـن طرح‌هـا.

۶. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

الگـوی بهـره‌وری توأمـان اراضـی ملـی (Agrivoltaic)، راهـکاری مؤثـر و کارآمـد بـرای توسـعه پایـدار انـرژی خورشـیدی در اسـتان گلسـتان اسـت کـه ضمـن تولیـد انـرژی پـاک، بـه معیشـت جوامـع محلـی و حفـظ منابـع طبیعـی کمـک می‌کنـد. ایـن الگـو بـا بهینه‌سـازی اسـتفاده از زمیـن، کاهـش مصـرف آب، بهبـود عملکـرد دامپـروری و افزایـش درآمـد بهره‌بـرداران، می‌توانـد بـه عنـوان یـک راهبـرد کلیـدی در توسـعه اقتصـادی اسـتان مـورد توجـه قـرار گیـرد. حمایـت سـازمان سـاتبا، سـرمایه‌گذاری صنـدوق توسـعه ملـی و مشـارکت بانـوان بومـی در اجـرای طرح‌هـا، نشـان از ظرفیـت بـالای ایـن الگـو بـرای توسـعه در سـایر مناطـق کشـور دارد. بـا رفـع موانـع اجرایـی و تسـهیل فرآیندهـای سـرمایه‌گذاری، می‌تـوان شـاهد جهشـی قابل‌توجـه در توسـعه انرژی‌هـای پـاک اسـتان گلسـتان بـود. پیشـنهاد می‌شـود کـه الگـوی بهـره‌وری توأمـان بـه عنـوان یـک سیاسـت راهبـردی در برنامه‌ریزی‌هـای توسـعه اسـتان و کشـور مـورد توجـه قـرار گیـرد و بـا ایجـاد بسـترهای قانونـی و حمایت‌هـای مالـی مناسـب، زمینه‌هـای اجـرای گسـترده آن در مناطـق مسـتعد سراسـر کشـور فراهـم شـود. اسـتان گلسـتان بـا تجـارب موفـق خـود در ایـن حـوزه، می‌توانـد بـه عنـوان یـک پایلـوت ملـی بـرای توسـعه الگـوی Agrivoltaic در کشـور ایفـای نقـش کنـد.

پیامدهای اجتماعی و روانشناختی تعارضات خانوادگی والدین با تأکید بر استان گلستان و ارائه راهکارهای عملیاتی



دکتر مهدی بیدلی
مدیر کل امور اجتماعی و فرهنگی استانداری گلستان،
رئیس کارگروه اجتماعی اندیشکده حکمرانی

مقدمه

خانواده به عنوان نخستین و پایدارترین بستر جامعه‌پذیری، نقشی بی‌بدیل در تأمین بهداشت روانی و رشد شخصیت اعضای خود ایفا می‌کند. با این حال، آنچه در سال‌های اخیر به عنوان یک آسیب خاموش و رو به گسترش در استان گلستان مشاهده می‌شود، افزایش تعارضات میان والدین است که پیامدهای آن، فراتر از محیط خصوصی خانه، به عرصه‌های آموزشی، سلامت عمومی و نظم اجتماعی سرایت کرده است. این گزارش با هدف تبیین علمی و میدانی این مسئله، با تکیه بر داده‌های موجود و مشاهدات عینی در سطح استان، تدوین گردیده و در پایان، مجموعه‌ای از راهکارهای اجرایی مبتنی بر بسترهای بومی استان ارائه شده است.

شناخت بسترهای جمعیتی، اقلیمی، اقتصادی و فرهنگی استان گلستان

هر گونه مداخله کارآمد در حوزه مسائل اجتماعی، بدون شناخت دقیق از بسترهای زمین‌افکن آن، ناقص و بی‌ثمر خواهد بود. استان گلستان با مساحتی بالغ بر ۲۰ هزار کیلومتر مربع و جمعیتی نزدیک به دو میلیون نفر، از تنوع اقلیمی، قومی و اقتصادی قابل توجهی برخوردار است که هر یک به نحوی در شکل‌گیری و تشدید تعارضات خانوادگی نقش دارند.

استان گلستان به لحاظ ترکیب جمعیتی، یکی از متنوع‌ترین استان‌های کشور محسوب می‌شود. اقوام ساکن در این استان شامل ترکمن‌ها، فارس‌ها، سیستانی‌ها، بلوچ‌ها، ترک‌های آذربایجانی و مازندرانی‌ها می‌باشند. این تنوع، ضمن اینکه ظرفیت بالایی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و غنای فرهنگی فراهم آورده، در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌تواند به بستری برای بروز سوءتفاهم‌های فرهنگی در سطح خانواده‌ها و محلات تبدیل شود. همچنین، نرخ بالای ازدواج‌های فامیلی در برخی از این اقوام، که یکی از دلایل شیوع بالاتر معلولیت در استان (۲.۶ درصد در برابر ۱.۷ درصد کشوری) شناخته شده است، خود عاملی برای افزایش فشار روانی بر ساختار خانواده محسوب می‌گردد.

اقتصاد استان عمدتاً بر پایه کشاورزی استوار است و بخش قابل توجهی از جمعیت به ویژه در نواحی روستایی، به تولید محصولاتی نظیر گندم، پنبه و دانه‌های روغنی اشتغال دارند. این وابستگی شدید به بخش کشاورزی، استان را در برابر پدیده‌هایی نظیر خشکسالی‌های متوالی، کاهش بارندگی و نوسانات قیمت

نهاده‌ها، بسیار آسیب‌پذیر ساخته است. فشارهای معیشتی ناشی از این ناپایداری اقتصادی، به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل تنش‌زای درون‌خانوادگی شناخته می‌شود و دامنه تحمل افراد را در مواجهه با اختلافات روزمره به شدت کاهش می‌دهد.

بررسی شاخص‌های موجود نشان می‌دهد که استان گلستان در برخی از آسیب‌های اجتماعی اولویت‌دار، وضعیتی فراتر از میانگین کشوری دارد. نرخ طلاق، همسرآزاری و اقدام به خودکشی از جمله شاخص‌هایی هستند که ضرورت توجه جدی به بسترهای ایجادکننده آن‌ها، یعنی تعارضات مزمن خانوادگی، را دوچندان می‌سازد. شایان ذکر است که در بسیاری از موارد ثبت‌شده، محیط ناامن خانوادگی و فشارهای اقتصادی به عنوان عوامل زمینه‌ساز اصلی گزارش گردیده است.

پیامدهای تعارضات والدین در سطوح مختلف

تعارضات والدین، صرفاً یک مسئله فردی یا زناشویی نیست، بلکه زنجیره‌ای از پیامدهای منفی را در سطوح خرد و کلان به دنبال دارد که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌گردد.

۱. سطح فردی و روانشناختی (تأکید بر فرزندان):

بر اساس یافته‌های پژوهشی انجام‌شده در سطح استان (به عنوان نمونه، مطالعه‌ای بر روی کودکان ۶ تا ۱۲ ساله در مراکز آموزشی گلستان)، افزایش استرس والدگری و الگوهای فرزندپروری ناکارآمد، به طور معناداری با بروز و تشدید اختلالات اضطرابی در کودکان ارتباط مستقیم دارد. برآورد این مطالعات حاکی از آن است که ترکیب این عوامل، تا نزدیک به ۴۹ درصد از واریانس اضطراب کودکان را تبیین می‌نماید. این یافته، نشان‌دهنده تأثیر عمیق و گاه جبران‌ناپذیر فضای پرتنش خانه بر سلامت روان نسل آینده است.

۲. سطح خانوادگی و بین‌نسلی:

تعارضات حل‌نشده، بستر را برای بروز پدیده‌هایی نظیر کودک‌آزاری، همسرآزاری و در نهایت فروپاشی نهاد خانواده (طلاق) فراهم می‌آورد. تجربه زیسته نشان داده است که کودکانی که در خانواده‌های پرتنش رشد می‌یابند، در بزرگسالی یا الگوهای ارتباطی ناسالم را بازتولید می‌کنند یا با انزوای اجتماعی و مشکلات جدی در شکل‌گیری روابط عاطفی پایدار مواجه می‌شوند. همچنین، ازدواج‌های فامیلی که در استان شیوع بالایی دارد، در تعامل با فضای متعارض، می‌تواند فشارهای روانی-اجتماعی را به طور قابل توجهی تشدید نماید.

۳. سطح اجتماعی و اقتصادی:

هزینه‌های تحمیل‌شده به نظام سلامت، دادگستری و نهادهای حمایتی ناشی از فروپاشی خانواده‌ها و پیامدهای آن (مانند افزایش کودکان بی‌سرپرست، معتادان متأهل و ...) به مراتب فراتر از هزینه‌های پیشگیرانه است. از سوی دیگر، ناپایداری اقتصادی در سطح کلان، خود به عنوان یک عامل تنش‌زای دائمی، چرخه معیوبی را با تعارضات خانوادگی ایجاد می‌کند که خروج از آن، نیازمند مداخلات ساختاری و جدی است.

موانع و چالش‌های موجود در مسیر کاهش تعارضات

با وجود درک نسبی از ابعاد مسئله، مسیر مداخله مؤثر با موانع عملی متعددی روبروست که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

۱. ناکارآمدی ساختارهای میانجی‌گری موجود:

با وجود تأکید قانون حمایت خانواده بر نقش مشاوره و داوری، توافقات حاصل از این

فرآیندها فاقد ضمانت اجرایی قوی و کارآمد است. عملاً در بسیاری از موارد، حتی در صورت حصول توافق اولیه، عدم پایبندی یکی از طرفین، بار دیگر پرونده را به مسیر طولانی و هزینه‌بر قضایی بازمی‌گرداند. این روند، اعتماد عمومی به فرایندهای صلح و سازش را تضعیف نموده و افراد را به سمت اقدامات حقوقی صرف سوق می‌دهد.

۲. محدودیت در دسترسی به خدمات تخصصی و بومی:

گرچه مراکز مشاوره در سطح شهرستان‌های استان فعال هستند، اما توزیع این خدمات به ویژه در مناطق روستایی و حاشیه‌نشین، متوازن نیست. مهم‌تر آنکه، کمبود مشاوران و مددکارانی که با بافت فرهنگی، زبانی و قومی مناطق مختلف استان آشنا باشند، یکی از چالش‌های اساسی در برقراری ارتباط مؤثر و ارائه مشاوره‌های پذیرفته‌شده در سطح جامعه محلی است.

۳. تأثیرپذیری شدید از فشارهای اقتصادی کلان:

همان‌گونه که اشاره شد، اقتصاد شکننده و وابسته استان، هرگونه نوسان در سطح ملی و یا پدیده‌های طبیعی (خشکسالی) را به سرعت به تنش و ناامنی معیشتی در سطح خانواده‌ها تبدیل می‌کند. این مسئله، ظرفیت مداخلات روانشناختی را در زمانی که نیاز مبرم به آرامش وجود دارد، به شدت کاهش می‌دهد.

راهکارهای عملیاتی و کارشناسی

با عنایت به بسترهای تشریح‌شده و موانع موجود، راهکارهای ذیل در چهار محور اصلی، با رویکردی اجرایی و مبتنی بر شرایط بومی استان تدوین گردیده است:

محور اول: توانمندسازی و آموزش (پیشگیرانه)

الف) طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شواهد: با استناد به یافته‌های پژوهشی استانی، برگزاری دوره‌های آموزشی اجباری و فراگیر برای والدین در مراکز جامع سلامت، مدارس و پایگاه‌های بسیج، با محوریت توانمندسازی در سبک فرزندپروری مؤثر و مدیریت استرس. این برنامه‌ها باید با مشارکت تسهیلگران بومی و با محتوای متناسب با فرهنگ هر قوم طراحی شوند.

ب) گنجاندن مهارت‌های زندگی و ارتباطی در برنامه‌های پیش از ازدواج: الزام شرکت در کارگاه‌های حل تعارض، مدیریت خشم و ارتباط مؤثر برای زوجین در آستانه ازدواج و همچنین در برنامه‌های آموزشی مراکز مشاوره قبل از طلاق.

محور دوم: حمایت‌های اقتصادی و معیشتی (زیرساختی)

ج) توانمندسازی اقتصادی خانواده‌ها با رویکرد اشتغال پایدار: با توجه به نقش کلیدی فشار اقتصادی، ارائه تسهیلات هدفمند و کم‌بهره برای ایجاد مشاغل خرد و خانگی به ویژه برای زنان سرپرست خانوار و خانواده‌های دارای عضو معلول. این طرح باید با همکاری سازمان فنی و حرفه‌ای، کمیته امداد و میراث فرهنگی (برای صنایع دستی) عملیاتی گردد.

د) متنوع‌سازی اقتصاد روستایی و کاهش وابستگی به کشاورزی تک‌محصولی: سرمایه‌گذاری در صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی و ترویج مشاغل جایگزین در مناطق روستایی به منظور کاهش فشار روانی ناشی از ناپایداری تولید.

محور سوم: اصلاح و تقویت ساختارهای حمایتی-حقوقی (ساختاری)

ه) ایجاد ضمانت اجرای مؤثر برای فرایندهای میانجی‌گری و داوری: اصلاح قانون به گونه‌ای که توافقات حاصل از مراکز مشاوره و داوری، دارای پشتوانه اجرایی فوری باشد (همانند احکام

موقت دادگاه). به عنوان مثال، در صورت نقض توافق مالی یا رفتاری توسط یکی از زوجین، بدون نیاز به اقامه دعوای جدید، امکان اقدام اجرایی از طریق مراجع قضایی ذی‌صلاح فراهم گردد. این امر، اعتماد به فرایندهای صلح را به طور محسوسی افزایش خواهد داد.

و) توسعه شبکه مشاوره و مددکاری اجتماعی با رویکرد بومی: تخصیص اعتبار برای جذب و تربیت مشاوران و مددکاران اجتماعی از میان بومیان مناطق مختلف استان (با تسلط به زبان‌ها و آداب محلی) و استقرار آن‌ها در مراکز خدمات جامع سلامت و بهزیستی. همچنین، تقویت خطوط تلفنی مشاوره با امکان پاسخگویی به گویش‌های محلی.

محور چهارم: فرهنگ‌سازی و کاهش انگ اجتماعی (بسترساز)

ز) بهره‌گیری از ظرفیت معتمدان محلی و نهادهای مذهبی: با توجه به جایگاه ویژه ریش‌سفیدان، آق‌سقال‌ها و ائمه جماعات در میان اقوام مختلف استان (به ویژه جامعه ترکمن)، باید از این ظرفیت برای ترویج فرهنگ مشاوره‌پذیری و کاهش انگ اجتماعی مراجعه به روانشناس استفاده شود. این اقدام، می‌تواند در قالب تفاهمنامه با حوزه‌های علمیه و شورای تأمین استان پیگیری گردد.

ح) راه‌اندازی کمپین‌های آگاهی‌بخشی در رسانه‌های محلی: با استفاده از ظرفیت صدا و سیمای مرکز گلستان و رسانه‌های مکتوب محلی، نسبت به تولید محتوای تخصصی و جذاب در خصوص پیامدهای تعارضات خانوادگی و راهکارهای مدیریت آن اقدام شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد نهایی

مسئله تعارضات خانوادگی در استان گلستان، پدیده‌ای تک‌عاملی نیست؛ بلکه محصول تعامل پیچیده‌ای از عوامل اقتصادی، فرهنگی، قومی و ساختاری است. هر گونه مداخله موضعی و مقطعی، بدون توجه به این شبکه به‌هم‌پیوسته عوامل، محکوم به شکست است. رویکرد پیشنهادی این گزارش، رویکردی سیستمی و مشارکتی است که در آن، نهادهای متولی (بهزیستی، دادگستری، آموزش و پرورش، جهاد کشاورزی و استانداری) موظف به اجرای هماهنگ راهکارهای فوق در چارچوب یک برنامه زمان‌بندی‌شده و با پایش مستمر هستند.

با توجه به آمار بالای آسیب‌های اجتماعی در استان و هزینه‌های سرسام‌آور ناشی از فروپاشی خانواده‌ها، پیشنهاد می‌شود کارگروه ویژه‌ای با حضور معاونین مرتبط استانداری و نمایندگان دستگاه‌های اجرایی، به منظور عملیاتی‌سازی راهکارهای فوق، تشکیل گردد و گزارش پیشرفت آن هر سه ماه یک بار به شورای اجتماعی استان ارائه شود. این اقدام، گامی مؤثر در جهت تحکیم بنیان خانواده و ارتقای سرمایه اجتماعی استان خواهد بود.

نقش و اهمیت گمرک اینچه برون در توسعه استان گلستان و کشور



آنه محمد ایری
معاونت فنی و امور گمرکی اداره کل گمرکات استان گلستان،
عضو کارگروه تجاری اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری

مقدمه

گمرکات کشور، علاوه بر وظیفه سنتی خود در اجرای مقررات صادرات و واردات، وصول حقوق ورودی و کنترل و نظارت بر جریان کالا، در شرایط جدید اقتصادی و ژئوپلیتیکی کشور، به یکی از عناصر اصلی امنیت اقتصادی، استمرار زنجیره تأمین، توسعه ترانزیت و تاب‌آوری تجارت خارجی تبدیل شده‌اند. در این میان، گمرک اینچه‌برون به دلیل قرار گرفتن در شمال استان گلستان، همجواری با کشور ترکمنستان و اتصال به شبکه ریلی کشورهای آسیای مرکزی، از موقعیتی متفاوت با بسیاری از گمرکات کشور برخوردار است. منطقه آزاد اینچه‌برون نیز در مجاورت این محور قرار دارد و می‌تواند در توسعه تجارت، لجستیک و ترانزیت نقش مؤثری ایفا کند. اهمیت این موقعیت، زمانی دوچندان می‌شود که به دلیل شرایط خاص منطقه‌ای و محدودیت یا اختلال در برخی مسیرهای دریایی و گمرکات جنوبی، ضرورت استفاده از مبادی جایگزین شمالی و زمینی کشور بیش از گذشته احساس می‌شود. در چنین شرایطی، اینچه‌برون می‌تواند از یک گمرک مرزی و منطقه‌ای به یک دروازه راهبردی تجارت ایران با آسیای مرکزی و اوراسیا تبدیل شود.

۱. موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی اینچه‌برون

گمرک اینچه‌برون، در شمال استان گلستان و در مرز جمهوری اسلامی ایران با ترکمنستان قرار گرفته و از طریق شبکه ریلی و جاده‌ای، ایران را به کشورهای آسیای مرکزی متصل می‌کند. این موقعیت، اینچه‌برون را به یکی از مهم‌ترین نقاط اتصال ایران به بازارهای ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، روسیه و در ادامه چین تبدیل کرده است. مسیر کلی این ارتباط را می‌توان چنین تصور کرد:

چین ـ قزاقستان ـ ترکمنستان ـ اینچه‌برون ـ شبکه ریلی ایران ـ مرکز و جنوب کشور و در جهت معکوس:

ایران ـ اینچه‌برون ـ ترکمنستان ـ قزاقستان و آسیای مرکزی ـ چین و روسیه

این ویژگی، ظرفیت تبدیل اینچه‌برون به یکی از محورهای اصلی تجارت زمینی و ریلی کشور را ایجاد کرده است.

۲. اهمیت اینچه‌برون در شرایط خاص کنونی کشور

یکی از اساسی‌ترین موضوعات امروز اقتصاد ایران، ضرورت حفظ جریان تجارت خارجی در شرایط بروز بحران‌های منطقه‌ای، محدودیت‌های حمل‌ونقل دریایی و اختلال در برخی مبادی جنوبی کشور است. تجربه

بحران‌های منطقه‌ای نشان می‌دهد که اتکای بیش از حد به یک مسیر یا یک نوع حمل‌ونقل، زنجیره تأمین کشور را در برابر بحران‌ها آسیب‌پذیر می‌کند؛ بنابراین سیاست صحیح اقتصادی و تجاری باید بر اساس تنوع‌بخشی به مبادی ورود و خروج کالا باشد. در این چارچوب، گمرکات شمالی کشور، به‌ویژه اینچه‌برون، می‌توانند نقش«مسیر پشتیبان و جایگزین» را ایفا کنند. حتی اگر ظرفیت اینچه‌برون از نظر حجم کالا با بنادر بزرگ جنوبی قابل مقایسه نباشد، اهمیت آن در شرایط بحرانی به دلیل استقلال نسبی مسیر شمالی از مسیر دریایی جنوب است. این موضوع، یک مزیت راهبردی برای کشور محسوب می‌شود.

۳. نقش گمرک اینچه‌برون در تأمین کالاهای اساسی

از مهم‌ترین ظرفیت‌های اینچه‌برون، امکان ورود کالاهای اساسی و نهاده‌های مورد نیاز کشور از مسیر آسیای مرکزی است. کشورهای قزاقستان، روسیه و سایر کشورهای منطقه از تولیدکنندگان مهم غلات، نهاده‌های دامی، محصولات کشاورزی و مواد اولیه هستند. این مسیر، می‌تواند برای واردات غلات، نهاده‌های دامی، دانه‌های روغنی، مواد اولیه صنایع غذایی، مواد اولیه صنعتی، ماشین‌آلات و تجهیزات، قطعات و کالاهای واسطه‌ای و کالاهای اساسی مورد استفاده بیشتری قرار گیرد. تقویت این گمرک، می‌تواند مستقیما با امنیت غذایی و استمرار تولید داخلی ارتباط داشته باشد.

۴. نقش اینچه‌برون در توسعه صادرات کشور

اهمیت اینچه‌برون، تنها به واردات محدود نمی‌شود. استان گلستان و استان‌های شمالی و مرکزی کشور دارای ظرفیت قابل توجهی در تولید محصولات کشاورزی، صنایع غذایی، مصالح ساختمانی، محصولات فولادی، سیمان و سایر کالاهای صادراتی هستند. این کالاها می‌توانند از طریق اینچه‌برون به بازارهای ترکمنستان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان، روسیه و حتی چین دسترسی پیدا کنند. توسعه صادرات از این مسیر می‌تواند به کاهش فشار بر بنادر جنوبی و مسیرهای جاده‌ای منتهی به جنوب کمک کند.

۵. اهمیت راه‌آهن اینچه‌برون

یکی از دیگر مزیت‌های مهم اینچه‌برون، برخورداری از اتصال ریلی بین‌المللی است. خط راه‌آهن ایران ـ ترکمنستان ـ قزاقستان امکان اتصال ایران به شبکه ریلی گسترده آسیای مرکزی را فراهم می‌کند. اهمیت حمل‌ونقل ریلی در شرایط فعلی از چند جهت است: ظرفیت بالای حمل کالاهای حجیم، کاهش وابستگی به حمل جاده‌ای، مناسب بودن برای غلات و کالاهای اساسی، کاهش فشار بر جاده‌های کشور، قابلیت اتصال به شبکه‌های بین‌المللی، امکان حمل کانتینری و افزایش قابلیت ترانزیت کالا.

۶. نقش اینچه‌برون در کریدورهای بین‌المللی

موقعیت اینچه‌برون، زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که آن را در چارچوب کریدورهای بین‌المللی بررسی کنیم. این منطقه در مسیر ارتباطی قزاقستان ـ ترکمنستان ـ ایران قرار گرفته و از طریق شبکه‌های حمل‌ونقل منطقه‌ای امکان اتصال به چین، روسیه و سایر کشورهای آسیای مرکزی را دارد. از این منظر، اینچه‌برون بخشی از یک شبکه بین‌المللی حمل‌ونقل و تجارت است، نه یک مرز مستقل و منفرد.

۷. نقش اینچه‌برون در پدافند غیرعامل اقتصادی

یکی از دیگر از مهم‌ترین ابعاد موضوع، بحث پدافند غیرعامل اقتصادی است. اقتصاد یک

کشور زمانی تاب‌آور است که تجارت خارجی آن به یک مسیر محدود وابسته نباشد. اگر عمده واردات و صادرات کشور از یک منطقه جغرافیایی یا یک نوع مسیر حمل‌ونقل عبور کند، هرگونه بحران سیاسی، نظامی، امنیتی یا حمل‌ونقلی می‌تواند آثار گسترده‌ای بر اقتصاد کشور داشته باشد. در چنین شرایطی، توسعه گمرک اینچه‌برون و سایر گمرکات شمالی به معنای ایجاد یک مسیر جایگزین برای استمرار تجارت خارجی است. این مسیر می‌تواند در زمان عادی نقش مکمل و در شرایط بحرانی نقش پشتیبان و حتی حیاتی داشته باشد.

۸. آثار توسعه گمرک اینچه‌برون بر استان گلستان

توسعه گمرک اینچه‌برون صرفا افزایش درآمدهای گمرکی نیست، بلکه می‌تواند آثار گسترده‌ای بر اقتصاد استان گلستان داشته باشد.

الف) ایجاد اشتغال

افزایش حجم تجارت موجب ایجاد اشتغال مستقیم و غیرمستقیم در حوزه‌های گمرک، حمل‌ونقل، انبارداری، شرکت‌های حمل‌ونقل، تخلیه و بارگیری، خدمات لجستیکی، شرکت‌های بازرگانی، صنایع تبدیلی و خدمات وابسته خواهد شد.



ب) توسعه زیرساخت

افزایش فعالیت تجاری موجب توجیه اقتصادی برای سرمایه‌گذاری در جاده، راه‌آهن، انبار، سیلو، سردخانه، پایانه‌های حمل‌ونقل، مراکز تخلیه و بارگیری و خدمات گمرکی و لجستیکی می‌شود.

ج) توسعه صنایع

یکی از مهم‌ترین اهداف، باید این باشد که اینچه‌برون تنها محل عبور کالا نباشد. کالاهایی که وارد می‌شوند می‌توانند در استان گلستان یا مناطق پیرامونی وارد فرآیند تولید، فرآوری، بسته‌بندی و صادرات مجدد شوند. این امر ارزش افزوده بسیار بیشتری برای استان ایجاد خواهد کرد.

۹. ارتباط گمرک اینچه‌برون با منطقه آزاد

منطقه آزاد اینچه‌برون، یک فرصت مهم برای توسعه تجارت و لجستیک است. باید میان گمرک اینچه‌برون، منطقه آزاد اینچه‌برون، راه‌آهن، جاده، انبارها و صنایع یک زنجیره واحد ایجاد شود. در غیر این صورت، هر یک از این بخش‌ها به صورت جداگانه فعالیت خواهند کرد و بخش مهمی از ظرفیت اقتصادی منطقه بلااستفاده باقی خواهد ماند.

۱۰. اهمیت گمرک در مدیریت بحران و تسریع تشریفات

در شرایط عادی، کنترل دقیق کالا و اجرای مقررات از وظایف اصلی گمرک است، اما در شرایط اضطراری، گمرک باید ضمن حفظ کنترل‌های قانونی، امکان تسریع در ترخیص کالاهای ضروری را نیز فراهم کند. به‌ویژه در خصوص کالاهای اساسی، مواد اولیه تولید،

دارو و تجهیزات پزشکی، نهاده‌های دامی، غلات، کالاهای فاسدشدنی، ماشین‌آلات و قطعات ضروری باید سازوکارهای مدیریت ریسک، ارزیابی اسناد، کنترل غیرمزاحم و ترخیص سریع مورد توجه قرار گیرد. این موضوع به معنای کاهش نظارت گمرکی نیست؛ بلکه به معنای هوشمندسازی نظارت و هدایت منابع کنترلی به سمت کالاهای پرریسک است.

۱۱. ضرورت توسعه ظرفیت گمرک اینچه‌برون

با توجه به افزایش احتمالی حجم کالا، توسعه ظرفیت این گمرک باید در چند محور انجام شود.

۱. توسعه زیرساخت ریلی؛
۲. توسعه زیرساخت جاده‌ای؛
۳. توسعه انبار و سیلو؛
۴. توسعه تجهیزات تخلیه و بارگیری؛
۵. توسعه سامانه‌های الکترونیکی؛
۶. تقویت مدیریت ریسک؛
۷. توسعه پارکینگ و پایانه کامیونی؛
۸. افزایش ظرفیت کنترل و بازرسی هوشمند.

۱۲. ضرورت ایجاد مسیر سبز برای کالاهای ضروری

در شرایط خاص کشور، پیشنهاد می‌شود برای کالاهای اساسی و مواد اولیه تولید، سازوکار ویژه‌ای در گمرک اینچه‌برون ایجاد شود. این سازوکار، می‌تواند شامل اولویت‌بندی اظهارنامه‌ها، ارزیابی اسناد قبل از ورود کالا، استفاده گسترده‌تر از سامانه‌های الکترونیکی، هماهنگی دستگاه‌های مجوزدهنده، کاهش توقف واگن و کامیون و اولویت‌دهی به کالاهای اساسی باشد. هدف از چنین سازوکاری باید افزایش سرعت بدون کاهش سطح کنترل قانونی باشد.

۱۳. اهمیت دیپلماسی گمرکی و همکاری با ترکمنستان و قزاقستان

از عوامل مهم دیگر در موفقیت اینچه‌برون، همکاری دستگاه‌های متناظر در کشورهای همسایه است. بسیاری از مشکلات مرزی از جمله توقف واگن، اختلاف اسناد، اختلاف رویه‌های گمرکی، بازرسی‌های تکراری، مشکلات تبادل اطلاعات، محدودیت ساعات کاری و مشکلات بارگیری و تخلیه با هماهنگی میان گمرکات دو طرف قابل کاهش است. توسعه کنترل‌های هماهنگ و تبادل الکترونیکی اطلاعات می‌تواند زمان توقف کالا در مرز را کاهش دهد.

۱۴. تبدیل اینچه‌برون از گمرک مرزی به هاب لجستیکی

هدف نهایی نباید صرفا افزایش تعداد کامیون یا واگن عبوری باشد. هدف باید تبدیل اینچه‌برون به یک هاب لجستیکی منطقه‌ای باشد. هاب لجستیکی محلی است که در آن عملیات ورود کالا، کنترل گمرکی، تخلیه، انبارش، پردازش، بسته‌بندی، تغییر وسیله حمل، توزیع و صادرات مجدد به صورت یکپارچه انجام می‌شود. این مدل می‌تواند ارزش افزوده بسیار بیشتری نسبت به عبور ساده کالا ایجاد کند.

۱۵. مشکل مهم: نبود توازن بین واردات و صادرات

یکی از چالش‌های اصلی اینچه‌برون، عدم توازن کافی بین جریان ورودی و خروجی کالا است: اگر واگن‌ها یا کامیون‌ها با کالای وارداتی وارد ایران شوند اما امکان بارگیری کالای صادراتی در مسیر برگشت وجود نداشته باشد، هزینه حمل افزایش پیدا می‌کند؛ بنابراین توسعه اینچه‌برون باید مبتنی بر ایجاد بار رفت و برگشت باشد. به عبارت دیگر:

واردات + صادرات + ترانزیت

باید همزمان توسعه پیدا کند.

۱۶. نقش اینچه‌برون در کاهش فشار بر گمرکات جنوبی

در شرایطی که مسیرهای جنوبی کشور با محدودیت یا اختلال مواجه می‌شوند، افزایش فعالیت گمرکات شمالی می‌تواند بخشی از بار تجاری کشور را جذب کند، البته نباید انتظار داشت که اینچه‌برون در کوتاه‌مدت جایگزین بنادر بزرگ جنوبی شود؛ زیرا نوع کالا، ظرفیت بندری، مسیر حمل و ساختار تجارت متفاوت است، اما می‌تواند برای بخشی از کالاها، خصوصا کالاهای وارداتی از آسیای مرکزی، کالاهای روسی و قزاقستانی، کالاهای چینی از مسیر ریلی، غلات و نهاده‌ها، کالاهای کانتینری و کالاهای ترانزیتی به عنوان مسیر مکمل و جایگزین عمل کند.

۱۷. فرصت ویژه برای استان گلستان

استان گلستان، به دلیل موقعیت جغرافیایی خود، می‌تواند از اینچه‌برون به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی استفاده کند. توسعه این محور می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری یک قطب لجستیک، تجارت و صنایع تبدیلی در شمال استان شود. در صورت برنامه‌ریزی مناسب، این محور می‌تواند موجب افزایش سرمایه‌گذاری، ایجاد اشتغال، افزایش درآمدهای محلی، توسعه خدمات، افزایش صادرات، رونق تولید، توسعه صنایع تبدیلی و توسعه زیرساخت‌های استان شود.

۱۸. پیشنهادهای اجرایی

الف : اقدامات کوتاه‌مدت

- افزایش ظرفیت کاری گمرک در چارچوب مقررات؛
- اولویت‌دهی به کالاهای اساسی و مواد اولیه؛
- افزایش سرعت ارزیابی و ترخیص با مدیریت ریسک ؛
- هماهنگی مستمر با راه‌آهن، منطقه آزاد و دستگاه‌های مجوزدهنده؛
- رفع گلوگاه‌های توقف واگن و کامیون؛
- افزایش ظرفیت پارکینگ و پایانه؛
- تسهیل ورود کالاهای ضروری از مسیر آسیای مرکزی؛
- ایجاد سازوکار ویژه مدیریت بحران برای اینچه برون.

ب : اقدامات میان‌مدت:

- توسعه خطوط ریلی؛
- توسعه انبارها و سیلوها؛
- افزایش تجهیزات تخلیه و بارگیری؛
- توسعه پایانه‌های کانتینری؛
- توسعه زیرساخت‌های جاده‌ای؛
- استقرار سامانه‌های هوشمند کنترل؛
- توسعه خدمات لجستیکی؛
- ایجاد مراکز پردازش و بسته‌بندی کالا.

ج: اقدامات بلندمدت:

- تبدیل اینچه‌برون به هاب لجستیکی شمال شرق کشور؛
- اتصال مؤثرتر به کریدورهای بین‌المللی؛
- توسعه قطارهای منظم چین- آسیای مرکزی- ایران؛
- توسعه تجارت با روسیه و کشورهای آسیای مرکزی؛
- ایجاد صنایع صادرات‌محور در منطقه آزاد؛
- ایجاد بار برگشتی برای واگن‌ها و کامیون‌ها؛
- توسعه مراکز لجستیک و بندر خشک؛
- ایجاد رویه‌های هماهنگ و یکپارچه گمرکی با کشورهای همسایه.

جمع‌بندی

گمرک اینچه‌برون در شرایط فعلی کشور باید از یک نگاه صرفا اداری و مرزی خارج شده و به عنوان یکی از زیرساخت‌های راهبردی تجارت خارجی و امنیت اقتصادی کشور مورد توجه قرار گیرد. موقعیت جغرافیایی، اتصال ریلی به ترکمنستان و قزاقستان، دسترسی به بازار آسیای مرکزی، ارتباط با کریدورهای بین‌المللی و مجاورت با منطقه آزاد اینچه‌برون، مجموعه‌ای از مزیت‌های کم‌نظیر

را برای این منطقه ایجاد کرده است. اهمیت این موضوع در شرایطی که مسیرهای جنوبی کشور با محدودیت یا ریسک مواجه هستند، بیشتر می‌شود. در چنین شرایطی، اینچه‌برون می‌تواند سه نقش همزمان ایفا کند:

اول؛ نقش استانی:

موتور توسعه تجارت، اشتغال، سرمایه‌گذاری و صنایع لجستیکی استان گلستان.

دوم؛ نقش ملی:

یکی از مسیرهای جایگزین و مکمل برای واردات کالاهای اساسی، مواد اولیه و صادرات کشور.

سوم؛ نقش بین‌المللی:

دروازه اتصال ایران به آسیای مرکزی، روسیه، چین و شبکه کریدورهای بین‌المللی.

بنابراین، سرمایه‌گذاری در توسعه گمرک و زیرساخت‌های اینچه‌برون را نباید صرفا یک پروژه استانی تلقی کرد؛ بلکه این موضوع، می‌تواند بخشی از راهبرد ملی ایران برای افزایش تاب‌آوری زنجیره تأمین، تنوع‌بخشی به مسیرهای تجارت خارجی و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور در برابر بحران‌های منطقه‌ای و اختلال در مسیرهای دریایی باشد. اینچه‌برون باید از «مرز ورود و خروج کالا» به «دروازه تجارت ایران با اوراسیا» ارتقا یابد. در شرایط عادی، این مسیر، می‌تواند موجب کاهش هزینه و توسعه تجارت شود و در شرایط بحرانی، می‌تواند به عنوان یکی از مسیرهای مهم تداوم تجارت و تأمین کالاهای مورد نیاز کشور عمل کند و در نهایت توسعه گمرک اینچه‌برون، توسعه یک گمرک منفرد نیست؛ بلکه توسعه یک کریدور ملی، تقویت اقتصاد استان گلستان، افزایش تاب‌آوری تجارت خارجی و ایجاد یک مسیر راهبردی برای اتصال ایران به اقتصاد اوراسیا است.



نگاهی گذرا به مسائل زنان و دختران در استان گلستان



دکتر سیده زهرا حسینی جبلی
رئیس کارگروه بانوان اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری،
مدیر کل سابق زنان و امور خانواده استانداری گلستان

مسائل مرتبط با زنان، با تک تک افراد خانواده و همچنین موضوعات جامعه مرتبط است. نقش آفرینی زنان، در ابعاد مختلف فردی و اجتماعی، مسئولیت نهادهای کشور را در عرصه زنان و جامعه دو چندان می‌کند. ضعف حکمرانی و ناکارآمدی نهادها در این موضوع، خسارت جبران ناپذیری بر پیکره خانواده و به تبع آن، جامعه وارد می‌کند. بی‌توجهی به قوانین حفظ حریم خانواده از قبیل عفاف و حجاب، اشتغال‌های آسیب زا (مانند: کارگری بانوان متأهل در باغ های استان‌های همجوار به مدت طولانی)، مجردی، سالمندی و... زمینه را بری آسیب‌های خانواده فراهم می‌کند. برای بررسی دقیق مسائل و چالش‌های زنان در استان گلستان و ارائه راهکارهای عملی، می‌توان این موضوع را در چند حوزه کلیدی دسته‌بندی کرد. با توجه به بافت قومیتی، فرهنگی و اقتصادی خاص این استان (اقوام مختلفی مانند ترکمن، فارس، سیستانی و ...)، چالش‌ها و فرصت‌ها متنوع هستند.

۱. مسائل اقتصادی و اشتغال

مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد را می‌توان در موارد زیر نام برد:

ـ نرخ بیکاری بالا: به ویژه در مناطق روستایی و شهرهای کوچک استان که فرصت‌های شغلی محدود است.

ـ مشاغل غیررسمی و ناپایدار: بسیاری از زنان در مشاغل خانگی یا کشاورزی بدون بیمه و حمایت‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند.

ـ دسترسی محدود به بازار فروش: عدم وجود بازارهای محلی یا پلتفرم‌های مناسب برای فروش محصولات صنایع دستی (به ویژه سوزن‌دوزی ترکمن) و محصولات کشاورزی فرآوری شده توسط زنان.

راهکارهای پیشنهادی

ـ تقویت تعاونی‌های زنان: ایجاد و حمایت از تعاونی‌های تولیدی و صنایع دستی با هدف برندسازی و صادرات محصولات بومی گلستان.

ـ ارائه تسهیلات خرد: تسهیل شرایط دریافت وام‌های اشتغال‌زایی برای زنان سرپرست خانوار یا کارآفرینان زن.

ـ آموزش مهارت‌های بازاریابی دیجیتال: آموزش فروش آنلاین محصولات محلی برای حذف واسطه‌ها و افزایش سودآوری.

۲. مسائل فرهنگی و اجتماعی

مشکلات:

ـ چالش‌های ناشی از تنوع قومیتی: در برخی مناطق، سنت‌های دیرینه ممکن است محدودیت‌هایی برای حضور اجتماعی زنان ایجاد کنند.

ـ محدودیت در مشارکت سیاسی و مدیریتی: عدم حضور کافی زنان در سطوح تصمیم‌گیری استان.

ـ آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر: افزایش نرخ طلاق و اعتیاد در برخی مناطق حاشیه‌ای که زنان و کودکان را بیش از همه تحت تأثیر قرار می‌دهد.

راهکارهای پیشنهادی:

ـ توانمندسازی از طریق آموزش: برگزاری کارگاه‌های افزایش آگاهی حقوقی و اجتماعی با احترام به بافت بومی و فرهنگی هر منطقه.

ـ ترویج مشارکت مدنی: حمایت از سمن‌های (سازمان‌های مردم‌نهاد) فعال در حوزه زنان که با رویکرد فرهنگی و بومی فعالیت می کنند.

ـ الگوسازی: معرفی و تقدیر از زنان موفق و تأثیرگذار در سطح استان، برای تغییر نگرش‌های سنتی و تشویق دختران جوان.

۳. بهداشت و سلامت

مشکلات:

ـ دسترسی نابرابر به خدمات درمانی: کمبود مراکز تخصصی سلامت زنان در مناطق دورافتاده و روستایی استان.

ـ کمبود آگاهی‌های بهداشتی: ضرورت افزایش آگاهی در زمینه سلامت باروری، تغذیه و پیشگیری از بیماری‌های غیرواگیر.

راهکارهای پیشنهادی:

ـ استفاده از ظرفیت خانه‌های بهداشت: تقویت نقش «بهورزان» در ارائه آموزش‌های سلامت به زنان روستایی.

ـ توسعه کلینیک‌های سیار سلامت: اعزام تیم‌های پزشکی تخصصی (به‌ویژه برای غربالگری بیماری‌های زنان) به مناطق محروم و مرزی.

۴. مسائل آموزشی

مشکلات:

ـ ترک تحصیل دختران: در برخی مناطق روستایی، به دلایل اقتصادی یا فرهنگی، نرخ ترک تحصیل دختران در مقطع متوسطه بالاتر است.

ـ کمبود مراکز آموزشی مهارت‌محور: عدم انطباق آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای با نیازهای بازار کار بومی استان.

راهکارهای پیشنهادی:

ـ طرح‌های حمایتی برای دانش‌آموزان: ارائه بسته‌های حمایتی (لوازم‌التحریر، تغذیه) برای جلوگیری از ترک تحصیل به دلیل فقر مالی.

ـ مهارت‌آموزی هدفمند: راه‌اندازی مراکز فنی‌وحرفه‌ای با تمرکز بر صنایع تبدیلی کشاورزی و گردشگری که در استان گلستان پتانسیل بالایی دارند. (برای نمونه دبیرستان فنی حرفه ای که اخیرا در شهرستان گرگان تأسیس شده و دانش آموزان با آموزش مهارت‌های هدفمند به اشتغالزایی سالم دسترسی دارند.)

پیشنهاد نهایی برای اقدام

برای بهبود وضعیت، لازم است «اتاق فکر استانی» متشکل از:

۱. نمایندگان بانوان اقوام مختلف استان (برای حفظ هویت فرهنگی).

۲. مسئولین اداره کل امور بانوان استانداری.

۳. متخصصان دانشگاهی در حوزه جامعه‌شناسی و اقتصاد.

تشکیل شود، تا راهکارها به‌صورت «بومی‌سازی شده» و متناسب با فرهنگ هر شهرستان (مثلا مسائل زنان در گنبدکاووس با گرگان یا مراوه‌تپه متفاوت است) پیاده‌سازی شوند.

۱. تحلیل چالش‌های اصلی (چرا مشاغل خانگی در گلستان به درآمد پایدار نمی‌رسند؟)

ـ حلقه مفقوده بازار فروش (بزرگترین

چالش): تولیدکنندگان اغلب بازاریاب نیستند. آن‌ها محصولات باکیفیتی تولید می‌کنند (مانند سوزن‌دوزی، فرش ترکمن، یا ترشیجات و محصولات کشاورزی فرآوری شده)، اما به دلیل نداشتن شبکه توزیع، مجبورند محصولات خود را با قیمت بسیار پایین به واسطه‌ها بفروشند.

ـ فردگرایی به جای کار جمعی: کسب‌وکارهای خانگی در گلستان، اغلب به‌صورت انفرادی مدیریت می‌شوند. این سبب می‌شود قدرت چانه‌زنی در خرید مواد اولیه (به‌دلیل خرید خرده‌فروش) و در فروش محصول (به‌دلیل نبود برندسازی) بسیار پایین باشد.

ـ سختی در دسترسی به نقدینگی و بازار مالی: وام‌ها، اغلب به‌صورت «تسهیلات خرد» داده می‌شوند که فقط هزینه‌های اولیه تولید را پوشش می‌دهند، نه هزینه‌های «توسعه کسب‌وکار» (مثل تبلیغات یا بسته‌بندی).

ـ تکنولوژیِ سنتی: در حالی که استانداردهای بازار تغییر کرده، بسیاری از کارگاه‌های خانگی همچنان از روش‌های قدیمی تولید و بسته‌بندی استفاده می‌کنند که منجر به کاهش رقابت‌پذیری محصول در بازارهای بزرگ‌تر (مثل تهران یا بازارهای صادراتی) می‌شود.

۲. راهکارهای پیشنهادی (نقشه راه عملیاتی)

برای حل این مشکلات، رویکرد باید از «حمایت فردی» به سمت «حمایت شبکه‌ای» تغییر کند:

الف) ایجاد «هاب‌های محلی فروش» (جایگزین واسطه‌ها)

ـ راهکار: راه‌اندازی مراکز تجمیع محصول (Collection Centers) در شهرهای کوچک.

ـ عملکرد: به جای اینکه هر زن به تنهایی دنبال مشتری باشد، محصولات در یک مرکز محلی جمع‌آوری، کنترل کیفیت و بسته‌بندی می‌شود. سپس، این مرکز، به‌صورت یکپارچه برای کل گروه، بازاریابی و فروش انجام می‌دهد.

ب) تشکیل تعاونی‌های مدرن (نه سنتی)

ـ راهکار: تشکیل گروه‌های هم‌افزایی (مثلا گروهِ سوزن‌دوزانِ منطقه گمیشان یا گنبد).

ـ عملکرد: تعاونی‌های مدرن، به‌جای اینکه فقط وام بگیرند، باید «خرید مواد اولیه به‌صورت عمده» و «آموزش استانداردهای بسته‌بندی» را برای اعضای خود انجام دهند. این کار، هزینه تولید هر واحد کالا را تا ۳۰ درصد کاهش می‌دهد.

ج) دیجیتالی کردن فروش (فروش مستقیم)

ـ راهکار: استفاده از پلتفرم‌های موجود با آموزش تخصصی.

ـ عملکرد: زنان کارآفرین، نیازی به فروشگاه فیزیکی ندارند. کافی است آموزش ببینند تا چگونه از محصول خود عکاسی کنند و آن را در پلتفرم‌های فروش آنلاین ثبت کنند. برگزاری دوره‌های آموزشی «بازاریابی موبایلی» در دهیاری‌ها و مساجد می‌تواند این شکاف را پر کند.

د) پیوند مشاغل خانگی با صنعت گردشگری گلستان

ـ راهکار: تورهای گردشگری گلستان باید «ایستگاه‌های صنایع دستی» داشته باشند.

ـ عملکرد: با توجه به پتانسیل بوم‌گردی در گلستان، می‌توان خانه‌های روستایی را به «نمایشگاه‌های زنده» تبدیل کرد تا گردشگران مستقیما از تولیدکننده خرید کنند. این کار، سود فروش را به جیب هنرمند برمی‌گرداند و ارزش هنری محصول را بالاتر می‌برد.

گلستان؛ سرزمین فرصت‌های سرمایه‌گذاری، از رنگین کمان اقوام و طبیعت کم‌نظیر تا اینچه برون و اقتصاد دانش بنیان



محمد حمیدی
عضو شورای علمی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری،
معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری گلستان.

استان گلستان، به سبب موقعیت ممتاز جغرافیایی و ظرفیت‌های متنوع طبیعی، انسانی، فرهنگی، کشاورزی، صنعتی، گردشگری و ترانزیتی را در یک گستره سرزمینی واحد کنار هم قرار داده است. استانی با پوشش جنگل‌های هیرکانی و پارک ملی گلستان در همسایگی دو استان خراسان شمالی و سمنان، پوشش بیابانی و نیمه بیابانی در همسایگی کشور ترکمنستان تا دریای خزر، خلیج گرگان و آشوراده امتداد دارد و دشت‌های حاصلخیز کشاورزی تا مناطق کوهستانی و پهنه‌های شرقی استان را دربرمی‌گیرد. از یک‌سو واقع شدن در مسیر ارتباطی شمال کشور به مشهد مقدس و از سوی دیگر از طریق پایانه مرزی اینچه‌برون به ترکمنستان و آسیای مرکزی متصل است و به نوعی نقش گذرگاه و پل ارتباطی بین خلیج فارس تا آسیای میانه را ایفا می‌کند. این تنوع جغرافیایی، زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که در کنار تنوع فرهنگی و سرمایه انسانی قرار گیرد. گلستان علی رغم تنوع پوشش و بافت تاریخی و تمدنی، تنوع قومیتی و مذهبی نیز آن را به «رنگین‌کمان اقوام» بدل کرده است؛ جامعه‌ای متکثر با فرهنگ‌ها، سنت‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی گوناگون که می‌تواند پشتوانه‌ای مهم برای توسعه گردشگری، صنایع، اقتصاد فرهنگی و کسب‌وکارهای بومی محلی آمیخته با فناوری های نوین باشد. در کنار این ظرفیت اجتماعی، ظرفیت بالقوه نسل جوان و جویای کار، دانشگاه‌ها، مراکز علمی، شرکت‌های دانش‌بنیان، سازمان‌های مردم‌نهاد و مجموعه‌ای از فعالان اقتصادی مستعد و آماده به کار امکان شکل‌گیری یک زیست‌بوم پویا برای سرمایه‌گذاری امن و مطمئن با کمترین ریسک فراهم کرده است.

اما گلستان فقط ظرفیت ندارد؛ بلکه سرزمین نمونه‌های موفق سرمایه‌گذاری و تولیدی در بخش‌های مختلف اعم از بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی در حوزه‌هایی همچون صنایع غذایی و تبدیلی، کشاورزی مدرن، صنایع فلزی، خدمات، بازرگانی و گردشگری فعال هستند و تجربه فعالیت این مجموعه‌ها نشان داده که گلستان می‌تواند محل مناسبی برای ایجاد و توسعه بنگاه‌های اقتصادی باشد. سرمایه‌گذار وقتی به گلستان می‌آید، با یک نظام اداری همراه، دستگاه‌های هماهنگ و مسیری روشن و قابل پیش‌بینی مواجه هستند. سرمایه‌گذار نباید درگیر دستگاه‌ها شود بلکه دستگاه‌ها باید برای حل مسائل سرمایه‌گذار در کنار یکدیگر قرار گیرند که این موضوع نقطه قوت این استان در حمایت از صنعتگران است . از همین منظر، تسهیل فعالیت بنگاه‌های اقتصادی و رفع موانع تولید یکی از اولویت‌های جدی مدیریت استان است و هموار مورد تاکید استاندار محترم می باشد.

امنیت سرمایه‌گذاری فقط به معنای امنیت فیزیکی نیست؛ بلکه شامل امنیت حقوقی، ثبات تصمیمات، پیش‌بینی‌پذیری، سرعت در صدور مجوزها، تأمین زیرساخت‌ها،

کاهش بروکراسی و اطمینان از حمایت حاکمیت از فعالیت سالم اقتصادی است. در این میان، منطقه آزاد اینچه‌برون می‌تواند مهم‌ترین پیشران اقتصادی جدید گلستان باشد. اینچه‌برون برای گلستان فقط یک مرز نیست که نقطه اتصال نه گلستان که ایران به بازارهای آسیای مرکزی و یکی از ظرفیت‌های مهم برای توسعه تجارت، صادرات، لجستیک، صنایع و خدمات است. روند اقدامات زیرساختی و فعالیت های صورت گرفته در این منطقه گواه این مطلب است. به‌گونه‌ای که براساس آخرین آمارها تاکنون بیش از ۷۰ شرکت داخلی و خارجی در منطقه آزاد اینچه برون سرمایه‌گذاری کرده‌اند و پروژه‌های مختلف لجستیکی، کانتینری، انبارداری و خدماتی در حال شکل‌گیری است؛ موضوعی که می‌تواند اینچه‌برون را به یکی از حلقه‌های مهم زنجیره حمل‌ونقل و تجارت با آسیای مرکزی تبدیل کند. اهمیت اینچه‌برون زمانی بیشتر روشن می‌شود که آن را در کنار شبکه ریلی استان، جاده‌های ارتباطی، فرودگاه‌های گرگان و کلاله و ظرفیت‌های تولیدی گلستان ببینیم. این مجموعه می‌تواند یک زنجیره واقعی «تولید، حمل‌ونقل، صادرات و بازار» ایجاد کند. از سوی دیگر، منطقه آزاد اینچه‌برون می‌تواند برای سرمایه‌گذاران یک پیام روشن داشته باشد: گلستان فقط بازار مصرف نیست که می تواند سکوی تولید و صادرات باشد. ظرفیت‌های گردشگری نیز بخش دیگری از این تصویر است. جنگل‌های هیرکانی، پارک ملی گلستان، روستاهای گردشگری، میراث تاریخی و فرهنگی، تنوع اقوام، سواحل خزر، خلیج گرگان و آشوراده، پرورش ماهیان خاویاری، صنعت هواپیمایی و ناوبری، مجموعه‌ای از فرصت‌ها را برای سرمایه‌گذاری در گردشگری طبیعی، فرهنگی، بوم‌گردی، اقامت، تفریحات دریایی و صنایع وابسته ایجاد کرده است. البته توسعه این ظرفیت‌ها باید بر مبنای گردشگری پایدار باشد؛ یعنی سرمایه‌گذاری به حفظ محیط‌زیست، ایجاد اشتغال برای جوامع محلی و افزایش درآمد مردم کمک کند.

در حوزه اقتصاد دریا نیز آشوراده و خلیج گرگان می‌توانند در کنار ظرفیت‌های بندری و ساحلی و البته تفریحات آبی، بخشی از آینده اقتصاد دریامحور استان را شکل دهند. در همین راستا، موضوع اقتصاد دریا در اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری گلستان نیز مورد توجه قرار گرفته و تدوین سند «جایگاه اقتصاد دریا در توسعه استان» در دستور کار این مجموعه قرار دارد تا انشالله با همفکری و هم افزایی دولت و مجلس گام های استوار و ماندگاری برای توسعه و آینده منطقه برداریم. اینجا نقش اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری استان گلستان بعنوان ایده پرداز و تامین کننده عقبه محکم برای امنیت سرمایه گذاران اهمیت پیدا می‌کند. توسعه اقتصادی امروز فقط به سرمایه و زمین و زیرساخت نیاز ندارد که به حکمرانی هوشمند و تصمیم‌گیری مبتنی بر دانش بیش از پیش نیاز دارد. اندیشکده می تواند حلقه اتصال میان دانشگاه، نخبگان، مدیران، فعالان اقتصادی، جامعه مدنی و نظام تصمیم‌گیری باشد؛ ظرفیت‌های بومی استان را در کنار موانع قانونی و اجرایی شناسایی و بررسی کند و برای مسائل استان راهکارهای قابل اجرا ارائه دهد.

در نگاه ما، بخش خصوصی رقیب دولت نیست که شریک توسعه استان است. بنگاهی که تولید می‌کند، اشتغال ایجاد می‌کند، مالیات می‌پردازد و به اقتصاد استان رونق می‌دهد، باید احساس کند مدیریت استان در کنار اوست. از این رو، حمایت از واحدهای تولیدی، تسهیل سرمایه‌گذاری، رفع موانع اداری و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی، یک اقدام صرفا اقتصادی نیست؛ بلکه بخشی از سیاست امنیت اجتماعی و ایجاد امید در جامعه نیز محسوب می‌شود. گلستان از ظرفیت های بالقوه بالایی در اشتغال‌زایی و سرمایه‌گذاری برخوردار است. اگر سرمایه وارد بخش تولید، گردشگری، لجستیک، صنایع تبدیلی، کشاورزی مدرن، اقتصاد دریا

و صنایع خلاق شود، نتیجه آن فقط افزایش تولید ناخالص استان نخواهد بود؛ بلکه اشتغال جوانان، رونق روستاها، افزایش درآمد خانوارها و تقویت امید اجتماعی و در نتیجه کاهش آسیب ها و مسایل مبتلابه جامعه کنونی را با کمک اقتصاد به دنبال خواهد داشت. به همین دلیل، باید از نگاه سنتی «جذب سرمایه‌گذار» عبور و به سمت ساخت محیط سرمایه‌گذاری حرکت کرد. محیطی که در آن سرمایه‌گذار بداند : زمین و زیرساخت کجاست؛ مجوز چگونه صادر می‌شود؛ بازار کجاست؛ نیروی انسانی از کجا تأمین می‌شود؛ چه حمایت‌هایی وجود دارد؛ موانع قانونی چگونه رفع می‌شود و مهم‌تر از همه، چه میزان همراهی و ثبات در مسیر اجرای پروژه وجود خواهد داشت. در چنین شرایطی، تدوین اطلس جامع فرصت‌های سرمایه‌گذاری گلستان می‌تواند یک ضرورت مهم باشد؛ اطلسی که ظرفیت هر شهرستان را به زبان سرمایه‌گذاری معرفی کند و پروژه‌های اولویت‌دار استان را با اطلاعات روشن درباره زمین، زیرساخت، بازار، میزان سرمایه مورد نیاز، اشتغال، مشوق‌ها و فرآیند اخذ مجوز در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد.

گلستان ظرفیت‌های فراوانی به سبب موقعیت و جغرافیای طبیعی خود شامل جنگل های بکر بعنوان مقصد گردشگری پایدار، اقوام مختلف به عنوان موتور اقتصاد فرهنگی، جوانان بعنوان سرمایه انسانی تولید و روستاها بعنوان کانون اقتصاد محلی، جزیره آشوراده بعنوان بخش مهمی از اقتصاد دریامحور، فرودگاه‌ها بعنوان تقویت کننده ارتباطات تجاری و گردشگری، راه‌آهن به عنوان مسیر کوتاه برای صادرات و البته اینچه‌برون بعنوان دروازه امن توسعه صادرات و واردات به آسیای مرکزی نام برد. در این میان، شرکت‌های موفق و بنگاه‌های فعال استان ویترین های توانمندی اقتصادی گلستان هستند. امروز گلستان نیازمند آن است که تصویر جدیدی از خود به کشور و سرمایه‌گذاران ارائه کند؛ تصویری فراتر از یک استان کشاورزی و گردشگری. گلستان می‌تواند هم‌زمان استان کشاورزی مدرن، گردشگری پایدار، اقتصاد دریا، صنایع تبدیلی، لجستیک و تجارت منطقه‌ای باشد و این تصویر زمانی به واقعیت تبدیل خواهد شد که میان دولت، بخش خصوصی، دانشگاه، نخبگان، مردم و نهادهای سیاست‌پژوهی، یک هم‌افزایی واقعی شکل بگیرد.

مسیر توسعه گلستان، از دل ظرفیت‌های استان می‌گذرد؛ اما برای پیمودن این مسیر، به یک عنصر کلیدی اعتماد نیاز داریم . اعتماد سرمایه‌گذار به آینده، اعتماد بنگاه اقتصادی به تصمیمات دولت، اعتماد مردم به آثار توسعه و اعتماد همه این اجزا به یکدیگر. اگر این اعتماد را با حکمرانی علمی، تسهیل‌گری، امنیت، زیرساخت و معرفی درست ظرفیت‌های گلستان همراه کنیم، آن‌گاه می‌توانیم از «استان دارای ظرفیت» به «استان مقصد سرمایه‌گذاری» تبدیل شویم؛ لذا مدیریت ارشد استان همانطور که از آغاز به کار دولت چهاردهم، حمایت از سرمایه گذاران را جزو اولویت های کاری خود قرار داده و گام های اساسی برای توسعه سرمایه گذاری داخلی و برون مرزی در انعقاد تفاهم نامه های اقتصادی با شرکت های داخلی و بین المللی و ازجمله کشورهای حاشیه خزر و بویژه همسایگانی چون ترکمنستان، تاجیکستان و قزاقستان به عمل آورده آماده حمایت از تمام شرکت هایی است که دل در گرو این آب و خاک دارد.



بسته سیاست گذاری حکمرانی دانش بنیان استانی: راهکارهای حقوقی و اجرایی پیوند دانشگاه مأموریت محور با توسعه منطقه ای



دکتر حمیدرضا خزاعیان
ریاست دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

۱. مقدمه و ضرورت تغییر رویکرد به سمت دانشگاه مأموریت‌گرا و حل‌مسئله (گذار به دانشگاه نسل چهارم)

بررسی تجربه‌های موفق پیشرفت و توسعه در پهنه بین‌المللی آشکار می‌سازد که هیچ کشوری صرفاً با اتکا به منابع طبیعی تجدیدناپذیر یا تزریق خالص سرمایه‌های مادی و مالی نتوانسته است به توسعه پایدار و ارزش‌آفرین دست یابد. محرک و پیشران اصلی در فرآیند پیشرفت همه‌جانبه، تولید و کاربرد «دانش نافع» و استقرار نهاد منمند «نهاد دانشگاه» است. در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران با مسائل پیچیده و کلانی روبه‌روست که ماهیت آن‌ها فراتر از رویکردهای یک‌بعدی اداری یا تخصیص ساده بودجه‌های دولتی است. پاسخ به این چالش‌ها نیازمند راهکارهای جامع علمی مبتنی بر شواهد متقن، نوآوری‌های مأموریت‌محور و تصمیم‌گیری‌های مستند به علم است.

از این منظر، تأکید ویژه ریاست محترم جمهور، جناب دکتر پزشکیان، در دولت چهاردهم بر ضرورت به‌کارگیری همه‌جانبه ظرفیت دانشگاه‌ها در مسیر گره‌گشایی از معضلات کشور را باید یک چرخش راهبردی اساسی در ساختار حکمرانی علمی کشور تلقی کرد. این تحول، مأموریت سنتی دانشگاه را از یک کانون صرفا آموزشی و پژوهشی (مقاله‌محور) به یک نهاد «مسئله‌محور، مأموریت‌گرا، اثرگذار و پاسخگو در قبال توسعه پایدار منطقه‌ای و ملی» تغییر جهت می‌دهد.

دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، با پیشینه‌ای درخشان و قدمتی بالغ بر ۷ دهه، به عنوان دانشگاه معین و تخصصی استان گلستان، این چرخش راهبردی را مبنای کار خود قرار داده است. این دانشگاه، افزون بر مسئولیت‌های معمول، نقشی فعال در حکمرانی آموزش عالی استان، هدایت کارگروه‌های تخصصی، تدوین اسناد توسعه‌ای و مشارکت فعال در شورای برنامه‌ریزی استان دارد. بر اساس تجارب مکتسبه، نقش‌آفرینی مؤثر دانشگاه در حل کلان‌مسئله‌ها نیازمند ایفای همزمان سه کارکرد مکمل و موازی است.

ـ تولید دانش مأموریت‌گرا با هدف حل چالش‌های واقعی: هدایت خروجی پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی به سوی حل گره‌های عینی جامعه به‌جای محصور شدن در قالب کتابخانه و ارتقای صرفاً کاغذی.

ـ ایفای نقش به عنوان شورا و هیئت اندیشه‌ورز دولت: بررسی و تحلیل علمی پی‌آمدهای تصمیمات اجرایی پیش از

پیاده‌سازی رسمی. راه‌اندازی دبیرخانه مدیریت حل کلان‌مسئله‌ها در وزارت علوم نمونه‌ای از این رویکرد شبکه‌ای است که در آن دانشگاه‌ها پیرامون معضلات واقعی هم‌افزا می شوند.

- خلق فناوری، تجاری‌سازی دانش و ثروت‌آفرینی پایدار: فعال‌سازی ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان، مراکز نوآوری و رشد با هدف ملموس کردن ارزش دستاوردهای علمی در زندگی روزمره توده‌های مردم.

چشم‌انداز دانشگاه‌های کشور در افق پیش رو، گذار به سوی «دانشگاه نسل چهارم» است. دانشگاه نسل چهارم نه‌تنها متعهد به آموزش مهارتی و پژوهش کاربردی است، بلکه در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی، آینده‌نگاری، حل مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی و ایجاد ارزش‌های عمومی مشارکت همه‌جانبه دارد. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان در چارچوب «سند آینده‌نگاشت تعالی دانشگاه تا افق ۱۴۲۵»، هدف خود را دستیابی به مرجعیت علمی، فناورانه و سیاستی در شمال کشور و اثرگذاری پایدار در منطقه آسیای جنوب‌غربی قرار داده است؛ به طوری که معیار اصلی موفقیت دانشگاه، میزان اثرگذاری واقعی آن بر ارتقای کیفیت زندگی مردم باشد.

۲. واکاوی ریشه‌ای موانع پیوند دانشگاه با دستگاه‌های اجرایی

بلوغ علمی اعضای هیأت علمی و دانشگاه‌های تراز اول کشور، امروز بر کسی پوشیده نیست. چالش بنیادین، کمبود دانش تخصصی یا ضعف بنیه پژوهشی نیست، بلکه انسداد مسیرهای انتقال این دانش به عرصه تصمیم‌گیری و اجراست. تحلیل عمیق این پدیده نشان‌دهنده سه گلوگاه ساختاری زیر است:

الف) تفاوت در منطق عملکردی و زمانی سازمان‌های اجرایی و دانشگاه

دانشگاه دارای منطقی آینده‌نگر، تحلیلی، جامع و متکی بر فرآیندهای علمی شواهدمحور است که ذاتاً نیاز به بازه زمانی منطقی برای آزمون و خطا دارد. در مقابل، دستگاه‌های اجرایی و مدیران دولتی در شرایط مواجهه با محدودیت‌های بودجه‌ای، فشارهای کوتاه‌مدت افکار عمومی، تغییرات مکرر مدیریتی و لزوم پاسخگویی فوری اداری کار می‌کنند. این تفاوت در منطق زمانی و عملکردی، مانع بهره‌گیری از تحقیقات میان‌مدت و بلندمدت دانشگاهی شده و تصمیم‌گیری‌های دولتی را به سمت الگوهای واکنشی و مسکن‌های کوتاه‌مدت سوق می‌دهد.

ب) نقص در الگوهای تعریف مسئله پژوهشی

بخش مهمی از این انسداد ناشی از رویکرد سنتی حاکم بر شیوه‌های طراحی پروژه‌های پژوهشی در داخل دانشگاه‌هاست. بسیاری از موضوعات رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها بدون مشارکت واقعی و میدانی ذی‌نفعان (کشاورزان، صنایع تبدیلی، بخش خصوصی، مدیران اجرایی محلی) تعریف می‌شوند. پژوهشی که مسئله آن در اتاق‌های بسته طراحی شده باشد، طبیعتا در پایان کار مخاطبی در جامعه برای بهره‌برداری نخواهد داشت. تعریف مسئله باید محصول گفت‌وگو و تعامل مستمر با میدان عمل باشد.

ج) خلأ شبکه نهادینه ترویج دانشگاهی

در حالی که در حوزه بهداشت و درمان، به دلیل وجود یک ساختار مویرگی سراسری (شبکه بهداشت و خانه‌های بهداشت)، دستاوردهای علمی دانشگاه‌های علوم پزشکی مستقیما به درمانگاه‌ها، بیمارستان‌ها و عمق جامعه منتقل شده و ارتقای شاخص‌های سلامت را

تضمین می‌کند، در حوزه کشاورزی و منابع طبیعی چنین شبکه نهادینه و ساختاریافته‌ای وجود ندارد. نبود ساختار انتقال فعال دانش دانشگاهی به مزارع، عرصه‌های جنگلی و صنایع تبدیلی، موجب شده بخش عظیمی از سرمایه‌گذاری‌های علمی کلان کشور در قالب اسناد مکتوب کتابخانه‌ای انباشته شوند.

۳. اصلاحات ساختاری و قانون‌گذاری



مدیریتی ارائه می‌گردد:

پیشنهاد اول: تدوین و تصویب «قانون جامع ترویج دانشگاهی در بخش کشاورزی و منابع طبیعی»

این ایده بنیادی که حاصل تبادل نظر تخصصی میان شورای معاونان وزارت علوم و اعضای کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط‌زیست مجلس شورای اسلامی است، پاسخی همه‌جانبه به خلأ تاریخی انتقال دانش است. هدف این قانون، طراحی و استقرار یک نظام ملی برای «اشاعه، انتقال فعال و کاربردی‌سازی یافته‌های علمی» است. بر اساس این قانون، شبکه‌ای کارآمد با محوریت دانشگاه‌های معین استانی و با مشارکت پویای وزارت علوم، وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسات مادری تحقیقاتی، سازمان نظام مهندسی کشاورزی، تشکل‌های صنفی، شرکت‌های دانش‌بنیان و بهره‌برداران محلی ایجاد خواهد

پیشنهادی به مجلس شورای اسلامی و دولت:

جهت رهایی از انسدادهای ساختاری یاد شده، باید رویکردها از استفاده‌های موردی، سلیقه‌ای و کوتاه‌مدت از دانشگاه به سمت «مشارکت ساختاریافته و نهادمند دانشگاه در نظام حکمرانی» تغییر یابد. بدین منظور، سه پیشنهاد راهبردی در سطح حقوقی، بودجه‌ای و

شد تا زنجیره انتقال علم به مزرعه دارای قانون، بودجه و مأموریت مشخص و پاسخگو باشد.

پیشنهاد دوم: اصلاح اساسی نظام بودجه‌ریزی و ارزیابی عملکرد مدیران دولتی

ـ اختصاص سهم اجباری از بودجه پژوهش و فناوری دستگاه‌های اجرایی کشور به پروژه‌های راهبردی مشترک با دانشگاه‌های معین هر استان و مشروط کردن بخشی از اعتبارات دستگاه‌های دولتی به دریافت گواهی حل علمی مسائل واقعی از دانشگاه.

ـ گنجاندن شاخص «میزان و کیفیت کاربست نظرات کارشناسی دانشگاه‌ها در تصمیم‌گیری‌های دستگاه مربوطه» به عنوان یک سنجه الزامی و کلیدی در ارزیابی عملکرد سالانه استانداران، مدیران کل و رؤسای سازمان‌های اجرایی.

ـ زدودن بوروکراسی سنگین و دست‌وپاگیر اداری از فرآیند عقد قراردادهای پژوهشی میان حاکمیت و دانشگاه و ایجاد بستر قانونی شفاف برای خرید خدمات فناوری بدون نیاز به تشریفات فرساینده مناقصه.

پیشنهاد سوم: گذار از پروژه‌محوری به برنامه‌محوری پایدار

کلان‌مسائل سرزمینی نظیر تغییرات اقلیمی، کاهش سطح سفره‌های آب زیرزمینی یا فرسایش شدید جنگل‌ها با پروژه‌های پژوهشی پراکنده، مجزا و کوتاه‌مدت ۶ ماهه حل نخواهند شد. راهکار علمی، تعریف برنامه‌های توسعه‌ای راهبردی میان‌مدت و بلندمدت است که در آن دانشگاه از مرحله اول (تبیین عینی و علمی مسئله) تا گام‌های پایانی (طراحی پروتکل‌ها، اجرای آزمایشی، پایش مستمر نتایج میدانی و اصلاحات ساختاری فرآیندها) به عنوان «شریک علمی پایدار و مسئول» دستگاه اجرایی ایفای نقش کند.

۴. برنامه‌های تحول‌آفرین منطقه‌ای به عنوان پیشران توسعه پایدار (مورد مطالعه: استان گلستان)

دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان بر پایه رسالت مأموریت‌محور خود، مجموعه‌ای از مأموریت‌های کلان و برنامه‌های تحول‌آفرین منطقه‌ای را تدوین و به دولت و استانداری گلستان پیشنهاد نموده است. این بسته‌های عملیاتی در سه محور هم‌افزا ساماندهی شده‌اند:

محور اول: اقتصاد دانش‌بنیان و اشتغال فناورانه (تبدیل مزیت‌های نسبی به ارزش افزوده بالا)

استان گلستان به عنوان یکی از قطب‌های کمنظیر سرزمینی، همزمان از پتانسیل‌های غنی کشاورزی، منابع طبیعی، جنگل‌های هیرکانی، شیلات، دامپزشکی، صنایع غذایی پیشرفته، گیاهان دارویی و اقتصاد دریامحور برخوردار است. با این حال، به دلیل سهم پایین فناوری، نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و فرار نخبگان استانی نگران‌کننده است. طرح‌های اجرایی دانشگاه در این محور بدین شرح است:

ـ طرح ایجاد «ناحیه نوآوری سبز هیرکان»: این طرح که به عنوان مصوبه پیشنهادی به هیئت محترم دولت تقدیم شده است، اولین قطب تخصصی فناوری‌های سبز شمال کشور را با دبیری دانشگاه ایجاد خواهد کرد. این ناحیه بستر تعامل پویا میان شرکت‌های فناور، شتاب‌دهنده‌ها، سرمایه‌گذاران خطرپذیر، پارک فناوری و صنایع بزرگ جهت تکمیل زنجیره تجاری‌سازی ایده تا بازار خواهد بود.

ـ راه‌اندازی «پردیس تخصصی فناوری

کشاورزی و منابع طبیعی» و توسعه «مرکز رشد نوین»: ایجاد هاب یکپارچه زیرساختی شامل بانک‌های ژن تخصصی، آزمایشگاه‌های پیشرفته مرجع و کلینیک‌های مشاوره‌ای جهت توانمندسازی شرکت‌های نوپا.

ـ تأسیس «هاب ملی نوآوری دام و طیور» با مرکزیت گلستان: پاسخ علمی به نیاز یکی از بزرگ‌ترین زنجیره‌های تولید گوشت سفید، قرمز و لبنیات کشور در جهت بهبود فرمولاسیون تغذیه، اصلاح نژادهای بومی، استقرار سیستم‌های مانیتورینگ هوشمند سالن‌های پرورشی و استخراج فرآورده‌های زیستی با ارزش افزوده فوق‌العاده بالا.

ـ توسعه هوشمند زنجیره ارزش گلخانه‌ای: عبور قطعی از رویکرد سنتی توسعه گلخانه‌های ساده و انتقال به سیستم‌های پیشرفته کشت هیدروپونیک، پایش هوشمند اقلیم درون گلخانه، بهینه‌سازی مصرف حامل‌های انرژی و مدیریت بازاریابی مدرن صادراتی.

محور دوم: ارتقای تاب‌آوری سرزمینی در برابر دگرگونی‌های اقلیمی و مخاطرات محیطی

اثرات تغییر اقلیم در گلستان به صورت عینی با افت شدید تراز آب خلیج گرگان، پدیده بیابان‌زایی اراضی شرقی، هجوم ریزگردها، چالش فرسایش و تخریب پوشش جنگلی هیرکانی نمایان است. دانشگاه با بسیج تخصص‌های خود، برنامه‌های زیر را ارائه داده است:

ـ طرح جامع علمی و عملیاتی احیای خلیج گرگان و تالاب‌های ساحلی بر اساس پایش‌های مستمر هیدرولوژیک و اکولوژیک.

ـ طرح جامع مهار بیابان‌زایی و مدیریت پایدار سرحدات شمالی و شرقی استان گلستان از طریق روش‌های نوین زیستی و آبخیزداری.

ـ طرح جامع توسعه سامانه‌های جنگل‌زراعی (آگروفارستری): تلفیق کشت محصولات زراعی کم‌آب‌بر با کاشت درختان چندمنظوره صنعتی در اراضی شیب‌دار با هدف حفاظت فیزیکی خاک، تأمین علوفه و کاهش فشار معیشتی بر عرصه‌های جنگلی.

محور سوم: تحقق امنیت غذایی دانش‌بنیان مبتنی بر ظرفیت‌های سرزمینی

امنیت غذایی از الزامات پایداری ملی است. گلستان پیشران کشاورزی کشور است و دانشگاه برنامه‌های راهبردی زیر را برای این محور تدارک دیده است:

ـ ایجاد «هاب ملی امنیت غذایی دانش‌بنیان در زنجیره ارزش گندم تا نان»: گندم گلستان از کیفیت ممتازی در سطح کشور برخوردار است. این طرح بر پایه پتانسیل‌های بی‌بدیل دانشگاه شامل «بانک ژن گندم جهان‌نما»، دانش برتر اصلاح ژنتیک و صنایع تبدیلی طراحی شده تا کل زنجیره از کاشت ارقام مقاوم، تا انبارداری علمی، آردسازی تخصصی، پخت صنعتی نان سالم و کاهش جدی دورریز نان در کشور مدیریت هوشمند و علمی شود.

ـ استقرار نظام هوشمند بازار آب کشاورزی: طراحی پلتفرم‌های تعاملی برای تخصیص بهینه منابع آب بر اساس اقتصاد آب، نصب ابزار پایش آنلاین مصرف، مدل‌سازی مستمر آبخوان‌ها و توانمندسازی مستقیم کشاورزان استانی.

مفهوم نوین معمار توسعه منطقه‌ای:

دانشگاه در این طرح‌ها صرفا مجری کار نیست، بلکه به عنوان «معمار توسعه منطقه‌ای» مسئولیت نظارت تخصصی، هدایت راهبردی، ارتقای علمی و ارزیابی مستمر عملکرد کل پروژه را بر عهده خواهد داشت.

۵. سازوکارهای اجرایی تعامل: مدل ارتباط چهارضلعی «شبکه مجد» و مفهوم «ظرفیت

جـذب دانـش»:

تحقـق سیاسـت‌های حکمرانـی دانش‌بنیـان در عمـل نیازمنـد ابزارهـای ارتباطی و مفاهیـم نوین تعاملـی اسـت. در ایـن مسـیر، دو رکـن اساسـی بـرای تضمیـن موفقیـت پیشـنهاد می‌شـود:

الـف) فعال‌سـازی پویـای شـبکه تعاملـی «مجـد» (مـردم، جامعـه، دولـت و دانشـگاه)

دانشـگاه نبایـد در چارچـوب یـک رابطـه انحصاری دوطرفـه بـا نهادهـای دولتـی محصـور بمانـد. حـل چالش‌هـای عظیمـی ماننـد بهینه‌سـازی مصـرف آب و حفاظـت از مراتـع، در وهلـه نخسـت نیازمنـد جلـب اعتمـاد و مشـارکت مسـتقیم تشـکل‌های غیردولتـی، سـازمان‌های مردم‌نهـاد، تعاونی‌هـای روسـتایی و کشـاورزان اسـت. در مـدل «مجـد»، دانشـگاه هماهنگ‌کننـده تعاملـی میـان حاکمیـت، بخـش خصوصـی و مـردم اسـت تـا یافته‌هـای علمـی بـا پذیـرش اجتماعـی اجـرا شـوند. دانشـگاه گـرگان در ایـن حـوزه گام‌هـای عملـی چشـمگیری برداشـته اسـت:

ـ تأسـیس و فعال‌سـازی «کلینیـک مادرتخصصـی کشـاورزی و منابـع طبیعـی» بـرای حضـور کارشناسـان در مـزارع و ارائـه مشـاوره‌های مسـتقیم درمانگاهـی بـه کشـاورزان.

ـ راه‌انـدازی «خانـه طبیعـت» بـا هـدف ارتقـای سـواد زیسـت‌محیطی جامعـه مدنـی و ایجـاد پاتـوق گفت‌وگـوی نخبـگان و تـوده مـردم.

ـ ایجـاد شـبکه یـاران دانشـگاه و برگـزاری منظـم رویدادهـای مـداوم انتقـال یافته‌هـای پژوهشـی بـه بخش‌هـای تولیـدی اسـتان.

ب) ارتقـای «ظرفیـت جـذب دانـش» (Absorptive Capacity) در سـازمان‌های اجرایـی

بایـد توجـه داشـت کـه تولیـد علـم و فنـاوری کارآمـد در دانشـگاه‌ها تنهـا نیمـی از مسـیر حـل مسـئله اسـت. نیمـه دوم و چـه بسـا مهم‌تـر، اشـتیاق، آمادگـی سـاختاری، درک علمـی و تـوان فنـی پذیـرش دانـش در بدنـه سـازمان‌های دولتـی، حاکمیـت اسـتانی و بخـش خصوصـی اسـت کـه در ادبیـات مدیریـت نـوآوری بـه عنـوان «ظرفیـت جـذب دانـش» نامیـده می‌شـود. اگـر ظرفیت‌هـای هضـم و به‌کارگیـری فنـاوری در دسـتگاه‌های اجرایی ارتقـا نیابـد، علـم تولیدشـده توسـط دانشـگاه عقیـم مانـده و هرگـز بـه بهبـود بهـره‌وری در جامعـه منجـر نخواهـد شـد. تعـادل میـان عرضـه دانـش (دانشـگاه) و تقاضـای آن (دسـتگاه‌های اجرایـی و صنایـع) کلیـد اصلـی تحقـق حاکمیـت دانش‌بنیـان اسـت.

۶. نتیجه‌گیـری و افـق پیـش رو (سـند تعـالی تـا افـق ۱۴۲۵)

آینـده توسـعه پایـدار و پیشـرفت همه‌جانبـه جمهـوری اسلامـی ایـران و اسـتان‌های آن در گـرو شـکل‌گیری یـک «اعتمـاد متقابـل، تعهـد نهادیـن و همـکاری پیوسـته و سـاختاریافته» میـان دولـت و دانشـگاه معیـن هـر منطقـه اسـت. نهادهـای حاکمیتـی و قانون‌گـذار بایـد دانشـگاه را فراتـر از بـازوی کارشناسـی مـوردی، بـه عنـوان رکـن لاینفک و کلیـدی نظـام حکمرانـی بشناسـند. متقابلا نهاد دانشـگاه نیـز موظـف اسـت بـا ارتقـای مسـئولیت اجتماعـی خـود، اولویت‌هـای علمـی خـود را بـر اسـاس حـل عینی‌تریـن چالش‌هـای ملمـوس سـفره و راه عمومـی مـردم بازنویسـی نمایـد. دانشـگاه علـوم کشـاورزی و منابـع طبیعـی گـرگان بـا تمرکـز بـر ایـن مسـیر، در تلاش اسـت تـا بـا پیاده‌سـازی گام‌بـه‌گام «سـند آینده‌نگاشـت تعالـی تـا افـق ۱۴۲۵»، تـوازن کم‌نظیـری میـان مرجعیـت علمـی در سـطح بین‌المللـی و مرجعیـت اجتماعـی و سیاسـتی در سـطح منطقـه‌ای برقـرار سـازد و بـه عنـوان معمـار توسـعه پایـدار شـمال کشـور، الگویـی فاخـر و الهام‌بخـش از حکمرانـی دانش‌بنیـان اسـتانی را بـه نمایـش بگـذارد.

از حضور نمادین تا تصمیم‌سازی مؤثر: آسیب‌شناسی نهادی و ارائه الگوی حکمرانی زنان ترکمن و اهل سنت در استان گلستان



دکتر لطیفه دوجی
عضو کارگروه زنان و خانواده اندیشکده حکمرانی،
جامعه‌شناس و مدرس دانشگاه

استان گلستان به دلیل تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی، ظرفیت قابل‌توجهی برای شکل‌دهی به الگوی حکمرانی مشارکتی، وحدت‌محور و متناسب با اقتضائات بومی دارد. زنان ترکمن و سایر زنان اهل سنت این استان، در حوزه‌هایی چون آموزش، فرهنگ، اقتصاد، فعالیت‌های اجتماعی، مدنی و خانواده، بخشی مهم از سرمایه انسانی و اجتماعی منطقه را تشکیل می‌دهند؛ با این حال، میان سطح توانمندی و مشارکت اجتماعی آنان و میزان دسترسی و اثرگذاری‌شان در ساختارهای رسمی تصمیم‌گیری و مدیریت عمومی شکافی معنادار وجود دارد. مسئله اصلی پژوهش حاضر، اثبات توانمندی زنان نیست، بلکه تبیین سازوکارهایی است که مانع تبدیل سرمایه انسانی و اجتماعی آنان به قدرت اثرگذاری و تصمیم‌سازی در حکمرانی استانی می‌شود.

۴ دسته مانع اصلی، وجود دارد: موانع فرهنگی-اجتماعی، نهادی-ساختاری، سیاستی-حقوقی و اقتصادی. نبود بانک اطلاعاتی معتبر از سرمایه انسانی زنان، ضعف نظام جانشین‌پروری، تمرکزگرایی در فرآیندهای انتصاب، غلبه نگاه نمادین به تنوع قومی و مذهبی، ضعف پیوند فعالیت‌های اقتصادی زنان با زنجیره‌های رسمی ارزش و ناکافی بودن سازوکارهای سازگارکننده مسئولیت خانوادگی و حرفه‌ای از مهم‌ترین موانع شناسایی‌شده‌اند. بر اساس این یافته‌ها، مقاله الگوی «حکمرانی زن مسلمان در گلستان» را پیشنهاد می‌کند که بر ۵ رکن بانک سرمایه انسانی زنان، شبکه راهبری زنان، مدرسه حکمرانی و نظام جانشین‌پروری، اصلاح سازوکارهای نهادی و اقتصادی و نظام پایش و ارزیابی استوار است. نهایتا گذار از «حضور نمادین» به «تصمیم‌سازی مؤثر» مستلزم تغییر در معماری نهادی حکمرانی است، نه صرفا افزایش تعداد زنان در مناصب مدیریتی. مشارکت واقعی زنان شیعه و اهل سنت، می‌تواند از ظرفیت‌های مهم تقویت سرمایه اجتماعی، وحدت نهادی و حکمرانی کارآمد در استان گلستان باشد.

مقدمه

در ادبیات معاصر حکمرانی، کیفیت تصمیم‌گیری عمومی صرفا تابع کارآمدی ساختارهای رسمی دولت نیست، بلکه به میزان مشارکت گروه‌های اجتماعی، تنوع دیدگاه‌ها، ظرفیت شبکه‌های اجتماعی و توانایی نهادهای عمومی در تبدیل سرمایه انسانی جامعه به ظرفیت سیاست‌گذاری نیز وابسته است. از این منظر، مشارکت زنان را نمی‌توان فقط

مسئله‌ای مرتبط با برابری فرصت یا سیاست اجتماعی دانست؛ بلکه این مشارکت با کیفیت تصمیم‌گیری، سرمایه اجتماعی، پاسخ‌گویی، کارآمدی سیاست عمومی و انسجام اجتماعی پیوند دارد. با وجود افزایش سطح تحصیلات و حضور زنان در حوزه‌های تخصصی و اجتماعی، دسترسی آنان به سطوح بالای تصمیم‌گیری همچنان با محدودیت مواجه است. بنابراین مسئله اساسی، صرفا «حضور زنان» نیست، بلکه چگونگی تبدیل «سرمایه انسانی» به «قدرت اثرگذاری و تصمیم‌سازی» است.

استان گلستان، به واسطه تنوع قومی و مذهبی، به‌ویژه حضور جمعیت ترکمن و اهل سنت، زمینه مهمی برای مطالعه این مسئله فراهم می‌کند. زنان ترکمن و اهل سنت در حوزه‌های آموزشی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، رسانه‌ای، خیریه، صنایع دستی، مشاغل خانگی و فعالیت‌های مدنی حضور دارند، اما این حضور اجتماعی الزاماً به حضور مؤثر در ساختار قدرت و فرآیندهای رسمی تصمیم‌گیری منجر نشده است. در اینجا مسئله از «زن بودن» فراتر می‌رود و ماهیتی تقاطعی پیدا می‌کند؛ زیرا جنسیت با قومیت، مذهب، محل سکونت و موقعیت اقتصادی تلاقی می‌یابد. برای نمونه، زن ترکمن اهل سنت ساکن منطقه روستایی یا کمتر برخوردار ممکن است همزمان با محدودیت‌های جنسیتی، جغرافیایی، اقتصادی و شبکه‌ای مواجه باشد. بنابراین سیاستی که زنان را به‌صورت یک گروه همگن در نظر بگیرد، ممکن است بخش مهمی از تفاوت‌های تجربه‌شده را نادیده بگیرد. از سوی دیگر، زنان ترکمن و اهل سنت نباید صرفا به‌عنوان گروهی نیازمند حمایت یا به‌عنوان «نماد وحدت» دیده شوند. چنین رویکردی ممکن است ناخواسته موقعیت حاشیه‌ای آنان را بازتولید کند. مسئله اصلی، ایجاد سازوکارهایی است که ظرفیت‌ها و شایستگی‌های آنان را به فرآیند تصمیم‌سازی عمومی متصل کند.

یادداشت حاضر، با تلفیق چند رویکرد نظری، مسئله مشارکت زنان را از سطح حضور فردی به سطح معماری حکمرانی منتقل می‌کند.

در چارچوب حکمرانی مشارکتی، دولت به‌تنهایی قادر به حل همه مسائل پیچیده اجتماعی نیست و برای سیاست‌گذاری مؤثر به مشارکت شهروندان، گروه‌های اجتماعی، نخبگان و سازمان‌های مدنی نیاز دارد. در این نگاه، زنان «گروه هدف» سیاست عمومی نیستند، بلکه کنشگران حکمرانی‌اند. بر اساس نظریه سرمایه اجتماعی، شبکه‌های اعتماد، همکاری و ارتباطات اجتماعی ظرفیت کنش جمعی را افزایش می‌دهند. زنان در جامعه محلی در شبکه‌های خانوادگی، آموزشی، مذهبی، اقتصادی، خیریه و اجتماعی حضور دارند. چالش اساسی آن است که این سرمایه اجتماعی چگونه به سرمایه نهادی و قدرت اثرگذاری در سیاست‌گذاری تبدیل شود.

رویکرد قابلیت‌ها نیز میان داشتن منابع و برخورداری از فرصت واقعی برای انتخاب و کنش تمایز می‌گذارد. بر این اساس، داشتن مدرک دانشگاهی یا شغل تخصصی برای زنان کافی نیست؛ بلکه باید قابلیت واقعی ورود به عرصه تصمیم‌گیری و اثرگذاری بر تصمیمات عمومی نیز فراهم شود. از منظر تقاطع‌مندی، تجربه زنان حاصل تعامل چند موقعیت اجتماعی است. بنابراین، سیاست‌گذاری درباره زنان ترکمن و اهل سنت باید تفاوت‌های ناشی از جنسیت، قومیت، مذهب، جغرافیا و وضعیت اقتصادی را همزمان در نظر گیرد. در کنار این موارد، حکمرانی خانواده در این

پژوهش خانواده را مانعی ذاتی برای مشارکت زنان تلقی نمی‌کند، بلکه آن را یکی از سطوح مهم حکمرانی اجتماعی می‌داند. سیاست‌های مراقبت از کودک، انعطاف کاری، امنیت شغلی و تعادل کار و زندگی، بخشی از زیرساخت مشارکت زنان در حکمرانی محسوب می‌شوند. همچنین مفهوم الگوی سوم زن مسلمان امکان جمع میان هویت دینی، نقش خانوادگی و حضور علمی و اجتماعی را فراهم می‌کند. بر این مبنا، مشارکت اجتماعی زن مسلمان نه در تعارض ذاتی با خانواده و هویت دینی، بلکه به‌عنوان بخشی از یک الگوی بومی حکمرانی زنان قابل صورت‌بندی است.

شکاف میان سرمایه انسانی و قدرت تصمیم سازی

مهم‌ترین دستاورد، وجود فاصله میان ظرفیت اجتماعی و انسانی زنان و دسترسی آنان به فرآیندهای رسمی تصمیم‌گیری است. زنان در حوزه‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و اقتصادی فعال‌اند، اما این حضور الزاما به معنای برخورداری از قدرت تصمیم‌سازی نیست.

از این منظر، باید میان سه سطح تمایز گذاشت: حضور، مشارکت و اثرگذاری. حضور ممکن است صرفا به معنای شرکت در یک برنامه یا نهاد باشد؛ مشارکت زمانی شکل می‌گیرد که فرد در تعریف مسئله و ارائه راه‌حل دخالت کند و اثرگذاری زمانی تحقق می‌یابد که دیدگاه او در تصمیم نهایی، تخصیص منابع یا سیاست عمومی انعکاس پیدا کند.

غلبه مشارکت نمادین بر مشارکت نهادی

یکی از مضامین محوری، خطر تبدیل زنان ترکمن و اهل سنت به «نماد وحدت» بدون فراهم‌کردن امکان «تصمیم‌سازی وحدت» است. حضور زنان در مناسبت‌های فرهنگی یا برنامه‌های نمادین، هنگامی که با دسترسی واقعی به فرآیند تصمیم‌گیری همراه نباشد، الزاما سرمایه اجتماعی تولید نمی‌کند و حتی ممکن است احساس حذف‌شدگی را تقویت کند. از این منظر، وحدت باید از سطح همزیستی نمادین به سطح وحدت نهادی ارتقا یابد؛ یعنی زنان شیعه و اهل سنت در تعریف مسائل، سیاست‌گذاری، تخصیص منابع و ارزیابی سیاست‌های عمومی در کنار یکدیگر قرار گیرند.

ضعف زیرساخت اطلاعاتی و جانشین‌پروری

یکی از موانع مهم، نبود بانک اطلاعاتی معتبر و به‌روز از زنان متخصص، مدیر، کارآفرین، دانشگاهی و کنشگر اجتماعی در سطح شهرستان‌هاست. بدون شناخت دقیق عرضه نیروی انسانی توانمند، امکان طراحی نظام شفاف شناسایی و انتصاب محدود می‌شود. از سوی دیگر، اتکا به انتصاب‌های موردی نمی‌تواند مشارکت پایدار زنان را تضمین کند. برای حضور مستمر آنان در سطوح مدیریتی باید از «انتصاب» به سمت توسعه خط مدیریتی و جانشین‌پروری حرکت کرد؛ یعنی نیروهای مستعد از سطوح پایین‌تر شناسایی، آموزش، منتورینگ و برای پذیرش مسئولیت‌های آینده آماده شوند.

موانع تقاطع‌یافته

موانع مشارکت زنان در گلستان را نمی‌توان صرفا جنسیتی تلقی کرد. در مورد زنان ترکمن و اهل سنت، جنسیت با قومیت، مذهب، جغرافیا و وضعیت اقتصادی درهم‌تنیده می‌شود. بنابراین سیاست‌های یکسان برای همه زنان ممکن است نتواند موانع گروه‌هایی را که با چندین محدودیت همزمان مواجه‌اند، کاهش دهد.

خانواده و مشارکت مدیریتی

مسئولیت مراقبت از کودکان، ساعات کاری ثابت و فقدان خدمات مراقبتی مناسب می‌تواند هزینه مشارکت مدیریتی زنان را افزایش دهد. از این رو، خدمات مراقبت از کودک، انعطاف ساعات کاری، دورکاری در مشاغل مناسب، حمایت از بازگشت به کار و امنیت شغلی باید نه به‌عنوان امتیاز ویژه، بلکه به‌عنوان بخشی از زیرساخت حکمرانی خانواده دیده شوند.

اقتصاد زنان و قدرت چانه‌زنی

اقتصاد زنان ترکمن، به‌ویژه در صنایع دستی، فرش، سوزن‌دوزی، مشاغل خانگی و گردشگری، ظرفیت قابل‌توجهی دارد؛ اما ضعف اتصال این فعالیت‌ها به بازار رسمی و زنجیره ارزش، موجب می‌شود بخشی از ظرفیت اقتصادی آنان در سطح اقتصاد خرد و غیررسمی باقی بماند؛ بنابراین توانمندسازی اقتصادی باید از تسهیلات خرد فراتر رفته و به سمت ایجاد زنجیره ارزش، برند، بازاریابی دیجیتال، تجارت الکترونیک و شبکه‌های تعاونی حرکت کند. تبدیل فعالیت اقتصادی به درآمد پایدار، علاوه بر آثار اقتصادی، می‌تواند قدرت چانه‌زنی اجتماعی و نهادی زنان را نیز افزایش دهد.

مدل پیشنهادی

مسئله زنان ترکمن و اهل سنت گلستان را نمی‌توان صرفا با افزایش تعداد مدیران زن حل کرد. مسئله بنیادی‌تر، معماری دسترسی به قدرت و سازوکار تبدیل ظرفیت به تصمیم‌سازی است. بر این اساس، چهار تغییر پارادایمی ضروری است:

نخست، از «زن به‌عنوان گروه هدف» به «زن به‌عنوان کنشگر حکمرانی»؛ زن نباید فقط موضوع سیاست‌های حمایتی، فرهنگی یا خانوادگی باشد، بلکه باید در طراحی، اجرای و ارزیابی سیاست‌ها نیز مشارکت کند. دوم، از «نمایندگی نمادین» به «نمایندگی مؤثر»؛ حضور یک زن ترکمن یا اهل سنت زمانی به مشارکت سیاسی معنادار تبدیل می‌شود که امکان اثرگذاری بر تصمیم‌ها داشته باشد. سوم، از «انتصاب» به «جانشین‌پروری»؛ مشارکت پایدار زنان نیازمند شناسایی، آموزش و آماده‌سازی مستمر نیروهای مستعد است. چهارم، از «وحدت شعاری» به «وحدت نهادی»؛ وحدت زمانی در ساختار حکمرانی نهادینه می‌شود که زنان شیعه و اهل سنت در فرآیندهای واقعی سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی همکاری کنند. بر مبنای این ٤ تغییر، یادداشت الگوی «حکمرانی زن مسلمان در گلستان»را پیشنهاد می‌کند که ٥ رکن اصلی دارد:

١.بانک سرمایه انسانی زنان: سامانه‌ای برای شناسایی و اعتبارسنجی زنان متخصص، مدیر، دانشگاهی، کارآفرین و فعال اجتماعی در سطح استان و شهرستان‌ها.

٢.شبکه راهبری زنان گلستان: شبکه‌ای متشکل از زنان شیعه و اهل سنت و اقوام مختلف استان برای مشارکت در حوزه‌هایی مانند آموزش، اقتصاد، خانواده، محیط زیست، مدیریت شهری و سیاست اجتماعی.

٣.مدرسه حکمرانی زن مسلمان و نظام جانشین‌پروری: آموزش سیاست‌گذاری عمومی، بودجه‌ریزی، تحلیل مسئله، مذاکره، مدیریت تعارض، حکمرانی محلی، ارتباطات سیاسی، رهبری تحول و ارزیابی سیاست‌ها، همراه با منتورینگ و کارورزی مدیریتی.

٤.اصلاح فرآیندهای نهادی و اقتصادی: طراحی سازوکارهای شفاف و شایسته‌محور برای شناسایی و ارزیابی نامزدهای مدیریتی و همزمان اتصال ظرفیت اقتصادی زنان به بازار رسمی و زنجیره‌های ارزش.

۵. حکمرانی خانواده و نظام پایش و ارزیابی: ایجاد زیرساخت‌هایی مانند مراقبت از کودک، انعطاف کاری و تسهیل بازگشت به کار و همچنین استقرار شاخص‌های کمی و کیفی برای سنجش میزان اثرگذاری واقعی زنان.

مدل مفهومی این موضوع را می‌توان چنین خلاصه کرد:

سرمایه انسانی زنان ـ آموزش و توانمندسازی ـ شبکه اجتماعی و سرمایه اجتماعی ـ دسترسی نهادی و فرصت برابر ـ قدرت کنشگری و تصمیم‌سازی زنان ـ حکمرانی مشارکتی و وحدت نهادی ـ بهبود سرمایه اجتماعی، کیفیت سیاست‌گذاری و توسعه استانی

این رابطه تحت تأثیر عوامل تعدیل‌کننده‌ای همچون قومیت، مذهب، جغرافیا، وضعیت اقتصادی، مرحله زندگی خانوادگی و نگرش‌های اجتماعی قرار دارد.

الزامات سیاستی و اجرایی

اجرای الگوی پیشنهادی نیازمند رویکرد مرحله‌ای است. در مرحله نخست، ایجاد بانک سرمایه انسانی، تشکیل شبکه راهبری، شناسایی زنان متخصص شهرستان‌ها و تعیین شاخص‌های ارزیابی باید در اولویت قرار گیرد. در مرحله دوم، مدرسه حکمرانی، برنامه منتورینگ، مسیرهای کارورزی مدیریتی و خدمات حمایت از خانواده توسعه یابد. در مرحله سوم، نتایج ارزیابی شود، سیاست‌ها بر اساس داده‌های واقعی اصلاح گردد و نظام جانشین‌پروری و حضور زنان در سطوح مدیریتی تثبیت شود. در این فرآیند، استانداری، دانشگاه‌ها، دستگاه‌های اجرایی، نهادهای اقتصادی، نهادهای مدنی و نهادهای دینی باید نقش‌های مکمل داشته باشند. مجلس نیز می‌تواند از طریق قانون‌گذاری، نظارت، بودجه‌گذاری و ارزیابی سیاستی، زمینه نهادی اجرای این مدل را تقویت کند.

همچنین نقش روحانیون شیعه و اهل سنت و معتمدان محلی در کاهش مقاومت‌های فرهنگی و افزایش مشروعیت اجتماعی مشارکت زنان اهمیت دارد. این نقش نباید به تبلیغ نمادین حضور زنان محدود شود، بلکه باید به گفت‌وگویی اجتماعی درباره ظرفیت زن مسلمان برای ایفای همزمان نقش خانوادگی، اجتماعی، علمی و مدیریتی تبدیل شود. برای جلوگیری از تبدیل سیاست به شعار، ارزیابی باید علاوه بر شاخص‌های کمی، شاخص‌های کیفی را نیز شامل شود. درصد زنان در سطوح مختلف مدیریت، سهم زنان ترکمن و اهل سنت در مناصب مدیریتی، سهم زنان در شوراها، تعداد زنان آموزش‌دیده و میزان ورود آنان به مسیر جانشین‌پروری، در کنار شاخص‌هایی مانند میزان واقعی مشارکت در تصمیم‌گیری، دسترسی به شبکه‌های سیاست‌گذاری، احساس اثرگذاری، کیفیت همکاری زنان شیعه و اهل سنت و سازگاری سیاست‌های مدیریتی با مسئولیت خانوادگی باید سنجیده شوند.

نتیجه‌گیری

مسئله اصلی مشارکت زنان ترکمن و اهل سنت در استان گلستان، فقدان ظرفیت نیست؛ بلکه ضعف سازوکارهای تبدیل ظرفیت به قدرت اثرگذاری است. زنان در حوزه‌های آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی حضور دارند، اما بخشی از این سرمایه انسانی هنوز به ساختارهای رسمی تصمیم‌گیری منتقل نشده است. این شکاف حاصل یک عامل منفرد نیست، بلکه از تعامل عوامل فرهنگی، نهادی، اقتصادی، جغرافیایی و خانوادگی شکل می‌گیرد. بنابراین، راه‌حل نیز نمی‌تواند صرفاً

افزایش تعداد انتصابات زنان باشد. سیاست حکمرانی زنان باید از یک سیاست انتصابی به یک نظام توسعه سرمایه انسانی و ظرفیت تصمیم‌سازی تبدیل شود. در این نظام، زنان توانمند ابتدا شناسایی و اعتبارسنجی می‌شوند، سپس آموزش می‌بینند، وارد شبکه‌های تخصصی می‌شوند، فرصت کارورزی و جانشین‌پروری پیدا می‌کنند و به فرآیندهای تصمیم‌سازی دسترسی می‌یابند. در نهایت، بر مبنای شایستگی، تخصص و تجربه، امکان تصدی مسئولیت‌های مدیریتی برای آنان فراهم می‌شود. در این الگو، زنان ترکمن و اهل سنت نه صرفاً به دلیل قومیت یا مذهب، بلکه به‌عنوان شهروندان و سرمایه‌های انسانی دارای شایستگی و تخصص مورد توجه قرار می‌گیرند؛ در عین حال، توجه به تنوع قومی و مذهبی برای جلوگیری از بازتولید نابرابری‌های ساختاری ضروری است. از منظر وحدت اسلامی، مهم‌ترین تحول پیشنهادی مقاله عبور از «وحدت نمادین» به «وحدت نهادی» است؛ یعنی زنان شیعه و اهل سنت نه فقط در مناسبت‌ها در کنار یکدیگر حضور داشته باشند، بلکه در تعریف مسئله، سیاست‌گذاری، تخصیص منابع و ارزیابی عملکرد نیز مشارکت کنند. بر این اساس، تبدیل استان گلستان به یک پایلوت حکمرانی زن مسلمان را می‌توان نه صرفاً برنامه‌ای برای زنان، بلکه نوعی آزمایش نهادی برای سنجش ظرفیت حکمرانی مشارکتی، تقویت وحدت اجتماعی و استفاده مؤثرتر از سرمایه انسانی دانست. در صورت همراه‌شدن این الگو با داده‌های معتبر، شاخص‌های روشن، ارزیابی دوره‌ای و سازوکار پاسخ‌گویی، تجربه گلستان می‌تواند به یک مطالعه موردی قابل انتقال به سایر استان‌های دارای تنوع قومی و مذهبی تبدیل شود.

در نهایت، پرسش بنیادین حکمرانی این نیست که «آیا زنان توانمند هستند یا خیر»، بلکه این است که نظام تصمیم‌گیری، چگونه می‌تواند سازوکاری ایجاد کند که شایستگی زنان، فارغ از قومیت و مذهب و در عین احترام به هویت دینی و خانوادگی آنان، به ظرفیت واقعی تصمیم‌سازی تبدیل شود.

پیشنهادهای سیاستی

مهم‌ترین اقدامات پیشنهادی عبارت‌اند از: ایجاد بانک سرمایه انسانی زنان گلستان؛ تشکیل شبکه راهبری زنان با مشارکت زنان شیعه و اهل سنت و اقوام مختلف؛ راه‌اندازی مدرسه حکمرانی زن مسلمان؛ استقرار نظام رسمی منتورینگ و جانشین‌پروری؛ ایجاد سازوکار شفاف و شایسته‌محور برای شناسایی نامزدهای مدیریتی؛ توسعه سیاست‌های سازگار با خانواده؛ اتصال اقتصاد زنان ترکمن به بازارهای رسمی و زنجیره ارزش؛ تقویت تشکل‌های زنان به‌عنوان حلقه واسط جامعه و دولت؛ افزایش مشارکت زنان در شوراها و نهادهای مشورتی؛ انتشار گزارش سالانه وضعیت حکمرانی زنان؛ و طراحی شاخص ترکیبی «اثرگذاری زنان در حکمرانی» به جای اتکا به تعداد انتصابات.



ملاحظـات و الزامات اجرایی برنامه الگوی کشـت در اسـتان گلسـتان



حسـین کاظمـی
عضـو کارگـروه کشـاورزی اندیشـکده حکمرانـی و قانونگـذاری گلسـتان،
عضـو هیـأت علمـی دانشـگاه علـوم کشـاورزی و منابـع طبیعـی گرگان

مقدمه
طراحـي الگوهـاي کشـت، ازمهمتريـن و علميتريـن فعاليتهـا درجهت پايدارسـازي بومنظامهاي کشـاورزي و بهينهسـازي مصرف نهادههاسـت. الگوي کشـت عبارت اسـت از تعيين يك نظام توليد محصولات کشـاورزي بـا درنظرگرفتـن مزيتهـاي نسـبي منطقـه، مبتنـي بـر سياسـتهاي کلان کشـور، دانـش بومـي کشـاورزان و نيز بهرهگيـري بهينـه از پتانسـيلهاي منطقـهاي بـا رعايـت اصـول اکوفيزيولوژيك توليـد محصـولات کشـاورزي در راسـتاي حفـظ محيـط زيسـت. بـا توجـه بـه گسـتردگي پهنـه مـرزي کشـور و تنـوع اقليمـي مختلـف، رسـيدن بـه الگوي کشـت مناسـب کـه ازآن بهتـوان حداکثـر بهرهبـرداري را ازعوامـل و نهادههـاي توليدي بدسـت آورد، ضرورتـي انـکارناپذيـر اسـت. اجـرا و طراحـي الگـوي بهينـه کشـت درقالـب برنامهـاي مشـخص در بسـياري از کشـورها بـه کارگرفتـه شـده و بـه کمـك آن بسـياري از مشـکلات توليـد محصـولات زراعـي و باغـي مرتفـع شـده اسـت. بـراي تعييـن الگـوي بهينـه کشـت درهرمنطقـه بايـد اهـداف خـرد و کلان مـورد توجه قـرارگيرد.

اسـتان گلسـتان از نظـر توليـد محصـولات زراعـي داراي تنـوع بالايـي اسـت بهطوريکـه در زمينـه محصـولات روغنـي بهخصـوص سـويا و کلـزا، ايـن اسـتان داراي رتبـه هـاي نخسـت از نظـر سـطح زيـر کشـت و توليـد ميباشـد و نيـز يکـي از مناطـق مسـتعد بـراي توليـد گنـدم و جـو هـم بهصـورت آبـي و ديـم و همچنيـن پنبـه و برنـج بـه شـمار مـيرود. درطـي چنـد دهـه گذشـته سـطح زيرکشـت و ميـزان توليـد برخـي محصـولات از جملـه پنبـه در سـطح کشـور و اسـتان گلسـتان نوسـانهاي شـديدي داشـته، به طوريکه در بين محصولات عمـده زراعي کشـور، پنبـه محصولي اسـت کـه سياسـتهاي حاکـم بـر بازرگانـي و قيمتگـذاري آن بيشـتر از هـر محصـول ديگـري با تغييـر و بـي ثباتـي در توليـد و سـطح زيـر کشـت بـه خصـوص در اسـتان گلسـتان روبـه رو بـوده اسـت. از سـوي ديگـر نبـود برنامـه الگـوي کشـت مناسـب بـا توجه بـه ورود و توسـعه محصولات مختلـف در سـه دهـه اخيـر در منطقـه باعـث کاهـش توليـد برخـي محصـولات، تخريـب محيـط زيسـت و منابـع طبيعـي، آلودگـي منابـع آب و خـاك، شـور شـدن اراضـي، کاهـش سـطح سـفره آب زيرزمينـي و غيـره شـده اسـت. بنابرايـن، بـراي جلوگيـري و کاهـش ايـن عوامـل، توجـه ويـژه بـه ايـن منطقـه کشـاورزي از طريـق تدويـن الگـوي کشـت مناسـب همـراه با حفـظ و مديريـت منابع طبيعـي در اسـتان گلسـتان امـري ضروري بـه نظر مـي رسـد. بـا توجـه بـه اجـراي برنامـه الگـوي کشـت ابلاغـي از وزارت جهـاد کشـاورزي ضـروي اسـت ملاحظـات و الزامـات اجرايـي ايـن برنامـه در نظـرگرفتـه شـود تـا درعمـل بـا مشـکلاتي کمتـري قابليـت اجرايـي داشـته باشـد.

ملاحظات و الزامات اجرایی

۱. خرد شدن اراضی و نظام کشاورزی معیشتی مانع اصلی اجرای برنامه الگوی کشت و بهرهوری بیشتر در بخش کشاورزی است. توصیه می شود دولت و مجلس شورای اسلامی موضوع خرد شدن و مالکیت اراضی را بطور جدی بررسی و با تصویب قوانین لازم، مانع از کوچک شدن بیش از بیش اراضی شوند.

۲. برای اجرای بهتر الگوی کشت توسط کشاورزان و ایجاد انگیزه در آنها، دولت امتیازات تشویقی مانند پرداخت تسهیلات، خرید تضمینی، اختصاص نهادههای تولید و غیره را در نظر بگیرد.

۳. الگو ابلاغی برای کل استان ارایه شده است. پیشنهاد میشود در مقیاس های کوچکتر مانند طبقات اقلیمی استان و یا محدوده شهرستانی، الگوهای پیشنهادی بصورت مکان مند تعیین و معرفی گردد.

٤. برای اجرای الگوی کشت در سالهای اول بهتر است از ظرفیت شرکتهای بزرگ کشت و صنعت موجود در استان مانند مزرعه نمونه ارتش، شرکت ران، شرکت دلند و غیره استفاده شود.

٥. با توجه به ظرفیتهای موجود در استان، اهتمام ویژه ای به توسعه کشت پنبه صورت پذیرد و سطح زیر کشت آن افزایش یابد. توصیه می گردد از پتانسیلهای علمی موسسه تحقیقات پنبه استفاده گردد.

٦. افزایش با کاهش سطح زیر کشت یک محصول می تواند تبعات اجتماعی و اقتصادی و توسعه ای بهمراه داشته باشد. بنابراین لازم است با در نظر گرفتن همه تبعات، به افزایش یا کاهش تدریجی سطح زیر کشت آن محصول در طی چند سال پرداخت.

۷. برای افزایش کارایی مصرف آب و بهره وری در این بخش، سیاستهای تشویقی دولت برای اجرای سامانه های نوین آبیاری تقویت شود.

۸. از ظرفیتهای تعاونیهای روستایی برای اجرای بهتر این برنامه ازجمله توزیع ادوات و نهادهها و خرید محصولات استفاده گردد.

۹. در استان گلستان کشت برنج با استفاده منابع آبی زیرزمینی ممنوع است. با توجه به تمایل زیاد کشاورزان به کشت این محصول، توصیه می شود نظام کشت برنج هوازی به کشاورزان معرفی و بیشتر ترویج گردد. همچنین قیمت خرید تضمینی محصولات رقیب مانند سویا نیز افزایش یابد.

۱۰. پیشنهاد می گردد دولت برای هر محصول راهبردی، سند بازرگانی تنظیم و ارایه دهد تا با تضمینهای حمایتی از زنجیره تولید تا مصرف و تجارت آن محصول، تولید کننده و مصرف کننده متضرر نشوند.

۱۱. هرساله برنامه الگوی کشت مورد آسیب شناسی قرار گیرد تا با رفع موانع و کمبودها، این برنامه سالهای آتی با مشکلات و مسایل کمتری اجرا شود.

۱۲. خرید تضمینی محصولات و افزایش قیمت آن با توجه به نرخ تورم، قیمت ارز و بازارجهانی می تواند مشوق بسیار خوبی جهت ترغیب کشاورزان به اجرای الگوهای پیشنهادی باشد. توصیه میشود خرید تضمینی محصولات همچنان ادامه و دولت محصولات بیشتری را مشمول این طرح نماید.

۱۳. کشت حبوبات بصورت دیم در بسیاری از مناطق استان امکان پذیر است. با توجه به جایگاه ارزشمند این محصولات در پایداری سامانه های کشاورزی، توصیه می شود سطح زیر کشت این محصولات گسترش یابد.

۱٤. مناطق شمالی استان با محدودیتهایی از جمله میزان شوری بالا، کمبود بارش، کمبود مواد آلی و غیره روبرو می باشد. توصیه می شود برای این مناطق و اراضی تحت طرح بزرگ زهکشی استان، با دقت بیشتر برنامه الگوی کشت ویژه ای معرفی گردد.

۱٥. معیار مزیت نسبی محصولات یکی از معیارهای اصلی در تدوین برنامه الگوی کشت می باشد. لازم است این شاخص با نوسانات

ارز و شرایط اقتصادی کشور هر سال مورد بازنگری قرار گیرد.

۱۶.کشت گیاه جدید در یک منطقه نیازمند انجام مطالعات پایه از جنبه های مختلف بوم شناسی، اقلیمی، زراعی، وضعیت آفات و بیماریها، خاک، مسایل توسعه ای، اجتماعی و غیره می باشد. پیشنهاد می شود ابتدا مطالعات پایه برای کشت چغندرقند در استان انجام شود و پس از آن براساس نتایج، برای توسعه یا عدم توسعه کشت این محصول تصمیم گیری شود.

۱۷. برخی از نهاده های کشاورزی مانند سموم شیمیایی از کیفیت خوبی برخوردار نیستند. وزارت جهاد کشاورزی اهتمام ویژه ای به ارتقا کیفیت نهاده ها داشته باشد.

۱۸. هر ساله در بودجه عمومی کشور برای اجرای بهتر برنامه الگوی کشت، ردیف اختصاصی گنجانده شود.

۱۹. هم‌زمان با اجرای برنامه الگوی کشت، لازم است پایش آفات و بیماریها با توجه به تغییرات اقلیمی انجام شود.

۲۰. با توجه به تعدد کنشگران ذیل برنامه الگوی کشت، ارایه نگاشت مبتنی بر تقسیم کار بین دست اندرکاران ضروری است. بنابراین نیاز است یک نقشه حکمرانی با شمول دست اندرکاران مختلف برای این برنامه تنظیم شود.

۲۱. طراحی یک رهیافت ارتباطی ترویجی مبتنی بر بهره گیری از کارشناسان پهنه و البته، توانمندسازی و پشتیبانی از این نیروها برای اجرا و پیوستگی برنامه ضروری می باشد. جریانی از دانش، شامل یافته های فنی، توصیه های زراعی، اقدامات بهزراعی، در کنار یک نظام تامین نهاده مطمئن، برای اجرای برنامه حیاتی است.

۲۲. پیاده سازی این برنامه نیازمند رویکرد مشارکتی به جای رویکرد دستوری مداخلهای کارشناسانه است. بدین منظور نیاز است از ابتدا، نسبت به شکل دهی یک گفتمان فراگیر با شمول همه ارکان در بخش کشاورزی، رهبران افکار و نمایندگان صنفی و تشکلها اقدام نمود تا ضمن شفاف‌سازی برنامه و کسب بازخوردهای سازنده، قابلیت اجرایی برنامه و نیز ارتقای حس مالکیت و همراهی و تعهد جامعه کشاورزی استان به آن، زمینه‌سازی شود.

۲۳. استفاده از ظرفیت صدا و سیمای استانی، رسانه های محلی و نظامهای صنفی کشاورزی برای ترویج برنامه جدید الگوی کشت و اقناع سازی جامعه کشاورزی، پیشنهاد می گردد.



ظرفیت هاو اولویت های توسعه اقتصادی، ظرفیت ها، چالش ها و پروژه های پیشران توسعه استان گلستان



روح اله صلبی
عضو کارگروه اقتصادی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری ،
مدیرکل امور اقتصادی و دارایی استان گلستان

خلاصه مدیریتی

استان گلستان با وجود برخورداری از مزیت‌های قابل‌توجه در حوزه‌های کشاورزی، معدن و صنعت، اقتصاد دریامحور، شیلات، گردشگری، تجارت و ترانزیت، همچنان با چالش‌هایی نظیر پایین بودن درآمد سرانه، وابستگی به فعالیت‌های کم‌ارزش افزوده، اشتغال ناقص، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و بندری و ناترازی آب و انرژی مواجه است. درآمد سرانه استان در سال ۱۴۰۴ حدود ۴۸.۳ درصد متوسط کشور بوده و تورم استان در مرداد ۱۴۰۵ به ۸۰.۲ درصد رسیده است؛ از این رو، ایجاد یک جهش پایدار در تولید و درآمد، نیازمند تمرکز بر پروژه‌های بزرگ و پیشران است. بر این اساس، ۱۰ پروژه پیشران به‌عنوان مهم‌ترین اولویت‌های تحول اقتصادی استان پیشنهاد می‌شود که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به تبدیل صنعت ید به پروژه‌ای با رویکرد ملی و توسعه زنجیره ارزش آن، تکمیل منطقه آزاد اینچه‌برون و کریدور شرق خزر، احداث بندر سبز خزری خواجه‌نفس، توسعه مجتمع پرورش میگوی گمیشان، تکمیل پتروشیمی گلستان، احیای خلیج گرگان، توسعه جزیره آشوراده و گردشگری دریایی، رفع ناترازی انرژی و احیای کشت پنبه اشاره کرد. در میان این پروژه‌ها، صنعت ید از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا گلستان تنها تولیدکننده ید کشور و منطقه بوده و این صنعت از ظرفیت بالای ارزآوری و ایجاد ارزش افزوده برخوردار است. با این حال، سازوکار فعلی موجب نمی‌شود سهم متناسبی از منافع حاصل از بهره‌برداری این ظرفیت به استان و دولت بازگردد. بنابراین پیشنهاد می‌شود صنعت ید در سطح ملی مورد بازنگری قرار گرفته و ضمن توسعه صنایع پایین‌دستی، بخشی از درآمدهای حاصل از بهره‌برداری از این منبع برای توسعه زیرساخت‌ها و مناطق کمترتوسعه‌یافته استان اختصاص یابد.

همچنین اقتصاد دریامحور و موقعیت مرزی استان دو محور اساسی برای خروج گلستان از الگوی سنتی توسعه هستند. فعال‌سازی بنادر، توسعه شیلات و آبزی‌پروری، سرمایه‌گذاری در سواحل و جزیره آشوراده و اتصال ظرفیت دریایی استان به منطقه آزاد اینچه‌برون می‌تواند یک زنجیره جدید تولید، تجارت، ترانزیت و صادرات ایجاد کند. در این راستا، نقش نمایندگان استان در پیگیری ملی پروژه‌های پیشران، جذب منابع صندوق توسعه ملی، رفع موانع قانونی و مجوزی، جلب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و شرکت‌های بزرگ دولتی و ایجاد سازوکار بازگشت منافع اقتصادی به استان تعیین‌کننده است. هدف نهایی، تبدیل ظرفیت‌های پراکنده گلستان به موتورهای پایدار رشد اقتصادی، افزایش درآمد سرانه، ایجاد اشتغال مولد و کاهش شکاف توسعه‌ای استان با متوسط کشور است.

خلاصه وضعیت اقتصادی استان گلستان

استان گلستان با جمعیتی بیش از ۲ میلیون

نفر، برخورداری از حدود ۹۰ کیلومتر نوار ساحلی دریای خزر، بیش از ۴۳۸ کیلومتر مرز مشترک با کشور ترکمنستان و دسترسی همزمان به ظرفیت‌های کشاورزی، شیلات، معدن، گردشگری، تجارت و ترانزیت، از مجموعه‌ای متنوع از مزیت‌های طبیعی، جغرافیایی و اقتصادی برخوردار است. با این حال، فاصله قابل‌توجه میان ظرفیت‌های موجود و عملکرد اقتصادی استان، بیانگر آن است که بخش مهمی از این مزیت‌ها تاکنون به ارزش افزوده، سرمایه‌گذاری و اشتغال پایدار تبدیل نشده‌اند.

ساختار اقتصادی استان همچنان وابستگی بالایی به بخش کشاورزی دارد و سهم کشاورزی از ارزش افزوده استان حدود ۲۲ درصد است؛ در حالی که بخش صنعت تنها حدود ۱۸ درصد و خدمات حدود ۶۰ درصد از ارزش افزوده را به خود اختصاص داده‌اند. در سال ۱۴۰۱ نیز سهم گلستان از تولید ناخالص داخلی کشور حدود ۱.۱ درصد بوده و تولید ناخالص داخلی استان به قیمت ثابت با کاهش همراه شده است. این وضعیت نشان‌دهنده شکنندگی ساختار اقتصادی استان و ضرورت حرکت از اقتصاد متکی بر فعالیت‌های سنتی به سمت توسعه صنایع پیشران، تکمیل زنجیره‌های ارزش، اقتصاد دریامحور، ترانزیت و تجارت منطقه‌ای است.

یکی از مهم‌ترین نشانه‌های عقب‌ماندگی نسبی استان، درآمد سرانه پایین است. درآمد سرانه گلستان در سال ۱۴۰۴ حدود ۲۰۵۹ میلیون ریال برآورد شده که تنها ۴۸.۳ درصد متوسط کشور است. به بیان دیگر، درآمد سرانه استان تقریباً نصف میانگین ملی است و این شکاف طی سال‌های گذشته نیز به شکل محسوسی تداوم داشته است. بنابراین مسئله اصلی استان صرفاً رشد اقتصادی کوتاه‌مدت نیست، بلکه ایجاد یک جهش پایدار در تولید و درآمد سرانه است.

در بازار کار نیز اگرچه نرخ بیکاری استان در بهار ۱۴۰۵ با ۸.۵ درصد پایین‌تر از نرخ ۹.۱ درصدی کشور قرار گرفته است، اما کیفیت اشتغال همچنان یکی از چالش‌های اساسی استان محسوب می‌شود. سهم بالای اشتغال ناقص زمانی، قرار گرفتن مستمر استان در میان استان‌های دارای بالاترین میزان اشتغال ناقص و پایین بودن بهره‌وری فعالیت‌های اقتصادی نشان می‌دهد که راهکار توسعه استان نباید صرفاً بر «ایجاد شغل» متمرکز باشد؛ بلکه باید به سمت ایجاد مشاغل مولد، تمام‌وقت و با ارزش افزوده بالاتر حرکت کند.

از سوی دیگر، تورم بالا فشار مضاعفی بر قدرت خرید خانوارهای گلستانی وارد کرده است. تورم دوازده‌ماهه منتهی به مرداد ۱۴۰۵ در استان به ۸۰.۲ درصد رسیده که حدود ۱۰ واحد درصد بالاتر از متوسط کشور است. در بخش خوراکی نیز تورم سالانه استان ۱۰۶.۸ درصد بوده است. این شرایط، در کنار پایین بودن درآمد سرانه، ضرورت سیاست‌های توسعه‌ای برای افزایش ظرفیت تولید، تقویت عرضه و ایجاد فرصت‌های درآمدی جدید در استان را دوچندان می‌کند.

عنوان شاخص	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	رتبه استان
جمعیت (برآورد مرکز آمار ایران) (هزار نفر)	۱۹۲۱	۱۹۳۹	۱۹۵۷	۱۹۷۳	۱۹۸۸	۲۰۰۲	۲۰۰۲	۲۰۱۶	۲۰۲۹	۲۰۴۱	۱۴
نرخ بیکاری (درصد)	۹.۸	۱۰.۹	۹.۱	۷.۶	۸.۸	۹/۷	۹/۷	۹/۲	۹/۹		
نرخ مشارکت اقتصادی (درصد)	۴۲/۹	۴۲	۳۹/۱	۳۸				۳۹/۹	۴۰/۳		

تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (همت) (سال ۱۴۰۴ ـ ۱۴۰۲ برآورد کارشناسی)	۳۰	۴۴	۶۲	۹۷	۱۵۸	۲۱۰	۲۱۰	۲۸۶	۴۲۰		رتبه سال ۱۴۰۱۲۰
تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت ۱۴۰۰(همت) (سال ۱۴۰۴ ـ ۱۴۰۲ برآورد کارشناسی)	۹۱	۱۰۰	۹۹	۹۷	۱۰۰	۱۰۶	۱۰۶	۱۱۱	۱۱۰		رتبه سال ۱۴۰۱۲۲
نرخ رشد اقتصادی(درصد)	۰/۴	۱۰/۴	۰/۹_	۲/۰_	۲/۳	۶/۲	۶/۲	۵/۰	۰/۵_		رتبه سال ۱۴۰۱۱۴
درآمد سرانه (میلیون ریال) (برآورد کارشناسی)	۱۵۵	۲۲۵	۳۱۸	۴۹۳	۷۹۷			۱,۴۲۰			رتبه سال ۱۴۰۱۲۱
نسبت درآمد سرانه گلستان به کشور (درصد) (برآورد کارشناسی)		۵۰/۷	۸/۶	۴۶/۲	۴۹/۴	۴۸/۲		۴۸/۶			رتبه سال ۱۴۰۱ ۲۱
ضریب جینی خانوارهای شهری				۰/۴۰۱۸				۰/۴۰۶۴			۳۰
ضریب جینی خانوارهای روستایی											۲۹
تورم	۲۷/۲	۳۵/۹		۴۳/۱		۴۰/۵	۴۰/۵	۳۲/۴	۵۴/۸	۸۰/۲ مرداد	۲۴

مزیت‌های اقتصادی و توسعه‌ای استان گلستان

ـ برخورداری از ظرفیت ممتاز کشاورزی و تولید محصولات استراتژیک
ـ رتبه اول تولید سویا و کلزا
ـ رتبه دوم تولید گندم و گوشت مرغ
ـ رتبه چهارم تولید پنبه و شلتوک
ـ رتبه سوم تولید پیله تر ابریشم
ـ ظرفیت بالای توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی
ـ برخورداری از ذخایر معدنی و جایگاه منحصربه‌فرد در تولید ید
ـ تنها تولیدکننده ید در ایران و منطقه
ـ ظرفیت توسعه زنجیره ارزش صنعت ید و صنایع پایین‌دستی آن
ـ برخورداری از نوار ساحلی دریای خزر و ظرفیت گسترده اقتصاد دریامحور
ـ ظرفیت‌های گسترده شیلات و آبزی‌پروری
ـ پرورش میگو
ـ پرورش ماهیان خاویاری
ـ پرورش ماهی در قفس

ـصنایع و خدمات پشتیبان صید و صیادی
ـظرفیت گردشگری ساحلی، دریایی و جزیره آشوراده
ـظرفیت احیای بنادر موجود و توسعه زیرساخت‌های بندری)بندرگز، بندرترکمن و بندر سبز خزری خواجه‌نفس)
ـموقعیت راهبردی مرز اینچه‌برون و دسترسی به بازار کشورهای آسیای مرکزی
ـظرفیت تبدیل منطقه آزاد اینچه‌برون به هاب لجستیک و دروازه تجارت با آسیای مرکزی و چین
ـقرارگیری استان در مسیر کریدورهای بین ا لمللی
ـکریدور KTI
ـکریدور شرق ـ غرب BRI
ـکریدور شمال ـ جنوب INSTC
ـظرفیت بالای توسعه ترانزیت ریلی و جاده‌ای و اتصال خزر به آسیای مرکزی و جنوب کشور
ـظرفیت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در سواحل و مناطق مستعد استان (انرژی خورشیدی و انرژی بادی)
ـ ظرفیت توسعه کشاورزی کم‌آب‌بر و احیای کشت پنبه و زنجیره ارزش آن
ـظرفیت‌های طبیعی و زیست‌محیطی منحصربه فرد
ـخلیج گرگان
ـتالاب‌های بین‌المللی آلاگل، آلماگل و آجی‌گل
ـسواحل دریای خزر
ـجنگل‌ها و منابع طبیعی

اهم چالش های پیش روی توسعه استان

ـفقدان سازوکار بازگشت منافع صنعت ید به استان و دولت: سهم محدود استان و دولت از ارزش اقتصادی صنعت ید و ضرورت تکمیل زنجیره ارزش و بازنگری در سازوکارهای درآمدی.
ـغیرفعال بودن بنادر تجاری استان: عدم بهره‌برداری مناسب از ظرفیت بنادر گز، ترکمن و خواجه‌نفس به دلیل کمبود زیرساخت و محدودیت در توسعه تجارت دریایی.
ـنبود صنایع بزرگ و مادر: کمبود صنایع پیشران برای پشتیبانی از بنگاه‌های کوچک و متوسط، توسعه فناوری و ایجاد زنجیره‌های صنعتی.
ـمشکلات تأمین نهاده‌های کشاورزی: کمبود و افزایش قیمت کود، سم و خوراک دام و طیور و شکل‌گیری بازارهای غیررسمی ناشی از نوسانات ارزی و محدودیت‌های وارداتی.
ـخام‌فروشی محصولات کشاورزی: ضعف صنایع تبدیلی و فرآوری و ضرورت توسعه زنجیره ارزش برای جلوگیری از خام‌فروشی، ایجاد اشتغال و افزایش درآمد کشاورزان.

–ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل اینچه‌برون:

ناکافی بودن زیرساخت‌های جاده‌ای و ریلی برای توسعه تجارت با کشورهای آسیای مرکزی، CIS و اتحادیه اوراسیا.
ـتعیین تکلیف نشدن واحدهای نیمه‌تمام شهرک‌های صنعتی: اشغال اراضی شهرک‌ها توسط طرح‌های غیرفعال و محدود شدن امکان واگذاری زمین به پروژه‌های اولویت‌دار.
ـمحدودیت در واگذاری زمین و استقرار صنایع: محدودیت‌های قانونی و اجرایی در واگذاری اراضی، تغییر کاربری و استقرار صنایع در محدوده مرکز استان.
ـضعف سرمایه‌گذاری دولت در پروژه‌های بزرگ: عدم تحقق سرمایه‌گذاری مؤثر ایدرو، ایمیدرو و سایر شرکت‌های دولتی در پروژه‌های بزرگ و مادر استان.
ـکمبود زیرساخت آب و برق برای صنایع بزرگ: نبود زیرساخت کافی برای استقرار طرح‌های بزرگ، به‌ویژه در شمال استان و منطقه اترک، و تأثیر قطعی‌های برق بر تولید و اشتغال.
ـتوسعه‌نیافتگی صنایع فرآوری توتون: نبود ظرفیت کافی برای فرآوری توتون و تولید محصولات نهایی متناسب با سطح زیرکشت استان

جدول اولویت‌های راهبردی و اقدامات مطالبه‌ای پروژه‌های پیشران استان گلستان

ردیف	پروژه پیشران	اهمیت و ضرورت	اقدام مورد انتظار از نماینده مجلس
۱	تکمیل پتروشیمی گلستان	طرح بزرگ صنعتی با آثار قابل توجه بر تولید، اشتغال و صنایع پایین‌دستی	پیگیری از بانک مرکزی و شبکه بانکی برای تأمین مالی و اختصاص خط اعتباری ویژه به منظور تسریع در تکمیل پروژه
۲	احداث بخش بخار نیروگاه علی‌آباد	افزایش ظرفیت تولید برق استان و کمک به رفع ناترازی انرژی	پیگیری تأمین منابع مالی پروژه از طریق ظرفیت‌های بانکی و بودجه‌ای و رفع موانع تأمین مالی
۳	اجرای خط‌آهن گرگان-بجنورد-اسفراین-جوین	طرح راهبردی برای توسعه ترانزیت و اتصال ریلی استان به شبکه ملی	پیگیری در سطح دولت، مجلس و دستگاه‌های تأمین‌کننده منابع برای تعیین تکلیف تأمین مالی و تسریع اجرای پروژه
۴	توسعه صنعت ید و تکمیل زنجیره ارزش ید	برخورداری استان از مزیت ویژه ید، ظرفیت صادراتی و امکان ایجاد ارزش افزوده بالا	پیگیری تبدیل صنعت ید به یکی از پروژه‌های ملی و مطالبه حمایت‌های مالی و ارزی برای توسعه واحدها و تکمیل زنجیره ارزش
۵	توسعه مجتمع پرورش میگوی گمیشان- فاز دوم	ظرفیت بالای صادرات، اشتغال‌زایی و توسعه مناطق ساحلی و مرزی	پیگیری تأمین تسهیلات سرمایه ثابت و سرمایه در گردش و رفع موانع بانکی و ارزی طرح‌های توسعه‌ای
۶	توسعه بندرگز و فعال‌سازی ظرفیت بندری	استفاده از ظرفیت دریایی برای توسعه تجارت و اقتصاد دریامحور	پیگیری تأمین اعتبار و سرمایه‌گذاری برای تکمیل زیرساخت‌ها
۷	توسعه بندرترکمن و زیرساخت‌ها	ظرفیت مناسب برای تجارت دریایی، گردشگری و فعالیت‌های شیلاتی	پیگیری تأمین مالی و تکمیل زیرساخت‌های بندری و گردشگری
۸	احداث و توسعه بندر خواجه‌نفس	پیگیری تأمین منابع، تسریع مجوزها و جذب سرمایه‌گذاری	
۹	احیای خلیج گرگان	طرح راهبردی زیست‌محیطی و اقتصادی با آثار بر گردشگری، شیلات و اقتصاد ساحلی	پیگیری تأمین منابع مالی و اعتبارات مورد نیاز برای تکمیل عملیات احیا و اجرای طرح‌های اقتصادی پیرامون خلیج
۱۰	توسعه کشت پنبه و تکمیل زنجیره ارزش آن	مزیت تاریخی استان و ظرفیت ایجاد ارزش افزوده، اشتغال و توسعه صنایع مرتبط	پیگیری اختصاص تسهیلات مناسب به کشاورزان، صنایع فرآوری و واحدهای تکمیل‌کننده زنجیره ارزش پنبه

۱۱	احداث بندر سبز خزری	تقویت اقتصاد دریامحور، لجستیک، تجارت و ترانزیت منطقه‌ای	پیگیری تعیین تکلیف منابع مالی و تسریع در اخذ مجوزها و تأمین زیرساخت‌های مورد نیاز پروژه
۱۲	توسعه نیروگاه‌های خورشیدی	کمک به رفع ناترازی برق و افزایش ظرفیت تولید انرژی پاک	پیگیری ایجاد مشوق‌های مالی، تسهیل تأمین مالی بانکی و رفع موانع سرمایه‌گذاری برای توسعه نیروگاه‌های خورشیدی

جمع‌بندی و چشم‌انداز توسعه استان گلستان

استان گلستان با وجود برخورداری از ظرفیت‌های متنوع و راهبردی، برای دستیابی به جایگاه اقتصادی متناسب با این مزیت‌ها، نیازمند عبور از الگوی سنتی توسعه و تمرکز بر پروژه‌های پیشران، تکمیل زنجیره‌های ارزش و رفع گلوگاه‌های زیرساختی است. پایین بودن درآمد سرانه، محدودیت سرمایه‌گذاری، ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انرژی و بهره‌برداری ناکافی از ظرفیت‌های مرزی و دریایی، مهم‌ترین موانعی هستند که رفع آن‌ها نیازمند حمایت و پیگیری در سطح ملی است.

چشم‌انداز توسعه گلستان می‌تواند بر سه محور اصلی استوار باشد: «گلستان؛ قطب تولید و صنایع تبدیلی کشاورزی، دروازه تجارت و ترانزیت آسیای مرکزی و یکی از کانون‌های اقتصاد دریامحور کشور». تحقق این چشم‌انداز مستلزم تکمیل منطقه آزاد اینچه‌برون و کریدور شرق خزر، فعال‌سازی بنادر و بندر خواجه‌نفس، توسعه شیلات و آبزی‌پروری، احیای خلیج گرگان و آشوراده و همچنین توسعه صنایع پیشران و زنجیره‌های ارزش، به‌ویژه در صنعت ید و محصولات کشاورزی است.

در این میان، تبدیل صنعت ید به یک مزیت ملی، توسعه زنجیره ارزش آن و ایجاد سازوکار بازگشت بخشی از منافع حاصل از بهره‌برداری از این ظرفیت به استان، در کنار توسعه بنادر، منطقه آزاد اینچه‌برون، صنایع بزرگ، انرژی، شیلات و صنایع تبدیلی کشاورزی، می‌تواند ظرفیت‌های پراکنده استان را به موتورهای پایدار رشد اقتصادی و اشتغال تبدیل کند. همچنین تأمین آب و انرژی، توسعه شبکه ریلی و جاده‌ای، تسهیل واگذاری اراضی و رفع موانع سرمایه‌گذاری باید به‌عنوان پیش‌نیازهای تحقق پروژه‌های بزرگ استان در اولویت قرار گیرد.

در افق پیش‌رو، هدف استان باید حرکت از اقتصاد متکی بر تولید مواد اولیه به اقتصاد مبتنی بر ارزش افزوده، از موقعیت مرزی به هاب تجارت و ترانزیت، از ظرفیت ساحلی به اقتصاد دریامحور و از اشتغال کم‌بازده به اشتغال مولد و پایدار باشد. اجرای مجموعه پروژه‌های پیشران و راهبردی پیشنهادی، با ایجاد ظرفیت‌های جدید تولید، سرمایه‌گذاری، صادرات، اشتغال و ارزش افزوده، می‌تواند زمینه شتاب‌گیری رشد اقتصادی استان و افزایش قابل‌توجه درآمد سرانه را فراهم کند؛ به‌گونه‌ای که در صورت تحقق کامل این پروژه‌ها و فراهم شدن الزامات زیرساختی و مالی آن‌ها، درآمد سرانه استان گلستان از میانگین کشوری عبور کرده و شکاف تاریخی درآمدی استان با کشور جبران شود.

چارچوب نوین حکمرانی توسعه استانی: از ریشه‌یابی مسائل تا هم‌راستایی منافع در بستر RBM و نهادگرایی نوین اقتصادی، مطالعه موردی: تحلیل راهبردی چالش‌ها، قابلیت‌ها و پیشران‌های توسعه استان گلستان



محمدرضا ناهیدی
معاون برنامه ریزی و توسعه اقتصادی سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گلستان

۱. مقدمه: شکست پارادایم برنامه‌ریزی سنتی

برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در کشور همواره از سه نارسایی ساختاری رنج برده است:

نیازنامه‌نویسی و توزیع رانتی منابع: فرض نامحدود بودن منابع و تلاش برای پاسخ به کلیه مطالبات خرد محلی که به انباشت هزاران پروژه نیمه‌تمام انجامیده است.

تمرکز بر خروجی‌های فیزیکی (Outputs) به‌جای نتایج و پیامدها (Outcomes/Impacts): ساخت ابنیه و پروژه‌های کالبدی، معیار عملکرد مدیران تعریف شده، بی‌آنکه اثر آن بر شاخص‌های رفاهی، بهره‌وری و رشد اقتصادی پایدار سنجیده شود.

تعارض منافع و عدم تقارن اطلاعات: فقدان مکانیسم‌های انگیزش‌سازگار، بوروکراسی اداری را به سمت «بیش‌برآورد هزینه‌ها»، «کم‌برآورد درآمدهای قابل وصول» و حفظ «امضاهای طلایی» سوق داده است.

برای عبور از این بحران، نیازمند تغییر پارادایم از برنامه‌ریزی جامع منفعل (Comprehensive Planning) به برنامه‌ریزی بر هسته‌های کلیدی (Core Planning) از طریق طرح پرسش‌های بنیادین کلان (Big Questions) هستیم.

۲. متدولوژی RBM+ و نهادگرایی نوین اقتصادی (NIE)

۲.۱. گذار از خروجی‌محوری به پیامدمحوری

در متدولوژی RBM+، موفقیت برنامه‌ها بر پایه تغییر در رفتار ذی‌نفعان و ارتقای متغیرهای کلیدی سنجیده می‌شود. برای مثال:

در نظام سنتی: ساخت ۱۰ کیلومتر جاده یا ۱ مرکز درمانی، خروجی موفق (Output) ثبت می شود.

در نظام RBM+: سنجه موفقیت، «کاهش نرخ سوانح جاده‌ای و کاهش زمان سیر بار/مسافر» یا «کاهش شیوع بیماری‌های بومی و کاهش هزینه‌های درمان خانوار» (Outcome/Impact) است.

۲.۲. انگیزش سازگاری («Incentive Compatibility») و استراتژی مسلط («Dominant Strategy»)

بر اساس اقتصاد نئونهادگرا، عاملان اقتصادی (سرمایه‌گذاران، کشاورزان، بوروکرات‌ها) تابع منفعت فردی خود عمل می‌کنند. چنانچه منافع فردی مدیر یا فعال اقتصادی در تعارض با منافع جمعی باشد، ابلاغ آیین‌نامه‌ها بی‌اثر خواهد بود.

قاعده محوری: برنامه‌ریز توسعه باید ساختار مشوق‌ها، جرایم، حقوق مالکیت و هزینه‌های مبادله را چنان تنظیم کند که «راست‌گویی، بهره‌وری بالا، سرمایه‌گذاری مولد و صیانت از منابع طبیعی» به استراتژی مسلط تمامی کنشگران تبدیل شود؛ وضعیتی که در آن هیچ بازیگری انگیزه تخطی از منافع پایدار جمعی را نداشته باشد.

۲.۳. تطبیق نظام سنتی درآمد-هزینه با نظام نوین مبتنی بر بند (پ) ماده (۱۷) قانون برنامه هفتم

محور مقایسه	نظام سنتی درآمد-هزینه استانی	نظام نوین مبتنی بر RBM+ و ماده (۱۷) برنامه هفتم
منطق تخصیص اعتبار	چانه زنی سیاسی، هزینه تراشی و اتمام ردیف بودجه	پاداش دهی به تحقق پیامدها (Outcomes) و بهره وری
انگیزه درآمدزایی استان	تنبیه استان های کوشا (ارسال مازاد درآمد به مرکز بدون بازگشت)	انگیزش سازگار (تسهیم مازاد درآمد برای توسعه زیرساخت های مولد استان)
رویکرد نظارت و ارزیابی	حسابرسی صوری فاکتورها، اسناد و فرایندهای اداری	نظارت داده محور بر شاخص های رفاهی، ضریب جینی و ارزش افزوده
رفتار استراتژیک مدیران	بیش برآورد هزینه ها و پنهان سازی ظرفیت های درآمدی	هم راستایی ارتقای سازمانی مدیر با خلق ثروت پایدار و شفافیت
نقش دولت استانی	تصدی گر، مجری طرح ها و توزیع کننده رانت اعتبارات	سیاست گذار، تسهیل گر بازار، تنظیم گر و ناظر مستقل

۳. تحلیل ماتریسی چالش‌ها، قابلیت‌ها و الزامات سیاستی استان گلستان

استان گلستان با وجود موقعیت کم‌نظیر جغرافیایی و طبیعی، با ناترازی‌های ساختاری دست به گریبان است.

جدول زیر با رویکرد علی-معلولی، ریشه‌های نهادی چالش‌ها و پیوند آن‌ها با قابلیت‌ها را نشان می‌دهد:

حوزه راهبردی	چالش‌ها و ناترازی‌های ساختاری	ریشه‌یابی نهادی و انگیزشی (نقص در نظام فعلی)	قابلیت‌ها و مزیت‌های منحصربه‌فرد استان
اقتصاد کلان، سرمایه گذاری و رفاه	• شکاف بیش از ۲ برابری سرانه GDP استان از میانگین کشور • نرخ بالای اشتغال ناقص زمانی و گسترش فقر انباشتی و حاشیه‌نشینی • عدم حضور هلدینگ‌های بزرگ ملی و بین‌المللی	• بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری و هزینه‌های مبادله • عدم انگیزش بانک‌ها و دستگاه‌ها در تسهیل ورود بخش خصوصی • نبود ساختار مشارکتی در تجهیز سرمایه‌های خرد مردمی	• فضای کسب‌وکار مستعد جهش • وجود پیمان‌های خواهرخواندگی بین‌المللی (قزاقستان، ترکیه، چین) • تنوع قومی-فرهنگی هم‌گرا با ظرفیت پیوندهای تجاری منطقه‌ای

انرژی، زیرساخت و ارتباطات	• ناترازی شدید تولید و مصرف برق و ضعف شبکه فوق‌توزیع • نبود زیرساخت انرژی در قطب‌های صنعتی (اترک و گمیشان) • وقفه مزمن در مطالعات و اکتشاف نفت و گاز • اتصال ناکارآمد به شبکه‌های حمل‌ونقل ریلی، جاده‌ای و دریایی	• قیمت‌گذاری دستوری و نبود بازار محلی برق و گاز • مدل متمرکز شرکت‌های مادرتخصصی ملی و انگیزه پایین سرمایه‌گذاری استانی • عدم استفاده از ابزارهای نوین تأمین مالی (صکوک، مرابحه)	• قابلیت توسعه فاز سیکل ترکیبی نیروگاه علی‌آباد (ارتقای راندمان از ۳۱٪ به ۵۲٪ و افزایش ظرفیت به ۱۵۰۰MW) • اراضی مستعد انرژی‌های تجدیدپذیر خورشیدی • ظرفیت ذخیره‌سازی گاز در قزل‌تپه گنبدکاووس • اتصال به راه‌آهن بین‌المللی قزاقستان-ترکمنستان-ایران (KTI) و ۲ فرودگاه فعال
آب، کشاورزی و محیط زیست	• ناترازی آبخوان‌های زیرزمینی و اتکای خطرناک آب شرب به چاه‌ها • فشار مخرب GDP بر اراضی جنگلی و منابع زیست‌محیطی • خام‌فروشی محصولات، نبود صنایع تبدیلی پیشرفته و غلبه خرده‌مالکی ناکارا	• آب‌بهای صوری، فقدان بازار محلی مبادله حقابه و پاداش منفی برای صرفه‌جویی • ساختار سنتی توزیع کود/سم و غفلت از بهره‌وری زمین • عدم شفافیت زنجیره تأمین کشاورزی	• تنوع اقلیمی و خاک حاصلخیز برای باغات شیب‌دار، زراعت چوب و آبزی‌پروری • قابلیت ایجاد کشت‌وصنعت‌های بزرگ‌مقیاس زنجیره‌محور • احیای زنجیره ارزش صنعت پنبه (طلای سفید) • منابع آب دریا جهت نمک‌زدایی خورشیدی و بازچرخانی
تجارت بین‌الملل، صنعت و معدن	• سهم ناچیز در صادرات غیرنفتی علی‌رغم هم‌مرزی با آسیای میانه • مغفول ماندن اقتصاد دریاپایه و شیلات تجاری • بهره‌برداری سنتی و خام‌فروشی معادن	• بوروکراسی موازی در منطقه آزاد و پایانه‌های مرزی • نبود رژیم تنظیم‌گری تسهیل‌کننده ترانزیت و تبادلات پولی خارجی • تصدی‌گری شرکت‌های دولتی در بنادر و زیرساخت‌های معدنی	• منطقه آزاد تجاری-صنعتی اینچه‌برون و شهرک صنعتی ۱۰۰۰ هکتاری اترک • قرارگیری در کوتاه‌ترین کریدور اوراسیا-فلات مرکزی-سواحل مکران • معادن غنی یُد، زغال‌سنگ، بوکسیت و صدف‌کوهی • سواحل بکر جهت مجتمع‌های پرورش میگو و بنادر تجاری

سرمایه انسانی، سلامت و گردشگری	• گذری بودن گردشگری (عدم تبدیل استان به مقصد نهایی) • شیوع بالای بیماری‌های مزمن (نظیر سرطان) و کمبود تخت بیمارستانی • عدم تطابق آموزش‌های دانشگاهی با نیازهای بازار کار	• فقدان برندینگ گردشگری و نامشخص بودن حقوق مالکیت در پهنه‌های اکوتوریسم • تخصیص بودجه سلامت بر اساس تخت/تجهیزات به‌جای پیشگیری و پایش سلامت • شکاف میان نسل دانشگاه‌ها و مأموریت‌های استانی	جاذبه‌های بی‌نظیر طبیعی (جنگل‌های هیرکانی، آبشارها) و تاریخی-مذهبی (مسیر زیارتی مشهد) • ظرفیت دانشگاه‌های تخصصی استان در هدایت به نسل ۳ و ۴ دانش‌بنیان • وجود ظرفیت جذب گردشگری سلامت منطقه‌ای (کشورهای همسایه)

۴. بازطراحی پیشران‌های توسعه گلستان بر پایه مکانیسم‌های RBM+

برای تبدیل قابلیت‌ها به جهش اقتصادی، پیشران‌های توسعه استان به شش بسته محرک نهادی-سرمایه‌گذاری ترجمه شده‌اند:

۴.۱. پیشران اول: هاب ترانزیت، تجارت منطقه‌ای و منطقه آزاد اینچه‌برون

مکانیسم RBM+: پیوند رژیم‌های گمرکی با کشورهای عضو پیمان شانگهای و CIS، تقلیل زمان توقف کالا در مرز اینچه‌برون به کمترین زمان با یکپارچه‌سازی سامانه‌های داده.

پیامد (Outcome): تبدیل گلستان به دهلیز اصلی ترانزیت ریلی کریدور شمال-جنوب (KTI) و جهش درآمدهای گمرکی استانی مشمول بند (پ) ماده (۱۷).

۴.۲. پیشران دوم: بازآرایی زیرساخت‌های انرژی و اقتصاد نفت، گاز و نیرو

مکانیسم RBM+: اعطای گواهی صرفه‌جویی انرژی و تضمین صادرات برق مازاد برای طرح ارتقای نیروگاه علی‌آباد کتول (افزایش ۵۰۰ مگاواتی راندمان بدون سوخت اضافی) و مزارع خورشیدی اترک.

اقدام کلیدی: فعال‌سازی ذخیره‌سازی استراتژیک گاز در مخزن طبیعی قزل‌تپه و تسریع در لرزه‌نگاری و اکتشاف حوزه‌های نفتی و گازی استان با مشارکت کنسرسیوم‌های غیردولتی.

۴.۳. پیشران سوم: گذار از خرده‌مالکی سنتی به زنجیره‌های ارزش کشت‌وصنعت و احیای پنبه

مکانیسم انگیزش‌سازگار: بازتوزیع یارانه‌های کود و آب به شکل اعتبارات بهره‌وری و خرید تضمینی توافقی زنجیره‌ای به‌جای نرخ‌گذاری تک محصولی.

اقدام کلیدی: پیوند صنایع نساجی با مزارع الگویی پنبه در قالب کشاورزی قراردادی (Farming « «Contract)، اصلاح الگوی کشت در اراضی شیب‌دار به سمت باغات اقتصادی و زراعت چوب صنعتی.

۴.۴. پیشران چهارم: اقتصاد دریاپایه، شیلات صنعتی و نمک‌زدایی خورشیدی

مکانیسم RBM+: تفویض مدیریت نوار ساحلی و اراضی پشتیبان به سازمان توسعه سواحل با حق واگذاری اجاره بلندمدت مشروط به انتقال فناوری.

اقدام کلیدی: جهش فازهای توسعه مجتمع میگوی گمیشان، استقرار مزارع پرورش ماهی در قفس، و احداث آب‌شیرین‌کن‌های تجدیدپذیر ساحلی برای جبران کسری آب شرب شرق و غرب استان.

۴.۵. پیشران پنجم: تحول نظام تأمین مالی، صندوق توسعه استانی و دارایی‌های نامولد

مکانیسم ماده ۱۷: استقرار «صندوق توسعه

و سرمایه‌گذاری استان گلستان» با استفاده از عواید مازاد درآمدها، مولدسازی دارایی‌های مازاد دستگاه‌های اجرایی و انتشار اوراق صکوک/مرابحه استانی.
پیامد (Outcome): تجمیع منابع خرد و جذب سرمایه هلدینگ‌های ملی برای پروژه‌های پیشران و کاهش اتکا به بودجه‌های قطره‌چکانی تملک دارایی.
۴.۶. پیشران ششم: مقصدمحوری گردشگری، اقتصاد فرهنگ و همبند سلامت- دانشگاه
مکانیسم +RBM: اصلاح رژیم واگذاری پهنه‌های طبیعی و میراثی با قراردادهای ساخت-بهره‌برداری-انتقال (BOT) و پیوند دانشگاه‌های نسل سوم با خوشه‌های درمانی و صنعتی استان.
پیامد (Outcome): افزایش ماندگاری مسافران از ۱۲ ساعت به بیش از ۳ شبانه‌روز، رشد سهم درآمدی توریسم و مهار شاخص‌های بیماری‌های غیرواگیر با نظام پایش داده‌محور سلامت.

نتیجه گیری

شکاف توسعه‌ای استان گلستان نه ناشی از فقر منابع، بلکه معلول «شکست قواعد نهادی و نارسایی در ساختار انگیزشی» حاکم بر مدیریت منابع است. استقرار متدولوژی +RBMدر پیوند با ظرفیت‌های تمرکززدای برنامه هفتم پیشرفت، این امکان را فراهم می‌سازد که با تغییر زمین بازی، هم‌راستاسازی منافع کارگزاران دولتی و فعالان اقتصادی و تمرکز بر پیشران‌های مقیاس‌پذیر، استان گلستان از یک پهنه مصرف‌کننده و دارای شکاف درآمدی به یکی از کانون‌های اصلی تولید ثروت، ترانزیت بین‌المللی و پایداری سرزمینی در شمال کشور تبدیل شود.

بررسی وضعیت گیاهان دارویی، ظرفیت سنجی، راهکارهای اجرایی و نقش آن درتوسعه استان گلستان



خدایار همتی
استاد پیشکسوت دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان،
دبیر انجمن علمی گیاهان دارویی استان گلستان؛ احمد مقصودلو راد،
عضو هیأت مدیره انجمن علوم باغبانی ایران، مدیر توسعه کشت گیاهان دارویی سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان

فرمایشات مقام معظم رهبری شهید خطاب به رئیس جمهور وقت
این طب سنتی و گیاهان داروئی از جمله کارهائی است که میتواند باب جدیدی در مسائل کلان مربوط به بهداشت و درمان بگشاید توجه و اهتمام جنابعالی در این کار بسیار مفید خواهد بود انشاا...

مقد مه

گیاهان دارويي ، موارد مصرف ، اثرات دارويي و خواص آنها در طول تاريخ همواره مورد توجه بشر بوده است . از بين نام آوران طب اسلامي مي توان از دانشمندان نامي چون رازي و ابن سينا نام برد كه روش گياه درماني را به اوج اعتلاي خود رسانيدند؛ در قرن حاضر تحقيقات گسترده اي روي گياهان دارويي انجام شده و داروهايي با ماده ي موثره طبيعي افق هاي جديدي را براي جامعه پژوهشگر درمان و سلامت گشوده است بطوريكه در حال حاضر يك الى دو سوم داروهاي مورد استفاده در جوامع انساني را داروهايي با منشاء طبيعي و گياهي تشكيل مي دهد و مساعي جهاني صنايع داروسازي براين مساله متمركز است كه ساخت دارو هاى شيميايي تدريجاً منسوخ و به منابع گياهي متكي گردد؛ از اين رو صنايع دارو سازي و گروه هاي تحقيقاتي ذيربط در بسياري از كشورها توجه خود را به كشت و توليد گياهان دارويي معطوف داشته و هرساله سطح وسيعى از زمين هاي زراعي خود را به كشت و پرورش گياهان دارويي اختصاص مي دهند. لذا ضروري است كه با رجوع به استفاده از گياهان دارويي در كشورهاي در حال توسعه نيز مورد توجه و اقدام قرار گيرد زيرا مصرف داروهاي مصنوعي علاوه بر مشكلات ناشي از عوارض جانبي ، مشكل وابستگي و خروج ارز را نيز به دنبال دارد. حجم تجارت داروهای گیاهی در سال یک صد میلیارد دلار میباشدکه سهم ایران از این بازار تنها ٦٠ تا ١٠٠ میلیون دلار است که با توجه به ظرفیت بالای تولید و فرآوری گیاهان دارویی کشور، رقم بسیار ناچیزی است. از طرفی متاسفانه مصرف سرانه گیاهان دارویی در ایران که طب سنتی آن قدمتی هفت هزارساله دارد تنها ٢٥ گرم است درحالی‌که این سرانه در اروپا ٩٠٠ گرم و در آمریکا ٢٥٠٠ گرم است وکشور ما مي تواند با رعايت استانداردهاي جهاني در زمينه تهيه ، بسته بندي ، بازاريابي و غيره به يكي از صادركنندگان اين محصول تبديل گردد كه با حمايتهاى دولت و فرهنگ سازی در گرایش مردم بسوی استفاده از داروها با منشاء گیاهی میتوان به آن دست یافت.

طبیعت استان گلستان، از منحصر به فردترین زیست بوم ایران محسوب می‌شود وجود تنوع اقليمي و شرايط مساعد آب و هوايى، سابقه توليد و فرآوري گياهان دارويي ،وجود

ذخایر غنی ژنتیکی گیاهان دارویی (شناسایی بیش از ۴۰۹ گونه دارویی)،موقعیت مناسب جغرافیایی استان در صادرات و قرار گرفتن در جاده ترانزیتی و همسایگی با برخی کشورها ،دارا بودن کارشناسان خبره در زمینه گیاهان دارویی و وجود دانشگاه های تخصصی کشاورزی و منابع طبیعی و مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی در شهرستان های گرگان و گنبد؛ ، وجود اراضی مستعد در کوهستان ، کوهپایه ،میان دشت و دشت از مهمترین امتیازات استان در توسعه گیاهان داروئی بوده و میتواند یکی از قطب های تولید گیاهان دارویی کشور محسوب گردد. با توجه به این که گیاهان داروئی خودرو برخلاف گیاهان زراعي در محدوده جغرافیایي گسترده ولي با تراکم نسبتا کم و پراکنده یافت مي شود ، جمع آوري و دسترسي به آنها از نظر اقتصادي مقرون به صرفه نیست، همچنین استفاده از رویشگاه هاي طبیعي جوابگوي صنایع داروسازي نخواهد بود ، علاوه برآن این چنین استفاده انبوه از گیاهان دارویی در مناطق جنگلی و مراتع باعث تخریب و نابودي آنها و آسیب به محیط زیست خواهد شد. لذا برای برداشت و جمع آوری گیاهان دارویی بومی و انحصاری آموزش روستاییان، کارشناسان و دانشجویان ضروری است. از این رو بایستي براي تامین گیاهان دارویي مورد نیاز صنایع دارویي نسبت به کشت و پرورش این گیاهان اقدام نمود.

ضرورت توسعه گیاهان داروئی در استان

سطح زیر کشت گیاه دارویی استان، در سال ۱۴۰۳ حدودا ۱۹۱۵ هکتار بوده که زعفران با سطح۷۵۰ هکتار با تولید ۷کیلوگرم کلاله خشک، سیاهدانه با سطح ۱۵۵ هکتار با تولید ۹۵۰ کیلوگرم، زیره سبز با سطح ۳۸۸ هکتار با تولید ۳۰۰ کیلوگرم ،گل محمدی با سطح ۵۰ هکتار با تولید ۳۰۰۰ کیلوگرم گل تر، اسطوخودوس ۱۵ هکتار با ۹۰۰ کیلوگرم سرشاخه خشک و نعناع فلفلی۱۰ هکتار با عملکرد ۵۰ تن سرشاخه تر از گونه های اولویت دار استان باتولید ۲۵۶۰ تن محصولات اولیه گیاهان دارویی استان گلستان محسوب می شدند. در سال‌های ۱۴۰۵ ـ۱۴۰۴ تولید گیاهان دارویی به سطح زیر کشت ۳۵۱۵ هکتار به سطح دو برابری با عملکرد ۴۵۶۰ تن محصولات خام‌گیاه دارویی رسیده است، زعفران با سطح ۱۵۸۲ هکتار با تولید ۵/۵ کیلوگرم کلاله خشک،سیاهدانه با سطح ۵۵۰ هکتار با تولید ۱۲۰۰ کیلوگرم،زیره سبز با سطح ۱۱۱۲ هکتار با تولید ۵۰۰ کیلوگرم،گل محمدی با سطح ۷۵ هکتار با تولید ۹۰۰ کیلوگرم گل خشک ،اسطوخودوس با سطح ۳۵ هکتار با تولید ۱۳۰۰ کیلوگرم سرشاخه خشک،نعناع فلفلی با سطح ۳۵ هکتار با تولید ۵۰ تن سرساخه خشک جز گیاهان دارویی اولویت دار استان معرفی شدند. پیش بینی می شود با ارایه تسهیلات به کشاورزان در زمان کاشت و برگزاری کارگاه‌های آموزشی جهت ارتقاء سطح دانش بهره برداران و نهاده‌های استاندارد شامل پیاز مناسب، نشا نهال گواهی شده، سطح زیر کشت گیاهان دارویی استان درسال ۱۴۰۶ به ۴۵۰۰ هکتار با تولید ۷۵۰۰ تن از فرآورده های گیاهان دارویی برسد. با توجه به ظرفیت‌های ذکرشده توسعه گیاهان دارویی در استان ضروری است، مدیران ذیربط و تأثیر گذار، نگاه ویژه‌تر جهت نیل به اهداف زیر داشته باشند:

اهداف

ـ وجود اراضی شیبدار وسیع و عاری از پوشش گیاهی و خسارات ناشی از وقوع سیلابها در این اراضی ضروری است مدیریت و بهره برداری بهینه با کشت گیاهان دارویی در این عرصه محقق شود.

ـ با توجه به کمبود آب در استان امکان کشت برخی گیاهان دارویی در مناطق مختلف اراضی دیم امکان پذیر خواهد شد.

ـ اشتغال زائی، ارتقاء درآمد روستائیان و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه جوانان به شهرها و اشتغال کاذب، خود کفائی در امر اقتصاد خانواده کشاورز.

ـ وجود دانش فنی کافی و فارغ التحصیلان متخصص در استان سبب افزایش آگاهی علمی تولیدکنندگان گیاهان دارویی می‌شود.

ـ کمک به بهداشت و سلامت جامعه.
ـ افزایش صادرات غیر نفتی و ارزآوري و افزایش تولید نا خالص ملی.

اقدامات انجام شده در راستای توسعه گیاهان دارویی در استان گلستان طی دو دهه.

ـتشکیل کمیته راهبردي گیاهان دارویي در معاونت برنامه ریزي استانداري و کارگروه تخصصی گیاهان دارویی در دانشگاه علوم کشاورزی، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی و بنیاد ملی نخبگان استان.
ـتصویب و تشکیل سه کارگروه (آموزش و پژوهش ـ زراعت ، صنعت و بازرگاني- پزشکي و طب سنتي)
ـدعوت از بخش خصوصي شامل: شرکت ها و تولیدکنندگان در جلسات و استفاده از تجربیات آنها و برگزاری کارگاه های مختلف آموزشی.
ـتهیه و پخش گزارش استانی از گیاهان دارویي توسط صدا و سیما.
ـتهیه نقشه گیاهان دارویي و پراکنش آن در استان.
ـترویج و توسعه استفاده از گیاهان دارویي در نسخه های پزشکي توسط دانشگاه علوم پزشکي.
ـبررسی و الویت بندی ۲۱ گونه گیاهان داروئی مستعد براي توسعه و کشت.
ـتهیه و بررسي سند راهبردي گیاه دارویی انحصاری سرخدار در استان.
ـپیگیري ایجاد دانشکده داروسازي طب سنتي در دانشگاه علوم پزشکي و پژوهشکده گیاهان دارویی در دانشگاه آزاد آزاد اسلامی گرگان.
ـتدوین شیوه نامه نحوه نظارت بهداشتي در عطاري ها و آموزش به آنان توسط کارگروه صنایع دارویي ،پزشکي و طب سنتي.
ـبرگزاری جشنواره‌ها، نشست های تخصصی و همایش های ملی و استانی گیاهان داروئی در استان.
ـتعیین ردیف اعتباري براي امور و فعالیتهاي کمیته راهبردي گیاهان دارویي از طریق معاونت برنامه ریزي استانداري.
انتخاب ۵ مکان در مناطق مختلف استان جهت بررسی سازگاری گونه های برتر گیاهان دارویی از نظرمواد ثانویه

راهکارهای اجرایی توسعه گیاهان دارویی استان

ـبا توجه به توانمندی اداره بازرگانی گرگان در داخل و خارج کشور فعالیت مضاعف در زمینه بازرگانی گیاهان دارویی در بازار کشورهای آسیای میانه و ایجاد ارتباطات لازم از طریق تجار، برای صادرات.
ـبرنامه ریزی سازمان جهاد کشاورزی استان و اداره بازرگانی برای تنظیم عرضه و تقاضای گیاهان دارویی.
ـتشویق سرمایه گذاری توسط سرمایه گذاران داخلی و خارجی برای تأسیس کارخانجات فراوری گیاهان دارویی با توجه به محدود بودن شرکت های فرآوری گیاهان دارویی در استان.
ـبرند سازی سه گیاه دارویی استان جهت تکمیل زنجیره تولید.
ـتخصیص تسهیلات و سرمایه در گردش برای افراد تاثیرگذار در تولید و فرآوری و بازاریابی گیاهان دارویی با نظارت کامل دستگاههای ذیربط
ـتأمین اعتبار لازم برای پایش و تهیه نقشه پراکنش و بانک اطلاعاتی گیاهان دارویی استان
ـتفاهم نامه های سازمان‌های دخیل در توسعه گیاهان دارویی اجرایی گردد.
ـ برای حفظ ذخایر ژنتیکی ایجاد بانک ژن بذور و برخی اندام های مختلف گیاهان دارویی در استان
ـجلوگیری از خام فروشی گیاهان دارویی و تکمیل زنجیره تولید با همکاری سازمان جهاد کشاورزی و مراکز دانشگاهها و تحقیقاتی با نظارت استانداری.
ـفعال نمودن کشت قراردادی با مدیریت و نظارت سازمان جهاد کشاورزی استان که تضمین فروش را برای تولیدکنندگان محقق می کند.

موفقیت قطعی در پیشنهادات اجرایی توسعه گیاهان دارویی مذکور انسجام نیروهای متخصص استان با تولیدکنندگان و سازمان های تأثیرگذار با نظارت استانداری و مرجعیت علمی دانشگاه‌ها محقق خواهد شد.

گلستان، سرزمین تنوع زیستی و پارک ملی گلستان، میراث ماندگار طبیعت ایران



قدیر حسن زاده
مدیرکل حفاظت محیط زیست استان گلستان

استان گلستان را می‌توان یکی از کم‌نظیرترین پهنه‌های طبیعی ایران از منظر تنوع زیستی، تنوع اقلیمی و گوناگونی زیست‌بوم‌ها دانست؛ استانی که در گستره‌ای نسبتاً محدود، از پهنه‌های آبی و ساحلی دریای خزر و خلیج گرگان تا جنگل‌های هیرکانی، کوهستان‌ها، مراتع، دشت‌ها، مناطق نیمه‌خشک و تالاب‌های بین‌المللی را در خود جای داده است. همین تنوع طبیعی، گلستان را به یکی از مهم‌ترین کانون‌های زیست‌محیطی کشور تبدیل کرده و مسئولیت حفاظت از این سرمایه ملی را برای ما دوچندان کرده است.

محیط زیست گلستان، تنها مجموعه‌ای از مناطق حفاظت‌شده و گونه‌های جانوری و گیاهی نیست، بلکه بخشی از سرمایه طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان است که استمرار حیات و رفاه جوامع انسانی نیز به سلامت آن وابسته است. آب، خاک، جنگل، مرتع، تالاب، حیات وحش و سواحل، اجزای به‌هم‌پیوسته یک نظام اکولوژیک هستند و هرگونه آسیب به یکی از این اجزا می‌تواند آثار خود را در سایر بخش‌ها نشان دهد.

پارک ملی گلستان، آغاز یک تاریخ پرافتخار در میان مجموعه ارزشمند زیست‌بوم‌های استان است و جایگاهی ویژه و ملی دارد. پیشینه حفاظت از این عرصه ارزشمند به ۱۹ مرداد ۱۳۳۶ بازمی‌گردد؛ زمانی که محدوده آلمه و ایشکی به عنوان منطقه حفاظت‌شده تحت حفاظت قرار گرفت. این منطقه، در ادامه مسیر تاریخی خود، در سال ۱۳۴۲ عنوان پارک ملی را به خود گرفت و پس از اصلاح قانون شکار و صید، در سال ۱۳۵۳ رسما با عنوان «پارک ملی» تثبیت شد؛ بنابراین، وقتی از پارک ملی گلستان سخن می‌گوییم، در واقع درباره یکی از قدیمی‌ترین و ارزشمندترین تجربه‌های حفاظت رسمی از طبیعت در ایران سخن می‌گوییم، منطقه‌ای که سابقه حفاظت آن نزدیک به ۷ دهه است و امروز به عنوان قدیمی‌ترین پارک ملی ثبت‌شده ایران شناخته می‌شود. این پارک با وسعت حدود ۹۱ هزار و ۸۹۵ هکتار، در پهنه سه استان گلستان، خراسان شمالی و سمنان قرار گرفته است. موقعیت جغرافیایی خاص پارک موجب شده است که مجموعه‌ای از شرایط اقلیمی و زیستگاهی متفاوت در کنار یکدیگر قرار گیرند و همین موضوع، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری تنوع زیستی استثنایی پارک ملی گلستان به شمار می‌رود. پارکی که مرزهای استانی را پشت سر گذاشته است، یکی از ویژگی‌های مهم پارک ملی گلستان، قرار گرفتن عرصه آن در محدوده جغرافیایی سه استان است. بخش عمده این پارک، در استان گلستان قرار دارد و قسمت‌هایی از آن نیز در استان‌های خراسان شمالی و سمنان واقع شده است. این نکته از منظر مدیریتی

اهمیت ویژه‌ای دارد. قرار گرفتن بخشی از یک عرصه طبیعی در محدوده چند استان، به معنای چندپاره بودن اکوسیستم نیست؛ زیرا اکوسیستم مرز سیاسی و اداری نمی‌شناسد. حیات وحش، رودخانه‌ها، پوشش گیاهی، مسیرهای مهاجرت و فرایندهای اکولوژیک، تابع تقسیمات سیاسی نیستند، بر همین اساس مدیریت حفاظتی پارک ملی گلستان بر مبنای ساختار قانونی و تشکیلاتی سازمان حفاظت محیط زیست در اختیار استانی است که بیشترین وسعت پارک در آن قرار دارد. از این رو اداره کل حفاظت محیط زیست استان گلستان مسئولیت مدیریت و حفاظت از این میراث طبیعی را بر عهده دارد. البته این مسئولیت، به معنای نادیده گرفتن نقش و ظرفیت استان‌های همجوار نیست. حفاظت مؤثر از چنین عرصه‌ای نیازمند همکاری و هماهنگی میان استان‌های گلستان، خراسان شمالی و سمنان، دستگاه‌های اجرایی، جوامع محلی، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی است.

تنوع زیستی مهم‌ترین سرمایه پارک ملی گلستان

پارک ملی گلستان، به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه خود محل تلاقی و هم‌نشینی چندین زیست‌بوم متفاوت است. از جنگل‌های هیرکانی گرفته تا زیست‌بوم‌های مرتعی و استپی. در این منطقه، مجموعه‌ای کم‌نظیر از زیستگاه‌ها شکل گرفته است. وجود گونه‌های شاخصی مانند پلنگ، خرس قهوه‌ای، گرگ، مرال، شوکا، قوچ و میش اوریال، بز وحشی، گراز و آهو و همچنین تنوع گسترده پرندگان، خزندگان، دوزیستان و سایر گروه‌های جانوری، اهمیت حفاظتی پارک را چند برابر کرده است. گزارش‌های موجود بیش از ۱۳۰۰ گونه گیاهی و صدها گونه جانوری را برای این منطقه ثبت کرده‌اند. این تنوع زیستی، صرفا یک عدد یا فهرست علمی نیست، هر گونه، بخشی از زنجیره حیات و بخشی از پایداری اکوسیستم است. از این منظر، حفاظت از یک گونه جانوری در معرض تهدید، در حقیقت حفاظت از مجموعه‌ای از روابط اکولوژیک است که در طول هزاران و میلیون‌ها سال شکل گرفته‌اند. پارک ملی گلستان، همچنین در شبکه جهانی ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره یونسکو نیز جایگاه مهمی دارد و ارزش‌های اکولوژیک آن فراتر از مرزهای استانی و حتی ملی است.

گلستان، مجموعه‌ای از زیست‌بوم‌های به هم پیوسته

ظرفیت‌های زیست‌محیطی استان گلستان تنها به پارک ملی گلستان محدود نمی‌شود. جنگل‌های هیرکانی، تالاب‌های بین‌المللی، مناطق حفاظت‌شده، پناهگاه‌های حیات وحش، آثار طبیعی ملی، سواحل دریای خزر، خلیج گرگان، رودخانه‌ها و دشت‌های استان، مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته از سرمایه‌های طبیعی را تشکیل می‌دهند. تالاب‌های بین‌المللی آلاگل، آلماگل، آجی‌گل و گمیشان از مهم‌ترین زیستگاه‌های پرندگان آبزی و کنارآبزی و یکی از ظرفیت‌های مهم اکولوژیک استان محسوب می‌شوند. مجموعه آلاگل، آلماگل و آجی‌گل نیز از سال ۱۹۷۵ در فهرست تالاب‌های بین‌المللی کنوانسیون رامسر قرار گرفته است. این تالاب‌ها علاوه بر نقش مهم در حفظ تنوع زیستی، خدمات اکوسیستمی متعددی از جمله تنظیم آب، کاهش آثار سیلاب، فراهم کردن زیستگاه برای پرندگان مهاجر، حفظ تنوع ژنتیکی و ایجاد ظرفیت‌های علمی و گردشگری دارند.

از سوی دیگر، جنگل‌های هیرکانی گلستان به عنوان یکی از ارزشمندترین میراث‌های طبیعی شمال ایران، نقش مهمی در حفاظت از خاک، تنظیم چرخه آب، جذب کربن، تعدیل اقلیم و حفظ تنوع زیستی دارند. در کنار آن پهنه‌های ساحلی، خلیج گرگان و زیست‌بوم‌های دریایی و ساحلی نیز بخشی از سرمایه طبیعی استان هستند. ظرفیت‌های علمی و دانشگاهی گلستان از نگاه ما یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های کمتر استفاده‌شده محیط زیست

گلستان، ظرفیت علمی و پژوهشی استان است. حضور دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی، دانشجویان و پژوهشگران، فرصت بسیار مناسبی برای تبدیل گلستان به یک آزمایشگاه طبیعی برای مطالعات محیط زیستی فراهم کرده است. پارک ملی گلستان و سایر مناطق تحت مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست می‌توانند زمینه انجام مطالعات گسترده در حوزه‌هایی همچون تغییرات اقلیمی، تنوع زیستی، رفتارشناسی حیات وحش، بیماری‌های حیات وحش، احیای زیستگاه‌ها، مدیریت آتش‌سوزی، منابع آب، تنش خشکی، کریدورهای حیات وحش، گردشگری پایدار و اقتصاد محیط زیست را فراهم کنند. به باور من، آینده حفاظت از طبیعت بدون پیوند میان مدیریت، علم و جوامع محلی امکان‌پذیر نیست. مدیریت محیط زیست باید بیش از گذشته از نتایج پژوهش‌های علمی استفاده کند و دانشگاه نیز باید بخشی از مسائل واقعی و میدانی محیط زیست را موضوع پژوهش‌های خود قرار دهد. طبیعت‌گردی، فرصتی که باید مسئولانه مدیریت شود.

گلستان، از نظر طبیعت‌گردی نیز ظرفیت بسیار بالایی دارد. پارک ملی گلستان، جنگل‌های هیرکانی، آبشارها، چشمه‌ها، تالاب‌ها، سواحل و چشم‌اندازهای طبیعی استان می‌توانند زمینه‌ساز توسعه گردشگری طبیعی و ایجاد درآمد پایدار برای جوامع محلی باشند. اما میان گردشگری در طبیعت و مصرف طبیعت تفاوت وجود دارد. طبیعت‌گردی زمانی ارزشمند است که کمترین آسیب را به زیستگاه وارد کند و در عین حال بخشی از منافع اقتصادی آن به جوامع محلی برسد.ما معتقدیم توسعه طبیعت‌گردی در مناطق حساس باید بر پایه ظرفیت برد اکولوژیک، مطالعات علمی، مدیریت پسماند، کنترل تردد، آموزش گردشگران و مشارکت جوامع محلی انجام شود. اگر ظرفیت‌های طبیعت را بیش از توان آن مورد استفاده قرار دهیم در واقع سرمایه‌ای را مصرف کرده‌ایم که جایگزین کردن آن ممکن است ده‌ها یا صدها سال زمان ببرد.

چالش‌های پیش روی محیط زیست گلستان

در کنار ظرفیت‌های ارزشمند استان، محیط زیست گلستان با مجموعه‌ای از چالش‌های جدی نیز مواجه است. تغییر اقلیم، خشکسالی، کاهش منابع آب، آتش‌سوزی‌های جنگلی، تخریب و تغییر کاربری زیستگاه‌ها، تعارضات انسان و حیات وحش، آلودگی منابع آب و خاک، پسماند، فشار ناشی از توسعه زیرساخت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، برداشت بی‌رویه از منابع طبیعی و افزایش فشار گردشگری بر مناطق حساس از جمله مهم‌ترین مسائل پیش رو هستند. یکی از مهم‌ترین موضوعات تغییرات اقلیمی و آثار آن بر منابع آبی و تالاب‌ها است. کاهش بارندگی و تداوم دوره‌های خشکسالی می‌تواند ساختار اکولوژیک تالاب‌ها و زیستگاه‌های وابسته به آب را تحت تأثیر قرار دهد. تجربه مطالعات انجام‌شده در تالاب‌های آلاگل، آلماگل و آجی‌گل نیز نشان می‌دهد که پایش مستمر کیفیت آب و شرایط اکولوژیک این تالاب‌ها ضرورتی جدی است. آتش‌سوزی در عرصه‌های جنگلی و مرتعی نیز از دیگر دغدغه‌های جدی استان است. در این حوزه پیشگیری اهمیت بیشتری از مقابله دارد. آموزش جوامع محلی، تجهیز نیروهای حفاظتی، ایجاد سامانه‌های پایش و هشدار سریع، استفاده از فناوری‌های نوین ،اینترنت اشیاءو آمادگی دستگاه‌های امدادی می‌تواند خسارت ناشی از حریق را کاهش دهد. از سوی دیگر تعارض میان انسان و حیات وحش به‌ویژه در مناطق پیرامونی زیستگاه‌های مهم، نیازمند راهکارهای علمی و مشارکت‌محور است. حفاظت از حیات وحش زمانی موفق خواهد بود که جامعه محلی نیز خود را ذی‌نفع حفاظت بداند و منافع حفاظت از طبیعت را در زندگی خود احساس کند.

حفاظت از محیط زیست مسئولیت یک دستگاه نیست

یکی از نکات مهمی که باید در نگاه به محیط زیست مورد توجه قرار گیرد این است که حفاظت از طبیعت وظیفه یک دستگاه یا یک سازمان خاص نیست. سازمان حفاظت محیط زیست متولی قانونی حفاظت از محیط زیست و مناطق تحت مدیریت خود است، اما موفقیت این مأموریت به همکاری همه دستگاه‌های اجرایی، دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، رسانه‌ها، جوامع محلی و شهروندان وابسته است. در استان گلستان تلاش ما بر این است که از یک رویکرد صرفا حفاظتی و واکنشی به سمت مدیریت علمی، پیشگیرانه، مشارکت‌محور و آینده‌نگر حرکت کنیم. محیط‌بانان خط مقدم حفاظت از طبیعت هستند اما هیچ محیط‌بانی به تنهایی نمی‌تواند یک اکوسیستم را نجات دهد. جامعه باید در کنار محیط‌بان قرار گیرد، دانشگاه باید در کنار مدیریت قرار گیرد و دستگاه‌های اجرایی باید توسعه را با ملاحظات محیط زیستی هماهنگ کنند.

آینده محیط زیست گلستان از حفاظت تا حکمرانی زیست‌بومی

به اعتقاد من آینده محیط زیست استان گلستان در گرو تغییر نگاه از حفاظت از چند منطقه به حکمرانی یکپارچه زیست‌بوم‌ها است.به عنوان مثال پارک ملی گلستان را نمی‌توان جدا از رودخانه‌ها، جنگل‌ها، مراتع، مناطق ییلاقی و جوامع انسانی اطراف آن مدیریت کرد. تالاب را نمی‌توان بدون توجه به حوضه آبریز آن نجات داد و جنگل را نمی‌توان بدون توجه به اقلیم، آتش‌سوزی، تغییر کاربری و معیشت جوامع محلی حفظ کرد. از این منظر یکی از اولویت‌های ما در اداره کل حفاظت محیط زیست استان گلستان، تقویت همکاری میان دستگاه‌های اجرایی و علمی، توسعه پایش‌های زیست‌محیطی، استفاده از فناوری‌های نوین، ارتقای تجهیزات و توان عملیاتی محیط‌بانان، توسعه آموزش‌های محیط زیستی و افزایش مشارکت مردم در حفاظت از طبیعت است. همچنین اعتقاد داریم مناطق تحت مدیریت استان گلستان باید بیش از گذشته به یک مرکز علمی و پژوهشی در مقیاس ملی و بین‌المللی تبدیل شود. وجود چنین تنوع زیستی و اقلیمی در یک پهنه نسبتا محدود، فرصتی استثنایی برای انجام مطالعات بلندمدت درباره تغییر اقلیم، تنوع زیستی و پویایی اکوسیستم‌ها ایجاد کرده است

سخن پایانی

گلستان، تنها نام یک استان در شمال ایران نیست. گلستان مجموعه‌ای از زیست‌بوم‌هایی است که بخشی از هویت طبیعی ایران را شکل داده‌اند. از جنگل‌های هیرکانی تا تالاب‌های بین‌المللی و از خلیج گرگان تا کوهستان‌ها و دشت‌های شرقی، همه اجزای یک سرمایه بزرگ طبیعی هستند. در مرکز این سرمایه، پارک ملی گلستان قرار دارد؛ میراثی که تاریخ حفاظت رسمی از آن به سال ۱۳۳۶ بازمی‌گردد و امروز به عنوان قدیمی‌ترین پارک ملی ثبت‌شده ایران، مسئولیتی فراتر از یک محدوده جغرافیایی بر دوش ما گذاشته است. ما این میراث را از نسل‌های گذشته تحویل گرفته‌ایم و وظیفه داریم آن را سالم‌تر و پایدارتر به نسل آینده منتقل کنیم. حفاظت از پارک ملی گلستان و سایر زیست‌بوم‌های استان، صرفا حفاظت از چند گونه گیاهی و جانوری نیست؛ بلکه حفاظت از آب، خاک، هوا، امنیت زیستی، سلامت جامعه و در نهایت حفاظت از آینده سرزمین است. امروز بیش از هر زمان دیگری به این باور نیاز داریم که توسعه پایدار بدون محیط زیست سالم امکان‌پذیر نیست و حفاظت از محیط زیست نیز بدون مشارکت مردم، علم و برنامه‌ریزی بلندمدت به نتیجه نخواهد رسید. گلستان، ظرفیت آن را دارد که در کنار برخورداری از اقتصاد پویا و جامعه‌ای توسعه‌یافته، به الگویی برای همزیستی انسان و طبیعت در ایران تبدیل شود. تحقق این هدف، نیازمند عزم مشترک همه ما است؛ زیرا طبیعت متعلق به یک نسل نیست، بلکه امانتی است برای همه نسل‌ها.

« تدوین سند چشم‌انداز استان گلستان، اسناد استراتژیک بخش‌های ۳۰ گانه استان و تهیه برنامه عملیاتی»



دکتر حمیدرضا دنکوب
مشاور دفتر مدیریت استراتژی (OSM) استانداری گلستان
عضو کارگروه اقتصادی اندیشکده حکمرانی و قانونگذاری گلستان

(۱) مقدمه

با وجود اینکه ایران جزو اولین کشورهای درحال‌توسعه در زمینه ی برنامه‌ریزی است و بیش از هفتادسال از تاریخ تصویب اولین برنامه توسعه در ایران می‌گذرد، اما کشور علی‌رغم همه دستاوردهایی که تاکنون داشته است، همچنان با مسائل و مشکلاتی نظیر «رشد اندک و نوسانی اقتصاد»، «معضلات آبی و زیست‌محیطی»، «انبوه پروژه‌های ناتمام عمرانی»، «بیکاری»، «تورم‌های دورقمی»، «کسری بودجه‌های مستمر»، «مهاجرت» و همچنین چالش‌های متعدد همچون «ناکارآمدی دولت‌ها»، «بهره‌وری پایین»، «ناترازی حوزه بانکی و صندوق‌ها»، «پایین بودن نرخ سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص»، «ناترازی تولید و مصرف انرژی»، «کاهش رشد جمعیت»، «کاهش اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی»، «دین‌گریزی و گسست نسلی»، « فساد اداری و اختلاس» و...دست‌به‌گریبان است. از منظر برنامه‌ریزی دلایل این مسائل و مشکلات عبارت از؛ الف) جایگاه نامشخص برنامه‌ریزی در ساختار سیاسی- اداری کشور (استان)، ب) ضعف‌های برنامه‌ریزی در مرحله طراحی ج) و نهایتاً ضعف‌های آن در مرحله اجرا می‌باشد. ارزیابی مرکز پژوهش‌های مجلس از میزان تحقق اهداف برنامه‌های ۵ ساله اوّل تا ششم توسعه کشور با عملکرد کمتر از ۳۰ درصد و در برخی برنامه‌ها حتی کمتر از ۳۰ درصد و همچنین فاصله بسیار زیاد کشور با بسیاری از شاخص‌های مهم سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ کشور، پیشی گرفتن کشورهای همسایه و... تأیید آسیب‌شناسی فوق می‌باشد.

خوشبختانه استانداری گلستان با همکاری دستگاه‌های اجرایی استان از سال ۱۳۹۶ بر اساس پیشنهاده (PROPOSAL)ارائه شده توسط شرکت دانش‌بنیان مشاوره مدیریت «نوین کارآفرین هیرکان» با موضوع «تدوین سند چشم‌انداز استان گلستان ذیل سند چشم‌انداز کشور، اسناد استراتژیک بخش‌های ۳۰ گانه استان و تهیه برنامه عملیاتی آن‌ها» و حمایت کامل از روند تدوین و اجرای اسناد، گام‌های مؤثری برای کاهش آسیب‌های سه‌گانه فوق‌الذکر برداشته است، بطوریکه هم‌اکنون نسبت به سال آغازین مطالعات جایگاه برنامه‌ریزی در استان به مراتب بهبودیافته است، روش و متدولوژی برنامه‌ریزی استان از روش‌های صرفاً تمرکزگرا، ایستاء و منفعلانه‌ی برنامه‌های ۵ ساله توسعه، آمایش سرزمین و... به روش تمرکز زدا، استانی- محلی، فعالانه و پویای برنامه‌ریزی استراتژیک جایگزین گردید و نهایتاً با انتخاب بهترین و بروزترین روش‌های جاری‌سازی استراتژی برای

تهیه برنامه عملیاتی عجالتاً بخش مهمی از آسیب سوم نیز کاسته شده است.

برنامه‌ریزی استراتژیک را می‌توان به عنوان نقشه راهی برای رسیدن به اهداف بلندمدت یک سازمان (در اینجا استان و بخش‌های ۳۰ گانه آن) تعریف کرد. این فرآیند شامل تعیین چشم‌انداز آینده، شناسایی نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها، تدوین استراتژی‌های مناسب و تعیین اقدامات لازم برای اجرای این استراتژی‌ها است.

به زبان ساده‌تر، برنامه‌ریزی استراتژیک به سازمان‌ها کمک می‌کند تا:

ـ جهت مشخصی برای حرکت خود داشته باشند.

ـ تصمیم‌گیری‌های بهتری بگیرند.

ـ استفاده از منابع خود را بهینه کنند.

ـ با تغییرات محیطی سازگار شوند.

ـ به اهداف بلندمدت خود دست یابند.

چرا برنامه‌ریزی استراتژیک مهم است؟

ـ افزایش شفافیت: برنامه‌ریزی استراتژیک به همه اعضای سازمان کمک می‌کند تا اهداف و استراتژی‌های سازمان را درک کنند و در جهت تحقق آن‌ها تلاش کنند.

ـ بهبود عملکرد: با تمرکز بر اهداف و استراتژی‌های کلیدی، سازمان می‌تواند عملکرد خود را بهبود بخشد و به نتایج بهتری دست یابد.

ـ کاهش ریسک: با شناسایی تهدیدها و فرصت‌ها، سازمان می‌تواند ریسک‌های خود را کاهش دهد و برای مقابله با چالش‌ها آماده شود.

ـ افزایش انعطاف‌پذیری: برنامه‌ریزی استراتژیک به سازمان کمک می‌کند تا با تغییرات محیطی سازگار شود و از فرصت‌های جدید بهره‌برداری کند.

ـ و...

مراحل اصلی برنامه‌ریزی استراتژیک:

۱. تعیین مأموریت و چشم‌انداز: تعیین وضعیت موجود و فلسفه وجودی سازمان و نیز تعریف آینده‌ای که سازمان می‌خواهد به آن دست یابد.

۲. تحلیل محیط: شناسایی نقاط قوت و ضعف داخلی و فرصت‌ها، چالش‌ها و تهدیدهای خارجی سازمان.

۳. تعیین اهداف و شاخص‌ها: تعیین اهداف مشخص و قابل‌اندازه‌گیری برای سازمان.

٤. تدوین استراتژی: انتخاب بهترین استراتژی‌ها برای رسیدن به چشم‌انداز، مأموریت و اهداف راهبردی سازمان.

٥. انتخاب تاکتیک: تعیین تاکتیک‌های مناسب برای فراهم نمودن بستر اجرای استراتژی‌های سازمان.

٦. تدوین برنامه عملیاتی: تعیین اقدامات لازم برای اجرای هر استراتژی به منظور تحقق مقاصد آرمانی و اهداف راهبردی سازمان.

۷. پیگیری و ارزیابی: نظارت بر پیشرفت و ارزیابی نتایج و ارائه بازخور به موقع و حرکت هم‌راستا با چشم‌انداز و استراتژی درازمدت سازمان.

(۲) گاه‌شمار (TIMELINE) تدوین اسناد استراتژیک استان

مطابق گاه‌شمار ترسیم شده (نمودار شماره ۱)، سال ۱۳۹۲ برای اولین بار پیشنهاده(PROPOSAL) «تدوین سند چشم‌انداز استان ذیل سند چشم‌انداز کشور، اسناد استراتژیک بخش‌های ۳۰ گانه استان و تهیه برنامه عملیاتی آن‌ها» به استاندار وقت گلستان جناب آقای دکتر صادقلو در دولت یازدهم ارائه گردید امّا علیرغم برگزاری چند جلسه مقدماتی مورد پذیرش واقع نشد. امّا در دولت دوازدهم پس از تغییر استاندار و ارائه مجدد آن، خوشبختانه طرح مذکور مورد پذیرش استاندار، مشاورین و مدیران استانداری قرار گرفت و از سال ۱۳۹٦ با حمایت استاندار وقت جناب آقای دکتر هاشمی ، معاونین و مشاورین استاندار فرآیند تدوین اسناد شامل جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات،

پـردازش آن‌هـا، تعییـن مقاصـد آرمانـی یـا ارکان جهـت سـاز اسـتان در سـطح عالـی (اسـتانی) و اسـتراتژی اصلـی و پیشـران (GRAND STRATEGY) اسـتان تدویـن گردیـد.

پـس از آن در دو سـال پایانـی دولـت دوازدهـم و در زمـان اسـتانداری جنـاب آقـای دکتـر حق‌شـناس، سـند اسـتراتژیک بخـش دامپـروری اسـتان گلسـتان به‌عنـوان بخـش پایلـوت (از ۳۱ بخـش متناظـر بـا شـوراهای برنامه‌ریـزی سـازمان برنامـه بودجـه کشـور) بـر اسـاس توصیـه وزارت جهـاد کشـاورزی، حمایت‌هـای سـازمان جهـاد کشـاورزی اسـتان و معاونـت بهبـود تولیـدات دامـی اسـتان ذیـل سـند چشـم‌انداز اسـتان بـا در نظـر گرفتـن ملاحظـات وزارت جهـاد کشـاورزی و سـایر اسـناد بالادسـتی تدویـن گردیـد، بطوریکـه بـا شـروع بـکار دولـت سـیزدهم و حمایت‌هـای اسـتاندار جدیـد جنـاب آقـای دکتـر زنگانـه، تدویـن ۳۰ سـند اسـتراتژیک بخشـی دیگـر بـا همـکاری دسـتگاه‌های اجرایـی متولـی بخش‌هـای مربوطـه آغـاز شـد کـه تـا سـفر دوم رئیس‌جمهـور شـهید دولـت سـیزدهم بـه اسـتان گلسـتان در آذرمـاه ۱۴۰۲ تدویـن، منتشـر و رونمایـی گردیـد. لازم بـه ذکـر اسـت بـه مـوازات تدویـن اسـناد بخشـی ۳۰ گانـه طـی سـال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ (بـا توجـه بـه اتمـام سـند اسـتراتژیک بخـش دامپـروری در سـال ۱۴۰۰) مطالعـات، بررسـی‌ها و اقداماتـی در جهـت تهیـه برنامـه عملیاتـی سـند چشـم‌انداز و اسـناد بخشـی ۳۰ گانـه صـورت گرفـت کـه در ابتـدا در سـال ۱۴۰۱ «روش کارت امتیـازی متـوازن (BSC)» به‌عنـوان روش جاری‌سـازی اسـتراتژی بـرای تهیـه برنامـه عملیاتـی بخـش دامپـروری در سـازمان جهـاد کشـاورزی اسـتان مـورد آزمایـش قـرار گرفـت، امّـا بـه دلایـل نقـص نظـری، موانـع میدانـی، ضعـف روش اجرایـی و... موردپذیـرش تیـم علمـی و اسـتانداری قـرار نگرفـت، ازاینـرو پـس از طـرح موضـوع در شـورای راهبـری اسـتان، از تابسـتان ۱۴۰۲ ضمـن تغییـر روش بـه روشـی جدیدتـر بـا قابلیـت اجـرای سـهل‌تر تحـت عنـوان روش جاری‌سـازی اسـتراتژی «اهـداف و نتایـج کلیـدی(OKR)» و آزمایـش آن در بخـش سلامـت اسـتان بـا همـکاری دانشـگاه علـوم پزشـکی گلسـتان (به‌صـورت پایلـوت) ایـن روش مـورد تأییـد تیـم علمـی و نهایتـاً شـورای راهبـری اسـتان قـرار گرفـت، کـه نهایتـاً در اسـفند سـال ۱۴۰۲ سـند چشـم‌انداز اسـتان، اسـناد اسـتراتژیک بخش‌هـای ۳۰ گانـه و دسـتورالعمل تهیـه برنامـه عملیاتـی مبتنـی بـر OKR در شـورای برنامه‌ریـزی و توسـعه اسـتان مصـوب و بلافاصلـه توسـط اسـتاندار سـابق جنـاب آقـای دکتـر زنگانـه بـه دسـتگاه‌های اجرایـی، سـازمان‌ها، شـرکت‌ها و... متولـی اصلـی بخش‌هـای ۳۰ گانـه بـرای اجـراء ابلاغ گردیـد.

از ابتـدای سـال ۱۴۰۳ تـا تغییـر دولـت جدیـد نیـز زیرسـاخت‌های سـخت‌افزاری و نرم‌افـزاری لازم از جملـه تجهیـز دفتـر مدیریـت اسـتراتژی (OSM) اسـتانداری، تعبیـه سـرور و نرم‌افزارهـای موردنیـاز بـرای اجـرای اسـتراتژی‌ها، برگـزاری جلسـات تأسـیس دفاتـر مدیریـت اسـتراتژی بخش‌هـای ۳۰ گانـه در دسـتگاه‌های اجرایـی متولـی اصلـی، برگـزاری کارگاه و جلسـات آموزشـی تهیـه برنامـه عملیاتـی بـه روش OKR و... انجـام شـد.

خوشـبختانه اسـتاندار جدیـد جنـاب آقـای مهنـدس طهماسـبی (کـه در دوره اسـتانداری آقـای دکتـر هاشـمی طـی سـال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ معـاون سیاسـی، امنیتـی و اجتماعـی اسـتاندار و عضـو شـورای راهبـری اسـناد اسـتراتژیک اسـتان نیـز بوده‌انـد) بـا اطلاع از سـابقه تاریخـی و فلسـفه آغـاز مطالعـات تدویـن اسـناد اسـتراتژیک اسـتان، مشـارکت و همـکاری در انجـام مطالعـات به‌عنـوان عضـو شـورای راهبـری و رئیـس کارگـروه سـند اسـتراتژیک بخـش سیاسـی، دفاعـی و امنیتـی و همچنیـن دانـش و بـاور خـود بـه برنامـه محـوری، ضمـن اسـتقبال و تأکیـد بـر تـداوم ایـن کار، آمادگـی خـود را بـرای اجـرای اسـتراتژی‌های اسـتان و بخش‌هـای اسـتراتژیک ۳۰ گانـه اعلام نموده‌انـد.

نمـودار شـماره ۱ مربـوط بـه گاه‌شـمار (TIMELINE)

تدوین اسناد استراتژیک استان نشان می‌دهد علیرغم انتخاب و تغییر سه رئیس‌جمهور (چهار دولت)، تعیین و انتصاب پنج استاندار خوشبختانه تاکنون ثبات لازم و اهتمام کافی در پیگیری فرآیند تدوین اسناد استراتژیک استان وجود داشته است و این نشان‌دهنده جایگاه نسبتاً خوب و سطح بالای بلوغ برنامه‌ریزی در استانداری و دستگاه‌های اجرایی استان گلستان می باشد.



گاه شمار (TIMELINE) تدوین سند چشم انداز، اسناد استراتژیک بخش‌های ۳۰ گانه ، تهیه دستورالعمل برنامه عملیاتی و اجرای استراتژی های استان گلستان

نمودار شماره ۱: گاه‌شمار (TIMELINE) تدوین و اجرای اسناد استراتژیک استان گلستان

(۳) متدولوژی تدوین و اجرای اسناد استراتژیک و هرم سطوح سه‌گانه استراتژی‌های استان گلستان

از آنجا که تجربه داخلی تهیه برنامه جامع استراتژیک در مقیاس یک استان که شامل تمامی گام‌های تدوین، اجرا ، نظارت و پایش باشد قبل از مورد استان گلستان وجود نداشته است و عمدتاً به یک سند چشم‌انداز استانی (که به‌ندرت به برنامه عملیاتی منتج می‌شود) اکتفا می‌شد، ازاین‌رو تیم علمی شرکت مشاور که از اساتید و دانش‌آموختگان مطرح کشور در دانشگاه‌های تربیت مدرس، تهران و گلستان بوده‌اند با همکاری ناظر پروژه (بر اساس تجارب بین‌المللی و تجربه‌های سازمانی روز) برای اولین بار دانش برنامه‌ریزی استراتژیک که در کشور عمدتاً در سطح سازمانی و بنگاهی مورداستفاده قرار می‌گرفت را در مقیاس استانی مورداستفاده قراردادند. متدولوژی و روش تدوین سند چشم‌انداز و اسناد استراتژیک بخش‌های ۳۰ گانه در متن اسناد به تفصیل اشاره شده است امّا در این خلاصه مدیریتی مطابق هرم روبرو صرفاً به سطوح سه‌گانه استراتژی‌های استان اشاره شده است.

الف) استراتژی سطح عالی یا حکمرانی شامل سند چشم‌انداز استان گلستان که مربوط به کلیّت استان و ذیل سند چشم‌انداز کشور تهیه شده است و متولی اصلی آن استانداری گلستان می‌باشد که با همکاری هیئت حاکمه استان، دستگاه‌های اجرایی، سازمان‌های بخش عمومی و خصوصی و... تدوین و از مسیرهای گوناگون در حال اجرا می باشد .

ب) استراتژی‌های سطح میانی یا بخشی که به‌عنوان حلقه واسط استراتژی‌های سطح عملیاتی عمل می‌کند و در ۳۰ بخش؛ متناظر با شوراهای برنامه‌ریزی و نظام بخشی سازمان برنامه بودجه کشور انتخاب شده است. یکی از اهداف انتخاب چنین قالب و ساختاری، هم راستایی این برنامه استراتژیک با برنامه های ۵ ساله توسعه کشور و قوانین بودجه سنواتی

است که متولیان اصلی آن ها دستگاههای اجرایی استان، سازمان ها و شرکت های مأمور و متولی آن بخش ها می باشند.

ج)استراتژی های سطح عملیاتی واجرایی که از منظر استان و اسناد استراتژیک آن در پایین ترین سطح دستگاهی، سازمانی و بنگاهی در دو بخش دولتی و خصوصی هم راستا با استراتژی اصلی استان و استراتژی های بخش های ۳۰ گانه تعیین و اجرا می شوند.

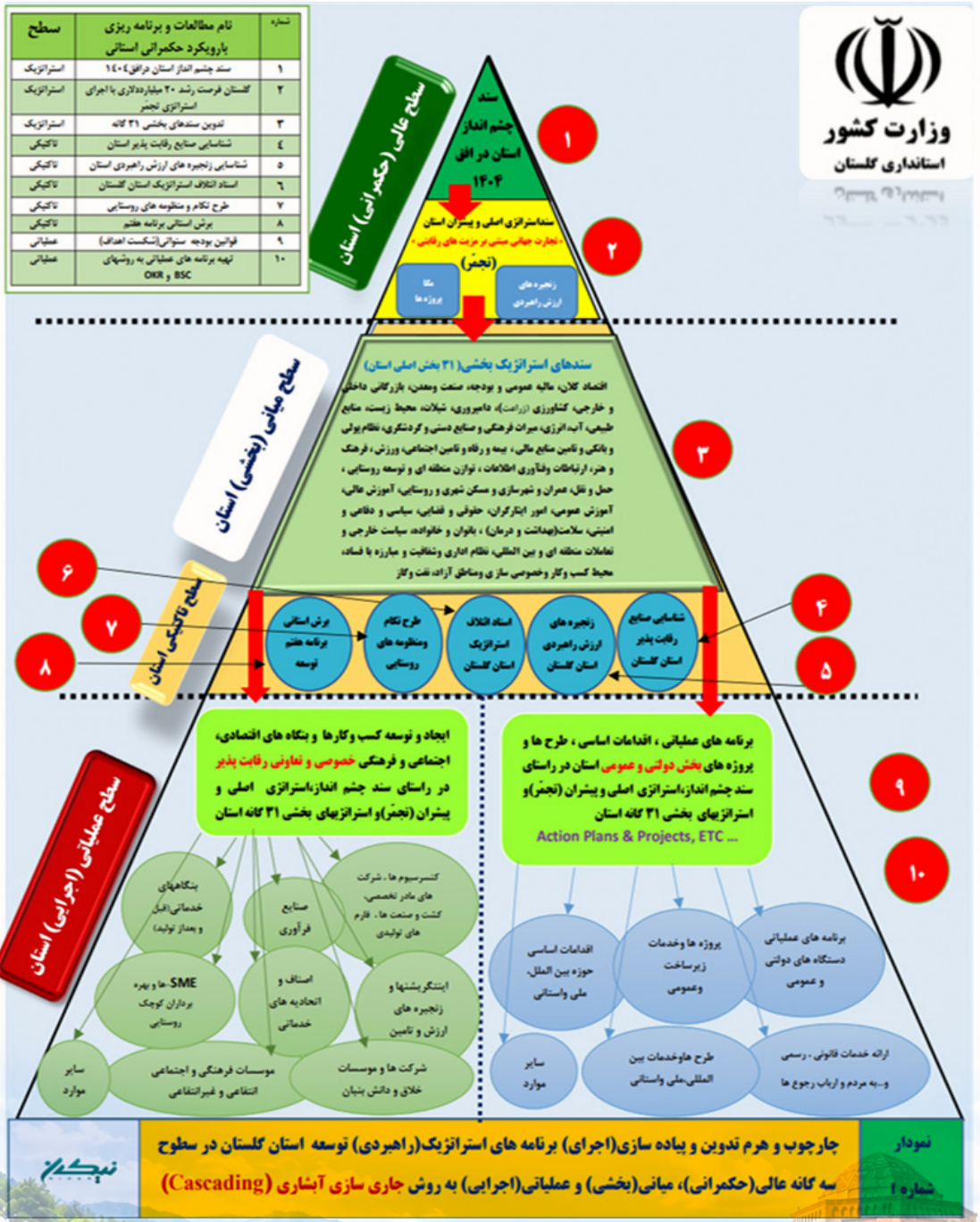

شماره	نام مطالعات و برنامه ریزی بارویکرد حکمرانی استانی	سطح
۱	سند چشم انداز استان در افق ۱۴۰۴	استراتژیک
۲	گلستان فرصت رشد ۲۰ میلیارد دلاری با اجرای استراتژی تجمّر	استراتژیک
۳	تدوین سندهای بخشی ۳۱ گانه	استراتژیک
٤	شناسایی صنایع رقابت پذیر استان	تاکتیکی
٥	شناسایی زنجیره های ارزش راهبردی استان	تاکتیکی
٦	اسناد اتلاف استراتژیک استان گلستان	تاکتیکی
۷	طرح تکام و منظومه های روستایی	تاکتیکی
۸	برش استانی برنامه هفتم	تاکتیکی
۹	قوانین بودجه سنواتی(تسکست اهداف)	عملیاتی
۱۰	تهیه برنامه های عملیاتی به روشهای BSC و OKR	عملیاتی

نمودار شماره ۱ چارچوب و هرم تدوین و پیاده سازی(اجرای) برنامه های استراتژیک(راهبردی) توسعه استان گلستان در سطوح سه گانه عالی(حکمرانی)، میانی(بخشی) و عملیاتی(اجرایی) به روش جاری سازی آبشاری (Cascading)

(۴) خلاصه یافته‌ها و نتایج سند چشم‌انداز استان گلستان و مسیرهای جاری‌سازی استراتژی کلان استان

طی انجام مطالعات تدوین سند چشم‌انداز استان گلستان یافته‌های متعددی بدست آمده است که دو مورد از مهم‌ترین آن‌ها که به‌صورت گازانبری و پارادکسیکال در حال نابودی استان هستند عبارتند از فقر بسیار گسترده‌ای که در درآمد سرانه پایین (کمتر از نصف میانگین کشوری) نمایان شده است و دیگری تخریب فزاینده محیط زیست استان که در کاهش سطح آب‌های زیرزمینی، فرونشست زمین، کاهش مراتع و جایگزینی آن‌ها با زراعت دیم و آبی، کاهش کیفیت و کمیّت جنگل‌ها و منابع طبیعی، خشک شدن تالاب ها و صحرا زایی در استان، ساخت و سازهای لجام گسیخته در جنگل ها و زمین‌های مرغوب کشاورزی و ... نمایان است.

دلیل اصلی این چالش که در آستانه تبدیل شدن به بحران اجتماعی- سیاسی است، بهره برداری از منابع طبیعی و تولید محصولات کامودیـ ی بیش از توان اکولوژیک استان و خام فروشی آن‌ها با کمترین ارزش‌افزوده به منظور تأمین معیشت خانوارها به‌عنوان مخرب‌ترین روش خلق ثروت در استان است.

جدول شماره ۱: سند کلان استراتژیک توسعه استان گلستان و متولیان اصلی و سهم یاران

عنوان سند استراتژیک	دستگاه/سازمان/شرکت متولی اصلی و سهم یاران
سند چشم‌انداز استان گلستان در افق ۱۴۰۴	استانداری گلستان، دستگاه‌های اجرایی، سازمان‌ها، نهادها و بنگاه‌های بخش دولتی، عمومی و خصوصی

ازاین‌رو مطابق جدول شماره ۱ و در تعریف ارکان جهت‌ساز یا مقاصد آرمانی و نیز تعیین استراتژی اصلی (GRAND STRATEGY) استان ضمن تمرکز بر نظریه حکمرانی خوب (GOOD GOVERNANCE) به‌عنوان آخرین نظریه مدیریت دولتی (PUBLIC ADMINSTRATION) به این دو مسئله اساسی و چالشی استان توجه ویژه‌ای شده است:

- چشم‌انداز (VISION) استان: گلستان فرصت رشد ۲۰ میلیارد دلاری و افزایش درآمد سرانه به میزان میانگین کشور
- مأموریت (MISSON) استان: افزایش سطح رفاه عمومی و بهروزی مادی و معنوی شهروندان گلستان
- ارزش‌های بنیادین (CORE VALUES): تعیین ۳۴ ارزش بنیادین ازجمله رقابت‌پذیری، بهره‌وری، وحدت و اتحاد و.....
- اهداف راهبردی (STRATEGIC GOALS): تعیین ۷۹ هدف راهبردی از جمله افزایش رشد اقتصادی، کاهش مصرف آب کشاورزی، افزایش محصولات صنعتی و...

استراتژی اصلی (GRAND STRATEGY) استان: «تجارت جهانی مبتنی بر مزیت‌های رقابتی» یا «تجمّر»

همچنین در سطح عالی (حکمرانی) برای تحقق مقاصد آرمانی استان (چشم‌انداز، مأموریت، ارزش‌های بنیادین، اهداف راهبردی) و به منظور اجرای استراتژی اصلی «تجمّر» سه مسیر اجرای استراتژی به شرح ذیل انتخاب و اقدام شده است:

۱)تعریف چهار مگا پروژه شامل کریدور شمال و جنوب (شرق خزر)، توسعه منطقه آزاد اینچه برون، توسعه یکپارچه سواحل (اقتصاد دریا محور) و ایجاد و توسعه شهر فناوری و هوشمند که موضوعات کلان آن‌ها در دفتر مدیریت استراتژی (OSM) استانداری هدایت، راهبری و نظارت می‌شود.

۲)شناسایی ۲۱ زنجیره ارزش راهبردی (انتخاب صنایع رقابت‌پذیر) بر اساس کدهای آیسیک ٤ رقمی ازجمله غلات، ساختمان، ترانزیت،

سلامت، دامپروری و... که ضمن انجام مطالعات موردنیاز، طرح توسعه آن‌ها)با همکاری دبیرخانه ملی واقع در وزارت کشور(، در دفتر مدیریت استراتژی (OSM) استانداری هدایت، راهبری و نظارت می‌شود.

۳)تدوین ۳۰ سند استراتژیک بخشی به‌عنوان استراتژی‌های سطح میانی استان یا سطح کسب‌وکار (BUSINESS LEVEL) که خوشبختانه در سفر دوم شهید رئیسی در آذرماه ۱۴۰۲ از آن‌ها رونمایی و از ابتدای سال ۱۴۰۳ برای اجرا و تهیه برنامه عملیاتی توسط استاندار به دستگاه‌های متولی ابلاغ شده است.

متن سند چشم‌انداز استان گلستان در لینک https://golestanp.ir?p=۴۸۶۰۸۳ وب سایت استانداری گلستان قابل دانلود و بهره‌برداری می باشد.

(۵) اسناد استراتژیک بخش‌های ۳۰ گانه استان گلستان

همان‌گونه که در گاه‌شمار (TIMELINE) اشاره شد و مطابق نمودار هرم سطوح سه گانه استراتژیک استان (متناظر با شوراهای برنامه‌ریزی و نظام بخش‌بندی سازمان برنامه بودجه کشور) باید ۳۰ سند استراتژیک بخشی تدوین می‌شد، از آنجا که متدولوژی یا روش‌شناسی تجربه‌شده‌ای در اختیار تیم علمی شرکت مشاور و استانداری قرار نداشت، ازاین‌رو در نیمه دوم دولت دوازدهم همزمان با استانداری آقای دکتر حق‌شناس و بر اساس توصیه وزارت جهاد کشاورزی و همکاری سازمان جهاد کشاورزی و معاونت تولیدات دامی استان، تدوین سند استراتژیک بخش دامپروری استان ذیل سند چشم‌انداز استان از شهریور سال ۱۳۹۹ آغاز و پس از ۱۴ ماه جلسات منظم و مستمر با مشارکت نخبگان دانشگاهی، مراکز تحقیقاتی، بخش خصوصی و معاونت بهبود تولیدات دامی سازمان جهاد کشاورزی وقت، ضمن تهیه متدلوژی و روش تحقیق مناسب برای تدوین اسناد استراتژیک بخشی استانی، سند استراتژیک بخش دامپروری استان به‌عنوان اولین سند بخشی استراتژیک استان تهیه و در آبان ۱۴۰۰ منتشر شد؛ تا نمونه اولیه مناسب و آزمایش‌شده‌ای به‌عنوان الگو برای تدو ن اسناد استراتژیک سایر بخش‌های استان گلستان باشد.

با تغییر دولت در سال ۱۴۰۰ و از اسفندماه همان سال به غیر از بخش دامپروری، «برنامه اجرایی و دستورالعمل تدوین ۳۰ سند بخشی» دیگر به شرح جدول شماره ۲ به دستگاه‌های اجرایی

ردیف	عنوان سند استراتژیک بخشی	دستگاه/سازمان/شرکت متولی اصلی
۱	سند استراتژیک بخش دامپروری استان گلستان	سازمان جهاد کشاورزی
۲	سند استراتژیک بخش اقتصاد کلان استان گلستان	اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان
۳	سند استراتژیک بخش مالیه عمومی و بودجه استان گلستان	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان
٤	سند استراتژیک بخش صنعت و معدن استان گلستان	اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان
٥	سند استراتژیک بخش بازرگانی داخلی و خارجی استان گلستان	اداره کل صنعت، معدن و تجارت استان

٦	سند استراتژیک بخش کشاورزی (زراعت و...) استان گلستان	سازمان جهاد کشاورزی استان
٧	سند استراتژیک بخش شیلات استان گلستان	اداره کل شیلات استان
٨	سند استراتژیک بخش منابع طبیعی استان گلستا ن	اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان
٩	سند استراتژیک بخش محیط زیست استان گلستا ن	اداره کل محیط زیست استان
١٠	سند استراتژیک بخش آب استان گلستان	شرکت آب منطقه‌ای گلستان
١١	سند استراتژیک بخش انرژی استان گلستان	شرکت توزیع برق منطقه‌ای گلستان
١٢	سند استراتژیک بخش نفت و گاز استان گلستان	شرکت گاز گلستان
١٣	سند استراتژیک بخش میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری استان
١٤	سند استراتژیک بخش نظام پولی، بانکی و تأمین منابع مالی استان	کمیسیون امور بانک‌ها (در بانک سپه)
١٥	سند استراتژیک بخش بیمه، رفاه و تأمین اجتماعی استان گلستان	اداره کل کار، تعاون و رفاه اجتماعی استان
١٦	سند استراتژیک بخش ورزش و جوانان استان گلستا ن	اداره کل ورزش و جوانان استان
١٧	سند استراتژیک بخش فرهنگ و هنر استان گلستا ن	اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان
١٨	سند استراتژیک بخش ارتباطات و فناوری اطلاعات استان گلستان	اداره کل ارتباطات و فناوری اطلاعات استان
١٩	سند استراتژیک بخش توازن منطقه‌ای و توسعه روستایی استان	اداره کل دفتر امور روستایی و شوراها
٢٠	سند استراتژیک بخش حمل‌ونقل استان گلستا ن	اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده ای استان
٢١	سند استراتژیک بخش عمران، شهرسازی، مسکن استان گلستان	اداره کل راه و شهرسازی استان
٢٢	سند استراتژیک بخش آموزش عالی استان گلستا ن	دانشگاه گلستان
٢٣	سند استراتژیک بخش آموزش عمومی استان گلستا ن	اداره کل آموزش‌وپرورش استان
٢٤	سند استراتژیک بخش امور ایثارگران استان گلستا ن	اداره کل بنیاد شهید و امور ایثارگران استان
٢٥	سند استراتژیک بخش سیاسی، دفاعی و امنیتی استان گلستان	معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری

۲۶	سند استراتژیک بخش سلامت (بهداشت و درمان) استان گلستان	دانشگاه علوم پزشکی گرگان
۲۷	سند استراتژیک بخش بانوان و خانواده استان گلستان	اداره کل دفتر استانداری
۲۸	سند استراتژیک بخش سیاست خارجی، تعاملات منطقه‌ای و بین‌المللی	معاونت سیاسی، امنیتی و اجتماعی استانداری
۲۹	سند استراتژیک بخش نظام اداری و شفافیت و مبارزه با فساد	سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان
۳۰	سند استراتژیک بخش محیط کسب‌وکار، خصوصی‌سازی و مناطق آزاد	معاونت هماهنگی امور اقتصادی استانداری

خوشبختانه در فاصله دو سفر استانی رئیس‌جمهور دولت سیزدهم طی مدت ۲۲ ماه با مشارکت حدود ۶۰۰ نفر از نخبگان دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی (با استفاده از الگوی پایلوت بخش دامپروری) تا پایان آذر ۱۴۰۲ همزمان با سفر دوم رئیس‌جمهور به استان گلستان اسناد استراتژیک بخش‌های ۳۰ گانه تدوین، منتشر و در سفر مذکور از آن‌ها رونمایی گردید. به طورکلی در هریک از اسناد استراتژیک بخش‌های مذکور علاوه بر تعیین مقاصد آرمانی یا ارکان جهت ساز آن‌ها (شامل چشم‌انداز، مأموریت و ارزش‌های کلیدی)، اهداف راهبردی و استراتژی اصلی آن‌ها نیز تعیین گردید و برای هریک از اهداف راهبردی نیز بین ۳ تا ۵ استراتژی بخشی تعیین گردیده است.

متن ۳۰ سند استراتژیک مربوط به بخش‌های استان گلستان به‌صورت مجزا در لینک https://golestanp.ir/?p=۴۸۶۰۸۳ وب‌سایت استانداری گلستان قابل دانلود و بهره‌برداری می‌باشد.

(۶) برنامه عملیاتی اسناد استراتژیک بخش‌های ۳۰ گانه استان

تهیه برنامه عملیاتی با متد جاری‌سازی مناسب به‌عنوان سطح سوم هرم سطوح سه گانه استراتژی استان است. بدین منظور شرکت مشاور و تیم علمی تدوین اسناد استراتژیک استان از سال ۱۴۰۱ مدل‌های متعدد اجرای استراتژی را موردبررسی و آزمایش قرار دادند که درنهایت دو مدل پیاده‌سازی استراتژی مناسب‌تر یعنی مدل BSC (کارت امتیازی متوازن) و مدل OKR (اهداف و نتایج کلیدی) انتخاب گردید. در ابتدا مدل BSC در معاونت امور دام سازمان جهاد کشاورزی استان آزمایش گردید که با توجه به دیوان‌سالاری و هزینه‌های مترتب به این مدل جاری‌سازی، امکان موفقیت در اجرای استراتژی‌ها بسیار پایین بود، ازاین‌رو از تابستان ۱۴۰۲ مدل OKR به‌عنوان مدل چابک و انعطاف‌پذیرتر در بخش سلامت استان مورد آزمایش قرار گرفت که خوشبختانه با توجه به ویژگی‌های خوب آن و تناسب آن با ساختار استانداری و دستگاه‌های اجرایی استان با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین اطلاعاتی همچون BPMS،EPM، و... این مدل مناسب‌تر تشخیص داده شد. چارچوب OKR یک روش هدف‌گذاری و مدیریت عملکرد است که به سازمان‌ها کمک می‌کند تا اهداف بلندمدت خود را به اهداف کوتاه‌مدت و قابل‌اندازه‌گیری تقسیم کنند و پیشرفت خود را به‌صورت مستمر ارزیابی کنند.

پس از انتخاب چارچوب OKR به‌عنوان مناسب‌ترین مدل جاری‌سازی استراتژی‌های بخش‌های ۳۰ گانه استان و تهیه دستورالعمل برنامه عملیاتی، در اسفند ۱۴۰۲ اسناد استراتژیک و دستورالعمل تهیه برنامه عملیاتی آن‌ها در شورای برنامه‌ریزی وتوسعه استان مصوب و توسط استاندار سابق برای اجرا به دستگاه‌های اجرایی متولی بخش‌های ۳۰ گانه ابلاغ گردید.

پس از ابلاغ اسناد مذکور، دفتر مدیریت استراتژی (OSM) استانداری تجهیز و راه‌اندازی

گردید و با آماده‌سازی زیرساخت‌های لازم سخت‌افزاری و نرم‌افزاری همچون سرور، نرم‌افزار OKR، نمایشگرها لازم برای نمایش همزمان داشبوردهای متعدد مدیریتی و برگزاری کارگاه آموزشی و آموزش‌های اولیه نرم‌افزار OKR، آمادگی لازم برای شروع برنامه عملیاتی در بخش‌های ۳۰ گانه ایجاد گردید.

(۷) جمع‌بندی و پیشنهادات

آسیب‌شناسی هفتادسال تمرکزگرایی (CENTRALIZATION) در نظام برنامه‌ریزی کشور به‌ویژه تجربه ناموفق شش برنامه ۵ ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که منجر به عدم تحقق اهداف سند چشم‌انداز کشور نیز شده است، در استان محرومی چون گلستان به‌صورت فقر گسترده با شاخص درآمد سرانه پایین (کمتر از نصف میانگین کشور) و تخریب فزاینده محیط‌زیست، همچون گازانبر استان را در آستانه ورود به بحران‌های سیاسی و اجتماعی متعدد قرار داده است.

ازاین‌رو استانداری گلستان بر اساس پیشنهاده (PROPOSAL) ارائه شده توسط شرکت دانش بنیانِ مشاوره مدیریت «نوین کارآفرین هیرکان» از سال ۱۳۹۶ بر اساس نظریه حکمرانی استانی (ذیل سند چشم‌انداز کشور، سیاست‌های کلی نظام و سایر اسناد بالادستی) با هدف تمرکززدایی (DECENTRALIZATION) از نظام برنامه‌ریزی و مدیریت کشور، بر اساس داشته‌ها، منابع، قابلیت‌ها، فرصت‌های استان با رویکرد حکمرانی خوب (GOOD GOVERNANCE)، بهبود فضای کسب‌وکار، اشتغال‌زایی از طریق مشارکت بخش خصوصی؛ اقدام به تدوین سند چشم‌انداز استان، اسناد استراتژیک بخش‌های ۳۰ گانه و تهیه برنامه عملیاتی نموده است. مطابق تحقیقات و نظریات صاحبنظران مدیریت «تمرکززدایی منتج به بهره‌وری سازمانی می‌شود».

اهمیّت این اقدام در سخنان مقام معظم رهبری، روسای جمهور سابق و نیز در شعارهای انتخاباتی رئیس‌جمهور جناب آقای دکتر پزشکیان و دستورات و توصیه‌های مکرر ایشان مبنی بر ضرورت برخورداری استان‌ها از برنامه‌های منطقه‌ای و محلی در قالب سند چشم‌انداز و اهتمام به برنامه‌ریزی بر اساس داشته‌ها، منابع، قابلیت‌ها و فرصت‌های استانی با مشارکت بخش خصوصی تأکید شده است. این اهمیّت به‌ویژه از سال ۱۳۹۰ به دلایل تشدید تحریم‌های بین‌المللی، کسری بودجه مزمن فزاینده دولت، کاهش نسبت بودجه عمرانی به جاری در بودجه‌های عمومی سنواتی به کمتر از ۱۰ درصد، کاهش نرخ سرمایه‌گذاری ثابت ناخالص به (GDP) کشور به کمتر از ۱۰ درصد دو چندان شده است، بطوریکه پیامد این مسائل منجر به افزایش شدید نرخ ارز، جهش تورم سالانه از ۲۰ به ۴۰ درصد و نهایتاً کوچک شدن اقتصاد کشور نسبت به همسایگان و رقبای بین‌المللی و... شده است تا جایی که به جای پیگیری استراتژی‌های توسعه هم‌اکنون کشور درحال مقابله با ناترازی های متعدد همچون ناترازی آب، انرژی، بانکی و...است.

خوشبختانه تجربه موفق «تدوین سند چشم‌انداز استان گلستان، اسناد استراتژیک بخش‌های ۳۰ گانه و روش جاری‌سازی استراتژی در تهیه برنامه عملیاتی» با رویکرد حکمرانی استانی توسط استاندار سابق رسماً در اختیار نظام حکمرانی کشور به‌ویژه نهاد ریاست جمهوری و وزارت کشور دولت چهاردهم قرار داده شده است.

لازم به ذکراست این مجاهدت علمی که با مشارکت یک تیم خبره از اساتید و دانش‌آموختگان دانشگاه‌های معتبر ملی و استانی همچون تربیت مدرس، تهران، گلستان و...، تحت مدیریت یک «شرکت دانش‌بنیان مشاوره مدیریت» با مشارکت بیش از ۱۰۰۰ نفر از مدیران، کارشناسان و پژوهشگران بدنه اجرایی بخش دولتی و خصوصی استان تهیه شده است، قابل‌تعمیم به سایر استان‌ها نیز می‌باشد، بطوریکه با توجه به روش‌شناسی مناسب و تجارب ارزشمند کسب‌شده، تدوین ا ن بسته حکمرانی، سیاستی، مدیریتی و اجرایی برای هریک از استان‌های دیگر متقاضی به جای ۷ سال، بین ۱۲ تا ۱۸ ماه قابل انجام است.


@HOKMRAH
andishkadeh.mrc.ir